

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم

دوره دوازدهم، شماره دو (پیاپی ۲۹)، تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا مردانی

سر دبیر: دکتر محمدجواد جاوید

مدیر داخلی: دکتر سید محمدرضا موسوی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر علی باقری دولت آبادی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج

دکتر غلامرضا بهروزی لک / استاد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دکتر بهرام بیات / استاد امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

دکتر محمدجواد جاوید / استاد حقوق، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر جعفری / دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه مازندران

دکتر علی دارابی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین هرسیج / استاد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

صفحه آرا و طراحی جلد: مهندس یوسف بهرخ

پست الکترونیک: org.05@basijasatid.ir

نشانی وبگاه: www.spba.ir

فصلنامه علمی «مطالعات قدرت نرم» با صاحب امتیازی سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور براساس آیین نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ در ارزیابی سال ۱۳۹۹ موفق به کسب رتبه «ب» شده است.

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

<https://isc.ac/fa>

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

www.magiran.com

- بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

- پایگاه مجلات تخصصی نور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور
نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، جنب کتابفروشی آستان

قدس رضوی، پلاک ۱۲۴۶

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۷۵۶۰۵

فصلنامه علمی
مطالعات قدرت نرم

دوره دوازدهم، شماره دو (پیاپی ۲۹)، تابستان ۱۴۰۱

- فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم که در حاضر در چهار شماره در سال منتشر می‌شود، رعایت نکات و دستورالعمل زیر برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار بموقع مجله هنگام ارسال مقالات ضروری است:
- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده نگردیده، در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه باشد.
 - مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح بوده و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد.
 - در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در بخش یادداشتها آورد.
 - مقاله باید با آخرین نسخه برنامه Word و با قلم نازنین فونت ۱۲ (برای چکیده لاتین با قلم تایمز ۱۱) فاصله تقریبی میان سطور ۰.۹ حروفچینی و تایپ گردد. حاشیه از بالا ۶.۵، از پایین ۶.۵، از راست ۴ و حاشیه چپ ۴ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت تیترا ۱۲، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت یاقوت ۱۲، چکیده فارسی با فونت نازنین ۱۲، فهرست عناوین متن با فونت نازنین سیاه ۱۲، منابع و مأخذ با فونت نازنین ۱۱ نگاشته شود.
 - تعداد صفحات مقاله نباید از حدود ۱۸ صفحه چاپی به قطع مجله تجاوز کند.
 - مسئولیت محتوای مقالات و ویراستاری با نویسندگان است.

جهت اطلاعات بیشتر به وبسایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.spba.ir/journal/authors.note>

فهرست مطالب

- «اصلاح رفتار سازمانی با تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان؛ از منظر قرآن کریم / طاهره زرنگار، حسین هاشم نژاد، زهرا رضازاده عسگری ۷
- «روند توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی (مولفه قدرت نرم) در جمهوری اسلامی ایران/ یدالله سپهری ۲۹
- «رسانه‌های خبری و جنگ نرم؛ بررسی ساختار سازمان خبری صدا و سیما در مدیریت جنگ نرم / زهرالسادات شاداب، اکبر نصراللهی کاسمانی، محمد رضا رسولی ۴۷
- «تحلیل و نقد عقلانیت ابزاری در سیاست‌گذاری عمومی با تأکید بر عقلانیت اسلامی/ وحید آرای ۷۱
- «قدرت نرم و شاخص توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران و قطر (۲۰۲۰)/ رضا شیرزادی، محمد پورقریان ۹۱
- «مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق با تأکید بر کردهای شیعه/ علیرضا زرگر، علی مولایی ۱۱۵
- «جایگاه و تأثیر کارکردهای نظارتی حزب بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران/ علی حمیدی، حسین آل‌کجاف، حسن الفتی ۱۳۹
- «سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و کاربست قدرت نرم در همگرایی اقوام ایرانی؛ مورد مطالعه شبکه تلویزیونی شما/ محمد کاویانی، علی امیری، مسعود مطلبی، حجت مهکویی ۱۶۳
- «بررسی زیرساخت‌های تحقق قدرت نرم در حکومت دینی / حسین رحمانی تیرکلایی ۱۸۹
- «قدرت نرم در حکمرانی شایسته‌مبته بر اندیشه امام خمینی (ره) با تأکید بر شفافیت/ سعید ذکریاپور سورکوهی، مرتضی علویان، رحمت عباس تبار ۲۰۹
- «قدرت نرم جبهه مقاومت: واکاوی قدرت رسانه‌ای راهپیمایی اربعین/ سید محمد طباطبائی، محمد رضا رسولی، سید وحید عقیلی، نسیم مجیدی قهرودی ۲۳۳
- «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی جهان اسلام؛ نمونه موردی حزب الله لبنان/ کریم عباسی، صمد قائم پناه، حسن شمسینی غیاثوند، دکتر سید اسدالله اطهری ۲۵۹

اصلاح رفتار سازمانی با تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان؛ از منظر قرآن کریم

طاهره زرنگار^۱

حسین هاشم نژاد^۲

زهرا رضازاده عسگری^۳

چکیده

یکی از ابعاد و عرصه‌های پژوهشی قدرت نرم، تحقیق پیرامون این واقعیت از منظر قرآن کریم است. بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآنی، «توبه» در تجلی قدرت نرم الهی، نقش تعیین کننده و قدرتمندی در اصلاح روابط درون سازمانی و مدیریت اسلامی ایفا می‌کند. توبه مبتکی به نوعی بیداری و انقلاب درونی است که ضمن برانگیختن عزم فرد بر ترک خطا (گناه)، سبب تدارک و اصلاح امور از سوی او نیز می‌گردد. حیثیت متقابلی توبه که در کلام الهی بر آن تأکید شده، حاکی از نوعی محبت حاکم بر روابط میان خدا و خلق و نیز روابط فرد و دیگران است. هدف اصلی نوشتار حاضر پاسخگویی به این سؤال مهم است که تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان بنابر آیه شریفه ۳۷ سوره بقره، در ارزیابی توبه به مثابه مکانیسمی قرآنی در جهت اصلاح رفتار سازمانی چگونه است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل تجلی قدرت نرم الهی در آیه ۳۷ سوره بقره پرداخته تا نقش توبه و نسبت آن با سازوکارهای تعلیمی مورد نظر مدیران و کارمندان در جهت اصلاح رفتار سازمانی مبتنی بر خطاپذیری درون سازمانی سنجیده شود. در نتیجه بر اساس یافته‌های پژوهش، چنانچه خطاپذیری بر اساس الگوی توبه‌پذیری در قرآن اجرا گردد، نه تنها روابط میان مدیران ارشد و کارمندان، تنظیم و اصلاح می‌گردد، بلکه این الگو در نهایت به سلامت اداری و سازمانی نیز می‌انجامد.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم الهی، خطاپذیری، رفتار سازمانی، سلامت اداری.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران (نویسنده مسئول)
t.zarnegar@gmail.com

۲. استادیار معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

اصل گرایش مدیریتی به آغاز حیات اجتماعی انسان روی زمین بازمی‌گردد. بشر در نهادهای ابتدایی مانند خانواده، قوم، قبیله، طبقه اجتماعی و غیره، نیازمند سازوکارهای مدیریتی بوده است. به مرور زمان با پیچیده‌تر شدن حیات انسانی و ظهور علوم و صنایع مختلف، این نیاز، صبغه علمی‌تر به خود گرفته و با دانش‌های دیگر از جمله: فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اخلاق، فناوری، سیاست و غیره درآمیخته است. به لحاظ تاریخی، کتاب جمهور افلاطون را به یک معنا نخستین متن مدیریتی می‌توان در نظر گرفت که ضمن طرح شاکله آرمانشهر^۱، معتقد است جامعه، شبیه بدن انسان است که به سه بخش سر، قلب و شکم تقسیم می‌شود و وظیفه‌ی مدیر یا رهبر، ایجاد تعادل میان این سه بخش است. مدیریت به اعتبار کمیت افراد تحت اداره و رهبری مدیر، به پنج دسته تقسیم می‌شود: مدیریت خانه، مدیریت گروه، مدیریت سازمان، مدیریت کشور، مدیریت امت یا جامعه جهانی (اعظمیان بیدگلی، ۱۳۸۸: ۲۲). در اسلام، بحث مدیریت با عنوان کلی رهبری عجین شده است. پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام نخستین رهبران و مدیران جامعه اسلامی به‌شمار می‌روند؛ مبانی این سنخ از مدیریت در کتاب خدا و سنت نبوی ذکر شده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان نخستین رهبر امت اسلامی در مدینه حکومت اسلامی را پایه‌ریزی کرد. در پی گسترش اسلام در زمان خلفای راشدین، تشکیلات نظام اسلامی وسیع‌تر شد و همین امر، سبک و سیاق مدیریتی را گسترده‌تر و متشکل‌تر نمود. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام از مدیریت به مثابه یک سِمَت سیاسی-اجتماعی با عنوان ریاست و خلافت نام برده می‌شد. دستورالعمل مدیریتی ایشان در نهج البلاغه که به یک معنا، دومین منبع نظریه‌پردازی در مورد مدیریت در اسلام، پس از قرآن است، یافت می‌شود (چاووشی، ۱۳۸۸: ۴۳-۵۳). در میان اندیشمندان اسلامی، ابویوسف در کتاب الخراج (در حوزه مالیات‌های اراضی)، غزالی در احیای علوم الدین و نصیحة الملوک (سفارش به پادشاهان)، ابن خلدون در مقدمه‌اش بر تاریخ اثر دانشمندان مسلمان، از جمله افرادی هستند که در پیشبرد اهداف مدیریتی در اسلام سهم داشته‌اند. ابن خلدون به‌طور خاص در مورد مفاهیم سازمان‌های رسمی و غیررسمی سخن می‌گوید و معتقد است آنها به عنوان دستگاه‌های طبیعی، محدودیت‌هایی دارند

که نمی‌توانند فراتر از آن رشد کنند (شفریتز جی. ام، ۱۳۸۱: ۳۸).

مدیریت اسلامی عبارتست از مدیریتی که بر اساس نظریه پردازی و تولید علم از سوی دانشمندان مسلمان که با تکیه بر مبانی اسلامی و مفروضات بنیادی آن با ارزش‌های مختلف، اعم از تعبّدی و تعقلی به منظور ایجاد و بهبود رفتارها، روش‌ها، فنون، ابزار، ساختارها و الگوها برای رفع مسائل و مشکلات و تأمین نیازهای مادی، معنوی و رشد و اعتلای جامعه اسلامی شکل می‌گیرد (نجاری، ۱۳۹۶: ۲۲). از آن‌جا که برطبق آموزه‌های قرآنی، خلقت جهان، بی‌حکمت و عبث نبوده و آفریدگار و صانع عالم، برای اداره جهان، طرح و برنامه داشته است و انسان دارنده‌ی قابلیت‌ها به عنوان خلیفه‌ی خدا بر روی زمین، اگر بر مبنای فطرت اصیل و عقل سلیم خود با برنامه‌ریزی براساس دستورات کتاب و سنت، عمل کند، می‌تواند به کمال برسد و سعادت‌مند گردد؛ پس در مدیریت اسلامی، فرض بر این است که هستی به سمت کمال و تحقّق و تجلّی اسمای الهی سیر می‌کند و آدمی - بزرگ‌ترین بازیگر این نقش - قابل تربیت و ارشاد است. پس سازوکارهای مدیریت باید منجر به شکوفایی استعدادهای فطری و اکتسابی او گردد و این امر تنها با سازماندهی گروه‌های مختلف انسانی و رهبری و مدیریت آنان توسط افرادی از جنس خودشان میسر است (جوانپور هروی، ۱۳۸۷: ۴۸-۳۷). شهید مطهری معتقد است رهبری و مدیریت، خود مستلزم نوعی رشد است؛ رشد، یعنی توان شناخت لیاقت، شایستگی، نگهداری و قدرت بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌های مادی یا معنوی که در اختیار انسان قرار داده می‌شود (مطهری، ۱۳۵۴). مدیریت اسلامی، مدیریتی است که زمینه‌ی رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و روش پیامبر و ائمه علیهم السلام و علوم، فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند (مشبکی، ۱۳۷۱: ۵۸-۳۶).

سیر در طریق کمال و وصول به مرتبه‌ی قرب الهی، مستلزم اصلاحاتی در شخص و مناسبات رفتاری‌اش با خود، دیگران و محیط پیرامون است. از این جهت، در مدیریت اسلامی برای اصلاح رفتار فرد به مثابه عضوی از یک سازمان، مکانیسم‌های مختلفی مطرح شده است. علم (آگاهی و شناخت)، صداقت، صبر و سعه‌ی صدر، هوشمندی، پایداری، نظارت و کنترل، توبه و خطاپذیری، تشویق و تنبیه و غیره از جمله مؤلفه‌هایی است که به طور خاص در مدیریت اسلامی می‌تواند مبنایی برای اصلاح رفتار فرد (در مقام مدیر یا عضو یک سازمان) تلقی گردد.

اسلام برای هر یک از این مؤلفه‌ها، دستورات لازم و جامع را در منابع (کتاب، سنت، اجماع و عقل) آورده است. قدر مسلم، توبه نقطه عطفی در روند اصلاح رفتار سازمانی است چرا که از یک سو مسبوق به علم و آگاهی، سعه‌ی صدر و صداقت شخص است و از سوی دیگر علاوه بر اینکه سبب اصلاح رفتار فرد و هدایت او به سوی کمال می‌شود، موجب ازدیاد محبت و صمیمیت شخص با دیگران نیز می‌گردد و به‌عنوان عاملی مؤثر در ایجاد اتحاد میان اعضای سازمان و وحدت کلمه میان آنها خواهد بود.

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان در آیه‌ی شریفه ۳۷ سوره بقره است و سعی شده که نقش توبه و نسبت آن با سازوکارهای تعلیمی مورد نظر مدیران و کارمندان با هدف اصلاح رفتار سازمانی مبتنی بر خطاپذیری درون سازمانی سنجیده شود.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان بنابر آیه شریفه ۳۷ سوره بقره، در ارزیابی توبه به مثابه مکانیسمی قرآنی در جهت اصلاح رفتار سازمانی چگونه است؟
پرسش دوم: قدرت نرم تلقی کلمات، چگونه مبنایی برای آموزش خطاپذیری مدیریتی می‌شود؟

پرسش سوم: استانداردسازی روابط کارکنان و مدیران با تکیه بر دو مفهوم توبه و تلقی کلمات در قدرت نرم الهی چگونه است؟

پرسش چهارم: شاخصه‌های الگوی اخلاقی رفتار سازمانی در آیه ۳۷ سوره بقره چیست؟
پرسش پنجم: با توجه به آیه مذکور، اصلاح رفتار سازمانی چگونه می‌تواند در تحقق سلامت اداری مؤثر باشد؟

پیشینه

اتخاذ روش بین رشته‌ای از ویژگی‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود. قدرت نرم، مفهوم جدیدی است که در دهه اخیر به‌وجود آمده است. اگرچه تحقیقات متعدّد و مفصّلی در خصوص قدرت نرم، مفهوم توبه در قرآن و نیز اخلاق مدیریتی و سازمانی بطور خاص انجام شده که در برخی

موارد، مبنایی برای این پژوهش است؛ اما پژوهش‌های صورت گرفته با روش بین رشته‌ای در حوزه مطالعات قدرت نرم با عنوان مزبور چندان چشمگیر نیست و به چند مورد اشاره می‌شود: فضایی در مقاله‌ای به تبیین جایگاه و نقش دعا در جنگ نرم با رویکرد معناشناسی واژه «دعا» در قرآن کریم پرداخته است (۱۳۹۹). عبدالحی عابد، جنگ نرم در آیات قرآن را بررسی می‌کند (۱۳۹۲). جعفری پناه و پوراحمدی، قدرت نرم از دیدگاه اسلام را تبیین می‌کنند (۱۳۹۲) و شبدینی، نمادهای جنگ نرم در قرآن را بیان می‌نماید (۱۳۸۹). اما تبیین تجلی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان در آیه ۳۷ سوره بقره می‌تواند از امتیازات این نوشتار قلمداد گردد. امتیاز دیگر مقاله، تبیین رفتار سازمانی در پرتویک آیه از قرآن است که در آن یک مفهوم اخلاقی (توبه) به مثابه مبنایی برای اصلاح رفتار و هدایت انسان ذکر شده است. شاخصه‌یابی، استانداردسازی رفتار اخلاقی، مدل سازی از ابعاد دیگر این مطالعه بشمار می‌روند.

روش و رهیافت نظری پژوهش

روش این تحقیق، اسنادی است. در روش اسنادی که روش کیفی است، محقق می‌کوشد با استفاده‌ی نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش بپردازد. استفاده از اصطلاح روش کتابخانه‌ای به جای روش اسنادی، کاملاً تقلیل‌گرایانه است. زیرا هم می‌توان از اسناد غیر کتابخانه‌ای بهره برد و هم این‌که تکنیک‌های متنوع و متعددی در روش اسنادی به کار گرفته می‌شود که بسیار روش‌مندتر از خواندن چند متن قابل دسترسی در کتابخانه است و پژوهشگر می‌تواند از نظم توصیف فراتر رفته و به تفسیر و تحلیل پدیده یا موضوع نائل آید (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۷۱-۶۳). لذا پژوهش حاضر از سنخ پژوهش‌های کیفی با روش تحلیلی در محتوا است^۱ و سعی

۱. تحلیل محتوای روشی است برای شناخت و مشخص کردن محورهای اصلی متن یا متون مختلف؛ اعم از سخنرانی، نامه، نوار، تصویر و پرسش‌های پرسشنامه (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). به یک معنا، تحلیل محتوا در واقع تحلیل داده‌های موجود است که دست کم دو هدف را دنبال می‌کند؛ نخست: استنباط، استنتاج و شناخت نسبی وضعیت تولید موضوع به کمک شاخص‌ها؛ دوم: سنجش میزان تأثیرگذاری متن یا کلام بر مخاطب. از این جهت تحلیل‌گر با کمک سازوکارهای نشانه‌شناسانه بار ارزشی مفاهیم موجود در متن کلام را استخراج و احصا می‌کند و با بیانی خاص به مخاطب انتقال می‌دهد و مخاطب به‌طور ناخودآگاه تحت تأثیر این پیام قرار می‌گیرد و بالتبع میان این پیام‌ها ارزش‌دآوری کرده و در برخی موارد به مقایسه می‌پردازد (باردن، ۱۳۷۴: ۳۹؛ رفیع پور، ۱۳۸۸: ۱۱۲). اصل این روش

می شود تا با تبیین جلوه‌گرشدن قدرت نرم الهی و مفهوم «کلمه» در بافت معناشناختی قرآن (آیه ۳۷ بقره) و نسبت ویژه‌ی آن با سازوکار تعلیم، آموزش و توبه در برابر قدرت نرم شیطان این نتیجه حاصل شود که رابطه مدیران و کارمندان را می توان بر مبنای خطاپذیری درون سازمانی با توجه به رهیافت توبه‌پذیری قرآن اصلاح نمود و به استانداردسازی رفتار اخلاقی رسید.

قرآن کریم، به صراحت، الله را به مثابه شاخص توحید «کلمه» می‌شناساند. ابعاد مختلف «کلمه» در اسمای حسنای الهی که مظهري از حقایق هستی و تجلی ذات باری تعالی هستند، ظهور و بروز یافته‌اند. حضرت آدم علیه‌السلام در مقام خلیفه الله، اصلی‌ترین مخاطب کلام وحی است که کلمات به وی القا و اسماء به او تعلیم داده می‌شود و از خدا آمده و به سوی خدا باز می‌گردد. این تعلیم که یکجا به تلقی کلمات تعبیر شده و در جای دیگر به تعلیم اسماء، فی نفسه بیانگر جایگاه رفیع آدم علیه‌السلام به مثابه اشرف مخلوقات است. انسان، موجودی تک بعدی و مادی صرف نیست، بلکه وجهی معنوی و روحانی دارد که بسی مهم‌تر است و هدف از آفرینش او، استکمال همین بعد معنوی است. این استکمال از طریق تعلیم مقدس تحقق می‌یابد: تعلیم حقایق عالم. پاسداری از این جایگاه، نخستین وظیفه‌ی انسان در عالم است. مکانیسم‌های گوناگونی در قرآن و روایات برای صیانت از این جایگاه مطرح شده است که مجال پرداختن به آن نیست. یقیناً در مسیر کمال معنوی انسان، خطاهایی ممکن است بروز پیدا کند. انسان حَسَبِ نواقص ذات خود، امکانِ خطا، اشتباه و گمراهی دارد. از این رو، خداوند متعال، راه تدارک و جبران را با «توبه» بازگذاشته است. توبه مسبوق به آگاهی است؛ آگاهی از نواقص ذاتی آدمی و آگاهی از عفو و بخشش الهی. مکانیسمی راهبردی و نوعی انقلاب درونی و بازگشت به خویش است؛ نوعی اقدام اصلاحی در راستای حرکت به سوی نوعی استاندارد در زندگی فردی، اجتماعی، سازمانی و معنوی. این مفهوم در سطوح اجتماعی، بشری و سازمانی می‌تواند نوعی اقدام اصلاح‌گرایانه به‌شمار آید. از منظر الهیاتی، توبه چهار رکن مهم دارد که عبارتند از: ترک معصیت، اظهار ندامت، عزم بر ترک معصیت، جبران مافات و استغفار. قرآن کریم در آیات متعددی به توبه و استغفار اشاره نموده است؛ نظیر: آیات ۶۰ سوره مریم؛ ۵۳ سوره زمر، ۲۵ سوره اسراء، ۵۵ سوره کهف. در آیه ۳۷ سوره بقره (فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: پس آدم از جانب خدای خود کلماتی را دریافت کرد که موجب پذیرفتن توبه او گردید، زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است)، بحث اصلی آیه، دریافت کلماتی از جانب خداوند توسط آدم علیه‌السلام، برای جبران خسارت ناشی از لغزش در پی اِزالال شیطان و هبوط به زمین است.

قرآن، الگویی جامع برای اداره جامعه در تمامی زمینه‌ها با تجلّی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان ارائه می‌دهد. در قدرت نرم، مخاطب نه از روی اکراه، بلکه با رضایتمندی به خواسته‌ی قدرتمند تن می‌دهد (برزویی، ۱۳۸۶: ۲/۲۹۴). بنابراین فرض، در جامعه اسلامی، یک مدیریت سازمانی موفق و کارآمد، باید منطبق با آموزه‌های قرآنی باشد. براین اساس، تحقق مدیریت اسلامی، امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین، توبه و خطاپذیری درون سازمانی به مثابه اقدامی اصلاحی در هر یک از اقسام مدیریت، معنا و کارکرد و سازوکار خاص خود را دارد. از این‌رو، مدیران در انجام وظایف خود نظیر تصمیم‌گیری، ارزشیابی، نظارت، تشویق و تنبیه، بدون وجود یک نظام اخلاقی در سازمان نمی‌توانند با قاطعیت عمل کنند. امانتداری، مسئولیت‌پذیری، خدمتگزاری، انضباط کاری، مهرورزی، خطاپذیری، بردباری، و دادورزی از جمله اصول اخلاق سازمانی به‌شمار می‌روند (غلامی، ۱۳۸۸: ۷۶) تا نتیجه‌اش دستیابی به رشد و کمال اعضای سازمان و در نهایت، سلامت اداری و سازمانی باشد.

اصلاح رفتار سازمانی در مبانی قدرت نرم الهی

برای دریافت قدرت نرم الهی در آیه مورد بحث، چند مفهوم قابل بررسی است: کلمات، تعلیم، تلقّی. کلمه در لغت به معنای لفظ، سخن و گفتار است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۳۸۹) و در اصطلاح، حقیقتی است که در قلب جای می‌گیرد، در عمل ظهور می‌کند و در محاوره‌ها بیان می‌گردد که به آن حرف و قول نیز می‌گویند. از این‌رو قول، حرف و کلمه، معارف قلبی هستند که در عمل ظاهر و بر زبان جاری می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴/۵۰۶). کلمات در این آیه، در واقع همان اسماء الهی است که به آدم تعلیم داده شد و این کلمات علاوه بر اینکه ناظر به الفاظ معانی است، بر حقایق وجودی عالم نیز دلالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳/۴۳۰). آدم علیه‌السلام در عرش اعلی، اسمای پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) علیهم‌السلام را دید، با آنها به خدا متوسّل شد و خداوند توبه او را پذیرفت؛ در واقع آیات تلقّی شده، همان آیات

وجودی اهل بیت علیهم السلام هستند (قریشی، ۱۳۵۴: ۵/۱۴۴). تلقی کلمات فی نفسه، انواع یا مراتبی دارد: تلقی، گاهی به معنای گرفتن کلام دیگری با درک مضمون آن است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱/۱۷۴) و گاهی به معنای استقبال از کلمات به مثابه عمل و طاعت است. در آیه ۳۷ بقره، به این معناست که حضرت آدم علیه السلام کلمات مزبور را گرفت؛ پس فیض ربوبی به ملاقات او شتافت و او نیز فیض را تلقی کرد و با جان و دل پروردگار را از طریق آن کلمات خواند و خداوند توبه‌اش را پذیرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳/۴۲۵).

توبه به عنوان یک مفهوم الهیاتی-اخلاقی مقوله‌ای بسیار حائز اهمیت و تعیین کننده در ارتباط خالق و مخلوق است که دو جهت دارد: از سویی بیانگر نقص انسان است؛ در افتادن به خطا و گمراهی. از سوی دیگر، بیانگر کمال است؛ زیرا متکی به آگاهی است و شخص تائب نه تنها عزم بر جبران گذشته دارد، بلکه پاسخ‌تر و بی نقص‌تر در مسیر کمال گام برمی‌دارد. باید گفت، مفاهیم مختلف در یک شبکه معنایی با یکدیگر پیوند می‌یابند. از دیدگاه جوزف نای، قدرت نرم، توانایی یک کشور به واداشتن دیگران به انجام دادن خواسته‌های آن، بدون توسل به فشارهای اجبارآمیز نظامی یا اقتصادی با پیشکش کردن مشوق‌های مادی است. بنظر وی، قدرت نرم در یک کشور بر سه منبع تکیه دارد: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و خارجی (Nye, 2004: 11). جنگ نرم، شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۷). به نظر می‌رسد بین قدرت نرم و جنگ نرم، عموم و خصوص مطلق جاری است، به گونه‌ای که هر قدرت نرمی لزوماً به جنگ نرم و یا سخت منتهی نمی‌شود و چه بسا در حالت بازدارندگی خود باقی بماند (عبداللهی عابد، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

بنابر تعاریف مختلف درباره مدیریت که براساس ساخت و بافت ذهنی و بنیان‌های اندیشه‌ای افراد از مدیریت است، برخی آن را فرایند تأمین و هماهنگی منابع انسانی و مادی با تولید کالا و ارائه خدمات مورد نیاز جامعه می‌دانند، عده‌ای فراگرد برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، هدایت و کنترل برای استفاده از منابع در جهت رسیدن به اهداف سازمانی معنا کرده‌اند (آقامحمدی، ۱۳۹۶: ۴۱-۶۲) و گروهی پیش‌بینی فعالیت‌ها برای نیل به اهداف سازمانی در آینده. بعضی توانایی شخص در رسیدن به یک هدف مشخص به وسیله افراد دیگر معنا می‌کنند و براساس تعریف جامع‌تر دهه‌های اخیر: هنر کشف استعدادها و فرایند تجهیز و تنظیم و هدایت

نیروها در جهت اهداف سازمانی (اسلامی، ۱۳۶۶: ۴). نفوذ سازمانی، کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان تولید می‌کند و اصطلاحاً عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیر مستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود (Carter, 1999: 168). نفوذ، شکلی از قدرت و در عین حال متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله است (Ranlet, 2000: 427). به منظور اصلاح رفتار سازمانی باید گفت: مدیریت قدرت نرم به مدیریتی گفته می‌شود که بازیگران سازمان با استفاده از ابزارهای نرم، جهت مدیریتی تصاویر ذهنی، افکار عمومی و جهت‌گیری قضاوتی سایر بازیگران سازمان و غیر سازمان در دو سطح داخلی و خارجی به انجام می‌رسانند (عباسی خوشکار، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

یافته‌های تحقیق

آموزه‌های قرآنی صرفاً جنبه نظری و توصیفی ندارد و چنانچه بدرستی تفسیر و تبیین شوند، کاربردهای عینی و راه‌گشایی در زندگی اجتماعی و سازمانی خواهند داشت و در بسیاری از زمینه‌ها حیثیتی تجویزی و دستوری دارند. به طور خاص در تحقیق حاضر، مفاهیم «توبه» و «تلقی کلمه» در قرآن، همسو با خطاپذیری، سعه صدر، تعهد سازمانی، نقشی تعیین کننده در گنجاندن اخلاق الهی در مناسبات انسانی و سازمانی و همسو کردن رفتار سازمانی با مؤلفه‌های اخلاقی قرآن دارد. تحقق این دو فرایند در نهایت منجر به تقویت ارتباط میان انسان‌ها با مبدأ وحی از یک سو و افزایش اتحاد میان اعضای یک سازمان اسلامی از سوی دیگر می‌گردد.

تلقی کلمات در کنار مفهوم توبه در بافت کلام وحی، می‌تواند مبنایی برای ارائه الگویی برای بحث خطاپذیری درون سازمانی باشد. در قرآن، تلقی به معنای تعلیم و کلمه به معنای حقیقت یک چیز مطرح است. براین اساس، تعلیم حقیقت، نوعی آموزش خاص است و سازوکار خاصی را اقتضا می‌کند. شرایط تعلیم، شیوه‌ی تعلیم، ظرفیت و قابلیت متعلم، هدف و نتیجه تعلیم همزمان، نسبت خالق و مخلوق را نشان می‌دهد که نسبت خاصی است، و زمینه را برای فرایند توبه مهیا می‌کند، فرایندی که نشان از آگاهی و تعهد نسبت به یک رابطه دو سویه دارد.

توبه (خطاپذیری) به معنای اقرار به خطا از سوی خاطی و پذیرش خطا از سوی مافوق، می‌تواند به عنوان اقدامی اصلاح‌گرانه در نظام مدیریت سازمانی باشد، و تأثیر بسزایی در تقویت روابط افراد و نیز مناسبات درون سازمانی دارد. این اثربخشی، منوط به تعمیق ایمان، باورهای

دینی و ارتقای سطح آموزش و آگاهی طرفین است که در نهایت منجر به ایجاد حسّ محبت و همدلی میان اعضای سازمان می‌گردد. آموزش، سطح آگاهی فردی و سازمانی را توأمان بالا می‌برد و شرط اثربخشی آن، آموزش توأمان آموزش‌های حرفه‌ای و سازمانی با آموزش‌های اخلاقی و اعتقادی است تا تعهد لازم، تأمین و وجدان کاری تقویت گردد. یادگیری، فرایند مستمرّ فکری و عملی است؛ ویژگی‌های آن عبارتند از: تفکر درباره نتایج، پرسشگری، پیگیری بازخورد، اشتراک اطلاعات، درخواست کمک، بحث درباره خطاها و نتایج غیرمنتظره. به کمک این فعالیت‌ها، افراد می‌توانند به کسب اشتراک و ترکیب دانش پرداخته و عملکرد فردی، گروهی و سازمانی را تسهیل کنند (رحیم نیا، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۰۲). یافته‌ی دیگر تحقیق، ناظر به سه شاخصه مهم توحید، تعلیم و شناخت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی است؛ تبیین این سه شاخصه همزمان سبب می‌شود اشخاص با ایمان به مبداء واحد به مثابه نقطه آغاز رفتار اصلاحی، به فهم درست تعالیم اخلاق الهی اهتمام ورزند و نظر به قابلیت‌هایی که به مثابه فرد انسانی حسب فطرت الهی دارا هستند، به مسئولیت اخلاقی خود در برابر دیگران و تعهد اخلاقی-سازمانی خود در قبال اعضای سازمان واقف گردند. در نهایت سبب افزایش سطح همکاری میان اعضای سازمان و بالمآل، ارتقای سلامت اداری خواهد شد.

قدرت نرم تلقی کلمات، مبنایی برای آموزش خطاپذیری مدیریتی

علم، معرفت و آگاهی، پیش فرض و پیش شرط ایمان است. علم، فی نفسه بر آموزش و تعلیم استوار است. این تعلیم از حیث ایمانی، تعلیم و حیانی و معنوی است که عموماً ناظر به اخلاقیات است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فلسفه‌ی بعثت خود را اتمام مکارم اخلاقی می‌داند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». در زمینه ارتباط میان کارمندان و مدیران جامعه اسلامی از جنبه‌ی آموزشی، چند نکته حائز اهمیت است. نخست، با توجه به آیه ۳۷ بقره، «تَلَقَّى كَلِمَاتٍ» به معنای آموزش و فهماندن حقایق به آدم علیه السلام، مستلزم وجود قابلیت‌ها و ظرفیت پذیرش واقعیات در اوست. در منابع تفسیری، در خصوص این آیه و به طور خاص در بیان القای کلمات، معنای کلمه، متناظر با اسمای الهی و به طریق اولی حقیقت اشیاء و پدیده‌های هستی آمده است. این القا، غالباً جنبه تعلیمی دارد. «کلمه» ناظر به حقیقتی است که در قلب جای می‌گیرد و در عمل ظهور و بروز می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۰۶/۱۴).

سازمانی که بر مبنای اصول اسلامی تشکیل می‌شود، در حقیقت، سیستمی است برای دستیابی فرد و اجتماع به پیشرفت معنوی و اخلاقی از طریق تولید کالا و خدمات به منظور نیل به رشد و عبادت خداوند. ملاحظات اقتصادی به وسیله معیارهای اخلاقی که در قرآن کریم و سنت تعیین شده هدایت می‌شوند و این امر سبب رشد معنوی فرد می‌گردد. بنابراین، آموزش اخلاقیات قرآنی و اسلامی زیربنای رسیدن به رشد و کمال اعضای سازمان است (البرای، ۱۳۷۱: ۹۴-۷۸). دوم، روش تعلیم یا محتوای آموزشی است. سوم، پیامدهای این آموزش است، یعنی تبعات انضباطی و اخلاقی‌ای که در پی این آموزش اتفاق می‌افتد و همان اصلاح رفتار سازمانی است. مهم‌ترین تجلّی آن در این مقال، توبه یا خطاپذیری است که خود در بستری از سعه صدر و تساهل متجلی می‌شود. در ارزیابی سازمان‌های اسلامی چند شرط وجود دارد: (۱) مدیران سازمان‌ها باید از اسماء الهی آگاه باشند بویژه اسمائی که به عدالت و آگاهی مربوط می‌شود. (۲) رهبرانی که با محیط اجتماعی و سازمانی آشنایی دارند باید به اسلام وفادار باشند. (۳) رهبران و مدیران باید علاوه بر حفظ منافع مردم در تعیین اهداف متعالی سازمان رهنمون و از اصول اسلامی مربوط به رشته خود آگاه باشند. (۴) اهداف سازمان باید مبتنی بر کتاب و سنت باشد. (۵) حاصل کار باید شامل عفو و بخشش در مورد اعطای جایزه و یا اعمال تنبیه باشد. در روابط میان مدیران و کارمندان باید به عفو و بخشش توجه شود. چرا که فی نفسه در ارتقای سطح سلامت سازمانی و اداری مؤثر است (همان). در اسلام، انسان وقتی به لحاظ وجودی و وجدانی، خداوند را ناظر بر اعمال خود بداند، مکانیسم خویش‌داری به وی امکان می‌دهد در راستای تأمین سلامت اداری و افزایش سطح کیفی سازمان مربوطه گام بردارد. برخلاف مدیریت غربی که نظارت فرد بر خویش‌داری و ناظر دانستن خداوند بر اعمال و رفتار، امری بعید و بیگانه است (فایضی، ۱۳۷۵: ۳۳۷).

استانداردسازی روابط کارکنان و مدیران با تکیه بر دو مفهوم توبه و تلقّی کلمات در قدرت نرم الهی

یکی از ابعاد استانداردسازی روابط کارکنان و مدیران اعمال نظارت و کنترل است. اولین گام در تحقق این امر، تعیین شاخص‌ها و معیارهاست. گام بعدی، جمع‌آوری اطلاعات و سنجش آنها با این معیارها و در نهایت، تدوین اقدامات اصلاحی است. توبه از نخستین اقدامات اصلاحی

است. خداوند متعال، همواره در توبه را باز گذاشته است و از انسان خواسته تا دیر نشده در تدارک اعمال گذشته خود برآید (نساء/۱۹؛ منافقون/۱۰). در انجام توبه، تعجیل ضرورت دارد؛ زیرا اگر درخت گناه و معاصی در مزرعه و کشتزار دل انسان برومند گردد و ریشه‌اش محکم شود، نتایجی بس ناهنجار، از جمله، دوری و منصرف شدن از توبه خواهد داشت (خمینی، ۱۳۶۸: ۲۳۲). تقویت وجدان از راه آموزش، و اجرای مکانیسم تشویق و تنبیه در سازمان، فرایند نظارت و کنترل را تسهیل کرده و در نهایت به اصلاح و تعدیل رفتار میان مدیران و کارکنان در سازمان می‌انجامد (گیوریان، ۱۳۷۹: ۱۰۶-۷۷).

بعد دیگر استانداردسازی، دستیابی به نوعی بینش سازمانی مبتنی بر منافع و مصالح مشترک است که منجر به پیشبرد اهداف سازمان می‌گردد. جسارت پذیرش خطا، عزم بر تدارک آن و سعی بر عدم تکرار خطا سبب ایجاد تعادل در روابط درون سازمانی شده و نوعی حس اعتماد را میان مدیران و کارمندان ایجاد می‌کند. حضرت آدم علیه السلام در سایه فهم یا تلقی حقایق عالم به نوعی ژرف اندیشی برآمد و توبه کرد و توبه‌اش سبب افزایش پیوند میان او و خداوند گردید، این اعتماد میان مدیران و کارمندان نیز سبب افزایش محبت میان اعضای سازمان می‌گردد و در ارتقای سطح همدلی و همفکری تأثیرگذار خواهد بود.

بعد سوم استانداردسازی، به وظیفه‌ی مدیر نسبت به اعضای زیردست خود بازمی‌گردد. قرآن به صراحت در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید که ما بنی آدم را تکریم کردیم و در خشکی و دریا ایشان را به فعالیت واداشتیم و روزی دادیم. ازاین‌رو، اساسی‌ترین وظیفه مدیریت در اسلام، حفظ این کرامت از طریق توجه به دو بعد مادی و معنوی انسان است. انسان‌ها به مثابه مخلوقات الهی در دریافت کمال الهی یکسان‌اند و بالتبع، در برخورداری از حیات معقول بین مدیر و بقیه اعضا و کارمندان تفاوتی نیست. بنابراین، در حوزه مدیریت اسلامی، توجه به کرامت انسانی یک وظیفه است؛ وظیفه‌ای که می‌تواند ضامن سلامت سازمانی و سعادت دنیوی و اخروی تمامی اعضا شود. یکی از وجوه مهم این تکریم از حیث خطاپذیری، عدم ملامت و سرزنش فرد به هنگام پذیرش خطا یا توبه‌ی اوست. خداوند متعال در آیه ۳۷ سوره بقره، خود را تواب رحیم می‌نامد، بنابراین، لازمه خطاپذیری، مهربانی و محبت در حق شخص خاطی است که فی‌نفسه سبب ازدیاد محبت می‌گردد. در همین راستا، امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عهدنامه‌ی مالک اشتر می‌فرماید: ای مالک! رحمت بر رعیت و محبت و لطف بر آنان را بر قلبت قابل دریافت بساز و

هرگز درنده خون آشام برای آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا افراد رعیت از دو حال خالی نیستند، یا برادر دینی تواند، یا هم نوع تو در آفرینش (نهج البلاغه/ نامه ۵۳: جعفری، ۱۳۷۲: ۱۳-۳).

شاخصه‌های الگوی اخلاقی رفتار سازمانی در آیه ۳۷ بقره

شاخص اول توحید (وحدت «کلمه») است. خداوند متعال محور تمامی ارزش‌ها، تلاش‌ها و رفتارهای جامعه اسلامی است. مایکل هدسون معتقد است که اسلام تنها دینی است که محوریت آن در ذات الهی خلاصه شده است. توحید، بر تمامی مظاهر حیاتی، اجتماعی و تمدن مسلمانان پرتوافکنده و بر آنان تسلط دارد. براین اساس، مدیریت در اسلام به خاطر خداوند و به نیابت از او انجام می‌شود و بنابراین، مدیریت و یا اداره امور، خود امانت، امتحان و فرصت است و نوعی از انواع عبادت به شمار می‌رود (مختاری، ۱۳۷۲: ۲۳۰-۲۱۳). اساس کار در یک سازمان اسلامی، آن است که منشاء همه چیز ذات احدیت است. همه کائنات به ذکر و عبادت این نیروی لایزال مشغولند (اسراء/۴۴). سازمان اسلامی سیستمی است برای دستیابی فرد و اجتماع به پیشرفت معنوی و اخلاقی از طریق تولید کالا و خدمات، به منظور نیل به رشد و عبادت خداوند. در اینجا نقش رهبری سازمان پررنگ است. زیرا موفقیت سازمان متکی به موفقیت رهبری آن است. او باید مطابق با دستورات الهی و کسانی که در قرآن اولوا الالباب خوانده شده‌اند رفتار کند^۱ (البرابی، ۱۳۷۱: ۹۴-۷۸).

شاخص دوم آموزش و تعلیم است که از مؤکدات قرآن و دست کم ناظر به دو گونه است: یکی علم الهی یا لدن، که علم به اسماء و صفات الهی و پی بردن به قدرت مطلق او و فلسفه آفرینش است. این علم یا دانایی در گفتمان دینی بیش از آنکه وجه دانشی داشته باشد، صورت بینشی دارد و در کنار تزکیه آمده است: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲) و از مصادیق آن، توبه به مثابه مکانیسمی اصلاح‌گرانه است. دیگری، علم به معنای عام کلمه است که شامل همه اقسام علم مفید می‌شود و آیه ۱۶۴ بقره به علم به معنای عام در شاخه‌های مختلف اشاره دارد و تفکر و تأمل در پدیده‌های هستی می‌تواند منشاء علوم بسیای از جمله نجوم، زیست

۱. نک: نساء/ آیه ۵۹ و مائده/ ۱۴.

شناسی، زمین شناسی، تاریخ، جغرافی و غیره باشد که موجب پیشبرد اهداف سازمانی و در نهایت، تضمین و تأمین پویایی، ثبات، سودآوری و ارتقای سطح مناسبات آن می‌شود. البته علمی که در آیه ۳۷ سوره بقره در قالب کلمات به حضرت آدم علیه السلام القا می‌شود از جنس تفهیم و تعلیم ذاتی است؛ نه تدریس ظاهری.

شاخص سوّم توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های افراد (کارمندان) است. القای کلمات به آدم علیه السلام، مسبوق به پذیرفتن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درک و فهم کلمات است. او خلیفه خدا بر روی زمین است (بقره/۳۰) و به وی امانتی داده شده که آسمان‌ها و زمین از پذیرش آن سرباز زدند (احزاب/۷۲). مراد از امانت، هر چه باشد، از قابلیت‌های زایدالوصف انسان در پذیرش، استقامت، هضم، درک و دریافت کلام وحی و سخن حق حکایت دارد. براین اساس، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مختلف و متفاوت افراد در هر سازمان، نخستین پیش فرض تدوین نوع مسئولیت‌ها و وظایف سازمانی و اداری اعضای آن است.

اصلاح رفتار سازمانی مبنایی برای تحقق سلامت اداری و سازمانی

متخصّصان اخلاق، حیات اخلاقی در سطح فردی را به عواملی مانند: باور و ایمان درونی به خدا، پرورش و تقویت عواطف اخلاقی، نمود و ظهور اراده‌ی آگاهانه‌ی اخلاقی، عمل به تکلیف و وظیفه بدون توجه به نتایج آن، داشتن تعصّب اخلاقی، احساس تعهد و مسئولیت و پیروی فرد از ضوابط اخلاقی، وابسته دانسته‌اند (سالیوان، ۱۳۸۰: ۱۸۵؛ هابرماس، ۱۳۸۰: ۵۶-۵۲).

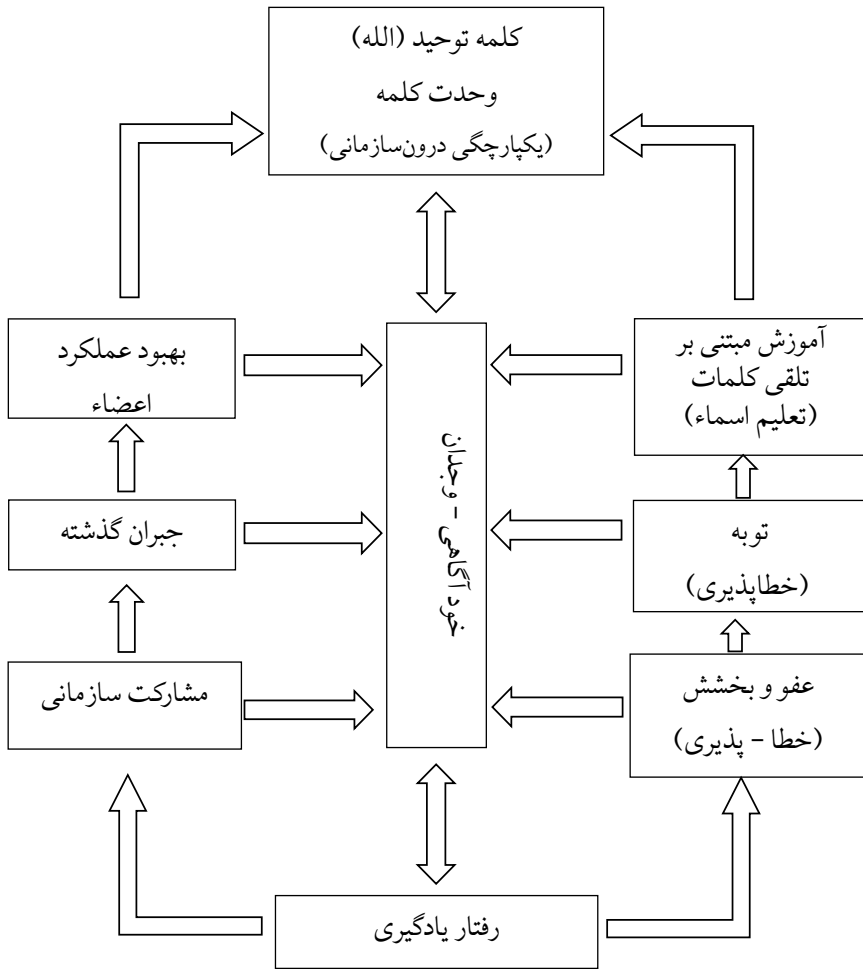
تحقق سلامت سازمانی، مستلزم ایجاد یک فرهنگ سازمانی است و این امر فی نفسه منوط به اصلاح فرهنگ سازمانی است. برخی از رفتارهایی که در زندگی روزمره‌ی شخص می‌تواند گره‌گشا باشد، برای اصلاح فرهنگ سازمانی هم باید مورد توجه قرار گیرد؛ نظیر: همکاری فعال، شور و اشتیاق، استقبال از تغییر، عمل به وعده‌ها، احترام، حمایت از دیگران، صریح حرف زدن و خوب گوش دادن. فرهنگ سازمانی، متکی به یک منشور اخلاق اداری است که شامل مجموعه‌ی ارزش‌هایی است که برای سازمان دارای اولویت بیشتری بوده و باید از سوی کارکنان و مدیران پیروی شوند؛ ارزش‌هایی چون صداقت، درستی، عمل به وعده، احترام، وفاداری، استقلال، حفظ اسرار، متانت، ادب، مدارا، مهربانی، انصاف، بخشش، دلسوزی، ملاحظه‌ی دیگران، بی‌طرفی، پایبندی به قانون و غیره. منشور اخلاقی بیانیه‌ای است حاوی خط و مشی‌ها،

اصول و مقررات که رفتارها را هدایت می‌کند (الوانی، ۱۳۸۶: ۷۰-۴۳). مدیر موفق، علاوه بر توجه به سازوکارهای سازمانی و سود و زیان سازمان به مثابه تشکیلات، باید به ارزش‌های انسانی-الهی نیز التفات نماید. نوع روابط انسانی در مدیریت، تابع نوع نگرش به انسان است. در مکتب اسلام رشد و تعالی توأمان مادی و معنوی مدّ نظر است و اخلاق مدیر تحت سه عنوان مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- اخلاق فردی مدیر؛ شامل: حسن خلق، امانت‌داری، کظم غیظ، عشق به کار، صبر، ... ۲- اخلاق اجتماعی؛ نظیر: پرهیز از استبداد، ساده‌زیستی و عدم رفاه طلبی، مبارزه با فرهنگ تملّق، مدارا و قاطعیّت، مشورت، ... ۳- اخلاق دینی؛ مانند: ایثار، تقوا، ایمان به خدا، اخلاص، ... که این صفات و ویژگی‌ها نه تنها در عملکرد مدیر بسیار مؤثر است، بلکه موجب نهادینه شدن اخلاق اسلامی در میان افراد سازمان می‌شود و این افراد که خود قسمتی از جامعه را تشکیل می‌دهند، عامل ترویج معیارهای اخلاقی در جامعه می‌شوند. قابل توجه است که سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، مدل خود را به عنوان یک طرح یا استراتژی نظام‌گرای ملی اخلاقیات در یک سوم کشورهای عضو به اجرا درآورده است و کشورهای مزبور برای تضمین رفتار اخلاقی و درونی کردن اخلاقیات به این اقدام‌ها مبادرت ورزیده‌اند:

ضمن تدوین دورنما و استراتژی‌های اخلاقی، تعریف اصول و ارزش‌های اصلی اخلاقی، تدوین منشور اخلاقی، قوانین (استانداردهای) رفتاری و تعیین کلیه جزئیات و مصادیق خوب و بد در اخلاقیات هر شغل و حرفه، بهادادن و تقویت «پلیس اخلاق»، میز پاسخگو، صدای اخلاق، ایجاد کمیته‌ها یا واحد تشکیلاتی مشخص که مأموریت آن برنامه‌ریزی، مبارزه با مسائل اخلاقی باشد، توجه به آموزش اخلاقیات (نیازسنجی، برنامه‌ریزی، برگزاری کلاس‌های آموزشی)، استفاده از تبلیغات (با کمک ابزارهای گوناگونی مانند: برگزاری کنفرانس‌ها، نشست‌ها، کلاس‌های درون یا بیرون سازمانی، تهیه جزوات، بروشورها، نوارها، دی.وی.دی (DVD)، قراردادن نوشته‌هایی در اینترنت و اینترانت، ارسال نامه‌های الکترونیکی، سمبل‌سازی)، پرورش شخصیت مدیران به عنوان الگوهای اخلاقی سازمان، فرهنگ‌سازی و ایجاد جوّ و محیط اخلاقی نموده‌اند (فقیهی و رضایی منش، ۱۳۹۵: ۴۵)

باید گفت خط‌پذیری، رابطه‌ای دو طرفه است. از سویی ندامت و اظهار پشیمانی از خطا در همکاران و زیردستان، و از دیگر سو، رأفت و رحمت مدیران و رؤسا نسبت به آنان می‌تواند مبنایی مطمئن برای اجرای کنترل و نظارت سازمانی باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام در

عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: پس، از سپاهیان کسی را برای انجام کار برگمار که بردبارترین آنها باشد از کسانی که دیر به خشم آیند و زود عذر بپذیرند و نسبت به ضعیفان و محرومان، مهربان و بر زورمندان، گردن فرازی کنند (نهج البلاغه/نامه ۱۶۷). و به او توصیه می‌کند که همانگونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت درگذرد، تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان درگذر (نهج البلاغه/حکمت ۱۶۷). پذیرفتن خطای عذرخواه از اخلاق حسنه است. قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ از بدی آنان درگذر و برای آنان طلب آموزش کن و با آنها مشورت نما (آل عمران/۱۵۹). از ایشان نقل شده فرمودند: برای مؤمن سی حق وجود دارد؛ از جمله اینکه اگر گناهی در حق او از برادر مؤمنش سربرزند، یا تقصیری از او صادر شود از او بگذرد و اگر از او عذرخواهی کند، عذر او را بپذیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/۳۳۶). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: عفو و گذشت نسبت به کسی که خطا کرده، از همه چیز، بهتر و برتر است؛ زیرا عفو موجب بازدارندگی خطا و در نهایت منجر به ایجاد ادب نیکو در فرد می‌گردد (ابن شعبه، ۱۳۷۷: ۴۸۵). عفو و بخشش باید بدون ملامت و با ملایمت همراه باشد: فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (حجر/۸۵). این نوع عفو و بخشش، در منظر امام سجاد علیه السلام عفو بدون ملامت است (قمی، ۱۴۱۷: ۲۷۶). در این شرایط، افراد به آسانی و با اطمینان در مورد علل خطایشان، بحث و آسیب شناسی می‌کنند. احساس امنیت روانی حاصل از فضای بخشش، باعث می‌شود کارکنان به رفتارهای یادگیری روآورند و منجر به بهبود عملکرد کلی سازمان (رحیم نیا، ۱۳۹۷: ۶) و اصلاح رفتار سازمانی و در نهایت، تحقق سلامت اداری و سازمانی می‌شود. از آداب اخلاقی عفو و بخشش، پرهیز از توبیخ و تحقیر خاطی است؛ زیرا بخشش را بی اثر می‌کند. حضرت یوسف علیه السلام به برادرانش می‌گوید که امروز از شما گذشتم؛ خودتان را سرزنش نکنید که خدا شما را می‌آمرزد؛ زیرا او از همه مهربان تر است (یوسف/۹۲). آیه ۳۷ بقره، علم آدم علیه السلام به بخشندگی پروردگار، یعنی همان توبه پذیر و رحیم بودن خداوند، سبب اطمینان خاطر او می‌شود، و انگیزه تکرار گناه را از میان می‌برد و در این قدرت نرم الهی، پیوند او با خداوند مستحکم تر می‌شود.



نمودار الگوی سلامت اداری - سازمانی مبتنی بر آیه ۳۷ سوره بقره

نتیجه گیری

جنگ نرم الهی در برابر جنگ نرم شیطان، از جمله مباحثی است که خداوند در آیهی شریفه ۳۷ سوره بقره بدان پرداخته است. شیطان با سرمایه گذاری بر افکار و اندیشه انسان، طراحی و برنامه ریزی نموده است؛ لیکن قدرت نرم الهی با برنامه ریزی توبه و خطا پذیری، طرح های

شیطان را نقش بر آب می‌کند. اساس دعوت الهی بر اسلوب و روش‌های نرم و استفاده از روش‌های اقناعی استوار است. لذا پژوهش حاضر، با توجه به این مطلب، به چند نکته می‌پردازد؛ نخست اینکه کلام وحی (قرآن) می‌تواند منبعی برای طراحی نوعی الگوی رفتار سازمانی محسوب گردد. مشروط بر این‌که بتوانیم تفسیر کاربردی و عملیاتی متقنی با توجه به اقتضائات جاری جامعه از آن بدست آوریم. این خود مستلزم مطالعات بین رشته‌ای و تسلط بر مضامین کارکردی قرآن کریم است. نکته دوم این‌که سعه صدر، محبت و مهربانی، خطاپذیری، عفو و بخشش، رفتار یادگیری، جذب مشارکت، و ایجاد وحدت میان اعضا از جمله مؤلفه‌های حیاتی ضروری در پیشبرد اهداف سازمان، بهبود عملکرد آن و نیز تقویت روابط میان مدیران و کارمندان است. نکته سوم این‌که بر اساس آیات قرآن و به طور خاص آیه ۳۷ سوره بقره، اولویت با آموزش و تعلیم است و محور این آموزش، توحید و بالتبع، اخلاقیات است. این توحید که وحدت نظر و وحدت کلمه ایجاد می‌کند، در تعبیر «تَلْقَى کَلِمَاتٍ» مجسم شده و مراد از این تَلْقَى کلمات نیز آموزش حقایق اسماء به حضرت آدم علیه السلام است، آگاهی از حقیقت اسماء در سطح اجتماعی را می‌توان نگاه به پدیده‌ها از چند بُعد و زاویه و پرهیز از یک‌سو نگری، سطحی‌نگری و خودکامگی معنا کرد. چراکه در تفسیر آیه‌ی مزبور، تعبیر «کلمه» صرفاً ناظر به معنای ظاهری و صوری نیست؛ بلکه به حقیقت و باطن و زوایای پنهان پدیده‌ها اشاره دارد. و این نگرش، ناظر به القای نوعی بینش نسبت به پدیده‌های پیرامون و روابط میان آنهاست که در نظام مدیریتی که همه چیز را به شکل یک سیستم هماهنگ می‌نگرد، مؤثر است. نکته چهارم آن‌که این آموزش در نهایت، منجر به ارتقای سطح رفتار (اخلاقی) سازمان و بالا رفتن میزان انعطاف‌پذیری اعضا می‌شود و این انعطاف‌پذیری شامل سعه صدر، رفتار یادگیری، خطاپذیری دو سویه (پذیرش خطا از سوی مدیر و بازگشت از خطا از سوی کارمندان و زیردستان) و در نهایت، افزایش محبت و صمیمیت میان اعضای سازمان است که می‌تواند منجر به وحدت کلمه میان پرسنل سازمانی گردد. به یک معنا، مسیری که از «کلمه»ی وحدت (توحید) در قرآن آغاز می‌شود، در مسیری در قالب منشور اخلاقی سازمانی - الهیاتی متجلی می‌گردد و در نهایت به وحدت «کلمه» و اتحاد درون سازمانی می‌انجامد. و این چنین تجلّی قدرت نرم الهی در برابر قدرت نرم شیطان، تجسّم و عینیت پیدا می‌کند.

قدردانی

از تمامی بزرگوارانی که تمهیداتی را برای جامه‌ی عمل پوشاندن به منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، در عرصه‌ی قدرت نرم، در عصر رسانه فراهم می‌آورند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن شعبه الحرانی، حسن (۱۳۷۷)، تحف العقول، جلد اول، تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم بهزاد جعفری، تهران: نشر صدوق.
۴. اسکندری، حمید (۱۳۸۹)، قدرت نرم سرمایه اجتماعی بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. اسلامی، احمد (۱۳۶۶)، مدیریت اسلامی، اصفهان: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان.
۶. اعظمیان بیدگلی، مریم (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های اخلاقی مدیریت در نظام اسلامی»، نشریه اخلاق، شماره ۱۸.
۷. آقامحمدی، جواد (۱۳۹۶)، «ارائه چهارچوبی برای تبیین شاخص‌های مدیران بر اساس معیارهای اسلامی»، دو فصلنامه اسلام و مدیریت، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۴۱-۶۲.
۸. الوانی، سید مهدی، و دیگران، (۱۳۸۶)، «فرایند تدوین منشور اخلاقی برای سازمان»، فرهنگ مدیریت، سال ۵، ش ۱۵، صص ۴۳-۷۰.
۹. باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمنی دوزی و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. البرایی، محمد و مادودور، رحمان (۱۳۷۱)، «بررسی نظام‌های سازمانی و ارزیابی رفتار سازمانی از دیدگاه اسلام با بکاربردن فرایند تحلیلی»، مجموعه نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران: چاپ مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۱۸، صص ۷۰-۹۴.
۱۱. برزویی، عبدالله (۱۳۸۶)، قدرت نرم سرمایه اجتماعی بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات

و تحقیقات بسیج.

۱۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۱)، «بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش برای فعالیت‌های مدیریت در جامعه اسلامی»، مجموعه نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران، چاپ مرکز آموزش مدیریت دولتی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۳-۱۳.
۱۳. جعفری پناه، مهدی و پوراحمدی، حسین (۱۳۹۲)، «قدرت نرم از دیدگاه اسلام»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان، صص ۹-۲۷.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، جلد ۳ و جلد ۴ و جلد ۱۴، قم: نشر اسراء.
۱۵. جوانپور هروی، عزیز (۱۳۸۷)، «فلسفه مدیریت اسلامی»، فراسوی مدیریت، سال ۲، ش ۷، صص ۳۷-۴۸.
۱۶. چاووشی، سیدکاظم (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی، سال اول، ش ۲، صص ۴۳-۵۳.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مرکز فرهنگی رجاء.
۱۸. راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۳۸۸)، ترجمه مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان، چاپ دوم.
۱۹. رحیم نیا، فریبرز و دیگران (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر جو بخشش درک شده بر نگرش‌ها و رفتارهای کاری کارکنان هتل آپارتمان‌های شهر مشهد»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال هفتم، ش ۲۴، صص ۱۰۲-۱۲۲.
۲۰. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸)، تکنیک‌های خاص تحقیق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی بینش‌ها و فنون، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ۱۴.
۲۲. سالیوان، راجر (۱۳۸۰)، اخلاق در فلسفه‌ی کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
۲۳. شبذینی، محمد (۱۳۸۹)، «نمادهای جنگ نرم در قرآن»، فصلنامه حصون، شماره ۲۷.
۲۴. شفریتز جی. ام. و استیون اوت (۱۳۸۱)، تئوری سازمان: اسطوره‌ها، ترجمه علی پارسائیان، بی جا.

۲۵. صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، صص ۶۱-۹۱.

۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، بی جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ ششم.

۲۷. عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۸)، «گسترش جهانی ویروس کرونا و مدیریت قدرت نرم؛ بررسی موردی مدیریت چینی قدرت نرم»، دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان، صص ۱۱۹-۱۴۳.

۲۸. عبدالحی عابد، صمد و جدی، فاطمه (۱۳۹۲)، «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۱۷-۱۴۰.

۲۹. عسکریان، مصطفی (۱۳۸۳)، روابط انسانی و رفتار سازمانی، تهران: امیرکبیر.

۳۰. غلامی، علیرضا (۱۳۸۸)، «اخلاق سازمانی: مشکلات، موانع و راهکارها»، دو ماهنامه توسعه انسانی، سال ششم، ش ۲۵.

۳۱. فایضی، علی و محسن آشتیانی (۱۳۷۵)، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: دار الحديث.

۳۲. فضایی، سیدابوالقاسم و زینی ملک آبادی، هادی (۱۳۹۹)، «تبیین جایگاه و نقش دعا در جنگ نرم با رویکرد معناشناسی واژه دعا در قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان، صص ۲۴۵-۲۷۶.

۳۳. فقیهی، ابوالحسن و رضایی منش، بهروز (۱۳۹۵)، «اخلاق اداری»، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، سال بیست و پنجم، شماره ۴۷.

۳۴. قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۴)، قاموس قرآن، جلد ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۱۷)، الامالی، قم: نشر بعثت.

۳۶. گیوریان، حسن (۱۳۷۹)، «نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی»، کنترلر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان، صص ۷۷-۱۰۶.

۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، جلد ۶۷، بیروت: موسسه الوفاء، چاپ سوم.

۳۸. مختاری، مسعود (۱۳۷۲)، «تخصص ها و شروطی که از نظر اسلام باید در یک مدیر

وجود داشته باشد»، مجموعه نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران: چاپ مرکز آموزش مدیریت دولتی، صص ۲۱۳-۲۳۰.

۳۹. مشبکی، اصغر (۱۳۷۱)، «مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام»، مجموعه نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران: چاپ مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۱۹، صص ۳۶-۵۸.

۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، متن سخنرانی، روزنامه کیهان.

۴۱. نجاری، رضا (۱۳۹۶)، مبانی مدیریت اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۴۲. هابرماس، یورگن (۱۳۸۰)، بحران مشروعیت: تئوری دولت سرمایه داری مدرن، ترجمه جهانگیر معینی، تهران: گام نو.

43. Carter, G. B, & Pearson, G. S. (1999). British Biological Warfare and Biological Defence, 1925-45, Gessler and Moon: 168-189.

44. Nye, J (2004). Soft power: the means to success in world politics, Public affairs. New York.

45. Ranlet, P. (2000). The British, the Indians, and Smallpox: What Actually Happened at Fort Pitt in 1763? Pennsylvania History, 67 (3): 427-441.

روند توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی (مولفه قدرت نرم) در جمهوری اسلامی ایران

یدالله سپهری^۱

چکیده

الگوهای توسعه سیاسی در ایران معاصر، در نفی فرهنگ بومی، اسلامی و وابستگی به توسعه غربی در دوران مشروطه، قاجار و پهلوی ارائه می‌شد. این در حالی است که شاخص‌های توسعه سیاسی در الگوی اسلامی پیشرفت می‌بایست برپایه شاخص‌های مشارکت سیاسی، مردم‌سالاری دینی، آزادی و برابری بنا شود. انقلاب اسلامی براساس اهداف و آرمان‌های قابل قبول به وجود آمد که ریشه در آموزه‌های دینی و ملی جامعه ایران داشت و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های توسعه سیاسی با حمایت مردم از نظام مردم‌سالاری دینی و مشارکت حداکثر سیاسی ظهور نمود. در این نوشتار بدنبال آن هستیم با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به ارتباط بین توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی به عنوان یکی از مولفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و روند توسعه سیاسی در این حوزه بپردازیم. بنابراین، ضمن معرفی توسعه سیاسی و معرفی ارکان مردم‌سالاری دینی تلاش خواهیم نمود نسبت توسعه سیاسی یا نظام مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی تبیین گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توسعه سیاسی در چارچوب تحلیل‌های علمی و پژوهشی، از اهداف ضروری انقلاب اسلامی در جهت شکل‌گیری و دوام نظام مردم‌سالاری دینی بوده است و اصول و شاخص‌های توسعه سیاسی در روند شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی حائز اهمیت است و این اصول نشان‌دهنده نسبت بین شاخص‌های توسعه سیاسی با معیارها و ملاک‌های حاکم بر نظام مردم‌سالاری دینی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه سیاسی، مردم‌سالاری دینی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).
yaddollah_sepehri@yahoo.com

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از اندیشمندان کشورهای پیش‌رو در تلاش بودند با وارد کردن ادبیات توسعه سیاسی به روند بازسازی حکومت‌ها و جوامع اروپایی و مفهوم‌سازی توسعه و نو سازی برای کشورهای جهان سوم بپردازند. در همین راستا، آن‌ها نظریه‌های توسعه سیاسی را که از نظریه‌های توسعه اقتصادی اقتباس شده بود را به عنوان اصل تلقی نموده و به عنوان ارزشی جهانشمول در اختیار کشورهای جهان سوم قرار دادند و این وجه توسعه سیاسی، همان دموکراسی غربی بود (بدیع، ۱۳۸۷).

ارزیابی مفهوم توسعه سیاسی از نظر هانتینگتون، بر اساس ابعاد اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و مشارکت سیاسی بیان می‌گردد؛ از نظر وی، آن‌چه که در فرایند توسعه سیاسی موجب ظهور نقش‌های جدید می‌شود، تقاضاهای جدیدی است که گاه‌به‌گاه به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ایجاد می‌شود. چنان‌چه این وضعیت حکمفرما نگردد، به تدریج، زمینه‌ساز نوعی بی‌ثباتی، اقتدارگرایی و زوال سیاسی در جامعه خواهد شد و در نتیجه امکان دارد بازخورد این نابسامانی‌ها در جامعه به شکل انقلاب بروز نماید. بنابراین، از توسعه سیاسی به عنوان مفهومی اساسی یاد می‌شود، که زمینه گسترش آن در جوامع رخ خواهد داد و از آن به عنوان فرهنگ جهانی نام برده خواهد شد (پای، ۱۳۸۰).

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، تصمیم‌گیرندگان، محققان و دانش‌پژوهان مسایل مهمی را در پیش روی خود می‌دیدند که غالباً در چارچوب استقرار حکومت، دولت و نظام سیاسی اسلام شکل گرفته است. موضوعاتی از قبیل جایگاه مردم در حکومت، مشارکت سیاسی، موضع حکومت اسلامی، نسبت به شکل‌گیری احزاب سیاسی و نقش آن‌ها در حکومت، ماهیت نظام ولایتی و تعامل آن با مردم‌سالاری، کثرت‌گرایی سیاسی در حکومت اسلامی و توسعه سیاسی و رابطه یا تعامل آن با ولایت فقیه. لذا در این نوشتار بدنبال آن هستیم به ارتباط بین توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی به روند توسعه سیاسی در حوزه مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. بنابراین، ضمن معرفی توسعه سیاسی و معرفی ارکان مردم‌سالاری دینی تلاش خواهیم نمود نسبت توسعه سیاسی یا نظام مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی تبیین گردد.

چارچوب نظری:

بعد از جنگ جهانی دوم، نظریه‌پردازان به چگونگی فرایند توسعه سیاسی پرداختند و این نظریه‌ها تا به امروز نیز ادامه دارد. نظریه ساموئل هانتینگتون به عنوان آخرین نظریات ارائه شده در این زمینه می‌باشد؛ که الگوبرداری آن بر اساس مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی خود استوار است. وی با نقد الگوهای رقیب، بدنبال ارائه طرحی است که بر اساس آن، توسعه سیاسی در جوامع مختلف جهان گسترش یابد. مفهوم توسعه سیاسی در عرصه سیاست از جایگاه والایی برخوردار است، با این وجود نمی‌توان تعریفی ساده و صریح برای آن بیان نمود. ساموئل هانتینگتون توسعه سیاسی را معادل نوسازی می‌داند و معتقد است که روابط پیچیده، مستقل، انعطاف‌پذیر در نظام سیاسی بر میزان توسعه سیاسی خواهد افزود (هانتینگتون، ۱۳۷۰).

توسعه سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که چهار شرط اصلی برقرار باشد: ۱- سازماندهی به علایق و منافع گروه‌ها و نیروهای اجتماعی ۲- نهادینه‌سازی توسعه در درون ساختار سیاسی این گروه‌ها و پرداختن حکومت به تلفیق علایق و منافع گوناگون ۳- امکان مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز ۴- برخورداری مجموعه ساختار و فرایندهای ذکر شده از استمرار و مشروعیت گسترده برخوردار و ثبت در قانون اساسی به صورت قانونی مدون (بشری، ۱۳۸۰: ۲۱۸-۲۰۲).

در نقد توسعه‌گرایی کلاسیک، نظریات هانتینگتون بر این عقیده استوار است که جریان فرآیند توسعه سیاسی، بر مبنای توقف توسعه اقتصادی نمی‌باشد. همین اصل در اندیشه امریکایی وجود دارد که توسعه سیاسی تنها با حمایت اقتصادی، مراتب رشد اقتصادی را طی خواهد نمود و زمینه‌ساز استواری سیاسی خواهد شد. به طور قطع، این تصورات اقتصادی- سیاسی در قوانین مربوط به کمک‌های خارجی و در اندیشه کارگزاران دولتی و غیر دولتی نیز وجود دارد (معینی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۴).

در ایران با وجود حکومت‌های متمرکز متعدد و ساختار جامعه پراکنده و نیز نقش ایدئولوژی به عنوان عامل مشروعیت بخش حکومت‌های سلطنتی، توسعه سیاسی با تأخیر از حدود صد سال پیش در اندیشه‌های متفکران و عالمان سیاست مطرح شد. با وجود آنکه در سیستم مردم سالاری دینی و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ظرفیت‌های زیادی برای توسعه سیاسی

وجود دارد، ولی این امر از بدو پیروزی انقلاب تاکنون با فراز و نشیبهای زیادی همراه بوده است. بشریه (۱۳۸۰)، در تحقیق خود به روایت و تبیین تاریخ سیاسی معاصر ایران، پرداخته است و ذکر می‌کند که مواضع اصلی توسعه سیاسی ایران در قالب پیدایش دولت مطلقه مدرن همراه با بسط بلوغ اجتماعی و استمرار فرهنگ سیاسی ایران شکل گرفته است.

حال با این رویکرد می‌توان توسعه‌نیافتگی جامعه ایران را بر اساس دورویکرد این گونه بیان نمود: در رویکرد اول، توسعه‌نیافتگی سیاسی را بر اساس عوامل خارجی و نظریه استعمار و امپریالیسم استوار است؛ و در رویکرد دوم، توسعه‌نیافتگی سیاسی را در مشکلات داخلی و بی‌کفایتی نظام سیاسی حاکم بر ایران می‌پندارد. با نگاهی به این دورویکرد، توسعه سیاسی پدیده‌ای است انکار ناپذیر که باید میزان تأثیر آن را بر حیات اجتماعی سیاسی جهان امروز و جوامع در حال توسعه پذیرفت. عوامل و نهادهای گوناگونی در فرایند تحقق توسعه سیاسی نقش دارند، که از دولت می‌توان به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین نهاد سیاسی جامعه نام برد (جمشیدی و محبوب، ۱۳۹۷: ۱۲۶-۱۱۸).

روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

یکی از اهداف برجسته انقلاب، دستیابی به توسعه سیاسی می‌باشد که در قالب سه آرمان آزادی، عدالت و استقلال مطرح بود و محقق شدن این آرمان‌ها و خواسته‌ها در راستای مفهوم و مقوله توسعه سیاسی خود را نمایان می‌کرد. با توجه به نوپا بودن تجلی خواست‌های مردم و حاکمیت شکل گرفته، ادبیات توسعه سیاسی اصطلاحی جدید بشمار می‌رفت، لذا شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همچون حاکمیت مردم، اصول مربوط به مشارکت عمومی در اداره امور کشور، تفکیک قوا، حقوق و آزادی‌های ملت و ... به وضوح بیان شده بود (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۰۸).

دوره جمهوری اسلامی ایران در بحث توسعه سیاسی به سه دوره مشخص تقسیم‌بندی می‌کنند: دوره اول که به ایام پیروزی انقلاب اسلامی (از بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰) مرتبط است؛ دوره دوم از سال ۱۳۶۰ ش. تا ایام انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری را شامل می‌شود و دوره سوم از سال ۱۳۷۶ ش. را در بر می‌گیرد.

در دوره اول توسعه سیاسی به دلایل وقوع انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت شاهنشاهی و

شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، حداکثر مشارکت و رقابت سیاسی مشاهده می‌شد. اما با گذشت زمان، به تدریج زمینه‌های اختلاف میان نیروها، طبقات سنتی و مدرن و نمایندگان آن‌ها به وقوع پیوست که در نهایت منجر به آغاز جنگ مسلحانه مجاهدین خلق، فرار بنی‌صدر و سایر رویکردها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی گردید که تغییر فضای تکرر و توسعه یافتگی سیاسی در این دوره انجامید (میلانی، ۱۳۸۱: ۳۴۲-۳۳۳).

از طرف دیگر، انقلاب اسلامی موجب شد تا حضور گسترده مردم در صحنه سیاسی، علاوه بر آن‌که موجبات فزونی در رشد سیاسی را نشان دهد، ارتقا در سطح بینش سیاسی و تقویت فکری توده مردم را نیز بیان نماید. بنابراین، انقلاب اسلامی دیدگاه‌ها و توجهات مردم را نسبت به نظام سیاسی و توسعه سیاسی تغییر داد و در فرهنگ سیاسی مردم و پذیرش آن‌ها نسبت به عملکرد نظام، تحول بوجود آورد (صادقی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۴۴-۱۴۳).

جمهوری اسلامی ایران دارای ماهیت انقلابی، فرهنگی و اسلامی بوده است و با بهره‌گیری از سازوکار دیپلماسی فرهنگی و پیشینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی غنی خود توانسته است از مولفه‌های قدرت نرم سیاسی موفق در سطح منطقه و جهان استفاده نماید. این در حالی است که امروزه دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای به عنوان کارآمدترین ابزار اعمال قدرت نرم در سیاست خارجی محسوب شده و بر پیشبرد منافع ملی کشورها تأثیر شگرفی دارند (ذوالفقاری و دشتی، ۱۳۹۷: ۱۳۱-۱۲۹).

ایدئولوژی انقلاب اسلامی ضمن تضعیف نمودن هویت‌های طبقاتی، قومی و قبیله‌ای با ارتقا دادن سطح هویت اسلامی بر گسترش توده مردم جامعه موثر واقع شد. در این دوران مصالح کلی نظام انقلاب اسلامی بر علایق خاص صنفی و گروهی در اولویت قرار داشت. وقوع جنگ تحمیلی در اوایل انقلاب اسلامی شرایطی را پدید آورد تا مسئولین نظام از رشد جامعه مدنی و توسعه سیاسی تا حدودی غافل شوند (آسایش و همکاران، ۲۰۱۱). در این دوره شاهد ترقی و رشد شاخصه‌هایی از فرهنگ سیاسی هستیم که نخبه‌گرایی، پدرسالاری سیاسی، اطاعت و انضباط‌پذیری را سرلوحه خود قرار می‌داد. جنگ و تداوم آن، فرهنگ سیاسی توده‌گرایی را شکل داد و آن را لازمه بسیج توده‌ای می‌دانست. به طور قطع در حوزه نظام ارزشی شکل گرفته

از انقلاب اسلامی، ما شاهد جریان جان‌سپارانه و دنیاگریز به عنوان بخش لاینفک از فرهنگ سیاسی توده بودیم (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۱-۲۱۷).

در همین راستا، تعدادی از پژوهشگران حوزه تاریخ و سیاست، فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران را متشکل از اجزای زیر نامیدند: ۱. تأسی یک تفسیر از اسلام؛ ۲. انحطاط فردگرایی؛ ۳. باطنی‌ساختن ارزش‌های ولایی مطابق با ایدئولوژی اسلامی و ۴. تک بُعدنگری اسلامی (فاضلی^۱، ۲۰۰۶).

شاخص‌های مساوات و عدالت اجتماعی در گفتمان توسعه سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا و بعد از جنگ تحمیلی نیز در قالب سازندگی اقتصادی و اجتماعی در دستور کار خود قرار داشت. در واقع، با فراهم شدن اصول و امکانات لازم برای توسعه سیاسی و ساختارهای آن، علاوه بر پرداختن به موضوعات اقتصادی، به موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای نشان داده شد.

دستاوردهای توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

در توسعه سیاسی، از حوزه مطبوعات به عنوان نقطه عطف در عرصه عملیات توسعه سیاسی یاد می‌شود؛ این در حالی است که فعالیت این حوزه بر اثر تحولات اوایل انقلاب اندکی تضعیف شده بود. با این وجود این رکود چندان دوام نیاورد و همزمان با نوسازی فرهنگی- اجتماعی و آموزشی دوره سازندگی، تحولات مثبت رخ داد قابل ذکر است که این میزان روند از توسعه و گسترش مطبوعات در دوره اصلاحات به حداکثر توان خود رسید و از آن دوره به عنوان یکی از ساختارهای اصلی تحقق پاره‌ای از نهادها و گروه‌های مردمی نام برده می‌شود (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۶). اما با پایان اصلاحات این روند رو به رشد متوقف نگشت و این تداوم روند رشد در دوره اصول‌گرایی نیز با تعداد ۵۶۰۶ عنوان ادامه یافت (سالنامه آماری ۱۳۹۱). با گسترش نفوذ اینترنت، مطبوعات و توسعه روند آن به گونه‌ی دیگر تجلی یافت. با پدید آمدن روزنامه‌های الکترونیک و تارنماهای خبری و غیرخبری در سطح کشور، این حوزه سهم مهمی در تحقق آزادی بیان و فعالیت و مشارکت سیاسی ایفا نمود (شفیعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۲).

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت نرم در حوزه فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی مردم در حکومت است که البته چون این مشارکت محدود به حوزه سیاست است، حصول آن با توجه به روش‌های زیر محدود خواهد شد: ۱- مشروعیت سیاسی مبتنی بر مقبولیت مردمی؛ ۲- نظارت مردم بر حکومت (با ابزارهایی چون امر به معروف و نهی از منکر) و ۳- بهره‌گیری از رایزنی و مشورت با مردم و ... (جعفری هفت‌خانی و کوهکن، ۱۳۹۸: ۳۵).

در نهایت می‌توان بیان نمود که نظریه‌پردازان داخلی و خارجی برداشت‌های متفاوت و گرایش طلبانه‌ای از روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی بیان می‌نمودند و این در حالی است که آن‌ها قادر به ارائه تمام اهداف مترقی انقلاب اسلامی نبودند. بر این اساس، شرایط ایجاب می‌کند، الگوی بومی - آرمانی از توسعه سیاسی طراحی و اجرا شود که تمام عرصه‌ها و جوانب مدنظر را در نظر داشته باشد. لذا می‌توان با توجه به تجارب حاصله از فراز و فرود چهل و دو سال گذشته انقلاب، به ترسیم طراحی مدل اداره کشور پرداخت. در طراحی الگوی اسلامی، انقلابی و دینی، باید شرایط مبدل شدن جامعه ایرانی به جامعه‌ی پیشرفته مدنظر قرار گیرد، با این فرض که در ساختارها و نتایج، از مدل غربی پیروی نکند و با بیان گفتمانی فراگیر و اجتماعی، امکان تحقق عملی انقلاب اسلامی را بدنبال داشته باشد (شفیعی فر، ۱۳۹۴: ۱۳).

در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، فرایند توسعه سیاسی تنها به وجه اقتصادی توسعه پرداخت و در واقع می‌توان این‌گونه بیان نمود که در دوره سازندگی، توسعه این دوره در عمل یک‌جانبه بوده و بر گسترش احزاب و مطبوعات استوار بود و تحولات عرصه سیاسی و اجتماعی، تنها با تدابیر رهبری در سطح کلان نظام هدایت و مدیریت شد (همان، ۱۳۹۴).

مردم‌سالاری دینی

امروزه از دموکراسی و مردم‌سالاری با عنوان گفتمانی غالب یاد شده است که بیانگر تحولات گسترده، منتسب به دوران روشنگری بوده و زمینه‌ساز نظام‌های مردم‌سالار در عصر جدید به‌شمار می‌رود. مفهوم مردم‌سالاری در بین متفکران مسلمان از سده هجدهم و همزمان با دوران مدرنیته و تحولات در اندیشه سیاسی مدرن باز می‌گردد. با توجه به تدریجی بودن روند مردم‌سالاری در کشورهای اسلامی، برداشت مسلمانان از این روند نیز به صورت تدریجی تکامل یافت (کمالی اردکانی، ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۲۸).

امروزه مردم‌سالاری به عنوان یک مفهوم جهانی در بسیاری از دموکراسی‌های حکومت‌ها و دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است و با حذف کمونیسم، تنها مدل حکومت اسلامی به دلیل ملاخت اخلاقی توانایی، جایگزین شدن به یک مدل مطلوب را داشت؛ اما نباید فراموش کرد که اجرای این مدل به ضرورت اسلامی بودن تنها قابلیت گسترش در کشورهای مسلمان‌خیز را دارد (بشیره، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۴۲).

با توجه به جدایی دین از سیاست بر اساس دموکراسی غربی، پرداختن به این موضوع می‌تواند حائز اهمیت باشد؛ چراکه ما شاهد طرح مردم‌سالاری دینی در کنار انواع دموکراسی‌های غربی چون لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی و غیره هستیم. با توج به جامع و کامل بودن دین اسلام، مفهوم مردم‌سالاری دینی برداشتی نوین از اسلام است که بر نقش و حضور مردم در امور سیاسی-عقیدتی جامعه دینی تأکید دارد. نظریه مردم‌سالاری که در ایران بعد از انقلاب اسلامی مطرح شد، به عنوان بهترین نظام مدرن حکومتی توانایی تقابل با هجده‌های نظری و عملی و تبلیغاتی را در نظریه مردم‌سالاری لیبرالی از طرف غرب دارد (میراحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۰۶). در مردم‌سالاری دینی از «دین» با عناوینی همچون، آیین و شریعت اسلام نام برده شده است؛ و آن‌را دینی اجتماعی و سیاسی می‌داند؛ نه صرفاً عبادی و فردی. در دین مبین اسلام، مذهب محدود به قلمرو و سرنوشت فردی و زندگی خصوصی نیست و می‌تواند متضمن نظارت بر ابعاد مختلف زندگی باشد و احکام دقیقی نیز در این زمینه وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۵).

در نظریه مردم‌سالاری دینی، بر اساس آموزه‌های اسلامی، دین مرجعیت سیاسی دارد، لذا امر سیاسی باید در چارچوب مبانی اسلامی صورت پذیرد. همچنین در نظریه مردم‌سالاری دینی، عدالت و برابری، ریشه وجودی دین است. در واقع حضور دین به جهت برقراری عدالت بوده و حیات دین در پرتو عدالت شکل می‌گیرد. در این نظریه، اسلام علاوه بر فرد و جامعه را نیز به رسمیت می‌شناسد و در نتیجه آن، محصول روابط فرد و جامعه به سمت تحقق عدالت سوق پیدا می‌کند. شناخت مولفه‌ها و عناصر موجود در مردم‌سالاری دینی، می‌تواند زمینه به حداقل رساندن ضعف‌های دموکراسی مرسوم در نظام جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشته باشد. مسئولیت حاکمیت دینی در پاسداری از مصالح و منافع مردم نزد خدا و خلق، سومین مولفه موجود در مردم‌سالاری دینی به‌شمار می‌رود که به میزان قابل توجهی ازکاستی‌های دموکراسی لیبرال را جبران می‌نماید (فرزانه، ۱۳۸۸: ۴۸-۲۷).

مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری دینی

نوع رویکرد مردم‌سالاری دینی به قدرت و نقش ابزاری آن در احقاق حقوق ملت، از شاخصه‌های مهم در توسعه سیاسی است.

در اسلام نوع رقابت با رقابت‌های انتخابات غرب متفاوت است و این مسأله از همان نگاه پارسامحوری و شایسته‌سالاری به مسئولیت‌ها ناشی می‌شود. همین‌طور مشارکت مردم در امر انتخابات و سرنوشت خود، واقعی است نه متأثر از احزاب و گروه‌ها و سرمایه‌ها؛ بر اساس تکلیف و ناشی از احساس مسئولیت در صحنه‌های انتخابات حاضر می‌شوند و لذا درصد شرکت‌کنندگان قابل مقایسه با لیبرال دموکراسی‌های غربی نیست (دارابی، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۲). برگزاری انتخابات آزاد در انقلاب اسلامی و مشارکت بیش از ۹۹ درصد از مردم، تجلی بخش تحقق عینی حاکمیت مردم شد که نشان از حاکمیت ملت، اسلام و قانون شریعت داشت و زمینه‌ساز تحقق تئوری ولایت فقیه و ساختار جمهوری اسلامی گشت. پس می‌توان این‌گونه برداشت نمود که در مردم‌سالاری دینی، حاکمیت ملت همانند حاکمیت قانون در لیبرال دموکراسی می‌باشد. در واقع، در مردم‌سالاری دینی، حاکمیت ملت با حاکمیت اسلام و شریعت مطرح می‌شود.

با نگاهی به مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های لیبرال می‌توان دریافت که تفاوت‌های عدیده‌ای وجود دارد؛ بدین‌صورت که دموکراسی‌های لیبرال، منکر حق حاکمیت الهی نمی‌شوند و دین الهام‌شده و آیین الهی را نمی‌پذیرند، اما در مردم‌سالاری دینی حاکمیت مطلق از آن خداوند است و دینی، اسلام به‌صورت يك قانون است (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۳۲). با توجه به این نکته که مردم ایران حاکمیت را از آن خود دانسته‌اند و بر این اساس، خواستار آن شدند تا خود این حاکمیت را اعمال کنند، پس می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت اسلام چیزی جدای از حاکمیت ملت نیست. درنایت باید به این نکته مهم اشاره نمود که آن‌ها اسلام را حاکم بر خود می‌دانستند، لذا برای اجرای صحیح قوانین آن، نیازمند انتساب به نهادی مطلع و آگاه بوده و در همین راستا، تئوری ولایت فقیه حضرت امام (ره) و مؤلفه‌های جمهوری اسلامی توانست به ابهامات ایجاد شده پاسخ دهد.

بنابراین، می‌توان بیان نمود که حق حاکمیت در روابط بین ملت‌ها یا روابط بین انسان‌ها

درون يك ملت وجود ندارد، تنها در صورتی که این حاکمیت از سوی خداوند تفویض شده باشد، و شخص دارای این اختیار و اراده باشد که بپذیرد یا نپذیرد، و به تبع آن، يك ملت هم شرایط پذیرش یا عدم پذیرش را داشته باشند (حسینی، ۱۳۹۰: ۹-۱۱).

توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی

با نگاهی به تاریخ معاصر ایران می‌توان دریافت که توسعه سیاسی برگرفته از تمرکززدایی و توزیع قدرت‌هاست، این در حالی است که توسعه یافتگی سیاسی نیز در نهایت به تمرکززدایی و توزیع قدرت‌ها منجر خواهد شد. اولویت توسعه یافتگی سیاسی بر تمرکززدایی است که می‌تواند مرتبط با قدرت سیاسی باشد. با توجه به این که کاهش میزان توسعه سیاسی با افزایش میزان استبداد و تمرکز قدرت‌ها وابسته است، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که مشارکت سیاسی و سیاسی شدن مردم در مواردی همچون انتخابات، احزاب و مطبوعات بروز خواهد نمود.

مردم‌سالاری دینی به مثابه یک روش در اداره جامعه اسلامی، مبتنی بر اصولی است که ملاک‌ها و معیارهای اساسی توسعه سیاسی و شاخصه‌های آن را در بر دارد که بخش عمده‌ای از آن‌ها در فرمایش حضرت امام (ره)، مقام معظم رهبری و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است.

مردم در حکومت اسلامی، مملکت و حکومت را متعلق به خود می‌دانند؛ لذا نظام سیاسی موظف است به نیازهای مشروع مردم پاسخ گوید. در واقع، چنین نظام سیاسی مبتنی بر خدمتگزاری به مردم، از دولتی توسعه محور و مردمی و در عرصه مطالعات توسعه سیاسی از مشروعیت، هویت و اقتدار لازم برخوردار است. بنابراین یکی از بنیادی‌ترین اصول مردم‌سالاری دینی، کسب رضایت مردم است.

انقلاب اسلامی براساس اهداف و آرمان‌های قابل قبول و مستندی به وجود آمد که ریشه در آموزه‌های دینی و ملی جامعه ایران داشت. میل به توسعه و پیشرفت و کمال از جمله دستاوردهایی بود که آینده پیش روی انقلاب اسلامی را با چالش‌هایی مواجه کرد. چالشی که امکان فرصت‌یابی و تهدیدسازی را فراهم کرد. در واقع، توسعه به معنای تغییر و تحولات مطلوب در ظرف و شرایط بحرانی پس از انقلاب اسلامی و بروز مشکلات موجود، بستری فراهم نمود. یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه؛ یعنی توسعه

سیاسی و کارکرد آن در عرصه نظام سازی پس از انقلاب اسلامی، در قالب نسبت بین توسعه سیاسی و نظام مردم سالاری دینی است که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در توسعه سیاسی، مشارکت شرط لازم می باشد و کشورهای در حال پیشرفت، شاهد برانگیختن انگیزه های مشارکت گروه های سیاسی هستند و این در حالی است که باید در چارچوب «نهادینگی» باشد. نهادینگی بر پایه پیچیدگی، استقلال و انسجام جوامع می باشد. در واقع اندازه گیری سطح رشد سیاسی جوامع به میزان تعلق گروه های سیاسی گوناگون جامعه به نهادهای سیاسی و همچنین میزان احساس همبستگی با این نهادها می باشد. بنابراین تقاضای مشارکت باید بر اساس نهادمندی پاسخگوی مدیریت شود. در موضوع مشارکت سیاسی، دین اسلام از دو اصل شورا و امر به معروف و نهی از منکر بهره می برد، اولی به عنوان بستر مشروعیت ساز و حتی توصیه کننده به شرکت در فعالیت های سیاسی اجتماعی و دومی ابزار تأثیرگذاری و نقش آفرینی مردم نسبت به سیاست های حاکمان.

میزان مشارکت سیاسی، از شاخص های ارزیابی مردم سالاری محسوب می شود و به صورت میانگین کل مشارکت در انتخابات جلوه می کند. به طوری که از مجموع ۳۲ انتخابات برگزار شده در ایران در سطوح همه پرسی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای شهر و روستا ۶۳/۳ درصد می باشد.

با بررسی انتخابات برگزار شده در سطح ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ مشاهده شد که به صورت دوره ای قدرت در دست دو جناح اصلی پدید آمده یعنی راست و چپ یا اصولگرایی و اصلاح طلبی در جریان بوده است و هرگز قدرت در دست جناحی خاص متمرکز نمانده است.

کارآمدی نظام سیاسی و مردم سالاری دینی

اصول و شاخص های توسعه سیاسی و کارآمدی آن ها در روند شکل گیری نظام مردم سالاری دینی حائز اهمیت است؛ به طوری که نسبت بین شاخص های توسعه سیاسی با معیارها و ملاک های حاکم بر نظام مردم سالاری دینی و مقایسه این دو با یکدیگر نشان می دهد توسعه

سیاسی در چارچوب تحلیل‌های علمی جامعه‌شناسی سیاسی، از اهداف ضروری انقلاب اسلامی در جهت شکل‌گیری و دوام نظام مردم‌سالاری دینی بوده است؛ زیرا مردم‌سالاری دینی مبتنی بر اصول و ملاک‌هایی است از جمله: رضای‌تمندی مردم، ارزش‌مداری، حق‌مداری و قانون‌محوری و نیز در بردارنده ویژگی‌هایی است که جز در قالب توسعه سیاسی قابل تحقق نیست. لذا تقویت و استحکام زیرساخت‌های مردمی در عرصه سیاست، مقوم مردم‌سالاری دینی است و نسبت بین توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی نسبت مستقیم و همسو می‌باشد که این امر تلازم پیوسته بین مردم و حکومت در عرصه‌های مختلف را نشان خواهد داد و در آخر اینکه، توسعه سیاسی از نیازها و لوازم خاص یک نظام مردم‌سالار دینی است (دارابی، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۷).

مقایسه مشارکت‌های مردمی ایران با کشورهای لیبرال دموکرات هستند، گویای حمایت پیوسته مردم نظام مردم‌سالاری دینی در ایران بوده است که نشان‌دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این حیطه می‌باشد. ذکر این نکته لازم است که در برخی کشورها مانند ایتالیا و استرالیا شرکت در انتخابات اجباری است و درصد بالای مشارکت به سب همین قانون است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۲۶).

عوامل تأثیرگذار توسعه سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی

توسعه سیاسی در ایران به رغم گذار از تحولات متنوع تاریخی، نتوانسته است مسیری درست را بپیماید. این امر علاوه بر موانع انسانی و فرهنگی و نیز نقش منفی قدرت‌ها و ساختار دولتی ساختار معیوب اجتماعی اقتصادی نیز مزید بر علت شده است. تا زمانی که ساختارهای اجتماعی از انفکاک و استقلال نسبی برخوردار نشوند و به ویژه ساختار اقتصادی وابسته به ساختار سیاسی باشد؛ به دلیل اینکه ابتکار عمل در اختیار ساختار سیاسی است؛ تحولات مربوط به توسعه سیاسی و نهادینه شدن مردم‌سالاری با چالش‌های عدیده مواجه است.

جنگ تحمیلی

پیروزی انقلاب اسلامی در سایه شعارهایی چون آزادی، استقلال، حفظ کرامت انسانی و برابری انسان‌ها صورت گرفت، مواجه‌شدن کشور ایران با یک جنگ تحمیلی ۸ ساله موجب گشت تا

موجودیت برخی از شعارهای ناظر بر حفظ حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی افراد به نفع حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور تغییر یابد. با پایان یافتن جنگ و آغاز سازندگی در کشور، روند توسعه سیاسی کشور به سمت توسعه اقتصادی رفت (فوزی، ۱۳۸۴). شرایط بحرانی جنگ و همچنین مبارزه با گروه‌های مخالف داخلی شرایطی را پدید آورده بود که کمتر فرصت بررسی و طراحی برنامه مدون در جهت توسعه و مشارکت سیاسی وجود داشت. بنابراین، با توجه به جهت‌گیری ایدئولوژیکی در دفاع از انقلاب، در نهایت منجر به شکل‌گیری مشارکت توده‌ای در سطح جامعه شد (معظم‌پور، ۱۳۷۶).

احزاب سیاسی

احزاب سیاسی در نظام‌های مردم‌سالار به پنج شیوه قادرند موجبات توسعه سیاسی را فراهم آورند.

الف: احزاب و مشارکت سیاسی

ب: احزاب و مشروعیت نظام حکومتی

پ: احزاب و یکپارچگی و انسجام ملی

ج: احزاب و مدیریت منازعات

د: احزاب و جامعه‌پذیری سیاسی

شکل‌گیری احزاب به صورت فصلی، مقطعی و کوتاه‌مدت باعث ظهور جنبش‌هایی می‌شود که می‌توانند بیشترین بسیج سیاسی را انجام دهد و عملاً حضور و مشارکت فعال جامعه را ناممکن می‌سازند. می‌توان دلایل این امر را در بی‌اعتمادی تاریخی دو سویه‌ای دانست که ریشه در ساختار و فرآیند سیاسی گذشته ایران دارد و باریشه‌های روان شناختی خود مانع اصلی بر سر پا گرفتن اصول دموکراتیک در ایران است. در این حوزه اقدامی جز تقویت توانمندی‌های جامعه مدنی؛ رسانه‌های گروهی و رفع بی‌اعتمادی و تردید دولت نسبت به کلیت نظام در اثر رقابت‌های حزبی است (قلجی و موسوی، ۱۳۹۳) و امر دیگری که باید به آن اهمیت داد کار آمد سازی احزاب سیاسی در زمینه تأمین منافع مردم و عدم وابستگی به حکام در راستای منافع خود و توجه به پذیرش اصول رقابت سیاسی در درون منافع ملی و نیز درونی کردن مذموم بودن تک صدایی در جامعه است این حوزه نیازمند آموزش

هدفمند برای فعالان سیاسی؛ نسل جوان از طریق رسانه‌های همگانی است.

فرهنگ قبیله‌ای

یکی دیگر از آسیب‌هایی که نظام مردم سالار دینی را در فرآیند توسعه سیاسی تهدید می‌کند، فرهنگ قبیله‌ای است؛ یعنی افراد در کنار هم قرار می‌گیرند و پیوستگی ضروری با یکدیگر ندارند و هرکس کار خودش را می‌کند و حیات جمعی برای او ارزش و اهمیت نخستین را ندارد. نوع کارها به نحوی مستقل است که جز در موارد استثنایی به دیگری نیازی نیست، و اگر به چنین جوامعی ساختاری جدید تحمیل شود نوع رفتار افراد به شدت به ساختار اجتماعی زیان می‌رساند (مقتدانی، ۱۳۸۶).

تمرکز قدرت سیاسی

تمرکز قدرت سیاسی در هر نظام سیاسی متعلق به یک گروه خاص می‌باشد و بقیه را تحت سلطه خود در می‌آورد. تمرکز قدرت سیاسی علاوه بر این که به توسعه سیاسی نمی‌انجامد، بلکه ممکن است از مشارکت و رقابت سیاسی ممانعت به عمل آورد و نهایتاً هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی را به همراه آورد. در صورتی که دولت به عنوان تنها مجری این وظایف قرار گیرد، اقشار مختلف یک جامعه نیز هم‌راستا با دولت شده و محافظه‌کارانه عمل می‌نمایند. در صورتی که در یک جامعه مشارکت، انگیزه و توانایی مشارکت در میان مردم تقویت می‌شود، که به ظهور جمعیت، اصناف، انجمن و بنیادهای مختلف فکری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میدان دهد و در نتیجه آن، جامعه به طرف تولید فرهنگ و بحث حرکت می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱).

جنبش‌های اجتماعی جدید و توسعه سیاسی ایران

جنبش‌های اجتماعی جدید روش‌های غیر متعارفی را برای دخالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت دنبال می‌کنند و همانگونه که هابر ماس معتقد است آن‌ها بدون استفاده از خشونت و شیوه‌های خشن از طریق عقلانیت ارتباطی دگرگونی‌های آرام و سامان‌بندی‌های جدید ایجاد می‌کنند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳). بر اساس اصول مردم سالارانه در جمهوری اسلامی ایران تصمیمات حکومتی می‌تواند مورد مخالفان پارلمانی قرار گیرد اما

جنبش‌های اجتماعی جدید اقداماتی خارج از رویه‌ها جاری مشارکت سیاسی در پیش می‌گیرند، و به طبع توسعه سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (صبوری، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری:

مردم‌سالاری دینی برگرفته از دین بوده و توسعه و گسترش در توسعه سیاسی را بنا و اصل قرار داده است. با پیروزی انقلاب اسلامی دین از بند سیاست‌های سلطه‌طلبانه رهایی یافت و مبنای نظم باطل جهان مدرن زایل گشت.

شاخصه‌های توسعه سیاسی هم نشان‌دهنده سیر تکاملی توسعه سیاسی هستند و هم نشان‌دهنده سیر قهقرایبی. این شاخصه‌ها عبارتند از افزایش حق رأی مردم و برگزاری انتخابات آزاد با رأی‌دهندگان، آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های جمعی که نشان‌دهنده سیر تکاملی توسعه سیاسی هستند.

در جمهوری اسلامی ایران به نوعی مردم‌سالاری دینی و اسلامی حاکم است، بر همین اساس مقام معظم‌رهبری در تبیین و تعریف آن بیان نموده است که: «واضح‌ترین حقیقت در نظام ما این است که آحاد و توده مردم از نظام حاکم بر کشور می‌خواهند که مسلمان باشند و مسلمان عمل کنند و اسلام را در جامعه تحقق بخشند».

مردم‌سالاری دینی در شکل جمهوری اسلامی ریشه دوانیده است؛ این امر بدان است که جمهوری اسلامی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت بنا گذاشته شده است. به‌طور کلی، مولفه‌های مردم‌سالاری دینی مانعی برای رشد دموکراسی در ایران نیست و در بسیاری از آموزه‌های دینی از قبیل اجتهاد، اجماع، حق مشارکت، شورا و ... به سهولت قابل دسترسی است.

مردم‌سالاری دینی به عنوان ضرورت نگاه در چارچوب نظام اسلامی و دارا بودن ریشه‌های اسلامی درون‌اندیشه‌های اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و این مهم با تأکید رهبری انقلاب بر ایجاد سازمان‌ها و نهادهای قانونی و تشکیل مجلس شورای اسلامی مشخص شده است.

منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). «روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر»، مجلس و راهبرد، شماره ۹۵، صص ۲۴۶-۲۰۹.
۲. بدیع، برتراند (۱۳۸۷). توسعه سیاسی، مترجم: احمد نقیب‌زاده، تهران: میزان.
۳. بشریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.
۴. بشریه، حسین (۱۳۸۴). «زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر گسترش شکاف میان ایدئولوژی رسمی و کردارهای عمومی»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۵۴-۱۳۷.
۵. پای، دبلیو، لوسین و همکاران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم: غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: نشر مطالعات راهبردی.
۶. جعفری هفت‌خانی، نادر و کوهکن، محمدرضا (۱۳۹۸)، «آسیب‌ها و موانع تحقق مردمی‌سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال نهم، شماره اول.
۷. جمشیدی، محسن و محبوب، فاطمه (۱۳۹۷). «موانع عدم توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)»، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۳۶-۱۱۳.
۸. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰). «الگوی مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با بیداری اسلامی»، جستارهای سیاسی معاصر، سال دوم، شماره دوم.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۰. دارابی، علی (۱۳۹۱). «مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۹۰-۶۱.
۱۱. دارابی، علی (۱۳۸۸). «دلایل یک ناکامی: بررسی دلایل ناکامی دولت اصلاحات در فرایند توسعه سیاسی»، ماهنامه زمانه، شماره ۸۱.
۱۲. دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی جدید، مترجم: محمد تقی فروزان‌فر، تهران: انتشارات کویر.

۱۳. ذوالفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، دوره هشتم، شماره نوزدهم.
۱۴. سریع‌العلم، محمود (۱۳۸۱). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه.
۱۵. شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۴). «روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره چهل و پنجم، شماره یک.
۱۶. صادقی، سید شمس‌الدین و قنبری، لقمان (۱۳۹۶). «فرهنگ سیاسی توده، دولت‌های وامانده و مسئله توسعه سیاسی ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱. صص ۱۵۹-۱۲۳.
۱۷. صبوری، منوچهر (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سخن، چاپ اول.
۱۸. فرزانه، عبدالحمید (۱۳۸۸). «مردم‌سالاری دینی جبران‌کننده نارسایی‌های دموکراسی لیبرال»، مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی در وریکردی تطبیقی و کاربردی، ج ۲، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نشر معارف.
۱۹. فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: نشر معارف اسلامی.
۲۰. قلجی، حسین و موسوی، بابک (۱۳۹۳). «بازشناسی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران بر اساس نظریه گرند تئوری»، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۹.
۲۱. کمالی اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «نگاهی تاریخی به سیر تحول مردم‌سالاری در اندیشه متفکران مسلمان»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸، تابستان.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). پانزده گفتار، تهران: صدرا.
۲۳. معظم‌پور، اسماعیل (۱۳۷۶). انقلاب اسلامی و گسترده‌ی دولت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۲۴. معینی‌پور، مسعود (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی»، فصلنامه مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۲.
۲۵. میراحمدی، منصور (۱۳۸۶). «نظریه انتقادی نو، نظم دموکراتیک مشورتی و الگوی مردم‌سالاری دینی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۹.

۲۶. میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی: از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو.
۲۷. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
۲۸. یزدانی، عنایت‌الله؛ سلطانی، محمدجواد و قاسمی، مصطفی (۱۳۹۴). «مردم‌سالاری دینی: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۱۴۷-۱۱۷.
29. Asayesh, Hossein and other (2011), "Political Party in Islamic Republic of Iran: A Review", Journal of Politics and Law, Vol. 4,
30. Fazeli, Nematollah (2006), Politics of Culture in Iran, First published by Routledge, an imprint of the Taylor & Francis Group.

رسانه‌های خبری و جنگ نرم؛ بررسی ساختار سازمان خبری صدا و سیما در مدیریت جنگ نرم

زهرا السادات شاداب^۱

اکبر نصراللهی کاسمانی^۲

محمد رضا رسولی^۳

چکیده

رسانه ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی، نقش حیاتی در افزایش مشارکت، انسجام، اعتماد، وفاداری ملی در طول چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون داشته است، از همین رو برای جلب و حفظ اعتماد اجتماعی مخاطبان و ارتقای سرمایه اجتماعی خود ضرورت دارد ساختار سازمان خبری خود را با توجه به آرایش رسانه‌ای جدید بازنگری نماید و ساختار خود را متناسب با وضعیت نوظهور در چرخه اطلاع‌رسانی در سپهر رقابتی در منظومه رسانه‌ای تغییر دهد تا بتواند پاسخگوی نیاز خبری مخاطبانش باشد. نظر به اهمیت این موضوع، در این پژوهش ضمن بررسی مؤلفه‌های مهم و مورد نیاز ساختار سازمانی بخش‌های خبری صدا و سیما، به بازشناسی ساختار خبری سازمان در برابر این جنگ رسانه‌ای پرداخته شده است. این تحقیق به شیوه کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها؛ مصاحبه نیمه ساختاریافته و به روش نمونه‌گیری غیر احتمالی و هدفمند ۱۲ نفر از خبرگان حوزه خبر را انتخاب و در نهایت براساس تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها از طریق کدگذاری؛ ۸۱ گویه و ۲۱ مفهوم و ۸ شاخص استخراج گردید. نتایج تحقیق به سیاست‌گذاران حوزه خبر پیشنهاد می‌کند که مؤلفه‌های «مدیریت یکپارچه، مهارت افزایی، قطبیت رسانه‌ای، قدرت نرم رسانه‌ای، همگرایی رسانه، ادغام ساختاری، اتاق خبر حرفه‌ای، مقابله با اخبار جعلی، برون‌سپاری و درآمد پایدار» در طراحی ساختار سازمان خبری برای آرایش جدید رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ساختار سازمانی، سازمان خبری، قدرت نرم رسانه‌ای، آرایش رسانه‌ای، صدا و سیما

۱. گروه مدیریت رسانه دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه علوم ارتباطات اجتماعی و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
akbar.nasrollahi@gmail.com

۳. گروه علوم ارتباطات اجتماعی و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

«خبر» به مثابه کلیدی‌ترین نیاز هر جامعه پویا، مهم‌ترین علت وجودی رسانه‌های جمعی به خصوص تلویزیون است. اساساً رسانه‌ها با انتشار خبر تولد می‌یابند و در حقیقت، رسانه‌های خبری، فضایی را فراهم می‌کنند که در آن شهروندان با دریافت اطلاعات و به اشتراک گذاری آن، افکار عمومی را برای هدایت سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهند (شریفی و امیدی، ۱۳۹۷: ۲۱).

از سوی دیگر در جهان امروز، شیوه‌های خبرپراکنی دستخوش تغییر، دگرگونی و تحولاتی جدید شده است. چنان‌که بدون در نظر گرفتن این تحولات که بخش عمده آنها تحت تأثیر فناوری‌های نوین رسانه‌ای است، نمی‌توان برخوردی موشکافانه و بخردانه با مقوله اطلاع‌رسانی داشت. در چنین شرایطی؛ با توجه به آن‌که در عرصه ارتباطات، مخاطبان به راحتی به منابع ارتباطی گوناگونی دسترسی دارند؛ هر زمان متوجه شوند رسانه مورد اعتماد آنها در انتشار خبرهای مورد نیازشان تعلل کرده است، رابطه آنها با رسانه متزلزل می‌شود (نصراللهی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)؛ و این امر باعث می‌گردد که مخاطبان نسبت به رسانه‌ای که اطلاعات مورد نظرشان را تأمین می‌کنند به دلایلی مانند کم‌کاری، عدم پوشش مناسب، نداشتن برنامه رسانه‌ای در اطلاع‌رسانی و غیره بی‌اعتماد شوند، به سرعت از رسانه‌های دیگری استفاده نمایند. بنابراین، اعتماد به یک رسانه، متأثر از اعتماد آنها به خبر رسانه است (روشندل و شریفی، ۱۳۹۴: ۵۰).

لذا امروزه سازمان‌های رسانه‌ای برای فعالیت دارای چالش‌ها و مشکلات بسیاری هستند. در گذشته معمولاً میزان رسانه‌ها کمتر بودند و مردم صرفاً می‌توانستند از تعداد رسانه‌های محدودی برای کسب اطلاعات استفاده کنند. همین امر به نحوی برای سازمان‌های رسانه‌ای شرایطی را ایجاد کرده بود تا مخاطبان‌شان را از دست ندهند. چراکه مخاطبان آن‌ها رسانه جایگزین دیگری نداشتند؛ اما در سال‌های اخیر به دلیل رشد رسانه‌ها و افزایش دسترسی و بالا رفتن میزان مصرف رسانه‌ای مخاطبان، تغییر رسانه نیز توسط مخاطبان بیشتر شده است (آستین، برنارد و هوتچئون^۱، ۲۰۱۵: ۱۶). در سال‌های گذشته رشد رسانه‌های غربی، شکل‌گیری رسانه‌های فارسی زبان و از طرفی در کنار این رسانه‌های سازمان یافته، شکل‌گیری رسانه‌های اجتماعی، قابلیت‌های آن‌ها در دسترسی به مخاطبان وسیع و باز بودن ساختار آنها برای انتشار محتوای مختلف از

1. Austin, Barnard, Hutcheon

مهم‌ترین عواملی هستند که رسانه‌های داخلی را با چالش مواجه کرده است.

آدام شاف^۱ با بیان پیامدهای سوء تکنولوژی ارتباطات و جامعه انفورماتیک، ماهیت توتالیتاریستی آن را به‌عنوان امپریالیسم رسانه، گوشزد می‌کند. او با یادآوری حصارى که شبکه‌های اطلاعات در جامعه انفورماتیک ایجاد می‌کنند، هدف آن را تأثیرگذاری و دستکاری اذهان عمومی جامعه «شستشوی مغزی» به‌واسطه کاربرد اطلاعات دلخواه می‌داند که البته غایت سلطه‌گرایانه‌ای، بسیار مخفی انجام می‌گیرد (دهقان سیمکانی، ۱۳۹۱: ۹). امپریالیسم رسانه‌ای^۲ را بی‌تردید باید شکل مدرنی از امپریالیسم قلمداد کرد که شاکله‌ها و بنیان‌های آن در دهه ۱۹۵۰ به‌طور مشخص در آلمان غربی و پشت دروازه‌های کمونیسم، در بحبوحه جنگ سرد توسط آمریکا بنا شد (جمالی خسروآبادی، ۱۳۹۵: ۳۶).

در این راستا سازمان صدا و سیما امروزه به دلیل رقابتی که با رسانه‌های دیگر در جهان دارد، برای اینکه بتواند در مقابل رقبای خود در حوزه اطلاع‌رسانی، آگاهی و مدیریت افکار عمومی موفق عمل کند نیازمند داشتن برنامه‌هایی برای مواجهه با این آرایش رسانه‌ای است (علی‌عسگری و موفقی، ۱۳۹۴: ۲۲). شکل‌گیری این آرایش‌های رسانه‌ای جدید، باعث شده است تا قابلیت پاسخگویی به این تحولات امری بسیار مهم برای سازمان صدا و سیما باشد. این امر می‌تواند تا بخش‌های خبری این سازمان، ساختاری انعطاف‌پذیر و پویا داشته باشد تا بتواند با سرعت بیشتری رخدادها را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کند. بر همین اساس ما در این تحقیق در پی کشف مؤلفه‌های مهم و مورد نیاز ساختار سازمانی خبری صدا و سیما هستیم.

ساختار سازمانی یک از مهم‌ترین ارکان هر سازمانی برای دستیابی به اهداف خود می‌باشد (دوگرو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۶). موفقیت یا شکست هر سازمانی در دستیابی به اهداف، به میزان تلاش افراد در سازمان و به‌ویژه ساختار سازمانی آن بستگی دارد که با استفاده کارآمد از منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امکان‌پذیر است (قربان‌نژاد استلکی، ۲۰۱۷: ۹۵). نوع ساختار سازمانی نشان‌دهنده این است که سازمان تا چه اندازه دارای چابکی برای مقابله با آرایش رسانه‌ای نوین و پاسخگویی به آن است.

1. Adam Schaff
2. Media Imperialism
3. Dogru

باتوجه به این مسئله محقق بر آن شد با بهره جستن از آرای صاحب نظران و خبرگان حوزه خبر و اجماع نظرات ایشان، به این پرسش پاسخ داده شود که «مؤلفه‌های مطلوب ساختار سازمانی خبری صدا و سیما با توجه به آرایش جدید رسانه‌ای چیست؟» تا بتوان با کمک یافته‌ها، قدرت رقابتی این رسانه را در مقابله با امپریالیسم رسانه‌ای، بلوک‌بندی و قطبیت رسانه‌های مطرح جهانی و در جهت یکپارچه نمودن تمام جنبه‌های سازمانی که به‌طور مستقیم بر شکل و محتوای برنامه‌های خبری، جریان سازی، هدایت افکار عمومی و برندسازی در ذهن مخاطبان خود اثر می‌گذارد، افزایش داد.

پیشینه تحقیق

با جستجو در منابع و اسناد علمی (مقاله و پایان‌نامه)، مطالعات پیشین در دو دسته تحقیقات داخلی و خارجی با توجه به موضوع تحقیق یافت شد. در ادامه به‌طور مختصر به معرفی آنها و نتایج اشاره می‌شود:

ارجمندی (۱۳۹۴) در تحقیقی با نام «الگوی طراحی آرایش رسانه‌ای صدا و سیما در فضای نوین رسانه‌ای جهان» که نتایج آن در فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی به چاپ رسیده؛ در این تحقیق به بررسی شرایط نوین فضای رسانه‌ای جهان برای انطباق با شرایط جدید و آشنایی با حوزه‌ها و جوانب آرایش رسانه‌ای پرداخته است. همچنین او در این پژوهش به طراحی الگوی موردنظر که به‌صورت ترکیبی بر مبنای طرح‌ریزی در دانش مدیریت استراتژیک و برنامه‌ریزی به الگوی گام به گام برای طراحی «آرایش رسانه‌ای» در مدیریت عمومی پرداخته است، پس از تعریف و تبیین مفهوم آرایش رسانه‌ای شامل ۱۴ گام اصلی می‌باشد: ۱. تعیین رویکردهای طراحی ۲. تفکیک پارادایم ۳. تنظیم اصول و قواعد طراحی آرایش ۴. تعیین نوع آرایش رسانه‌ای آفندی، تهاجمی، متقارن و نامتقارن ۵. شناخت وضع موجود و استعداد نیروی خودی و غیر ۶. ترسیم وضع مطلوب و برآورد وضعیت از فضای نوین رسانه‌ای ۷. تعیین حوزه نفوذ و کانون تمرکز تمدنی و اولویت‌ها و نیازسنجی جامعه و نظام ۸. تنظیم حوزه‌های آرایش رسانه‌ای و قالب‌ها و گونه‌های رسانه‌ای ۹. سازماندهی، نهادسازی و تنظیم زنجیره تأمین ۱۰. تبیین اهداف، مأموریت و چشم‌انداز کل و جزء ۱۱. تأمین منابع انسانی و امکانات ۱۲. هدایت و رهبری ۱۳. انتشار کیفی و کمی پیام ۱۴. نظارت و ارزیابی، آسیب‌شناسی مجدد، بازطراحی و به‌روزرسانی.

امینی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با نام «طراحی الگوی تسهیل گره‌های همگرایی فناورانه در ساختار معاونت فنی سازمان صدا و سیما ج.ا.ا.» به طراحی الگوی تسهیل گره‌های همگرایی فناورانه در ساختار معاونت فنی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. تحقیق او از نوع پژوهش کیفی- نظریه داده بنیاد- ۹ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان صدا و سیما می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده نموده است. او در این تحقیق به این نتایج دست یافت که «ظهور فضای همگرایی فناورانه» به عنوان شرط علی و «لزوم طراحی مجدد ساختار معاونت فنی» به عنوان پدیده اصلی الگو مشخص شد. راهبرد، «تغییر فعالیت‌های معاونت فنی» و «سازوکارهای قانونی» به عنوان شرایط مداخله گر معرفی شده است. «ایجاد تفکر رقابتی» زمینه را برای چگونگی بازتعریف فعالیت‌های معاونت فنی سازمان فراهم می‌کند. آخرین جزء الگو نیز، «طراحی سازوکارهای تسهیل گر تغییر ساختار» بر اساس یافته‌های پژوهش، بسیاری از فعالیت‌های معاونت فنی با ویژگی‌ها و الزامات عصر همگرایی فناورانه همخوانی ندارد. اقداماتی نظیر شناسایی فعالیت‌های غیر هدف و برون سپاری آنها، به همراه جذب نیروی انسانی چند مهارتی، در چابک سازی و انعطاف پذیری ساختار ضروری است.

شرودر^۱ (۲۰۱۵) در اثر پژوهشی خود با عنوان «رسانه‌های خبری جدید و قدیم» قصد دارد، بین نوع رسانه‌های خبری (سنتی، آنالین یا دیجیتال)، الگوهای مصرف خبری مخاطبان و محل مصرف خبر (سرکار، خانه، در مسیر) ارتباطی منطقی برقرار سازد. در این راستا او برای تحلیل داده‌ها در مطالعه موردی خود در دانمارک، از هر دو روش تحقیق کمی و کیفی بهره جسته است. نتایج تحقیق وی از این بابت اهمیت دارد که برای طراحی خبر و تأثیرگذاری موفق، باید این سه عامل: نوع رسانه‌ها، الگوهای مصرف خبری مخاطبان و توجه به محل مصرف خبر را در نظر گرفت و به آن توجه کرد (شرودر، ۲۰۱۵: ۷۸-۶۰).

راشا الله^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «بخش بوروکراتیک حاکم بر ساختار و تنوع محتوایی: پرونده سیستم تلویزیون ملی مصر» که نتایج آن در نشریه رسانه‌های جهانی در مصر به چاپ رسیده می‌گوید: مقررات رسانه‌ای به دلیل نوآوری‌های سریع تکنولوژیکی که با سرعتی بی‌سابقه

1. Schroder

2. Rasha Allam

ظاهر می‌شوند و منجر به تغییر در بازار رسانه‌ها می‌شوند، کاملاً اساسی است و این تغییرات موجب تغییر در چارچوبی می‌شود که بر این رسانه حاکم است. طبق یکی از تحقیقات اخیر، سازوکارها و پویایی بازار رسانه تأثیر قابل اندازه‌گیری بر کیفیت و نوع رسانه‌ای دارد که به مردم می‌رسد. از آنجا که متوقف کردن یا جلوگیری از قرار گرفتن مخاطب در معرض منابع مختلف اطلاعاتی دشوار است، پایبند بودن به یک سیستم پخش دولتی در دوره‌ای که با مقررات زدایی، پخش ماهواره‌ای، توسعه فناوری و اینترنت مشخص است نیز دشوار است. بنابراین حفظ حداقل یک رسانه که مفهوم سرمایه اجتماعی و هویت ملی را ارتقاء می‌دهد مهم است. این مطالعه کمبودهای ساختار سازمانی رسانه‌های مصری متعلق به دولت و روش‌های تأثیرگذاری آنها بر محتوای رسانه‌ها را تحلیل و اهمیت نسبی اصول سازمانی مشتق شده برای استفاده در سیستم رسانه‌ای مصر را برای اطمینان از استقلال اندازه‌گیری می‌نماید (راشا الله، ۲۰۱۸: ۸-۱).

بنابر بررسی‌های انجام شده در اسناد مشخص شد در این تحقیقات هر یک از محققان با محدود کردن دایره تحقیق سعی نموده‌اند تأثیر برخی از این عوامل و مؤلفه ساختاری را در بهبود عملکرد سازمان‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند. باوجود اهمیت نقش ساختار سازمانی در برابر آرایش رسانه‌ای دشمنان علیه کشورمان، شاید بتوان گفت که تاکنون پژوهشی به‌طور مستقل و اختصاصی به بررسی ویژگی‌های ساختار خبری سازمان صدا و سیما در مدیریت جنگ نرم نپرداخته است. لذا در این مقاله سعی داریم با ورود به این مبحث، این خلأ را مرتفع سازیم.

چارچوب نظری و مفاهیم تحقیق

برای جنگ نرم اصطلاحات مختلفی وضع شده است. آنچه با عنوان جنگ نرم^۱ مطرح می‌گردد در ادبیات غرب بیشتر به قدرت نرم^۲ شناخته می‌شود. در قرون گذشته، قدرت استعمارگران از طریق سخت‌افزاری نظیر تهدید نظامی، جنگ و اشغال نظامی بود؛ اما در عصر ارتباطات، رسانه و دیپلماسی عمومی و از حیث تحلیلی، راهبردهای نرم افزارانه پیوسته بر راهبردهای سخت‌افزارانه برتری دارد (عالم، ۱۳۷۳: ۹۱).

«ای. اچ. کار» نویسنده انگلیسی در سال ۱۹۳۹ پس از جنگ جهانی دوم به مفهوم «قدرت

1. soft war

2. soft power

نرم» اشاره کرد. «کار» قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و تسلط بر افکار توصیف نموده است (التیامی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۶۷). که بخش سوم آن به مفهوم قدرت نرم بسیار نزدیک است؛ اما قدرت نرم به مثابه یک نظریه منسجم نخستین بار توسط جوزف نای محقق برجسته روابط بین‌الملل در سال ۱۹۹۰ مطرح گردید. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می‌داند و معتقد است در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آنها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آید (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴).

در دیدگاه نای در قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه، سه راه «پاداش و جذب و اقناع» وجود دارد. او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، هوش هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت‌های بیانی و همچنین توانایی استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌باشد (نای، ۲۰۰۴: ۸).

قدرت نرم، ابزار، توانایی، استعداد و ظرفیت برای به دست آوردن چیزی بدون استفاده از زور و اجبار از طریق جذب و اقناع کردن دیگران است. قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود و تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران و اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌هایی نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۹: ۳۰).

مؤلفه‌های قدرت نرم

دانش: امروزه کشورهای جهان با بهره‌گیری از دانش‌ها و فناوری‌های نوین، تمام امکانات خویش را به‌ویژه در حوزه‌های سایبری، مجازی و رسانه‌های گوناگون تجمیع ساخته تا موجبات تقویت قدرت نرم آنها فراهم شود. امروزه در میان عوامل ثابت و متغیر استراتژیک، دانش یکی از مؤلفه‌های اساسی کسب قدرت و بالا بردن منزلت استراتژیکی یک کشور است. اصلاحات جدید، نظیر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات ریشه در اهمیت یافتن نقش دانش و تکنولوژی در سرنوشت ملت‌ها و تولید قدرت و اقتدار در عرصه بین‌المللی دارد.

فرهنگ: مفهوم فرهنگ شامل بخش نرم‌افزاری یک تمدن می‌شود که مجموعه دانش‌ها،

اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، طرز تلقی‌ها و آداب و رسوم که به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود را در برمی‌گیرد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۴۹).

در ابزار فرهنگ، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت، برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و تأثیرگذاری بهره‌برده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت: ازجمله ممیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیررسمی آن است، به عبارت دیگر، قدرت نرم زمانی می‌تواند گفتمان سازی با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌ها و امر و نهی‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی نماید و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند (مشفق، ۱۳۸۶: ۴).

ایدئولوژی: از لحاظ سیاسی به معنای عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است، به بیان بهتر ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی باشد (حلال‌خور و باباجان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴۶). ایدئولوژی، تشکیل‌دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب، هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم نمایند (قوام، ۱۳۸۰: ۶).

جنگ رسانه‌ای

مهمترین حوزه اعمال و تأثیرگذاری قدرت نرم بر طرف مقابل، حوزه رسانه است. اولین کسی که روی این مسئله کار کرده است، «سان تزو» است که در کتاب هنر جنگ نکته‌ای را مطرح می‌کند و می‌گوید: «می‌شود جنگید اما مهمترین کار این است که شما در یک نبرد بدون جنگ، پیروزی را بدست آورید». چیزی که او مدنظر قرار داده، همان عملیات روانی و جنگ نرم است (ایزدی، ۱۴۰۰: ۱۶).

جنگ رسانه‌ای، جنگ بدون خونریزی، آرام و تمیز تلقی می‌شود. جنگی که به صفحات روزنامه‌ها، میکروفن رادیوها، صفحات تلویزیون و عدسی دوربین‌ها جریان دارد (ضیایی پور، ۱۳۸۴: ۱۲۸). برخی از اندیشمندان معتقدند که رسانه‌ها، حاکمیت و قدرت تعیین سرنوشت انسان‌ها را از آن سلب و در اختیار خود گرفته‌اند و بر اندیشه، ادراک و احساس افراد مسلط شده‌اند (کریمی، ۱۳۸۶: ۶۰).

جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به‌صورت غیررسمی

ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش از رسانه‌ها، بهره‌گیری می‌کند. در پشت این جدال ژورنالیستی، امری به نام «سیاست رسانه‌ای» یک کشور نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب مجالس کشورها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی، تغذیه می‌شود.

مقام معظم رهبری در تبیین آرایش رسانه‌های عصر حاضر می‌فرماید: «امروز بیشترین تحرک دشمنان ما علیه ما بیش از تحرکات امنیتی و اقتصادی، تحرکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است، برای اینکه بر افکار عمومی مردم مسلط بشوند، مبالغ هنگفت هزینه می‌کنند تا بتوانند با جنگ روانی، یا تبلیغات گوناگون، افکار عمومی کشورها را- از جمله بیشتر از همه امروز کشور ما را که هدف سوءنیت قدرت‌های بزرگ است - قبضه کنند و در اختیار بگیرند.» (بیانات رهبری در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۴۰۰/۰۵/۱۲).

ساختار سازمانی^۱:

ساختار ترکیبی عالی از روابط بین عناصر سازمانی است که فلسفه وجودی فعالیت سازمان را تشکیل می‌دهد. نگاه سیستماتیک سازمان به ساختار نشان می‌دهد که ساختار از یک طرف از عناصر سخت و از طرف دیگر از عناصر نرم تشکیل شده است (علی احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰). به کارگیری رسانه‌های نوین به مدل‌های جدید ارتباطی نیاز دارد. با شکل‌گیری مدل‌های جدید ارتباطی، ساختارهای سنتی در سازمان رسانه‌ای دیگر پاسخگو نیستند و باید به دنبال طراحی و پیاده‌سازی ساختارهای سازمانی جدید بود (صلواتیان، ۱۳۹۵: ۲۰۲).

ابعاد ساختار سازمانی

در طراحی ساختار سازمانی، ابعاد سازمان را به دو دسته تقسیم می‌کنند: ابعاد ساختاری (رسمیت، تخصصی بودن، داشتن استاندارد، سلسله مراتب، پیچیدگی، تمرکز، حرفه‌ای بودن، نسبت‌های کاری) و ابعاد محتوایی (فرهنگ، اهداف و راهبردها، محیط، فناوری، اندازه) (دفت، ۱۳۹۸: ۳۲). در این تحقیق ابعاد محتوایی طراحی ساختار، اهداف رسانه‌های رقیب،

راهبردها، اندازه سازمان از جهات منابع انسانی و مالی و تکنولوژی و ابزارهای مؤثر در جنگ رسانه‌ای مدنظر می‌باشد.

ابعاد محتوایی

اندازه: اندازه سازمان عبارت است از بزرگی آن که به صورت تعداد افراد یا کارکنان مشخص می‌گردد. تکنولوژی سازمان: عبارت است از ماهیت سیستم (فرعی) تولید که شامل عملیات و روش‌های فرایند تولید (تبدیل اقلام مصرفی به اقلام تولیدی) می‌شود.

محیط: محیط شامل عواملی می‌شود که در خارج از مرز سازمان وجود دارد. برخی از این عوامل عبارتند از صنعت، دولت، مشتری، عرضه‌کنندگان کالا، مؤسسات مالی و سازمان‌های دیگر. استراتژی: یک برنامه عملی که به موجب آن شیوه تخصیص منابع و فعالیت‌های شرکت در رابطه با محیط و در راه نیل به هدف‌هایش تعیین می‌گردد. هدف‌ها و استراتژی‌ها سازمان مشخص‌کننده دامنه فعالیت‌ها و رابطه‌ای است که سازمان با کارکنان، مشتریان و رقبای خود دارد.

فرهنگ: فرهنگ سازمان نشان‌دهنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و تفاهم‌هایی است که سازمان در آنها با کارکنان وجوه مشترک دارد. فرهنگ سازمان چیز نانوشته‌ای است ولی با توجه به شعارها، جشن‌ها، نوع لباس و نمای سازمان قابل مشاهده می‌باشند.

این ابعادی که مورد بحث قرار گرفت به یکدیگر وابسته‌اند و مبانی را به دست می‌دهد که می‌توان بدان وسیله ویژگی‌هایی از سازمان را سنجید و تجزیه و تحلیل نمود که از طریق مشاهده تصادفی امکان‌پذیر نیست (دفت، ۱۳۹۸: ۳۳).

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از دو روش برای دسترسی به پاسخ سؤال تحقیق استفاده شده است. ابتدا برای گردآوری اطلاعات در مرور ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های ثانویه از روش اسنادی^۱ استفاده شده است و شاخص‌های مؤثر بر ساختار سازمانی با توجه به نظریات رابینز^۲، دفت^۳،

1. documentary research method
2. Robbins Stephen
3. Richard L. Daft

چندلر^۱، جون وودوارد و پرو^۲ استخراج گردید. سپس برای بخش بررسی نظرات خبرگان، از روش پژوهش کیفی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری: جامعه آماری شامل تمامی خبرگان حوزه خبر در سازمان صدا و سیمای ج.ا. ایران بودند که با مباحث ساختار و تشکیلات سازمان صدا و سیما آشنا هستند. تعداد ۱۲ نفر از این جامعه آماری به صورت غیر تصادفی و هدفمند برای انجام مصاحبه عمیق انتخاب شدند.

ابزارهای گردآوری اطلاعات: جمع‌آوری اطلاعات در دو مرحله انجام پذیرفت:

۱. مطالعات کتابخانه‌ای شامل بررسی و مطالعه مقالات، کتب، تحقیقات، مطالعات و تحلیل‌های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق. پژوهش اسنادی، پژوهشی مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند آرشیوها یا آمار رسمی است و مطالعات کتابخانه‌ای نیز مطالعاتی است که موضوعات مورد مطالعه در اختیار محقق قرار نداشته و غالباً مربوط به گذشته‌های دور یا نزدیک می‌گردد.

در بررسی وضع موجود صدا و سیمای جمهوری اسلامی و همچنین فضای نوین رسانه‌ای جهان، پژوهشگر با مورد مذاقه قرار دادن منابع اینترنتی، اسناد و کتب، به جمع‌آوری اطلاعات مرتبط پرداخته است.

۲. مصاحبه عمیق روشی است که در آن امکان کسب اطلاعات بالاست و مهمترین حسن مصاحبه عمیق غنای جزئیاتی است که به دست می‌آید. در پژوهش حاضر مصاحبه عمیق با ابزار سؤال‌های نیمه ساختاریافته (۱۰ سؤال باز) از خبرگان حوزه خبر که با مباحث ساختار و تشکیلات سازمان صدا و سیما آشنا بودند، انجام شد و تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت (جدول شماره ۱).

روش تحلیل داده‌ها: روش تجزیه و تحلیل در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است و با استفاده از شیوه کدگذاری، مقوله‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم؛ نتایج نهایی تحقیق گزارش و ارائه شد.

1. Alfred Chandler

2. Charles Perrow & June Woodward

جدول (۱) - مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سوابق اجرایی و علمی مصاحبه‌شوندگان
۱	مدیر امور بین‌الملل پرس تیوی - دکتری مدیریت
۲	مدیر تشکیلات سیما، سیاسی، صدا و برون‌مرزی - کارشناسی ارشد
۳	مدیر تشکیلات سیستم‌ها و الگوی ستادی پشتیبانی صدا و سیما - دکتری ارتباطات
۴	سردبیر نظارت و ارزیابی شبکه خبر سیما - دکتری مدیریت
۵	مدیرکل آموزش صدا و سیما - دکتری آینده‌پژوهی و آموزش
۶	قائم‌مقام پخش سیما - دکتری حقوق بین‌الملل
۷	مدیرکل اخبار سیما - دکتری ارتباطات
۸	مدیر وب‌سایت‌ها و رسانه‌های اجتماعی - کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات
۹	مدیر آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری رسانه (اداره کل مطالعات راهبردی) - دکتری آینده‌پژوهی
۱۰	مدیر پژوهش‌های خبری رسانه ملی - دکتری مدیریت رسانه
۱۱	مدرس دانشگاه و طراح امنیت سایبر - دکتری امور بین‌الملل
۱۲	مشاور مدیر شبکه خبر - دکتری ارتباطات

یافته‌های تحقیق

تحلیل محتوا و کدگذاری سؤالات باز مصاحبه‌ها

- مرحله اول: کدگذاری اولیه مفاهیم شاخص

در این مرحله تعداد ۸۱ مفهوم و شاخص کلی شناسایی و فراوانی هریک نیز مشخص شده است (جدول شماره ۲).

جدول (۲) - کدگذاری محوری

ردیف	کدهای باز	فراوانی
۱	سیالیت خطوط قرمز	۲
۲	خلاء ضمانت‌های اجرایی برای جلوگیری از جابجایی منابع انسانی و اشتغال در مشاغل غیر از شغل تخصصی آنها	۲
۳	تأثیرپذیری سازمان از جریان‌های غیرسازمانی و اعمال سلاقی شخصی در ایجاد و بازنگری ساختار	۵
۴	حاکم بودن فرهنگ غیررسمی	۴

۵	ناهمگرایی و عملکرد جزیره‌ای حوزه‌های صف و ستاد ناشی از فقدان قوانینی مدون و لازم‌الاجرا	۳
۶	ضعف قانونی مشخص برای تکمیل آرایش رسانه‌ای در فضای مجاز (پورتال‌های تخصصی، شبکه‌های اجتماعی باشگاه‌های اینترنتی)	۷
۷	سلیقه‌ای بودن تدوین و طراحی ساختار، نه نیاز واقعی سازمان	۳
۸	عدم چارچوب و شاخص مشخصی برای تمکین در زمان مورد نیاز	۲
۹	زمان‌بر بودن تغییرات ساختاری در بخش‌های خبری معاونت سیاسی	۳
۱۰	استوار بودن طراحی ساختار بر آزمون و خطا	۴
۱۱	لزوم تغییرات ساختاری با تأیید معاونت سیاسی	۱
۱۲	سیاست‌گذاری خبری متمرکز در حوزه معاونت سیاسی	۱
۱۳	پراکندگی مأموریت شبکه‌های خبری سازمان	۵
۱۴	منسجم نبودن سیاست‌های بخش‌های خبری با سیاست‌های کلان سازمان	۴
۱۵	کمبود خبرنگار مستقل در بخش اخبار با وجود برخورداری از نیروی انسانی متخصص و متعهد	۱
۱۶	بهره‌وری پایین منابع انسانی به دلیل عدم چند مهارتی بودن آنان	۷
۱۷	کمبود نیروهای متخصص و بروز و حرفه‌ای در بخش خبر	۲
۱۸	عملکرد غیرهمگرا و جزیره‌ای در پوشش اخبار در شبکه‌های خبری	۳
۱۹	حفظ نمودن نیروهای کارآمد	۳
۲۰	به کار نگرفتن نیروهای متخصص در مشاغل مربوطه	۳
۲۱	تمرکز قدرت در برخی از واحدها	۳
۲۲	زمان‌بر بودن تصمیم‌گیری و عدم تصمیم‌گیری سریع در مواقع اضطرار	۷
۲۳	پایین بودن تولیدات خبری چند پلتفرمی	۶
۲۴	عدم استفاده بهینه از فناوری‌های نوین در جهت دسترسی سریع، آسان و ارزان به انواع پلتفرم‌ها	۶
۲۵	عدم بهره‌برداری از مدل ۳۶۰ درجه در بخش تحریریه و خبر	۲
۲۶	پوشش محدود جغرافیایی با پلتفرم‌های مختلف علیرغم منابع فیزیکی و فنی بسیار	۱
۲۷	بهره‌برداری ناکافی از استودیوی مجازی در انواع قالب‌های برنامه‌سازی (برای کاهش هزینه‌های تولید)	۱
۲۸	وابستگی پخش برنامه‌ها به ماهواره‌های اروپایی و بروز تهدید جدی در امر سیگنال رسانی در صورت مواجهه با تحریم‌های احتمالی	۲

۲۹	تکیه بخش‌هایی از شبکه ارتباطی و تجهیزاتی بر تکنولوژی رو به انقراض آنالوگ و در نتیجه کاهش سرعت تولید	۲
۳۰	افت کیفیت و افزایش هزینه‌های تولید و پخش	۲
۳۱	وضعیت نامناسب پوشش و زیرساخت سیگنال‌رسانی و انتشار امواج	۳
۳۲	وجود نقاط کور جمعیتی در چتر پوشش دیجیتالی کشور و عدم آرایش کامل رسانه‌ای در سطح کشور	۳
۳۳	عدم استفاده از جدیدترین فناوری‌ها برای تولید با کیفیت صوت و تصویر	۳
۳۴	نسبت بالای مشاغل ستادی و پشتیبانی به مشاغل حوزه صف در بخش خبر	۸
۳۵	عدم بازنگری در تاپ چارت سازمان متناسب با اقتضانات توسعه و فضای رقابتی	۷
۳۶	بوروکراسی و سرعت پایین در اجرای امور جاری	۵
۳۷	مستقل و جزیره‌ای عمل کردن حوزه‌های خبری در سال‌های اخیر	۳
۳۸	گسترش ساختار از هر دو جهت عمودی و افقی به دلیل انجام فعالیت‌های مشابه و موازی‌کاری و در نتیجه افزایش وزن ساختار	۶
۳۹	منعطف نبودن ساختار خبری	۴
۴۰	اداری و فربه بودن ساختار خبری	۸
۴۱	سیاسی بودن سازمان و ورود داشتن جناح‌های سیاسی	۱
۴۲	عدم تناسب ساختار در مواجهه با تحولات محیطی و فناوری‌های رسانه‌ای	۲
۴۳	کند شدن کار به دلیل وجود بوروکراسی و روابط اداری	۲
۴۴	سبک مدیریتی از بالا به پایین	۳
۴۵	عدم تقارن در نسبت‌های ساختاری (نسبت صف به ستاد)	۷
۴۶	افزایش استفاده از ماهواره و شبکه‌های اجتماعی در بین مخاطبان	۲
۴۷	عدم تناسب ساختار سازمان با ماهیت رسانه‌ای آن	۵
۴۸	اشراف پایین تهیه‌کنندگان ساختار خبری سازمان با این سازمان رسانه‌ای	۵
۴۹	نداشتن ساختاری چابک نه صرفاً کوچک	۲
۵۰	آموزش گریزی کارکنان و مدیران خبری	۳
۵۱	کاربردی نبودن بخشی از آموزش‌ها	۲
۵۲	عدم توجه به بروز بودن و نیازهای آموزشی واقعی کارکنان بخش خبر	۳
۵۳	بهره‌برداری ناکافی از ظرفیت‌های قومی و بومی در پوشش اخبار	۲
۵۴	توجه ناکافی به اهمیت استفاده از تنوع مذهبی و قومیتی برای اقناع مخاطبان	۲
۵۵	عدم بهره‌برداری کافی از فضای مجازی برای رصد محیط رقابتی	۷

۵۶	ضعف در نظرسنجی و مخاطب‌شناسی	۳
۵۷	خطر کاهش اعتماد عمومی به رسانه‌ها	۶
۵۸	وجود ۱۱۰ میلیون نفر فارسی زبان و حدود ۶۰۰ میلیون نفر اردو زبان در جهان	۱
۵۹	قدرت بالای رسانه برای انتقال پیام به دلیل اعتماد مخاطبان	۲
۶۰	عدم کسب درآمد مستقل شبکه‌های خبری	۳
۶۱	متناسب نبودن اعتبارات دولتی سازمان با اهداف و مأموریت محوله	۳
۶۲	مشکل کمبود بودجه و تخصیص بودجه عمرانی در سال‌های اخیر	۲
۶۳	ضعف در الگوسازی سازوکارهای به‌کارگیری شده برای مقابله با جنگ منسجم رسانه‌ای	۵
۶۴	قدرت رسانه‌ای بسیار بالای دشمن و تبدیل رسانه به یک سلاح راهبردی	۶
۶۵	همسویی آرایش شبکه‌های فارسی زبان معاند	۵
۶۶	اعتماد به رسانه ملی علیرغم وجود شبکه‌های اینترنتی	۳
۶۷	داشتن شبکه‌های اینترنتی کیوفورتی و هوسا	۱
۶۸	حضور حداقلی در رسانه‌های اجتماعی و ناکارآمدی در مدیریت شبکه‌های اجتماعی	۴
۶۹	ارتقا ناکافی قابلیت‌های فنی فضای مجازی (کیفیت، کمیت، سرعت، پهنای باند)	۲
۷۰	نوع چینش افراد در بخش خبری	۳
۷۱	دردسترس بودن کارکنان خبر و مدیران در بخش خبر	۳
۷۲	اهمیت چگونگی چینش کارکنان خبر برای سرعت تصمیم‌گیری	۳
۷۳	نداشتن تحریریه مجازی و سرویس خبر جعلی	۴
۷۴	افزایش دامنه شایعات و وجود اخبار جعلی	۵
۷۵	نیاز به کاهش وابستگی مالی سازمان به بودجه دولت	۵
۷۶	مغایر بودن محتوای برخی از تولیدات برونسپاری و مشارکتی با اهداف اساسی رسانه و الزامات مربوطه	۶
۷۷	لختی ساختار به دلیل بودجه دولتی	۵
۷۸	ایجاد محور رسانه‌ای در برابر قطب‌بندی رسانه‌های معاند	۷
۷۹	ماهواره و اینترنت به مثابه فرصتی برای حضور و انتقال پیام‌های تشیع و محور مقاومت	۵
۸۰	اتمام دوره مخاطب خطی	۴
۸۱	ویوزروم در کنار نیوزروم (نگاه خطی و عمودی)	۵

-مرحله دوم: دسته‌بندی مفاهیم و طبقه‌بندی مقوله‌ها

در این مرحله تحلیل داده‌ها؛ ۸۱ گویه توسط دو کدگذار (به شیوه دستی) به ۲۱ مفهوم و ۸ مقوله تعریف و دسته‌بندی شد (جدول ۳). دو کدگذار در تمامی موارد به غیر از یک مورد توافق داشتند.

شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سؤال که؛ به نظر شما نقاط ضعف ساختار کنونی سازمان خبری مورد مطالعه یعنی سازمان صدا و سیما چیست؟ بیشترین تأکیدشان به مؤلفه‌های: ۱- تأثیرپذیری سازمان از جریان‌های غیرسازمانی و اعمال سلیق شخصی در ایجاد و بازنگری ساختار. ۲- ضعف قانونی مشخص برای تکمیل آرایش رسانه‌ای در فضای مجازی (پورتال‌های تخصصی، شبکه‌های اجتماعی باشگاه‌های اینترنتی). ۳- پراکندگی مأموریت شبکه‌های خبری سازمان. ۴- بهره‌وری پایین منابع انسانی بدلیل عدم چندمهارتی بودن آنان. ۵- زمانبر بودن تصمیم‌گیری و عدم تصمیم‌گیری سریع در مواقع اضطرار. ۶- پایین بودن تولیدات خبری چند پلتفرمی. ۷- عدم استفاده بهینه از فناوری‌های نوین در جهت دسترسی سریع، آسان و ارزان به انواع پلتفرم‌ها. ۸- نسبت بالای مشاغل ستادی و پشتیبانی به مشاغل حوزه صف در بخش خبر. ۹- عدم بازنگری در تاپ چارت سازمان متناسب با اقتضانات توسعه و فضای رقابتی. ۱۰- بوروکراسی و سرعت پایین در اجرای امور جاری. ۱۱- گسترش ساختار از هر دو جهت عمودی و افقی به دلیل انجام فعالیت‌های مشابه و موازی کاری و در نتیجه افزایش وزن ساختار. ۱۲- گستردگی بخش اداری و فربه بودن ساختار خبری. ۱۳- عدم تقارن در نسبت‌های ساختاری (نسبت صف به ستاد). ۱۴- عدم تناسب ساختار سازمان با ماهیت رسانه‌ای آن. ۱۵- اشراف پایین تهیه‌کنندگان ساختار خبری سازمان با این سازمان رسانه‌ای. ۱۶- عدم بهره‌برداری کافی از فضای مجازی برای رصد محیط رقابتی. ۱۷- ضعف در الگوسازی ساز و کارهای به‌کارگیری شده برای مقابله با جنگ منسجم رسانه‌ای. ۱۸- قدرت رسانه‌ای بسیار بالای دشمن و تبدیل رسانه به یک سلاح راهبردی. ۱۹- حضور حداقلی در رسانه‌های اجتماعی و ناکارآمدی در مدیریت شبکه‌های اجتماعی. ۲۰- افزایش دامنه شایعات و وجود اخبار جعلی نیاز به کاهش وابستگی مالی سازمان به بودجه دولت. ۲۱- مغایر بودن محتوای برخی از تولیدات برون‌سپاری و مشارکتی با اهداف اساسی رسانه و الزامات مربوطه و ضعف ساختاری بدلیل استفاده از بودجه دولتی بود.

جدول (۳): مفاهیم و مقوله‌بندی کدهای باز

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم	تعداد کدهای باز
۱	پیچیدگی افقی	ادغام ساختاری	۸ کد
۲	پیچیدگی عمودی	سطوح سرپرستی	۵ کد
۳	تمرکز	تصمیم‌گیری	۳ کد
۴	رسمیت	قوانین مشخص	۱۲ کد
۵	استراتژی	مأموریت سازمانی	۲ کد
۶		تأثیرگذاری در منطقه	۲ کد
۷		اعتماد مخاطب	۳ کد
۸		مدیریت افکار عمومی	۲ کد
۹		آرایش رسانه‌ای	۳ کد
۱۰		شبکه‌های آنلاین خبری	۴ کد
۱۱		اخبار جعلی	۲ کد
۱۲		قطب رسانه‌ای	۳ کد
۱۳	تکنولوژی	همگرایی رسانه‌ای	۴ کد
۱۴		تجهیزات دیجیتال	۸ کد
۱۵		محتوای غیرخطی	۲ کد
۱۶		اتاق خبر	۳ کد
۱۷	منابع انسانی	کارشناس-خبرنگار	۱ کد
۱۸		چند مهارتی بودن	۵ کد
۱۹		دوره‌های آموزشی	۳ کد
۲۰	مالی	بودجه و درآمدهای پایدار	۳ کد
۲۱		برونسپاری	۳ کد

پاسخ‌دهندگان در رابطه با سؤال اصلی این تحقیق همچنین بر «استراتژی، تکنولوژی و تجهیزات، منابع مالی و انسانی، میزان رسمیت در سازمان، تمرکز تصمیم‌گیری، کاهش پیچیدگی افقی و

عمودی» به عنوان مهمترین زیر مؤلفه های ساختار سازمانی برای رفع مشکلات موجود و رسیدن به آرایش رسانه ای مطلوب و منطبق با فضای کنونی رسانه ای جهان تأکید داشتند.

-مرحله سوم: ارائه مدل نهایی حاصل از نتایج

براساس نتایج حاصل از مراحل تحلیل داده های تحقیق، مؤلفه های الگوی ساختاری پیشنهادی به صورت زیر تدوین شده است. شاخص ها به این صورت که بیانگر رابطه میان آنها باشد در کنار همدیگر قرار گرفته اند تا تأثیر گذاری هر یک از این عوامل در شکل مشخص باشد.



تحلیل داده های حاصل از مصاحبه موجب استخراج ۸۱ گویه و ۲۱ مفهوم و ۸ مقوله اصلی شد که در مدل مفهومی بالا مؤلفه های اصلی اثرگذار و مورد تأکید شرکت کنندگان در این بخش تحقیق به روشنی مشخص است. طبق الگوی پیشنهادی؛ ساختار سازمان های خبری براساس آرایش رسانه ای جدید بر هشت شاخص اصلی استوار است. تمامی ۸ شاخص

مستخرج از تحلیل داده‌های نهایی تحقیق به‌عنوان پایه‌های ساختار سازمان خبری صدا و سیما در محیط داخلی سازمان تعریف می‌شوند. در انتخاب عوامل تأثیرگذار بر ساختار سازمانی از نظریات رابینز (پیچیدگی افقی و عمودی)، دفت (تمرکز)، چندلر (استراتژی)، جون وودوارد و پرو (تکنولوژی) استفاده شد. بخشی دیگر مؤلفه‌ها نیز توسط اجماع نظر خبرگان بر روی عوامل شناخته شده از مطالعات کتابخانه‌ای شناسایی گردید.

مؤلفه‌های پیچیدگی افقی و عمودی از جمله شاخص‌هایی هستند که بر روی عملکرد سازمان خبری تأثیر زیادی دارد؛ ادغام ساختاری و تغییر در ساختار سطوح مدیریتی حوزه خبر، رابطه مدیریتی بالا به پایین را کاهش می‌دهد و از اعمال نظرهای بیش از حد می‌کاهد و این امر باعث افزایش کیفیت و کمیت تولید خبر و به دنبال آن تحقق سیاست‌های خبری در برابر آرایش سایر رسانه‌های رقیب در نظر گرفته شده است. تصمیم‌گیری توسط تعداد معدودی از مدیران ارشد به انفعال و کندی سازمان می‌انجامد.

در این میان، شاخص استراتژی نیز به‌عنوان شاخص مهم در کنترل اما متأثر از شرایط و محیط خارجی است. محیط خارجی یک سازمان که در برگیرنده همه شرایط و عوامل خارجی است بر استراتژی (عامل مهم داخلی) سازمان اثر دارد. هرچند محیط داخلی قابل کنترل است اما محیط خارجی نوعاً از کنترل سازمان خارج است. در بحث استراتژی‌های رسانه‌ای؛ قطبیت رسانه‌ای، میزان جلب اعتماد مخاطب، مأموریت یکپارچه سازمان، مدیریت افکار عمومی و آرایش رسانه‌ای جدید از مهمترین محورها می‌باشد. در بیان تأثیر آرایش رسانه‌ای بر ساختار سازمان‌های خبری سه مقوله مقابله به مثل با دشمن، قدرت نرم رسانه‌ای و مقابله با اخبار جعلی مورد تأکید قرار گرفت.

شاخص تکنولوژی تنها شاخص مورد تأکید خبرگان شرکت‌کننده در این تحقیق است که هم بر محیط داخل سازمان خبری و هم محیط خارجی آن تأثیرگذار است. در شرایط رقابت رسانه‌ای کنونی ضروری است که با بهره‌برداری از آخرین فناوری‌های رسانه‌ای و با استفاده از تکنولوژی‌های جدید روز و پلتفرم‌های موجود در جهت رفع نیازهای خبری مخاطبان و افزایش سرعت انتشار اخبار همت گماشت.

از دیگر شاخص‌های مورد تأیید تحقیق، منابع انسانی سازمان می‌باشد. نگاه به رسانه و آن‌هم یک رسانه خبری به‌عنوان یک صنعت خلاق، مستلزم آن است که نگاه کمی در ارزیابی فعالیت‌های کارکنان با نگاه کیفی جایگزین شود و مدیران، فضا و انگیزه برای رشد خلاقیت را

در بین کادرهای خبری فراهم کنند. از آنجا که سازمان‌های رسانه‌ای میانه محورند یعنی اهمیت محوری را بدنه سازمان دارند و نه رأس سازمان، عملکرد سازمان‌های خبری تا حد زیادی وابسته به خلاقیت و مهارت خبرنگاران و دبیران و سردبیران خبر است.

در خصوص شاخص منابع مالی توجه به تأمین بودجه و درآمدهای پایدار، کاهش هزینه تولید رسانه و لزوم برون‌سپاری از یافته‌های این تحقیق می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که حجم زیادی از فعالیت داخلی و بین‌المللی سازمان صدا و سیما در قالب خبر و برنامه‌های خبری است، در راستای حرکت به سمت حضور پر قدرت در سطح ملی و بین‌المللی و تقابل با رسانه‌های معاند لاجرم بایستی ساختار خبری سازمان مورد بازبینی و تغییراتی جهت بهبود عملکرد قرار گیرد. از سوی دیگر نیز داشتن مزیت رقابتی از دیگر کارکردهای ساختارهای هماهنگ با آرایش رسانه‌ای جدید است تا بدین گونه، سازمان خبری با داشتن مزیت رقابتی ضمن برتری در صحنه اطلاع‌رسانی، عملیات روانی رسانه‌های رقیب را خنثی کند.

با توجه به شاخص‌های تأیید شده تحقیق، معماری این ساختار در شرایط کنونی رسانه‌ای، نیازمند انعطاف‌پذیری، چابکی، مسطح بودن، عدم تمرکز، عدم رسمیت و پاسخگویی سریع در سه حوزه تعیین، تولید و توزیع پیام در یک مدیریت واحد می‌باشد. در بخش برون‌مرزی؛ شبکه العالم، پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی که به بخش اخبار به زبان‌های عربی، انگلیسی و اسپانیایی می‌پردازند در کنار شبکه بین‌المللی خبر، با یک برند و نام، می‌تواند به‌عنوان یک شبکه خبری واحد شناخته شود و این امر یکی از عوامل اثرگذار در هدایت افکار عمومی و ایجاد قطب و مرجع خبری در بین مخاطبان باشد. همگرایی و هم‌افزایی از دستاوردهای این مدیریت یکپارچه خواهد بود. ایجاد یک برند پر قدرت خبری، قدرت نرم رسانه‌ای این سازمان را بالا خواهد برد. در راستای مدیریت منسجم شبکه‌های خبری صدا و سیما و ایجاد یک برند قوی بین‌المللی، نزدیک شدن واحدهای مختلف سازمان به ساختار شبکه‌ای ضرورت دارد. گزارش‌های روند پژوهی صنعت رسانه حاکی از آن است که روند استفاده از رسانه برو دکست (تلویزیون) شیب نزولی دارد و این شیب در بخش خبر بسیار شدید است و در مقابل، استفاده از رسانه‌های اجتماعی در یک روند صعودی تند قرار دارند که از آن به «رشد انفجاری» هم تعبیر

شده است. ساختار فنی رسانه‌های اجتماعی، منطق شبکه‌ای و قابلیت تولید محتوا را به کاربر می‌دهد، به همین دلیل است که روند مصرف رسانه‌ای به نفع رسانه‌های جدید و اجتماعی در حال تغییرند. پس دیجیتال شدن یکی از ابزارهای مهمی است که جهان آینده، از جمله رسانه را می‌سازد. سه ویژگی بارز دیجیتال‌لیسم، سرعت، تنوع و شگفتی‌آفرینی است که برای رسانه‌ها ضروری خواهد بود. لذا فرایند دیجیتال شدن و الزامات ساختاری آن در ابعاد مختلف باید در برنامه‌ریزی‌های سازمان خبری لحاظ شوند. علاوه بر آن با توجه به حضور بالای مردم در رسانه‌های اجتماعی، سازمان خبری صدا و سیما در جهت حفظ قطبیت رسانه‌ای و مقابله با اخبار جعلی مثل هر سازمان رسانه‌ای دیگر باید در پلتفرم‌های جدید و اجتماعی و هر جا مردم هستند حضوری مؤثر و جدی و برندی معتبر داشته باشد.

در عرصه داخلی، تجربیات چند بحران اخیر خصوصاً آب‌ان ۹۸ و ۸۸ حاکی از اهمیت نقش سازمان خبری در اطلاع‌رسانی سریع و دقیق در مواقع بحرانی است. لذا پیشنهاد می‌شود سازمان خبری صدا و سیما جهت پوشش خبری، اطلاع‌رسانی و اقناع افکار عمومی با تدوین و اخذ پیوست رسانه‌ای در هر سه مرحله پیش، حین و پس از بحران، به سرعت به ایفای نقش فعال پردازد تا مرجعیت خبری صدا و سیما حفظ گردد. در عرصه بین‌المللی نیز، برای جلوگیری از تحریف، تعرض رسانه‌ای دشمنان و توسعه فعالیت‌های آنان و همچنین بی‌اثر یا کم‌اثر کردن برنامه‌ها در شرایط فعلی علاوه بر استراتژی بازدارنده و تدافعی، سازمان صدا و سیما باید نوعی سیاست تهاجمی در مقابل بلوک‌های رسانه‌ای معاند را نیز داشته باشد. مناسب است شبکه‌های خبری علاوه بر آن که تحت یک برند و یک مدیریت جامع هدایت شوند، حتی چیزی فراتر از آن، برای جذب مخاطب و افزایش تأثیرگذاری، جبران کسری بودجه و ایجاد بلوک رسانه‌ای در برابر بلوک رسانه‌ای امپریالیسم، به همکاری با شبکه‌های همسو و هم‌جهت در منطقه و حتی جبهه مقاومت پردازد. هر چند تضادهایی، این همکاری را ممکن است با مشکلاتی مواجه نماید اما با در نظر گرفتن نقاط مشترک، این امر تحقق‌پذیر خواهد شد.

در راستای توانمندسازی نیروهای حرفه‌ای متخصص، متعهد و خلاق رسانه‌ای نیز، سازمان خبری صدا و سیما می‌تواند با شکستن قالب کلیشه‌ای نیروی انسانی و تعدیل نیروی ناکارآمد از سنگین شدن بدنه سازمان خود جلوگیری نماید و از سویی دیگر آموزش راهبردی متناسب با نیازهای شغلی و ظرفیت‌های افراد را مورد توجه قرار دهد.

منابع

۱. التیامی نیا، رضا و تقوائی نیا، علی (۱۳۹۵). «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۹۶-۱۶۷.
۲. امینی، مجید (۱۳۹۷). «طراحی الگوی تسهیل گرهای همگرایی فناورانه در ساختار معاونت فنی سازمان صدا و سیما ج.ا.ا»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۵۲-۲۹.
۳. امیرکبیری، علیرضا (۱۳۹۰). رویکردهای سازمان و مدیریت و رفتار سازمانی، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۴. ایزدی، فؤاد و رحیمی، بهمن (۱۴۰۰). «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آراء و اندیشه های امام خامنه ای (مدظله)»، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۴۲-۷.
۵. بیانات رهبری معظم انقلاب در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۱۲.
۶. بیگی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی.
۷. جمالی خسروآبادی، اکبر (۱۳۹۵). امپریالیسم، رسانه و جهانی سازی، تهران: انتشارات اطلاع رسانان.
۸. حلال خور، مهرداد و باباجان نژاد، محمد (۱۳۹۰). «تأثیر ایدئولوژی بر کارکرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب و اسرائیل)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۹، صص ۲۵۴-۲۴۵.
۹. خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۱، صص ۷۲-۴۷.
۱۰. دفت، ریچاردال (۱۳۹۸). تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، جلد اول، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۱. دهقانی سیمکانی، رحیم (۱۳۹۱). «امپریالیسم رسانه، چالش ها و باید های تربیتی»،

- پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، سال اول، شماره ۲، صص ۳۷-۹.
۱۲. رابینز، استیفن پی (۱۳۷۸). تئوری سازمان؛ ساختار، طراحی و کاربردها، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانائی فرد، تهران، انتشارات صفار.
 ۱۳. روشندل، طاهر و سید مهدی شریفی (۱۳۹۴). از سرمایه شهرتی تا شهرت رسانه‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۴. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۷). پرسانه قدرت نرم و امنیت، تهران: انتشارات پشتیبان.
 ۱۵. شریفی، سید مهدی و امیدی، افشین (۱۳۹۷). ژورنالیسم تلویزیونی (معرفت‌شناسی، فلسفه و روش‌ها)، تهران: انتشارات تیسرا.
 ۱۶. صلواتیان، سیاوش و علی عسگری، عبدالعلی و احمدی، حنا (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی ساختار سازمانی «تلویزیون‌های اینترنتی» در کشورهای جهان و پیشنهاد ساختار مناسب برای سازمان صدا و سیما»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۳، صص ۲۳۲-۲۰۱.
 ۱۷. ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۴). جنگ نرم: ویژه جنگ رایانه‌ای، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
 ۱۸. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
 ۱۹. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
 ۲۰. عسگری، محمود (۱۳۹۸). «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۸، صص ۸۶-۶۱.
 ۲۱. علی عسگری، عبدالعلی و موفقی، افسانه (۱۳۹۴)، سپهر جهانی رسانه؛ روندهای عمده در زیرساخت رسانه‌های نوین، تهران: دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
 ۲۲. علی عسگری، عبدالعلی؛ ارجمندی، اسماعیل و دانایی، مهدی (۱۳۹۸)، آرایش رسانه‌ای، تهران: انتشارات ساقی.
 ۲۳. کازنو، ژان (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
 ۲۴. کرمی، رضا (۱۳۸۶). «مبانی تئوریک و مصداقی تهدید نرم و قدرت نرم»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۸، صص ۴۱-۷۳.
 ۲۵. مشفق، محمدعلی (۱۳۸۶). «قدرت نرم»، روزنامه اعتماد ملی، سی بهمن‌ماه.

۲۶. مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجالالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۷. نصراللهی کاسمانی، اکبر (۱۳۹۸). مدیریت پوشش بحران در رسانه‌های حرفه‌ای، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
28. Ali Ahmady, G. & Mehrpourb, M. & Nikooraveshb, A. (2016). "Organizational Structure" International Conference on New Challenges in Management and Organization: Organization and Leadership, 2 May 2016, Dubai, UAE.
29. Austin, A & Barnard, J & Hutcheon, N., & Parry, D. (2015). "Media consumption forecasts 2015". David Parry. Open Studio: <https://communicationonline.me/wpcontent/uploads/2016/06/Media-Consumption-Forecasts>.
30. ogru, T & Hanks, L. & Ozdemir, O. & Kizildag, M. & Ampountolas, A & Demirer, I. (2020). "Does Airbnb have a homogenous impact? Examining Airbnb's effect on hotels with different organizational structures". International Journal of Hospitality Management. Vol.86, pp.1-3
31. Ghorbannejad Estalaki, K. (2017). "On the impact of organizational structure on organizational efficiency in industrial units: Industrial units of Kerman and Hormozgan Provinces", estacao cientifica-unifap, No.7, pp.95-105.
32. Nye, Joseph s. (2004). **soft power: the Means to success in world politics**, New York, public Affairs.
33. Rasha Allam N. (2018). "The Bureaucratic Broadcasting Governing Structure and Content Diversity: The Case of the Egyptian National Television System". Department of Journalism and Mass Communication. Egypt, Global Media Journal, Vol.16, No.30:99.
34. Schroder, K.C. (2014). "News media old and new: Fluctuating audiences, news repertoires and locations". journalism Studies, 16(1), pp.60-78.

تحلیل و نقد عقلانیت ابزاری در سیاستگذاری عمومی با تأکید بر عقلانیت اسلامی

وحید آرای‌ی^۱

چکیده

سیاستگذاری عمومی معطوف به فرایندی است که در صدد شناخت مسایل و مشکلات، ارائه راه حل‌های سیاستی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی است. اگر عقلانیت ابزاری، بهینه‌سازی ابزارها جهت دستیابی به هدف نهایی باشد، مطالعه سیاستگذاری رهنمون می‌سازد که جامعه هنوز فاصله زیادی تا پیمودن و تدوین سازوکار ساختاری ضروری برای رسیدن به این هدف مطلوب دارد. عقلانیت اسلامی مبتنی بر حاکمیت ارزش‌های دینی بر مدیریت و سیاستگذاری در بخش عمومی است و با توجه به اینکه در اسلام هدف، تکامل انسان‌ها در جهت قرب الهی می‌باشد، حکمرانی اسلامی نمی‌تواند بدون توجه به این غایت، روش‌ها و شیوه‌های فرایند سیاستگذاری اداره امور عمومی را تبیین و تدوین کند. پژوهش حاضر با هدف توسعه‌ای و مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی به تبیین، ارزیابی و نقد عقلانیت ابزاری در سیاستگذاری با تأکید بر عقلانیت اسلامی و دینی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که عقلانیت اسلامی فراتر و کامل‌تر از الگوهای عقلانیت ابزاری، به عقلانیت دینی، معرفتی و اخلاقی در فرایند سیاستگذاری در بخش عمومی نیز توجه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عقلانیت ابزاری، سیاستگذاری، عقلانیت اسلامی، بخش عمومی.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
vah.araei@iauctb.ac.ir

مقدمه

عقلانیت^۱ بعنوان ابزاری برای مشخص کردن آن چه که مطلوب است، بکار می‌رود. از اینرو، تردیدی نیست که عقلانیت به لحاظ اجتماعی، تصویری و شالوده‌ای جهت سازماندهی ساختارهای اجتماعی محسوب می‌شود. اصول حکومت شیوه عقلایی برای مردم را واگذاری حقوق و آزادی آنها به حکومت جهت صیانت در برابر خطر شرارت و منازعه می‌داند. با این فرض، انتظار عقلایی عمل کردن حکومت از طرف مردم امری مطلوب است. دولت‌ها در اجرای بسیاری از سیاست‌های عمومی موفق عمل نمی‌کنند. چالش‌ها، موانع و محدودیت‌های بسیاری ممکن است اجرای سیاست‌ها را با اختلال روبرو کند. اما معمولاً هنگامی که مرحله اجرا دچار شکست می‌شود؛ فقط مجریان سرزنش می‌شوند، در حالی که تدوین‌کنندگان سیاست هم نقش زیادی در (موفقیت و) شکست سیاست‌ها دارند. عدم رعایت عقلانیت در مرحله تدوین سیاست به وسیله تدوین‌کنندگان می‌تواند به اجرای ناموفق سیاست‌ها منجر شود (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۱-۷۹).

سیاست‌گذاری عمومی که می‌توان آن را در راستای تلاش دولت برای حاکمیت اثربخش دانست، از حوزه‌های مهم علوم سیاسی و مدیریت دولتی است. سیاست را به شکل‌های مختلف تعریف کرده‌اند، اما به طور ساده می‌توان گفت سیاست عمومی تصمیمی است که در رابطه با یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود و باید در نظر داشت که سیاست به طور صرف اتخاذ تصمیم نیست بلکه فرایندی است شامل تمام اقداماتی که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی و نتایج حاصل از اجرای سیاست هم می‌گردد. اهمیت سیاست‌گذاری در مدیریت دولتی به اندازه اهمیت تصمیم‌گیری در مدیریت است اما بسیاری از اوقات، عملکرد واقعی دولت‌ها با آنچه که در زمان تدوین سیاست‌ها وعده داده بودند، تفاوت بسیار دارد و بسیاری از سیاست‌های دولتی در مرحله اجرا شکست می‌خورند. مشکلات اجرایی زمانی اتفاق می‌افتد که نتایج مطلوب مربوط به منافع موردنظر حاصل نشود و چنین مشکلاتی تنها اختصاص به کشورهای در حال توسعه نداشته و هر جا و هر زمان که عوامل اساسی و حیاتی برای اجرای سیاست عمومی از دست برود- چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه

یافته- مشکل اجرا وجود خواهد داشت (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۰-۴۹).

مقاله حاضر، به تحلیل و نقد موضوع عقلانیت در اقدام دولت با تأکید بر فرایند سیاستگذاری می‌پردازد. از آنجا که رهیافت عقلانیت ابزاری یا ابزار-هدف^۱، به عنوان انتقال سیاستی قلمداد می‌گردد، بر عقلانی‌ترین ابزار جهت رسیدن به اهداف تأکید می‌شود لیکن عقلانیت اسلامی به سه سطح عقلانیت معرفتی، عقلانیت اخلاقی و عقلانیت ابزاری در سیاستگذاری عمومی توجه می‌کند (رحیم پور، ۱۳۷۸، ۱۰۸-۱۰۷).

توجه به اصول و ارزش‌های سیاست‌های عمومی، دارای آثار بسیاری در زندگی عموم جامعه است. یکی از این اصول، اصل خدامحوری در جوامع اسلامی، با نگاه توحیدی است که به اشکال مختلف بر سیاستگذاری عمومی اثر می‌گذارد. نقش عقلانیت اسلامی و خدا محوری در سیاست‌گذاری این است که فقط خدای متعال می‌تواند سیاستگذاری کند و اگر کس یا کسانی دیگر هم سیاستگذاری نمایند، باید مأذون از سوی او باشند. هم در مدیریت اسلامی و هم در مدیریت غربی همواره متغیرهای غیرقابل کنترل وجود دارد. اگر چه در هر دو شیوه مدیریت زمینه تفکر منطقی و معقول برای تصمیمات وجود دارد لیکن سیاستگذار در مدیریت اسلامی برای اینکه این متغیرهایی غیر قابل کنترل، پشتیبان و حامی تصمیمات منطقی و معقول او شود به خداوند توکل می‌جوید و معتقد، دلگرم و مطمئن به یاری خداوند در زمانی است که در انجام دادن تمامی تکالیف و وظایف الهی و انسانی خود در جامعه و بویژه در سازمان هیچ کوتاهی نکرده است. این سیاستگذار بنا بر ساختار اعتقادی تجربی و ارزشی ذهن خویش برای موافق شدن متغیرهای محیطی غیرقابل کنترل با تصمیم خود، به سوی استعانت از خداوند متمایل است لیکن در الگوی مدیریت غربی عوامل متغیر قابل کنترل و غیرقابل کنترل را با مفاهیم سیاستگذاری مبتنی بر عوامل معین و غیرمعین شانس یا احتمال تقسیم بندی می‌کند که فاقد اعتقاد و توکل به خداوند است.

۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۱/۱. پیشینه پژوهش

رازینی و عزیزی (۱۳۹۴) «طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی» تأکید دارد مفهوم بصیرت با تأکید بر سه جنبه بصیرت نسبت به دین، بصیرت نسبت به مسئله و بصیرت نسبت به جامعه به عنوان مؤلفه محوری در تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی شناسایی شد. فرایند پژوهش عوامل مشورت، توکل، اخلاص و اعتدالگرایی به عنوان عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری اسلامی نشان داده شده است.

رحمانی (۱۳۹۵) «بررسی نقش وحی در تصمیم‌گیری عقلانی - شهودی» به این یافته رسیده است که فرد در هنگام تصمیم‌گیری عقلانی در تمامی مراحل آن از طریق اعتقادات، احکام و ارزش‌های اسلامی هدایت می‌شود. تعالیم وحی همپای عقل و در نقش مصباح آن در فرایند تصمیم‌گیری حضور دارد و تجارب قضاوتی افراد، ارزش‌ها و ایده آل‌های آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حسین زاده و برزگر (۱۳۹۶) «معرفی و کاربست نظریه عقلانیت اسنلن در سیاستگذاری» درپرسی معرفی و آزمون عملی مدلی از سیاستگذاری است که می‌تواند برخی چالش‌های مهم پیش روی سیاست‌سازان از قبیل گسیختگی مرحله تدوین از اجرا، عدم تئوری مطلوب برای سیاستگذاری و عدم تجمیع بازخوردهای شکل گرفته جوامع علمی و منتقدان را مرتفع و یا کاهش دهد. محققان تلاش دارند به معرفی چارچوبی بپردازند که بتواند الزامات حین سیاستگذاری و الزامات بعد از سیاستگذاری را پوشش دهد.

نیزی و دیگران (۱۳۹۹) «تبیین مدل ارزیابی عقلانیت در سازمان با رویکرد اسلامی» معتقدست از دیدگاه هربرت سایمون، جوهره و اساس مدیریت تصمیم‌گیری است. اهمیت تصمیم‌گیری زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بخواهیم آن را فراتر از سطح فردی، در سطح سازمانی بررسی کنیم. زیرا سازمان‌ها به عنوان سیستم‌های پیچیده تصمیم‌گیری بر مبنای دیدگاه‌های گوناگونی به این مقوله مهم می‌پردازند. پژوهش‌های متداول در ادبیات مدیریت، اکثراً تصمیم‌گیری را بر مبنای عقلانیت غالب در دنیای غرب مطالعه می‌کنند. با توجه به بافت فرهنگی حاکم بر کشور ما بررسی عقلانیت زیربنای تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی امری ضروری است.

۱/۲. مبانی نظری

۱/۲/۱. چستی سیاستگذاری در بخش عمومی

هارولد لاسول؛ سیاست‌گذاری را برنامه‌ای معین با اهداف، ارزش‌ها و عملکردها می‌داند. گای پترز؛ سیاست عمومی را مجموعه فعالیت‌های حکومتی می‌داند که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (Peters, 2004: 21). از نظر توماس دای؛ سیاست عمومی آن چیزی است که حکومت تصمیم می‌گیرد انجام دهد یا کنار بگذارد (Dye, 2002: 1). جیمز اندرسون؛ سیاست‌گذاری را مجموعه‌ای از کنش‌های هدف‌دار از سوی یک بازیگر یا بازیگران در ارتباط با یک مسأله می‌داند. دیوید ایستون از سیاست‌گذاری به عنوان تأثیر سیاست‌های دولت و پیر مولر آن را علم دولت در عمل تعریف می‌کند (ملک‌محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۹-۱۷۸). وایمر و وینینگ نیز تحلیل سیاست عمومی را اصول و دیدگاهی می‌دانند که به مخاطبان مرتبط با تصمیم‌های عمومی جهت می‌دهد و با توجه به ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (Weimer & Vining, 1999: 27).

با توجه به تعاریف مذکور، سیاست عمومی را می‌توان اتخاذ تصمیماتی به نام عموم از سوی حکومت که در قالب مقررات به اجرا در می‌آید و دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی شهروندان است. چنانچه مدیران دولتی با ماهیت و کارکردهای فرایند سیاستی آشنا نباشند، نمی‌توانند راهبرد مؤثری برای جهت‌دهی و انسجام سیاست عمومی ایجاد نمایند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۵).

۱/۲/۲. فرایند تحلیل سیاستی و سیاستگذاری عمومی

رشته دانشگاهی سیاست‌گذاری عمومی منبعث از رویکرد علوم سیاستی مبتنی بر کاربرد دقیق علوم برای مسایل حکومتداری و ریشه در کارهای هارولد لاسول در دهه ۱۹۵۰ میلادی دارد. لاسول به دنبال آن بود تا علوم اجتماعی را از طریق ارایه راه‌حل‌های عینی که ضرورت مباحث سیاسی بی‌ثمر درباره مسایل روز را تقلیل می‌داد، به نحوی کاربردی نماید تا بتواند به عنوان واسطه بین دانشگاه‌ها، تصمیم‌سازان دولتی و شهروندان عادی عمل نماید (Fischer, ۲۰۰۳: ۳). هدف از تحلیل سیاست فراهم نمودن اطلاعات برای سیاست‌گذاران بوده تا آنها بتوانند برای مشکلات سیاستی راه‌حل‌های عینی بیابند.

تاریخ فرایند سیاستگذاری عمومی با تاریخ حکومت‌داری همزمانی دارد، هر چند علم یا دانش سیاستگذاری عمومی و مطالعه آن قدمت اندکی دارد. شاید مطالعه سیاست‌ها و تجزیه و تحلیل فرایند آن قدمتی بیشتر داشته باشد، اما دهه ۱۹۵۰ میلادی سرآغاز مطالعات دانشگاهی در حوزه سیاستگذاری عمومی است. دانش سیاستگذاری عمومی به مطالعه و تحلیل عمل دولت‌ها می‌پردازد. از این‌رو، سیاستگذاری عمومی، اتخاذ تصمیماتی به نام عموم از سوی حکومت که در قالب مقررات به اجرا درمی‌آید و دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی شهروندان است. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از کنش‌ها و فعالیت‌های دولت در پاسخ به مسایل اجتماعی است. هنگام ورود به حوزه سیاستگذاری عمومی پژوهشگر، این سؤال را که «چه کسی حکومت می‌کند و چگونه»، رها می‌کند تا به این پرسش که «چگونه و به وسیله چه کسی یک سیاست عمومی تهیه و اجرا می‌گردد»، پاسخ می‌دهد (آرایسی، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۲). کارکردهای عمومی سیاستگذاری که مدیران دولتی می‌توانند به عهده بگیرند متشکل از پنج مرحله اساسی است: شناخت مسأله و دستورگذاری، ارائه راه‌حل‌ها و تنظیم سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. در این مفهوم، فعالیت‌های سیاستگذاری در مراحل خطی متوالی رخ نمی‌دهد بلکه به صورت یک فرایند و دارای مراحل مجزا و در عین حال به هم مرتبط بوده و مجموعه فعالیت‌هایی هستند که سیاستگذاران می‌توانند در آنها وارد شوند تا به اهداف سیاستی اجتماعی و دولتی خود دست یابند. سیاستگذاران با افزایش بصیرت، ذکاوت و مهارت‌های سیاستگذاری و نیز تخصص‌های مدیریتی، می‌توانند زمینه بهبود کارکرد سیاست‌ها را فراهم آورند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰).

مرحله اول؛ شناخت مشکل و قرار گرفتن آن در دستورکار؛ به فرایندی اشاره دارد که مشکلات شناسایی و وارد دستورکار می‌شود. مهم‌ترین موضوع در فرایند سیاستگذاری، مسأله‌شناسی است. باید مسأله را از آن جهت شناسایی و بررسی کرد که آیا مسأله موجود در دستورکار، یک مسأله عمومی است و سپس پس از شناخت مسأله، آیا توان و جایگاه قرار گرفتن در دستورکار سیاستگذاران را دارا خواهد بود. شناخت نادرست مسأله، راه‌حل‌های آن را متأثر می‌سازد و نتایج مطلوبی به بار نخواهد آورد.

در این راستا، باید به سه شاخص مهم (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۸۹ الف) وضعیت مسأله (در این خصوص باید به این پرسش پاسخ داد که وقتی مسأله نخستین بار به عنوان مسأله عمومی مورد توجه سیاستگذاران قرار می‌گیرد در کدام مرحله از چرخه حیات خود قرار دارد)، ب)

ویژگی مسأله (هر مسأله‌ای در چرخه حیات خود هنگامی مدنظر سیاستگذاران قرار می‌گیرد که با ویژگی خاص و مناسب نظیر حساسیت و اثرگذاری، ویژگی‌های حرفه‌ای و کارشناسی، ویژگی‌های سیاسی، ویژگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های ناشی از تشخیص فردی در دستورکار سیاستگذاری قرار گرفته باشد) و ج) بازیگران تأثیرگذار (برای شناسایی بازیگران تأثیرگذار در این مرحله باید آنها را به چند گروه تقسیم کرد: بازیگرانی که نخستین بار مسأله را شناسایی و سپس در دستورکار قرار داده‌اند، مسأله چگونه و طی چه فرایندی در دستورکار سیاستگذاری قرار می‌گیرد، بازیگرانی که به بررسی و شناسایی ابعاد مختلف مسأله برای تعیین اولویت آن پرداخته‌اند، چگونه مسایل اولویت‌بندی شده‌اند و به عبارت دیگر از چه منابعی برای شناسایی مسأله و در اولویت قرار گرفتن آن استفاده شد) توجه داشت.

مرحله دوم؛ ارایه راه‌حل‌ها به تصمیم‌گیران یا تنظیم سیاست‌ها؛ سیاستگذار و نهادهای درگیر در این مرحله به جمع‌آوری مجموعه‌ای از گزینه‌ها و راه‌حل‌های مختلف اما مرتبط می‌پردازند. سپس راه‌حل‌ها را ارزیابی کرده و مزایا و معایب آنها را بررسی می‌کنند. برای انجام این مهم، اقداماتی باید صورت پذیرد که عبارتند از: شناسایی و تعیین اهداف، پیشنهاد گزینه‌های سیاستی ممکن برای اقدام، تجزیه و تحلیل گزینه‌ها.

پس از شناسایی اهداف و پیشنهاد گزینه‌های ممکن، در یک چارچوب زمانی معین هزینه‌ها، منافع و ضریب خطرپذیری هر گزینه مشخص و تلاش برای انتخاب گزینه برتر، شکل‌گیری، تهیه و تدوین سیاست عمومی صورت می‌پذیرد و در نهایت انتخاب انجام می‌گیرد. چون در این مرحله بسیاری از راه‌حل‌های بالقوه باید به نحوی غربال و تنها یک یا چند راه‌حل محدود انتخاب و استفاده شود، از سیاسی‌ترین مراحل به شمار می‌آید. از این‌رو باید با سازوکارهایی، از میزان سیاسی شدن این مرحله و انتخاب بر اساس زمینه‌های سیاسی، کاسته شود و تلاش در جهت انتخاب عقلایی و بر مبنای مصالح و منافع عامه صورت پذیرد (آرایی، ۱۳۹۳: ۱۸۹-۱۸۶).

به این ترتیب، پس از آنکه مسأله شناسایی و در دستورکار سیاستگذاری قرار گرفت، جعبه سیاه سیاستگذاری فعالیت خود را برای یافتن راه‌حل‌های مناسب برای حل مسأله پیش آمده آغاز می‌کند. بازیگران و ارایه‌دهندگان راه‌حل در این مرحله نقش اساسی ایفا می‌کنند. در این مرحله باید به متغیرهای (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۸۹) الف) منشأ پیدایش راه‌حل (در مطالعه فرایند سیاستگذاری چون راه‌حل‌های مختلفی از منابع گوناگون برای حل مسأله ارائه می‌شود،

باید به این منابع توجه شود)، ب) سابقه راه حل ها (معمولاً اتخاذ راه حل ها تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند که همه آنها به دو موضوع اساسی اثربخشی و کارایی وابسته است)، ج) مبنای ارایه راه حل (راه حل ها از مبانی مختلفی برخوردارند که این مبانی را می توان در مباحث علمی، سیاسی، تخصصی و حرفه ای، سیاستی و در حد رضایتبخش بررسی کرد) و د) بازیگران ارایه راه حل اعم از بازیگران درون یا برون سازمانی توجه کرد.

مرحله سوم؛ انتخاب راه حل یا تصمیم گیری؛ که به طراحی و تصویب سیاست ها اختصاص دارد، در حقیقت به سیاست ها مشروعیت سیاسی می دهد و به تعبیر رایج، قانونی می شود. سیاستگذار پس از انتخاب گزینه مناسب باید تلاش کند گزینه انتخابی را به تصویب نهاد قانونی برساند، و با این اقدام سیاست ها را نهادینه کند.

مرحله چهارم؛ به اجرا درآوردن راه حل یا اجرای سیاست ها؛ به عنوان یکی از فرایندهای پیچیده، سیاست های تصویب شده را به اقدامات عملیاتی تبدیل می کند. در گذشته اجرا را جدای از فرایند سیاستگذاری در نظر می گرفتند. از این رو، سیاستگذاران به تدوین و تصویب سیاست ها می پرداختند و مجریان به اجرای آنها که این جدایی میان سیاستگذاری و اجرا سبب می شد بسیاری از سیاست های به ظاهر آراسته و حتی مبتنی بر بنیادهای علمی، عقلی و منطقی، در اجرا قابلیت اجرایی پیدا نکنند. علت آن هم بی اطلاعی سیاستگذاران از وضعیت اجرا و ساختارهای آن بود. لذا بدون آنکه قابلیت امکان پذیری اجرای سیاست ها بررسی شود و ابزار لازم برای آن تعیین شود، سیاست ها تصویب می شد و در عمل با مشکل مواجه می شد. بزرگترین مشکل در اجرای سیاست ها، فراهم نکردن تمهیدات خاص در مرحله شکل گیری است و در مرحله تدوین سیاست ها باید نظام هایی را تعبیه کرد که عوامل بازدارنده در فرایند اجرا حداقل شود (آرایی، ۱۳۹۳: ۱۹۲-۱۹۰).

مرحله نظارت و کنترل بر نتایج یا ارزیابی سیاست ها؛ به معنای بررسی عینی، منظم و تجربی آثار جاری سیاست ها و میزان موفقیت آنها در دستیابی به هدف و نیز سنجش کارایی سیاست ها می باشد که در دو مرحله حین اجرای سیاست و پس از اجرای آن انجام می شود. بر اساس این تعریف، ابعاد ارزیابی سیاست ها عبارتند از: الف) ارزیابی پیامدها و آثار یک سیاست، ب) ارزیابی میزان موفقیت یک سیاست، ج) ارزیابی کارایی یک سیاست.

هدف از ارزیابی سیاست در ابعاد فوق، ارائه بازخورد به سیاستگذار به منظور اصلاح

سیاست‌ها برای دستیابی بهتر به اهداف تعیین شده است (آرایی، ۱۳۹۳: ۱۹۴-۱۹۳).

۱/۲/۳. عقلانیت ابزاری و الگوهای آن در سیاستگذاری عمومی

عقلانیت ابزاری بعنوان مدلی به منظور جستجوی راه‌حل برای مسایل اجتماعی مبهم یا پیچیده بکار می‌رود. عقلانیت ابزاری، بعنوان عقلانیت ابزار-هدف نیز شناخته می‌شود (Dryzek, 1996:28). شاید بهترین تعریف را الکساندر ارائه می‌دهد: «عقلانیت در ساده‌ترین شکل، راهی برای انتخاب بهترین ابزار جهت دستیابی به یک هدف مفروض می‌باشد. این نوع از عقلانیت، به نام «عقلانیت ابزاری» قادر به انتخاب ابزارهای مطلوب جهت دستیابی به اهداف مفروض است. از میان الگوریتم‌های ساده یا پیچیده‌ای که توسط مهندسين بکار گرفته می‌شود، راه‌حل‌های مشخصی برای مشکل وجود دارد.» (Alexander, 1986:40). غالباً میان اهداف مشخص و تعیین ابزارهای جایگزین، به خصوص در جایی که ابزارها با اهداف خلط شوند، وابستگی متقابلی وجود دارد.

عقلانیت ابزاری در حوزه تحلیل سیاستگذاری از سه الگوی وبری^۱، بازیگر عقلایی^۲ و مدیریت گرایی^۳ بهره برده است.

الگوی وبری

دیدگاه‌های ماکس وبر، در مدیریت بخش عمومی، چارچوبی عقلایی جهت فهم کنش سیاسی و تحلیل سیاستگذاری ایجاد نمود. از نظر وی، عقلانیت محدود راهی است که افراد، محیط بیرونی خود را سازماندهی می‌کنند. بدون اهداف، هیچ نیازی به ابزار نیست و اهداف، زمینه را برای تعیین مؤثرترین و کارآمدترین روابط بین مردم و محیط اجتماعی‌شان فراهم می‌کند. مفهوم عقلانیت از منظر وبر، باید بر حسب این دیدگاهش که جامعه مدرن با یک عقل‌گرایی غایت شناسانه دل مشغول است، مورد ملاحظه قرار گیرد که کمال و سلطه بر جهان بیرونی از طریق جستجوی سیستم‌های اصلاح شده و ساختارهای عقلایی قابل دستیابی است. هنگامی که وبر،

-
1. The weberian model.
 2. The rational actor model.
 3. The manegeralist model

ویژگی‌های بوروکراسی نظیر سازمان سلسله مراتبی، الزامات و تعهدات رسمی غیر شخصی، گزینش بر اساس شایستگی، وجود رویه‌ها و دستورالعمل‌های مشخص و... را توضیح می‌دهد، آن را بهترین شکل ساختار عقلایی ابزاری می‌داند. انتخاب چنین ساختار رسمی، مزیت مهمی جهت توانمندسازی مشاوران علمی، فنی و حرفه‌ای سازمان دارد زیرا احتمال ایجاد پیامدهای عقلایی و منطقی امور را به حداکثر می‌رساند. از طرف دیگر، اگر ساختار سازمانی ضعیف باشد، امکان رفع رفتار غیر منطقی یا غیر عقلایی سازمان وجود ندارد (Weber, 1978:106). با شناسایی تعارض اهداف، وبر پی برد که ارزش‌های یک سازمان ممکن است برای آن سازمان عقلایی باشد لکن برای پیشرفت مطلوب جامعه، عقلایی نباشد. از نظر وی، جهت دستیابی به کنش اجتماعی عقلایی، باید اهداف و رفتار در جهت رسیدن به مطلوب‌ترین شکل جامعه معطوف باشد. این بدین معناست که ارزش‌ها موجب بررسی انتقادی مناسب از ابزارهای کسب اهداف نمی‌شوند بلکه به بازیگران بستگی دارد تا ناسازگاری‌های درونی را تشخیص دهند. این رهیافت، توجیهی تئوریک جهت تحلیل ارزش در مطالعه سیاستگذاری فراهم می‌آورد. از اینرو، الگوی وبری معتقدست که هیچ عامل غیر قابل محاسبه و پیش‌بینی ناپذیر عجیبی وجود ندارد و تا حدودی، فرد می‌تواند همه چیز را از طریق محاسبه دریابد و خواستار عقل‌گرایی مبتنی بر تقسیم ساختاری کار و فرآیندهای تکنیکی است و قدرت در قالب قوانین و مقررات صورت‌بندی می‌شود. کسانی که اهداف را تعیین می‌کنند (عمدتاً سیاستمداران) غالباً به لحاظ فنی و تخصصی برای تشریح ابزارها، وابسته به افراد کارآمد (عموماً بوروکرات‌ها) هستند. لیکن بر اهمیت جایگاه ارزش‌ها تأکید می‌شود. افزایش اصطلاحات تخصصی و فنی قانون در چارچوب فرایندهای سیاسی، منجر به افزایش نهادهای سیاسی بوروکراتیک معمولی و تمرکز قدرت در دستان متخصصان فنی می‌شود. تمرکز قدرت فن‌سالار در کارکرد بوروکراتیک به جای آنکه فرایند دموکراتیک ارزش‌های اجتماعی را در نظر بگیرد، به متخصص و فرد حرفه‌ای اشاره می‌کند. در واقع، وبر اعتقاد دارد که پیامد اجتناب‌ناپذیر بوروکراتیزه شدن فراینده، کاهش آزادی فردی است (Schroeder, 1992:124). ماکس وبر بر بکارگیری دانش تخصصی جهت تداوم حکومت و افزایش قدرت و نقش بوروکراسی تأکید می‌نمود لیکن بر روش خاصی برای مقایسه و ارزیابی ارزش‌های متخصصان بوروکراتیک اشاره‌ای نداشت. از اینرو، فرایندهای سیاسی به طرز اجتناب‌ناپذیری تحت کنترل بوروکرات‌های متخصص - کسانی که دانش را

هدف عینی فرض کرده بودند- درآمده است. الگوی وبری، نقش بسیار مهمی برای بوروکراسی حرفه‌ای در توسعه سیاسی پیشنهاد می‌کند. از آنجایی که ارزش‌ها در چارچوب دانش فنی- قانونی ملاحظه می‌شوند، در معرض مناظره سیاسی آزاد قرار نمی‌گیرند. گسترش چنین ساختار فنی- قانونی، انباشتی از دانش نهادی در چارچوب بوروکراسی است؛ بنابراین قدرت مؤثر متخصصان جهت القای مجموعه‌ای از ارزش‌های خاص تقویت خواهد شد (Weber, 1968: 255). به این ترتیب، الگوی وبری اهداف سیاستگذاران را به دلیل تأکید ساختاری بر فرایندها و دانش فنی - قانونی تهدید می‌کند. تحلیل سیاستگذاری، هنگامی عقلایی‌ترین سیاستگذاری است که توسط متخصصان، اهالی فن و دانشمندان کنترل و نظارت شود. از این طریق، هیچ روشی جهت حل اختلافات بین ارزش‌های متعارض وجود ندارد و تحلیل سیاستگذاری باید منافع سیاسی متضاد و تأثیرات غیرعینی دیگر را نادیده بگیرد.

الگوی بازیگر عقلایی

الگوی بازیگر عقلایی با رفتار مصرف کنندگان در بازار قابل مقایسه است. داونز مطرح کرد که رأی دهندگان در صورتی عقلایی عمل می‌کنند که به حزبی رأی بدهند که برای آنان منافع بیشتری را نسبت به احزاب دیگر فراهم نماید (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۳۲-۱۲۹). علاوه بر آن، ممکن است رفتار رأی دهی با توجه به علاقه شهروندان تعیین شود. همچنین، رفتار افراد و گروه‌ها با توجه به ظرفیتی تعیین شده است تا همه دیدگاه‌های متضاد را بررسی و بهترین انتخاب را با حداکثر منافع فردی برگزینند. این الگو، فرض اساسی الگوی وبری را که عقلانیت، عمدتاً ناشی از کنش اجتماعی (نه فردی جمعی) می‌باشد و پیشرفت اجتماعی، مبتنی بر تخصصی شدن فزاینده دانش است که عمدتاً توسط یک نخبه حرفه‌ای صورت می‌گیرد را نمی‌پذیرد و تأکید می‌کند که هر فرد، ظرفیتی برای عقلایی شدن دارد و پیشرفت اجتماعی بازتابی از دانش فردی و تصمیم اکثریت است. هدف بازیگران مهم در فرایند سیاستگذاری، حداکثر رساندن منافع سازمانی، نهادی و فردی است. منتقدان الگوی بازیگر عقلایی بر این باورند که این الگو، بوروکرات‌ها را قادر می‌سازد تا به سوی گسترش سیاست‌هایی که آنان را به حداکثر منافع، قدرت و اقتدار سازمانی خواهد رساند، گام بردارند و این راه حل را مطرح کنند که منافع عمومی با محدودسازی قدرت و نفوذ این بازیگران، بهتر تأمین خواهد شد (McLean, 1987: 65-69).

با گسترش این الگو در تحلیل سیاستگذاری، بررسی از کنش فردی فراتر رفته و کنش نهادی را هم در بر می گیرد. رهیافت های نهادی در سیاستگذاری تأکید دارد که سازمان بوروکراتیک مصمم به بهره برداری از پیامدها و نتایج سیاستگذاری به نفع خودش است. الگوی بازیگر عقلایی تلاش می کند تا اقتدار مقامات دولتی به نفع منافع عمومی محدود شود.

الگوی مدیریت گرا

در الگوی مدیریت گرا، نظریه پردازان در پی دستیابی به نتایج مطلوب از طریق شناخت فرایندهای مطالعه مدیریت کارآمد در درون ساختارهای سیاستگذاری می باشند. الگوی مذکور، جنبه هایی از الگوی تکنیکی وبر و الگوی بازیگر عقلایی را به هم پیوند می زند و سیاستگذاری می تواند در چارچوب مؤلفه ها، محدود و بطور عقلایی با توجه به اهداف مفروض و پیامدهای مطلوب تحلیل گردد. این امر ناشی از دیدگاه دیوید سیمون می باشد که معتقدست حتی اگر بازیگران فردی با توجه به ظرفیت خود جهت کسب عقلانیت محدود اقدام نمایند، می توانند مشکلات را شناسایی و اهداف را ترسیم کنند، برای حل مشکلات، رهیافت های متضاد را در نظر بگیرند، نتایج و پیامدهای این رهیافت ها را محاسبه نمایند و اقداماتی را برگزینند که بهترین راه برای رسیدن به اهداف باشد. الگوی مدیریت گرا در مورد فرآیندهای سیاستگذاری معتقدست که در مورد تصمیماتی که اتخاذ می شوند، دانش و شناخت عینی وجود دارد. از این رو، در حالیکه وبر دانش را بعنوان ابزار فنی و کالایی در نظر می گیرد که فقط نخبگان می توانند به آن دست یابند، الگوی مدیریت گرا اشاره دارد که مسایل در حال تکوین و نوظهوری وجود دارند که نیازمند مدیریت اند و دانش، کالایی پیچیده است که بیشتر بر عهده مردم می باشد (Simon, 1976: 89-96) از نظر اسمیت در دستیابی به سیاستگذاری مطلوب محدودیت هایی وجود دارد: نخست؛ مسایل تکنیکی و فنی نظیر هزینه اطلاعات، مبنای هزینه های محاسبه شده، فراهم بودن تدارکات و پرسنل و توانایی در تعیین اهداف اولیه است. دوم، پیچیدگی اجرایی نظیر پیچیدگی دولت، دشواری در سازماندهی نهادهای دولتی و توانایی هماهنگی برنامه های این نهادها و سازمان های دولتی با تمام اهداف دولت است. از آنجایی که فقط بخشی از تصمیمات سیاسی، قابل پیش بینی هستند، فرآیند سیاسی با مدل توسعه سیاستگذاری هدف محور و ابزار محور مغایرت دارد. بنابراین، فرآیند سیاسی می تواند مانعی برای سیاستگذاری مطلوب باشد (Smith, 1976, 112-116).

با توجه به الگوی مدیریت گرا، هنگامی که موانع کاهش یا برطرف گردد، سیاستگذاری واقعی، هدفمند و مطلوب قابل دسترسی است و تصمیم‌گیری می‌تواند بر اساس فرآیند بی‌طرفانه و اطلاعات آزاد ارزش‌ها اتخاذ شود. الگوی مذکور در مورد فرآیند توسعه سیاستگذاری، مفهوم‌سازی‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد. چارلز لیندبلوم تأکید می‌کند توسعه سیاستگذاری، فرآیندی تدریجی است تا سیاستگذاران، سیاستگذاری مطلوب‌تری را از طریق بهبود تدریجی استراتژی‌های موجود اتخاذ نمایند (Lindblom, 1968). در اینجا، صورت‌بندی و تدوین سیاستگذاری، مؤلفه‌های مهم و محوری فرآیند سیاستگذاری را از الگوی وبری «دانش عینی» به سوی یادگیری، تجربه و ارزش‌ها تغییر می‌دهد. همانند متغیرهای الگوی بازیگر عقلایی، تدریج‌گرایی لیندبلوم، تأثیرات سیاسی را بر فرآیندهای سیاستگذاری از طریق گنجاندن چانه‌زنی و مذاکره بعنوان مؤلفه‌های ضروری توسعه سیاستگذاری، مورد توجه قرار می‌دهد. وی تدریج‌گرایی^۱ را به معنی ادامه سیاست‌های پیشین با اعمال تغییرات تدریجی معرفی می‌نماید (وحید، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

۴/۲. ۱. نقد الگوهای عقلانیت ابزاری با تأکید بر عقلانیت اسلامی

به طور کلی، تفاوت‌های میان الگوهای عقلانیت ابزاری حاکی از عدم توافق بر سر روش مناسب جهت دستیابی به سیاستگذاری مطلوب می‌باشد. هر چند تأکید مشترکی مبنی بر تصویری بودن عقلانیت ابزاری وجود دارد لکن هر یک از الگوهای ذکر شده نوعی از ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را جهت تحلیل سیاستگذاری مطلوب مورد توجه قرار می‌دهند. ماکس وبر ضمن تأکید بر اهمیت تخصص فنی و تکنیکی، تأثیر مجموعه ارزش‌های نخبه‌گرایانه و از بین رفتن آزادی اجتماعی جهت انتخاب اولویت‌های ارزشی‌شان را هرگز از نظر دور نداشت. در الگوی بازیگر عقلایی بر غلبه بر سوءاستفاده از قدرت در بوروکراسی فنی و تکنیکی وبر و توجه به اولویت آزادی رأی‌دهندگان یا بازیگران اقتصادی تأکید می‌گردد. هر چند الگوی مدیریت گرا تلاش می‌کند تا از طریق گسترش شیوه‌هایی که به اطلاعات تکنیکی و منافع سیاسی می‌پردازند، بر این مشکلات غلبه یابد، لیکن قضاوت‌های ارزشی مطلق برای ارزیابی اهمیت نسبی اطلاعات و منافع سیاسی متضاد بکار می‌گیرد.

1. Incrementalism.

در همه این الگوها، در تشخیص تأثیر قدرت سیاسی در سیاستگذاری عمومی هنگام توجه به ارزش‌ها، شکست آشکاری وجود دارد. بنابراین، مشکلات فراوانی در هماهنگی طیف وسیعی از منافع متضاد موجود در بازار سیاسی وجود دارد. اگرچه به نظر می‌رسد که الگوی بازیگر عقلایی بر موضوعات قدرت، بسیار بیشتر از الگوهای مدیریت‌گرا یا وبری تأکید می‌کند، اما توزیع نابرابر قدرت بصورت غیرقابل تشخیص، در همه این الگوها وجود دارد. واضح است که شماری از منافع، قدرتمندتر از دیگر منافع هستند و طیفی از بازیگران نیز وجود دارند که با دسترسی درونی به قدرت، سعی در تأثیرگذاری بر نتایج سیاستگذاری دارند.

گفتمان موجود در اداره امور عمومی می‌تواند بعنوان موضوعی برخاسته از سه الگوی گفته شده ملاحظه گردد؛ اگر چه تمرکز غالباً بر سه بافت رشته‌ای اقتصاد (عقلانیت اقتصادی با تأکید بر کارایی و رقابت) سیاست (تمرکز بر فرایندهای سیاسی نظیر نمایندگی، تفاهم و چانه‌زنی) و حقوق (تأکید مدیریت عمومی بر عدالت اجتماعی ساختارهای نهادی) است. ماکس وبر معتقدست که هر کدام از این سه بافت رشته‌ای، مجموعه‌های ارزشی خاصی را شامل می‌شوند. بنابراین، بافت‌های مذکور می‌توانند به عنوان اشکال اقتدار محسوب گردند و با بکارگیری دانش، به ترتیب در جهت ارزش‌های کارآمدی، تکررگرایی و عدالت متمرکز گردند. در مدیریت عمومی، معانی و روش مشخصی از این بافت‌ها وجود دارد. دیدگاه عقلانیت اقتصادی از کنترل بوروکراتیک مرکزی (برای سیاستگذاری و جایگاه مهم اقتدار)، رقابت و قواعد بازار حمایت نموده و مؤلفه‌های الگوهای انتخاب عقلایی و وبری در ساختارهای سیاستگذاری مهم تلقی شده‌اند. طرفداران عقلانیت اقتصادی، ضمن تأکید بر کارآمدی ساختارهای بوروکراتیک مرکزی، در تلاش‌اند تا محدودیت‌های قدرت مقامات دولتی را با توجه به رقابت و پاسخگویی به رأی‌دهندگان بررسی نمایند. چارچوب‌های حقوقی بر کنترل حقوقی و با توجه به ساختارهای متعارض، تحلیل موردی منطقی و فرایندهای تدریجی مبتنی می‌باشند (Lan and Resend bloom, 1992). تأکید اقتصادی و سیاسی در مدیریت عمومی، ممکن است با موضوعی که بوروکرات‌ها بدنبال آن هستند تا منافع و موقعیت شخصی خویش را افزایش دهند و در عین حال معانی کاملاً متفاوتی از آن ترسیم کنند، شروع شود. رهیافت‌های سیاسی در مدیریت عمومی، از مذاکره و چانه‌زنی بین منافع دخیل در توسعه سیاستگذاری حمایت کرده‌اند. رهیافت‌های اجرایی ضمن حمایت از سیستم‌های مدیریت‌گرا، بر نظام غیر متمرکز کنترل و نظارت که نفوذ

گروه‌های ذینفع را محدود کند، تأکید می‌کنند (OECD, 1993).

اگر مفهوم چرخه سیاست‌گذاری این باشد که سیاست‌گذاری از نقطه‌ای شروع و بعد از طی مراحل در نقطه‌ای پایان برسد، نقش عقلانیت اسلامی در فرایند سیاست‌گذاری در تشخیص مشکل، ارائه راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی قابل بررسی است. نقش عقلانیت اسلامی در تشخیص مشکل این است که مشاهده پدیده در اجتماع، می‌تواند بر اساس خدامحوری یا انسان‌محوری صورت گیرد. اگر ارزش‌های اجتماعی مبتنی بر انسان‌محوری باشد، مشکل پدید آمده به نوعی قابل مشاهده است و اگر مبتنی بر خدامحوری باشد، مشاهده مشکل به شکل دیگر انجام خواهد گرفت. تعریف مشکل نیز بر اساس خدامحوری به نحوی است که در انسان‌محوری به آن صورت تعریف نمی‌گردد. راه‌حلی که بر اساس عقلانیت اسلامی ارائه می‌شود، متفاوت از راه‌حلی خواهد بود که بر اساس انسان‌محوری ارائه می‌شود؛ زیرا در خدامحوری خواست خدای متعال بر اساس مصالح بشر، مبنای انتخاب راه‌حل است و راه‌حل مبتنی بر واقعیت نفس‌الامری انتخاب می‌گردد لیکن راه‌حلی که بر اساس انسان‌محوری انتخاب می‌شود، بر اساس خواست انسان‌هاست. از آنجایی که عقل بشر محدود است، نمی‌تواند مبتنی بر واقعیت نفس‌الامری باشد. نقش عقلانیت اسلامی در تصمیم‌گیری بسیار روشن است؛ زیرا بر اساس تفکر انسان‌محوری تصمیم‌گیری نهایت به دست نمایندگان مردم، هیأت وزیران و... انجام خواهد شد لیکن در تفکر خدامحوری هر سیاست باید مطابق با ربوبیت تشریعی باشد. به عبارت دیگر، کسانی که سیاستی را تصویب می‌کنند، تصویب سیاست باید در چارچوب خدامحوری یا ربوبیت تشریعی باشد و اگر سیاستی خارج از این محدوده باشد، از دیدگاه اسلامی نامشروع تلقی می‌گردد. هر چند نمایندگان مردم یا هیأت وزیران نیز آن را به اتفاق آرا به تصویب رسانده باشند. به عبارت دیگر، سیاستی که از سوی سیاست‌گذار به تصویب می‌رسد، یا موافق با قوانین شرع است، یا مخالف، اگر موافق است، توافق آن باید توسط افراد متخصص در امور دین تشخیص داده شود، مخالفت آن نیز باید توسط افراد خبره در دین معین گردد. بنابراین، سیاست‌گذاران در تصویب سیاست، باید یا خود در امر دین خبره باشند، یا تأیید نهایی سیاست و موافقت یا عدم موافقت آن توسط فرد یا گروه خبره در امر دین صورت گیرد (خلیلی، ۱۳۹۱: ۳۲۷-۳۲۶).

نقش عقلانیت اسلامی در اجرای سیاست، در دو مرحله خلاصه می‌شود: یکی تفسیر

سیاست، دیگری تبدیل سیاست به آئین نامه قابل اجرا. در این مرحله، بروکرات ها و کسانی که نقش اجرایی سیاست را به عهده دارند، می توانند بر اساس دو تفکری که بیان شد عمل کنند. یکی اینکه خودشان مطابق با خواست افراد، گروه، سازمان و... در مورد تفسیر سیاست تصمیم بگیرند و سیاست را بر اساس انسان محوری که تأمین کننده منافع مادی و دنیایی افراد، گروه ها و... است، تفسیر کنند. دیگری تفکر خدامحوری است که در تفسیر سیاست، باید ربوبیت تشریعی یعنی قوانینی که از سوی خدای متعال وضع شده است، مدنظر قرار گیرد و تفسیر سیاست مبتنی بر آن باشد، نه ایده اومانیستی. در مرحله تبدیل سیاست به آئین نامه ها، می توان هر دو تفسیر انسان محوری و خدامحوری را ملاحظه کرد. از دیدگاه خدامحوری، مبنای اول باطل است و باید مبنای دوم در تبدیل سیاست به دستورالعمل های کاری مورد توجه قرار گیرد. نقش عقلانیت اسلامی در ارزیابی سیاست این است که خدامحوری به عنوان سنجه ای می تواند از دیدگاه دینی وضع موجود را با وضع مطلوب محک زند. در ارزیابی سیاست بر اساس خدامحوری هر چه از انسان محوری در سیاست ها فاصله بگیریم و به خدامحوری نزدیک شویم، به وضع مطلوب نزدیک تر شده ایم و هر چه از خدامحوری دور و به انسان محوری نزدیک شویم، سیاست موفق نبوده است. به عبارت دیگر، اینکه سیاست اتخاذ شده چقدر جامعه را به سوی کمال نهایی سیر داده و به چه میزان آنها را از این راه منحرف کرده است، معیاری است که سیاست را می سنجد؛ هر چه سیاستی که جامعه را به سوی کمال مطلوب سیر دهد، مطابق با ربوبیت تشریعی است (همان، ۳۲۸-۳۲۷).

نتیجه گیری

در این مقاله، سه الگوی مختلف عقلانیت ابزاری را مطرح کردیم. الگوی وبری بر ساختار اجرایی و اداری مبتنی بر قوانین ساختار سلسله مراتبی جهت کارآمدی و اهمیت تخصص فنی برای توضیح و بکارگیری دانش تأکید می کند. بنابراین بروکرات، مشاور سیاستمدار می گردد. با توجه به نگرانی از قدرت بروکرات ها، الگوی بازیگر عقلایی فرض را بر سازمان ساختاری مشابهی می گذارد لیکن بر دانش به عنوان منافع جمعی شهروند تأکید می کند. بنابراین، بروکرات، مأمور سیاستمدار می شود. الگوی مدیریت گرا با تأکید بر فرایند مدیریت در قبال موضوعات مرتبط با ساختار سازمانی، موضع متفاوتی اتخاذ می کند. بدین صورت که

بوروکرات، عنصر مهم ساختار سازمانی است و در راستای به حداکثر رساندن مهارت‌های پردازش دانش دانش اقدام می‌کند.

اگر عقلانیت ابزاری، بهینه‌سازی ابزارها جهت دستیابی به هدف نهایی باشد، مطالعه فرایند سیاستگذاری رهنمون می‌سازد که جامعه هنوز فاصله زیادی تا پیمودن و تدوین مکانیسم ساختاری ضروری برای رسیدن به این هدف مطلوب دارد. سه الگوی عقلانیت ابزاری از توضیح و تبیین مفاهیم اقتدار معنوی و الهی ناتوان می‌باشند. اگر چه این رهیافت‌ها از طریق يك ساختار اجتماعی قابل توصیف است لیکن تأثیر این مفاهیم به لحاظ تجویزی در فرایند انتقال سیاستی دشوار است. گاهی مسأله اساسی، مفهوم‌سازی دانش است. وبر تأکید می‌کند که پیچیدگی دانش تخصصی، کالایی برای متخصصان است و از این رهگذر، عقلایی کردن مسأله پیچیده، فراتر از ظرفیت و توانایی شخص غیرمتخصص می‌باشد. مبنای الگوی بازیگر عقلایی آن است که اگر چه دانش بر پایه تخصص و جامعیت می‌باشد لیکن تلاش برای انتخاب مسیر اقدام هرگز نمی‌تواند فراتر از توانایی‌های شخص باشد. الگوی مدیریت‌گرا فرض می‌کند که اگر چه عقلایی شدن، يك رفتار معمولی بشر بوده لیکن فرایند مدیریت تخصصی شده است تا آن حد که افراد بدون برخورداری بودن از دانش خاص ضروری قادر نخواهند بود که به طور عادی موضوعات اجرایی و اداری را عقلایی نمایند.

نقش عقلانیت اسلامی در فرایند سیاستگذاری این است که درك و مشاهده مشکل یا بر اساس خدامحوری است یا انسان‌محوری و تعریف مشکل و تفسیر آن نیز بر اساس این دو مبنا امکان دارد. بر این اساس این دو دیدگاه انتخاب راه‌حل هم ممکن است تغییر کند. در تصمیم‌گیری سیاست‌ها نیز لازم است که در چارچوب ربوبیت تشریعی اتخاذ شوند. در اجرا هم باید سیاست بر اساس خدامحوری تفسیر گردد و بر اساس این ایده به دستورالعمل اجرایی تبدیل گردد. در ارزیابی سیاست نیز هرچه در سیاست‌گذاری از انسان‌گرایی به خدامحوری نزدیک شود، سیاست موفق‌تر است و اگر از آن دور شود، ناموفق است. نقش عقلانیت اسلامی در محتوای سیاست‌ها، این است که می‌توان سیاست‌ها را با توجه به این ایده تجزیه و تحلیل و ارزیابی کرد.

منابع

۱. آرای، وحید (۱۳۹۳). سیاستگذاری عمومی، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
۲. حسین زاده، صیاد و برزگر، ابراهیم (۱۳۹۶). «معرفی و کاربری نظریه عقلانیت اسنلن در سیاستگذاری»، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۲.
۳. خلیلی، عزیزالله (۱۳۹۱) بررسی اصول مؤثر بر سیاستگذاری عمومی از دیدگاه اسلامی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد.
۴. دانایی فرد، حسن؛ ثقفی، عمادالدین و مشبکی، اصغر (۱۳۸۸). «اجرای خط مشی عمومی؛ بررسی نقش عقلانیت در تدوین خط مشی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی - پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۴.
۵. رازینی، روح الله و عزیزی، مهدی (۱۳۹۴). «طراحی الگوی تصمیم گیری با رویکرد اسلامی»، فصلنامه علمی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۴.
۶. رحمانی، نیما (۱۳۹۵). بررسی نقش وحی در تصمیم گیری عقلانی - شهودی، فصلنامه اسلام و مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۰.
۷. عباسی، عباس؛ معتضدیان، رسول و میرزایی، محمدقاسم (۱۳۹۵). «بررسی موانع اجرای خط مشی های عمومی در سازمان های دولتی»، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی، دوره ۶، شماره ۲.
۸. قلی پور، رحمت الله و غلامپور، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاستگذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۹. مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴). «رویکردی تلفیقی از مثلث های اتزیونی و هیرشمن در اجرا و ارزیابی سیاست ها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۷.
۱۱. نیسی، عبدالحسین و آذر، عادل (۱۳۹۹). تبیین مدل ارزیابی عقلانیت در سازمان با رویکرد اسلامی، فصلنامه توسعه علوم اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۳.
۱۲. وحید، مجید (۱۳۸۳). سیاستگذاری عمومی، تهران: نشر میزان.
۱۳. هاوالت، مایکل و ام رامش (۱۳۸۰). مطالعه خط مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و

ابراهیم گلشن، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

14. Alexander, E. (1986). *Approaches to Planning*, Gordon and Breach Science Publishers, New York.
15. Dryzek, J. (1996). "Foundations for environmental political economy: the search for Homo Ecologicus", *New Political Economy*, Vol. 1 No. 1, pp. 27-40
16. Dye, Tomas (1984). *Understanding Public Policy*, N.J: Prentice-Hall.
17. Hanf, K. (1978), "Introduction", in Hanf, K. and Scharpf, F. (Eds), *Inter-organizational Policy Making*, Sage Publication, London.
18. Lan, Z. and Rosenbloom, D. (1992), "Public administration in transition?", *Public Administration Review*, Vol. 52 No. 6, pp. 535-7.
19. Lindblom, C. (1968), *The Policy-Making Process*, Prentice Hall, New York.
20. Mazmanian, D. and Sabatier, P. (1989), *Implementation and Public Policy*, University Press of America, Lanham.
21. McLean, I. (1987), *Public Choice: An Introduction*, Blackwell, Oxford.
22. O'Toole, L. (1989), "Alternative mechanisms for multiorganisational implementation", *Administration and Society*, Vol. 21 No. 3, pp. 313-39.
23. OECD (1993), *Public Management Developments: Survey 1993*, OECD, Paris.
24. Peters, B. G. (2004). *American Public Policy: Promise and Performance* (7Ed.) N. Y.: CQ Press.
25. Sabatier, P. (1986), "Top-down and bottom-up approaches to implementation research: a critical analysis and suggested synthesis", *Journal of Public Policy*, Vol. 6, pp. 21-48.
26. Schroeder, R. (1992), *Max Weber and the Sociology of Culture*, Sage, London.
27. Simon, H. (1976), *Administrative Behaviour: A Study of Decision-making*

ing Processes in Administrative Organization, 3rd ed., Free Press, New York.

28. Smith, B. (1976), Policy-Making in British Government: An Analysis of Power Rationality, Rowman and Littlefield, Ottawa.
29. Weber, M. (1968), Economy and Society, Bedminster, New York.
30. Weber, M. (1978), "The essentials of bureaucratic organisation", in Worsley, P. (Ed.), Modern Sociology, 2nd ed., Penguin, Hammondsworth.
31. Weimer, D & Vinning A (1999). Policy analysis: concepts and practice, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

قدرت نرم و شاخص توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران و قطر (۲۰۲۰)

رضا شیرزادی^۱

محمد پورقریان^۲

چکیده

قدرت نرم یکی از اشکال قدرت، و معطوف به راه حل های مسالمت آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی است. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت سخت معطوف به مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز، تحریم های اقتصادی، و سیاست های تقابلی می باشد. از جمله حوزه های مهم قدرت نرم، اقتصاد است. از سوی دیگر، توسعه انسانی از جمله نظریه های جدید توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته، و برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق را دنبال می کند. توسعه انسانی و تقویت آن، یکی از نمودهای قدرت نرم اقتصادی به شمار می رود. ج.ا.ایران و قطر، دو کشور عمده در منطقه خاورمیانه هستند که دارای رتبه خاص خود از نظر سطح توسعه انسانی می باشند. هدف این پژوهش، بررسی وضعیت دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و چرایی آن است. در گزارش اخیر این سازمان (۲۰۲۰) ایران با کسب امتیاز ۷۸۳، رتبه ۷۰، و کشور قطر با کسب امتیاز ۸۴۸، رتبه ۴۵ را به خود اختصاص داده است. حال باید پرسید چه عواملی بیشترین تأثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه (متغیر مستقل)، وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر رتبه و شاخص توسعه انسانی دو کشور (متغیر وابسته) را تشکیل می دهند.

واژه های کلیدی: قدرت نرم، توسعه، توسعه انسانی، امید به زندگی، درآمد ملی سرانه، ایران، قطر.

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)
shirzadi2020@yahoo.com

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

در دنیای امروز در ارتباط با قدرت بین‌المللی، عواملی همچون رشد اقتصادی، فناوری و آموزش، از اهمیت بیشتری برخوردارند. این در حالی است که جغرافیا، جمعیت و مواد خام، به عوامل کم اهمیت‌تر تبدیل می‌شوند. همبستگی ملی، فرهنگ جهانی و نهادهای بین‌المللی، در حال به دست آوردن اهمیت بیشتری‌اند. قدرت، در حال گذار از «غنای ثروت» به «غنای اطلاعات» است. با ظهور اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، مواد خام از اهمیت کمتر و مهارت‌ها و انعطاف‌پذیری سازمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند.

قدرت نرم و مباحث مرتبط با آن از جمله مفاهیمی است که در دو دهه اخیر مطرح گردیده، و هر یک از کشورها با توجه به ویژگی‌ها و منابع خاص خود، از سطحی از قدرت نرم برخوردار است (نصیری، ۱۳۹۹: ۳۰۳). امروزه سرمایه‌های اجتماعی بخش عمده‌ای از ثروت‌های عمومی ناملموس محسوب می‌شوند که صیانت از ثروت عمومی نیازمند حکمرانی مطلوب (به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم) است (حق‌پناهان و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۷). باید دانست راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بر ارزش‌های سیاسی مشترک و ابزارهای غیرخشونت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت سخت عموماً در راستای پیشبرد منافع ملی بر مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی متمرکز هستند و به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شوند. از جمله مؤلفه‌ها و حوزه‌های مهم قدرت نرم، اقتصاد است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۷-۶).

توسعه‌ی انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه و نمونه‌ای از قدرت نرم به شمار می‌رود که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. از دید توسعه‌ی انسانی؛ برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است. این همان قدرت مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصادی است که در ادامه بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه‌ی کشورهای مختلف، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه‌ی انسانی است.

در دهه‌های اخیر، مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی همواره ذهن محققان و سیاست‌گذاران را به خود مشغول کرده، و روندی است همه‌جانبه و فراگیر در جهت بهبود شرایط زندگی و افزایش توانایی‌های انسان برای پاسخگویی به نیازهای مادی و اجتماعی. تا مدت‌ها راه ارزیابی

توسعه یافتگی کشورهای مختلف جهان، رجوع به شاخص‌های درآمد سرانه بود، اما با انتقادات وارده به این شاخص‌ها، تدریجاً راه برای طرح نظریه توسعه انسانی باز شد. شاخص توسعه انسانی که شاخص ترکیبی است، توسط نهاد برنامه توسعه ملل متحد از سال ۱۹۹۰ جهت بررسی وضعیت کشورهای مختلف از حیث توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است و هر ساله طی یک گزارش بین‌المللی، وضعیت توسعه انسانی کشورها بررسی شده، و بر حسب جایگاه و میانگین امتیازات در چهار گروه توسعه انسانی بسیار بالا، توسعه انسانی بالا، توسعه انسانی متوسط، و توسعه انسانی پایین دسته‌بندی می‌شوند.

دیدگاه توسعه انسانی با استفاده از شیوه‌های مشارکتی سعی می‌کند زمینه‌ای برای برطرف ساختن نیازهای اساسی (غذا، پوشاک و ...) و نیل به زندگی شرافتمندانه از طریق تأمین آموزش، بهداشت، تغذیه و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسان ایجاد کند و می‌کوشد تا کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشد و به وی امکان استفاده بهتر و بیشتر از زندگی را بدهد. شاخص توسعه انسانی به دنبال اندازه‌گیری ترکیبی سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی برای زندگی بهتر (تغذیه، درآمد)، و برخورداری از عمر طولانی توأم با سلامتی است.

در هر صورت، هدف شاخص‌های توسعه انسانی، فراتر رفتن از درآمد و مادیات برای ارزیابی رضایت از زندگی در طولانی‌مدت برای افراد جوامع مختلف است و توجه به توسعه انسان، برای انسان و به وسیله انسان و تأکید بر این دارد که هدف واقعی برنامه‌های توسعه در نهایت باید ایجاد شرایطی برای زندگی سالم، خلاقانه و شاد برای انسان‌ها باشد. شاخص‌های قابل تعریف برای توسعه انسانی عبارتند از: شاخص فقر درآمدی و انسانی؛ روندهای جمعیتی؛ تعهد به سلامت؛ آب و فاضلاب و وضعیت تغذیه؛ نابرابری در سلامت کودکان؛ بحران‌ها و مخاطرات مربوط به سلامت؛ حداقل حیات؛ تعهد به آموزش؛ مخارج عمومی؛ سواد و ثبت نام در مدارس؛ پخش و تولید تکنولوژی؛ کارایی اقتصادی؛ نابرابری در درآمد و مخارج؛ ساختار مبادلات بین‌المللی؛ جریان کمک‌های بین‌المللی؛ انرژی و محیط زیست؛ انتشار دی اکسید کربن؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی در مورد محیط زیست؛ مهاجرت؛ جرم و جنایت و نظام قضایی؛ نابرابری‌های جنسیتی در آموزش؛ نابرابری جنسیتی در فعالیت‌های اقتصادی؛ جنسیت، کار و تخصیص زمانی؛ مشارکت سیاسی زنان؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر؛ وضعیت پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق کارگران.

وضعیت دو کشور ج.ا.ایران و قطر به عنوان مطالعه مقایسه‌ای این پژوهش، در دستور کار برای بررسی است. این دو کشور در منطقه خاورمیانه واقع شده، و در زمره قدرت‌های منطقه‌ای به شمار می‌روند. هدف ما در این مطالعه، بررسی وضعیت وضعیت این دو کشور از نظر شاخص توسعه انسانی و نیز چرایی آن است. حصول توسعه در یک کشور مستلزم شناخت و بررسی جنبه‌های نظری و تجربه‌های مختلف توسعه به ویژه نمونه‌های موفق است. این مسئله برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بسیار ضروری تر می‌باشد. وضعیت دو کشور ایران و قطر به عنوان کشورهای برتر در منطقه خاورمیانه، و نیز این که هر دو کشور در دهه‌های گذشته، فاصله چندانی نداشته‌اند، در خور توجه و تحلیل خواهد بود و می‌تواند دارای اهمیت و درس‌های لازم باشد.

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که رتبه جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۲۰۲۰، ۷۰ با کسب امتیاز ۰/۷۸۳، و رتبه کشور قطر ۴۵، با کسب امتیاز ۰/۸۴۸، بوده است. با توجه به رتبه‌بندی این دو کشور، این سوال مطرح می‌شود که چه عواملی بیشترین تاثیر را بر توسعه انسانی این دو کشور داشته است؟ در این میان، جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه وجه تمایز و عوامل تاثیر گذار بر شاخص توسعه انسانی دو کشور را تشکیل می‌دهند.

۱. مفهوم و تحول دیدگاه توسعه

از دهه‌ی ۱۹۴۰، مباحث مربوط به توسعه نخست در حوزه‌ی علوم اقتصادی توسط رائل پریش و سلسو فورتادو (اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی) مطرح شد (Shard, Miller and Haller, 1998: 82-83). به مرور این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه‌ی مفهوم و فرآیند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برآمدند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. به این ترتیب، نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیر منتظره تلقی کرد. اکنون همگان توسعه را چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی می‌دانند که گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بر این اساس، تعاریف جدید توسعه واجد

وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می‌باشند و توسعه را در جامعیت آن می‌دانند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۵۳-۴۳۵).

به هر ترتیب، توسعه عبارتست از رشد به علاوه‌ی دگرگونی، و دگرگونی هم نه فقط جنبه‌ی اقتصادی و کمّی، بلکه جنبه‌ی اجتماعی، فرهنگی و کیفی هم دارد (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۴). مسئله‌ی اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی مردم دانست (شیرزادی، ۱۳۹۹: ۲۹). در دهه‌ی ۱۹۹۰ نظریه‌ی توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفت و گزارش‌های ملی در خصوص آن تهیه و تدوین گردید.

۲. قدرت نرم، قدرت اقتصادی نرم، آثار و پیامدها

قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای مطرح شد. قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به منظور به دست آوردن نتایج مطلوب. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده‌ی دیگران را تابع اراده‌ی خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. به این ترتیب، در به کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۹).

قدرت اقتصادی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم مطرح می‌شود. قدرت اقتصادی مستقیم؛ هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت به کار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده‌ی دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی برمی‌گردد. اما قدرت اقتصادی غیرمستقیم؛ به رشد فزاینده‌ی وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان از دهه ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین حضور قوی و روشن‌تر اقتصاد در روابط بین دولت‌ها برمی‌گردد.

جوزف نای هر چند در آثار اولیه خود انواع قدرت را در عصر جهانی اطلاعات شامل سه قدرت نظامی و اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم دانسته، و قدرت اقتصادی را همانند قدرت نظامی، جزء قدرت سخت به شمار می‌آورد؛ اما در آثار بعدی خود، منابع اقتصادی را جزء یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند و معتقد است منابع اقتصادی؛

هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند و قدرت اقتصادی یکی از مهمترین ابزارها در سیاست‌های قدرت نرم است و به مؤلفه‌ها و منابع اقتصادی از قبیل وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی) و تحریم‌های مثبت و منفی اشاره می‌کند. به هر ترتیب، امروزه قدرت نرم اقتصادی را مهمترین و اولین نوع قدرت نرم می‌دانند و برای اندازه‌گیری آن شاخص‌هایی از قبیل روابط اقتصادی، خرید محصولات، موافقتنامه تجارت آزاد، نفوذ اقتصادی، کمک به توسعه اقتصادی کشورها، کمک‌های بشردوستانه، سهم شرکت‌ها، اقتصاد رقابتی، فرصت‌های اقتصادی برای نیروی کار، روحیه کارآفرینی، پیشرو در شرکت‌های برجسته چند ملیتی و کیفیت محصولات را مطرح می‌کنند.

قدرت نرم اقتصادی، پرورش دهنده قدرت سخت اقتصادی است. قدرت نرم اقتصادی صرفاً با نیازهای مادی شناخته نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیّت‌های راهبردی یا فنی اقتصادی (سودآوری، تولید، ثروت)، سیاسی (امنیت و رفاه عمومی و حفظ منزلت موجود)، فرهنگی (ارزش‌گرایی و مطلوب‌گرایی و کمال‌خواهی) می‌باشد. از این منظر، هدف اقتصاد دیگر تنها کسب سود و افزایش منفعت فردی و گروهی کنشگران درگیر در صحنه اقتصادی نیست، بلکه اهداف دیگری را نظیر اخلاقی و انسانی کردن روابط اقتصادی و حاکمیت فرهنگ و سیاست در استخدام محیط برای رفع نیازهای فردی و جمعی نیز در بر می‌گیرد (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۵).

در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی باعث اقناع یا القای اقتصادی شده، موفقیت سیاستهای داخلی و خارجی و منطقه‌ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی در جوامع اقتصادی در یک دوره اقتصادی می‌شود. تولید اقناع اقتصادی در یک دوره اقتصادی، موجب افزایش سطح فعالیت‌ها و تولیدات اقتصادی شده، رشد اقتصادی را در بخش‌های اقتصادی سبب می‌شود و استمرار آن، تبدیل به یک «الگوی اقتصادی» می‌شود. این مرحله، مهمترین مرحله قدرت نرم اقتصادی است؛ چون الگوی اقتصادی تولید شده، اقتصاد را در دوره بعد با اقتصادی پیشرفته و دارای قدرت اقتصادی بالا مواجه می‌سازد.

اگر در هر زمان از یک دوره اقتصادی یا یک دوره از اقتصاد، قدرت نرم اقتصادی مورد غفلت قرار گیرد، جامعه اقتصادی با تهدید نرم اقتصادی مواجه خواهد شد که هدف آن، نابسامانی اقتصادی و شروع نارضایتی در اقتصاد است و ادامه آن، بر عکس مراحل قدرت نرم اقتصادی

عمل خواهد کرد و چنانچه مدیریت نشود، در مراحل خود موجب کاهش اعتقاد و اعتبار اقتصادی در نزد مردم شده، اقتصاد را با بحران مواجه خواهد کرد. ادامه این بحران، الگوی اقتصادی تولید شده را نیز با چالش مواجه کرده و در نهایت، منجر به شکست و نابودی آن خواهد شد (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰).

۳. مفهوم و فرآیند توسعه‌ی انسانی

امر توسعه فرآیندی چند بعدی است که شامل تغییرات در رفتار افراد، ساختار اجتماعی، نگرش عمومی و نهادهای ملی است. در واقع، توسعه، سازمان‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. اهداف پذیرفته شده‌ی استراتژی یا سیاست توسعه عبارتند از: رشد، عدالت و کاهش فقر اقتصادی، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی. توسعه‌ی موفق، هم مبتنی بر تعادل نیروهای بازار، و هم عدالت ناشی از مداخله‌ی دولت در بخش‌هایی است که نیروهای بازار به پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی منجر شده‌اند. توسعه‌ی انسانی دو وجه دارد: یک وجه آن مربوط است به ایجاد قابلیت‌های انسانی همچون بهبود سلامت، دانش و مهارت؛ و وجه دیگر به استفاده افراد از قابلیت‌های کسب شده‌شان برای فرصت‌ها و اهداف سودمندی همچون فعال بودن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود. آزادی بیشتر و رشد قابلیت‌ها باعث عملکرد اقتصادی بیشتر می‌شود و توسعه‌ی انسانی در رشد اقتصادی نقش مؤثرتری دارد. از طرف دیگر، افزایش درآمدها، دایره‌ی انتخاب خانوارها و دولت و قابلیت آنها را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی باعث افزایش سطح توسعه‌ی انسانی می‌گردد. بنابراین رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی یک رابطه‌ی دو طرفه‌ی معنادار است (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲).

۴. شاخص توسعه انسانی

سنجش توسعه‌ی انسانی هر کشور، مبتنی بر ارزیابی شاخص توسعه‌ی انسانی (Human Development Index: HDI) است. شاخص توسعه‌ی انسانی، یک شاخص ترکیبی است که همه ساله از سوی برنامه‌ی توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر شده، به مرور زمان مورد تعدیل و تکمیل قرار گرفته است و اینک به عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش

سطح توسعه‌ی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص توسعه‌ی انسانی سه بُعد از زندگی را دربر می‌گیرد: زندگی طولانی و سالم، دانش، و سطح استاندارد زندگی. طول عمر دربرگیرنده امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن نوزادان است. دانش، باسوادی بزرگسالان، نرخ ناخالص ثبت نام، نرخ ثبت نام دختران و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه را شامل می‌شود، و سطح زندگی نیز درآمد سرانه، نیروی کار به عنوان درصدی از جمعیت و تعداد جمعیتی که به آب سالم دسترسی دارند را شامل می‌شود.

۵. مروری بر گزارش ۲۰۲۰ توسعه انسانی

همچنان که اشاره شد، گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس شاخص‌هایی چون توسعه انسانی (صفر کمترین و یک بیشترین توسعه)، متوسط امید به زندگی بر حسب سال، سال‌های مورد انتظار تحصیل بر حسب سال، حداقل زمان تحصیل بر حسب سال و متوسط درآمد سرانه ناخالص ملی رده‌بندی کرده است. در این گزارش، کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارتند از: کشورهای دارای توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کشورهای دارای توسعه انسانی پایین. در گزارش جدید سازمان ملل ۶۶ کشور در گروه نخست قرار گرفته‌اند، یعنی دارای توسعه انسانی بسیار بالا هستند و ایران با آخرین کشور در این گروه، ۵ پله فاصله دارد. کشورهای آلمان در رتبه ۶، هلند در رده ۸، انگلیس ۱۳، کانادا ۱۶، آمریکا ۱۷، امارات ۳۱، روسیه ۵۲، ترکیه ۵۴، چین ۸۵، آذربایجان ۸۸، و هند ۱۳۱ قرار گرفته‌اند. هنگ کنگ، ژاپن، سوئیس، سنگاپور و اسپانیا بالاترین میزان امید به زندگی را دارند و کمترین امید به زندگی مربوط به گینه استوایی، گینه بیسایو، لسوتو، سیرالئون و نیجریه است (<https://www.isna.ir/news/99092619960>).

۶. ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در ایران

ارزش شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی بالا یعنی در رتبه ۷۰ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران از ۰/۵۶۵ به ۰/۷۸۳ افزایش یافته، که

افزایشی ۳۸/۶ درصدی داشته است. بر اساس جدول ۱، بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در ایران تا ۱۲/۸ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۶/۱ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا ۵/۶ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه نیز تا حدود ۴۳/۵ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

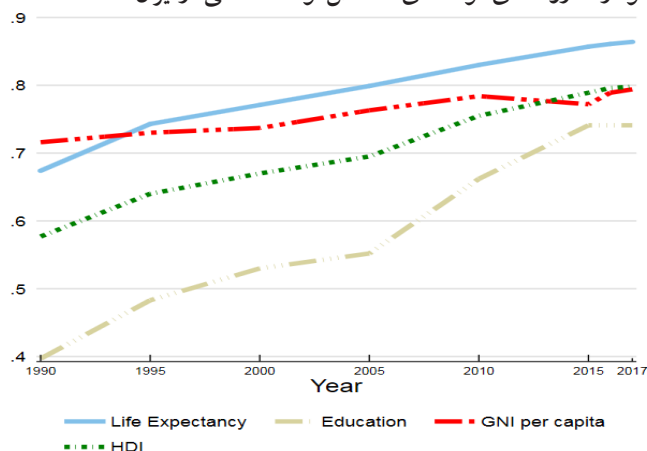
جدول ۱: روندهای شاخص توسعه انسانی در ایران

سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۷)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۶۳/۸	۹/۲	۴/۲	۸۶۷۳	۰/۵۶۵
۱۹۹۵	۶۸/۴	۱۱/۱	۵/۳	۹۴۱۲	۰/۶۲۷
۲۰۰۰	۷۰/۲	۱۱/۶	۶/۲	۱۰۰۷۱	۰/۶۵۸
۲۰۰۵	۷۱/۹	۱۱/۴	۷	۱۱۹۸۲	۰/۶۸۳
۲۰۱۰	۷۳/۹	۱۳/۱	۹	۱۳۸۱۳	۰/۷۴۲
۲۰۱۵	۷۵/۸	۱۴/۷	۹/۹	۱۲۷۳۰	۰/۷۷۴
۲۰۱۶	۷۶	۱۴/۹	۱۰	۱۴۲۴۶	۰/۷۸۴
۲۰۱۷	۷۶/۳	۱۴/۹	۱۰	۱۴۵۶۳	۰/۷۸۸
۲۰۱۸	۷۶/۵	۱۴/۸	۱۰/۱	۱۳۶۱۷	۰/۷۸۵
۲۰۱۹	۷۶/۷	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷	۰/۷۸۳

- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۱ روندهای سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در ایران را طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.

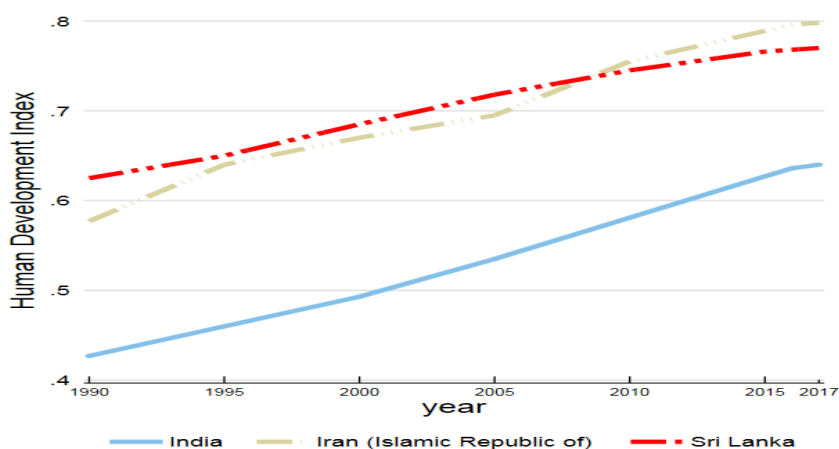
نمودار ۱: روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در ایران ۱۹۹۰-۲۰۱۷



3. - Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

پیشرفت طولانی مدت ایران می‌تواند با دیگر کشورها مقایسه شود. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ ایران، سری لانکا و هند میزان متفاوتی از پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی را تجربه کردند. (نمودار ۲).

نمودار ۲: روندهای شاخص توسعه انسانی ایران، سری لانکا و هند ۱۹۹۰-۲۰۱۷



4. - Human Development Report, 2015(Briefing Note for Countries): 4.

شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳، یعنی بالای میانگین ۰/۷۵۳ برای گروه کشورها با توسعه انسانی بالا، و بالای میانگین ۰/۶۴۱ برای کشورهای آسیای جنوبی است. از آسیای جنوبی کشورهایی که نزدیک به ایران در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بنگلادش و پاکستان می باشند که رتبه بندی شاخص ها را با رتبه ۱۳۳ و ۱۵۴ دارا می باشند (جدول ۴).

جدول ۲: شاخص های توسعه انسانی در ایران در سال ۲۰۱۹

در مقایسه با برخی کشورها و گروه های کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)
ایران	۰/۷۸۳	۷۰	۷۶/۲	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲۴۴۷
بنگلادش	۰/۶۳۲	۱۳۳	۷۲/۶	۱۱/۶	۶/۲	۴۹۷۶
پاکستان	۰/۵۵۷	۱۵۴	۶۷/۳	۸/۳	۵/۲	۵۰۰۵
آسیای جنوبی	۰/۶۴۱	-	۶۹/۹	۱۱/۷	۶/۵	۶۵۳۲
کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا	۰/۷۵۳	-	۷۵/۳	۱۴	۸/۴	۱۴۲۵۵

5. Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries):

شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۹، ۰/۷۸۳ است. به هر جهت، وقتی ارزش شاخص توسعه انسانی برای نابرابری کاهش می یابد، شاخص توسعه انسانی به ۰/۶۹۳ سقوط می کند که ۱۱/۵ درصد مربوط به نابرابری در توزیع شاخص های ابعاد سه گانه شاخص توسعه انسانی است. بنگلادش و پاکستان به ترتیب افت ۲۴/۴ درصدی و ۳۱/۱ درصدی را به دلیل نابرابری نشان می دهند. میانگین کاهش به دلیل نابرابری برای کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا، ۱۷/۹ درصد و برای کشورهای آسیای جنوبی، ۲۵/۹ درصد است. ضریب نابرابر انسانی برای ایران به میزان ۱۱/۳ درصد است.

جدول ۳: شاخص نابرابری توسعه انسانی در ایران در مقایسه با کشورها و گروه کشورهای منتخب

کشورها	ارزش شاخص نابرابری توسعه انسانی	درصد کلی از دست رفته	ضریب نابرابری انسانی	درصد نابرابری در امید به زندگی در بدو تولد	درصد نابرابری در آموزش	درصد نابرابری در درآمد
ایران	۰/۶۹۳	۱۱/۵	۱۱/۳	۹/۲	۵	۱۹/۷
بنگلادش	۰/۴۷۸	۲۴/۴	۲۳/۷	۱۷/۳	۳۷/۳	۱۶/۶
پاکستان	۰/۳۸۴	۳۱/۱	۳۰/۲	۲۹/۹	۴۳/۵	۱۷/۲
آسیای جنوبی	۰/۴۷۵	۲۵/۹	۲۵/۴	۲۰/۲	۳۷/۵	۱۸/۵
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۰/۶۱۸	۱۷/۹	۱۷/۶	۱۰/۱	۱۴/۵	۲۸

- Human Development Report, 2020: 216.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان ایران ۰/۷۰۹ در مقایسه با ۰/۸۱۹ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۰/۸۶۶ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بنگلادش و پاکستان به ترتیب ۰/۹۰۴ و ۰/۷۴۵ هستند (جدول ۴).

جدول ۴: ارزش شاخص توسعه جنسیت ایران در مقایسه با دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال‌های مورد انتظار تحصیل		میانگین سالهای تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	ارزش شاخص توسعه جنسیت
ایران	۷۷/۹	۷۵/۶	۱۴/۶	۱۵	۱۰/۳	۱۰/۴	۴۰۸۴	۲۰۶۳۷	۰/۷۰۹	۰/۸۱۹	۰/۸۶۶
بنگلادش	۷۴/۶	۷۰/۹	۱۲	۱۱/۲	۵/۷	۶/۹	۲۸۷۳	۷۰۳۱	۰/۵۹۶	۰/۶۶۰	۰/۹۰۴
پاکستان	۶۸/۳	۶۶/۳	۷/۶	۸/۹	۳/۸	۶/۳	۱۳۹۳	۸۴۱۲	۰/۴۵۶	۰/۶۱۲	۰/۷۴۵
آسیای جنوبی	۷۱/۳	۶۸/۷	۱۱/۹	۱۱/۵	۵/۵	۸/۴	۲۳۹۳	۱۰۴۱۶	۰/۵۷۰	۰/۶۹۲	۰/۸۲۴
کشورهای با توسعه انسانی بالا	۷۸	۷۲/۸	۱۴/۱	۱۳/۹	۸/۲	۸/۷	۱۰۵۲۹	۱۷۹۱۲	۰/۷۳۶	۰/۷۶۶	۰/۹۶۱

- Human Development Report, 2020: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی ایران، ۰/۴۵۹ است و رتبه بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۱۱۳ می باشد. در ایران ۵/۹ درصد از صندلی های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۶۷/۴ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۷۲/۸ درصد مردان، کسب کرده اند. برای هر ۱۰۰/۰۰۰ تولد زنده، ۱۶ زن به علل مربوط به بارداری می میرند و زاد و ولد نوجوانان ۴۰/۶ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۱۷/۵ درصد در مقایسه با ۷۱/۵ درصد مردان است. در مقایسه، بنگلادش و پاکستان در این شاخص به ترتیب در رتبه ۱۳۳ و ۱۳۵ قرار دارند. برای بررسی مقایسه ای این شاخص در ایران و برخی کشورهای منتخب به جدول ۵ مراجعه کنید.

جدول ۵: شاخص نابرابری جنسیتی ایران و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۹

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
ایران	۰/۴۵۹	۱۱۳	۱۶	۴۰/۶	۵/۹	۶۷/۴	۷۲/۸	۱۷/۵	۷۱/۵
بنگلادش	۰/۵۳۷	۱۳۳	۱۷۳	۸۳	۲۰/۶	۳۹/۸	۴۷/۵	۳۶/۳	۸۱/۴
پاکستان	۰/۵۳۸	۱۳۵	۱۴۰	۳۸/۸	۲۰	۲۷/۶	۴۵/۷	۲۱/۹	۸۱/۷
آسیای جنوبی	۰/۵۰۵	-	۱۴۸/۶	۲۶	۱۷/۵	۳۱/۳	۴۸/۴	۲۳/۲	۷۷
کشورها با توسعه انسانی بالا	۰/۳۴۰	-	۶۲/۳	۳۳/۶	۲۴/۵	۶۹/۸	۷۵/۱	۵۴/۲	۷۵/۴

- Human Development Report, 2020: 224.

۷. ارزش و رتبه شاخص توسعه انسانی در قطر

ارزش شاخص توسعه انسانی قطر برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ است که این کشور را در دسته بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۵ در بین ۱۸۹ کشور قرار می دهد. بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی قطر از ۰/۷۵۰ به ۰/۸۴۸ افزایش یافته که افزایشی ۱۳/۱ درصدی داشته است. وضعیت قطر نشان از پیشرفت شاخص های توسعه انسانی این کشور دارد. بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۴/۴ سال، میانگین سال های تحصیل تا ۴/۳ سال، و سال های مورد انتظار تحصیل تا ۰/۲ سال افزایش یافته

است. درآمد ناخالص ملی سرانه قطر نیز تا حدود ۵۰/۷ درصد طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۱۹ افزایش داشته است.

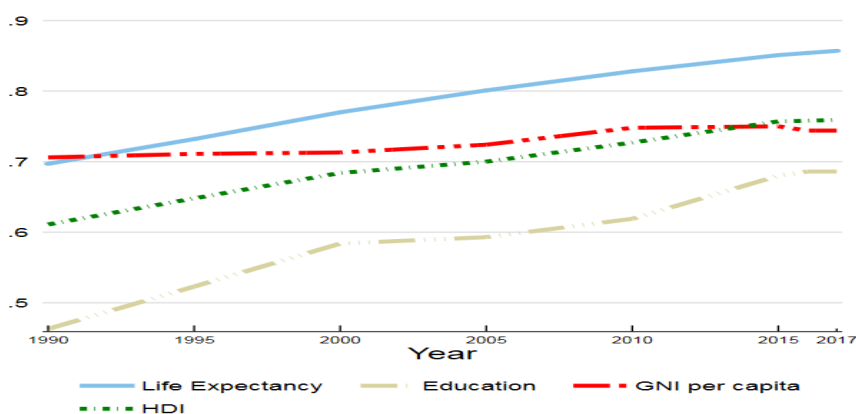
جدول ۶: روندهای شاخص توسعه انسانی در قطر

سال	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای مورد انتظار تحصیل	میانگین سالهای تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برابری قدرت خرید ۲۰۱۱)	ارزش شاخص توسعه انسانی
۱۹۹۰	۷۵/۸	۱۱/۸	۵/۴	۶۱۳۲۴	۰/۷۵۰
۱۹۹۵	۷۶/۸	۱۳/۱	۵/۹	۶۳۷۶۵	۰/۷۸۲
۲۰۰۰	۷۷/۵	۱۲/۶	۷/۹	۸۹۴۵۹	۰/۸۱۶
۲۰۰۵	۷۸/۳	۱۳/۱	۸/۸	۸۳۱۵۳	۰/۸۳۸
۲۰۱۰	۷۹/۱	۱۲/۸	۸/۴	۹۱۶۵۲	۰/۸۳۴
۲۰۱۵	۷۹/۸	۱۱/۴	۹/۷	۹۵۶۳۴	۰/۸۳۹
۲۰۱۶	۷۹/۹	۱۲	۹/۷	۹۵۵۱۷	۰/۸۴۵
۲۰۱۷	۸۰	۱۲/۲	۹/۷	۹۵۵۱۷	۰/۸۴۵
۲۰۱۸	۸۰/۱	۱۱/۹	۹/۷	۹۴۲۶۵	۰/۸۴۵
۲۰۱۹	۸۰/۲	۱۲	۹/۷	۹۲۴۱۸	۰/۸۴۸

- Human Development Report, 2020: 212.

نمودار ۳ سهم هریک از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی قطر از سال ۱۹۹۰ تاکنون را نشان می‌دهد.

نمودار ۳: روندهای مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی در قطر ۱۹۹۰-۲۰۱۷



- Human Development Report, 2020(Briefing Note for Countries): 3.

شاخص توسعه انسانی قطر در سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ یعنی زیر میانگین ۰/۸۹۸ برای گروه کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، و بالای میانگین ۰/۷۰۵ برای کشورهای عرب است. از کشورهای عرب، کشورهایی که نزدیک به قطر در شاخص توسعه انسانی با توجه به اندازه جمعیت هستند، بحرین و امارات متحده عربی می باشند که رتبه بندی شاخص ها را با رتبه ۴۲ و ۳۱ دارا می باشند (جدول ۷).

جدول ۷: شاخص های توسعه انسانی در قطر در سال ۲۰۱۹

در مقایسه با برخی کشورها و گروه های کشوری منتخب

کشورها	ارزش شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	سال های مورد انتظار تحصیل	میانگین سال های تحصیل	درآمد ناخالص ملی سرانه (برای قدرت خرید دلار)
قطر	۰/۸۴۸	۴۵	۸۰/۲	۱۲	۹/۷	۹۲۴۱۸
بحرین	۰/۸۵۲	۴۲	۷۷/۳	۱۶/۳	۹/۵	۴۲۵۲۲
امارات متحده عربی	۰/۸۹۰	۳۱	۷۸	۱۴/۳	۱۲/۱	۶۷۴۶۲
کشورهای عرب	۰/۷۰۵	-	۷۲/۱	۱۲/۱	۷/۳	۱۴۸۶۹
کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۸۹۸	-	۷۹/۶	۱۶/۳	۱۲/۲	۴۴۵۶۶

- Human Development Report, 2020 (Briefing Note for Countries): 3.

ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان قطر ۰/۸۶۶ در مقایسه با ۰/۸۴۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۱/۰۳۰ می کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بحرین و امارات متحده به ترتیب ۰/۹۲۲ و ۰/۹۳۱ هستند (جدول ۸).

جدول ۸: ارزش شاخص توسعه جنسیت در قطر در مقایسه با دیگر کشورها

کشورها	امید به زندگی در بدو تولد		سال های مورد انتظار تحصیل		میانگین سال های تحصیل		درآمد ناخالص ملی سرانه		ارزش شاخص توسعه انسانی		نرخ زن - مرد
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	ارزش شاخص توسعه جنسیت
قطر	۷۹/۳	۷۹/۱	۸۲	۱۱/۳	۱۱/۳	۹/۴	۴۵۳۳۸	۱۰۷۸۳۳	۰/۸۶۶	۰/۸۴۱	۱/۰۳۰

بحرین	۷۸/۲	۷۶/۴	۷۸/۴	۱۶/۱	۹/۱	۹/۷	۱۹۰۵۹	۵۵۵۶۵	۰/۸۰۶	۰/۸۷۴	۰/۹۲۲
امارات متحده عربی	۷۹/۷	۷۷/۳	۷۹/۳	۱۴/۱	۱۱/۷	۱۲/۴	۲۸۵۷۸	۸۴۷۲۳	۰/۸۴۲	۰/۹۰۵	۰/۹۳۱
کشورهای عرب	۷۸/۹	۷۰/۴	۷۳/۹	۱۲/۴	۶/۵	۸/۱	۵۰۹۲	۲۳۹۲۳	۰/۶۳۶	۰/۷۴۳	۰/۸۵۶
کشورها با توسعه انسانی بسیار بالا	۷۸/۲	۷۶/۸	۸۲/۴	۱۶	۱۲	۱۲/۲	۳۳۶۶۸	۵۵۷۲۰	۰/۸۸۶	۰/۹۰۳	۰/۹۸۱

- Human Development Report, 2018: 220.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی قطر، ۰/۱۸۵ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۴۳ می‌باشد. در قطر ۹/۸ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۶/۱ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۶۶/۲ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰۰/۱۰۰ تولد زنده، ۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۹/۹ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۶/۸ درصد در مقایسه با ۹۴/۷ درصد مردان است. در مقایسه، بحرین و امارات متحده عربی در این شاخص به ترتیب در رتبه ۴۹ و ۱۸ قرار دارند. برای بررسی مقایسه‌ای این شاخص در قطر و برخی کشورهای منتخب به جدول ۱۱ مراجعه کنید.

جدول ۹: شاخص نابرابری جنسیتی در قطر و دیگر کشورها در سال ۲۰۱۷

کشورها	ارزش شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	نرخ مرگ و میر مادران	نرخ تولد نوجوانان	درصد کرسی‌های زنان در پارلمان	درصد جمعیت با حداقل آموزش متوسطه		نرخ مشارکت نیروی کار	
						مردان	زنان	مردان	زنان
قطر	۰/۱۸۵	۴۳	۹	۹/۹	۹/۸	۷۶/۱	۶۶/۲	۵۶/۸	۹۴/۷
بحرین	۰/۲۱۲	۴۹	۱۴	۱۳/۴	۱۸/۸	۶۸/۱	۷۴/۳	۴۵	۸۷/۲
امارات متحده عربی	۰/۰۷۹	۱۸	۳	۶/۵	۵۰	۷۶	۸۱	۵۲/۴	۹۳/۴
کشورهای عرب	۰/۵۱۸	-	۱۳۵/۴	۴۶/۸	۱۸	۴۹/۳	۵۵/۸	۲۰/۷	۷۳
شاخص توسعه انسانی بسیار بالا	۰/۱۷۳	-	۱۴/۲	۱۷/۲	۲۸/۳	۸۶/۵	۸۸/۶	۵۲/۳	۶۹/۱

- Human Development Report, 2020: 224.

جمع بندی و نتیجه گیری

همچنان که اشاره شد، توسعه‌ی اقتصادی فرآیندی چند بُعدی است که در اثر تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد، که هم جنبه‌ی عینی و مادی و هم جنبه‌ی ذهنی زندگی افراد را در بر می‌گیرد. کشورهای در حال توسعه عموماً به دنبال رسیدن به اهداف مشترکی از قبیل تأمین امکانات اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و نابرابری، تأمین امکانات بهداشتی، آموزشی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه و نهایتاً توسعه‌ی انسانی بالاتر هستند. مفهوم توسعه‌ی انسانی، اولین بار توسط محبوب‌الحق، کیت گریفین، تری مک‌نلی و آمارتیا سن در سال ۱۹۹۰ مطرح شده است. قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰، درآمد سرانه‌ی هر کشور بعنوان شاخص پیشرفت اجتماعی و توسعه سطح زندگی در نظر گرفته می‌شد. درآمد سرانه برای دستیابی به سطح بالاتری از تولید ناخالص داخلی و رشد رفاه لازم بود، اما، نمی‌توانست بسیاری از جوانب مهم زندگی را در بر گیرد. بنابراین، تنها رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه کیفیت توزیع و پایداری این رشد هم حائز اهمیت است. بنابراین، شاخص توسعه‌ی انسانی بعنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی شد که دامنه‌ی بیشتری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در کنار بُعد اقتصادی در بر می‌گیرد. این شاخص در سال ۱۹۹۰ بعنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد.

بر اساس نظریه توسعه‌ی انسانی، ثروتمندترین کشورها، مرفه‌ترین آنها نیستند و هیچ رابطه‌ی روشنی بین رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی وجود ندارد. برخی از کشورها ثروتمندند اما چیزی به بعضی بخش‌های جامعه ارائه نمی‌دهند، مانند برخی کشورهای تولیدکننده نفت که زنان در آنها از فرصت‌های چندانی برخوردار نیستند. بر اساس دیدگاه توسعه‌ی انسانی، تأکید بر ایجاد ظرفیت‌ها به جای مصرف کالاها و خدمات، شرایط گسترش پایدار انتخاب‌های انسانی را فراهم می‌آورد، چرا که ظرفیت‌سازی امکان بازتولید مداوم کالاها و خدماتی را ایجاد می‌کند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی بهتر است. عمده تعاریف، از دو عنصر و هدف اساسی یعنی ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش قدرت آزادی و انتخاب انسان‌ها یاد می‌کنند.

توسعه‌ی انسانی، مسائلی فراتر از بخش‌های اجتماعی و درآمدی را در بر می‌گیرد؛ مسائلی نظیر محیط زیست، آزادی و مشارکت در دولت، حقوق انسانی، رفع تبعیض جنسی، مسئولیت‌پذیری و امکان اعتراض به عملکرد دولت. این به معنای گسترش دادن امکان

انتخاب‌های شهروندان است. در فرآیند توسعه، استعدادهای جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی بارور و شکوفا می‌شود.

نظریه توسعه‌ی انسانی می‌کوشد تا انسان را در بطن توسعه قرار دهد و گزینه‌ها و انتخاب‌های او را متعدد سازد. توسعه‌ی انسانی اگر چه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش فکری تأکید می‌ورزد، اما رشد اقتصادی را به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان می‌گیرد. بنابراین شکل دادن به قابلیت‌های انسانی از قبیل آزادی‌های سیاسی و مدنی، وضعیت آموزش، بهداشت و قدرت اقتصادی باید به عنوان هدف اصلی جوامع توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین نگرشی، مردم ثروت اصلی جوامع خواهند بود و هدف توسعه، فراهم کردن شرایط زندگی بهتر همراه با امنیت بیشتر می‌باشد. رهایی از فقر، گرسنگی، بیماری، جنگ، نابرابری، بی‌سوادی، و محرومیت، از جمله راه‌های گسترش قابلیت‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌باشند و به این خاطر است که در سنجش توسعه‌ی انسانی بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است.

همچنان که اشاره شد، ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹، در وضعیت توسعه انسانی شیب صعودی داشته و تا رتبه ۷۰ ارتقاء یافته، که بیشتر متکی به افزایش امید به زندگی و طول سال‌های عمر و گسترش بهداشت و گسترش آموزش عمومی و دانشگاهی بوده است. در این مدت اما وضعیت درآمد سرانه رشد مناسبی نداشته است. وضعیت جهانی ایران در شاخص توسعه انسانی به این شرح می‌باشد: نمره ایران در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، زیر ۵/۵/۰ یعنی در دسته کشورهای با توسعه انسانی پایین بوده است. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، به رده کشورهای با توسعه انسانی متوسط می‌پیوندد. در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، نمره ۵۹/۰ را کسب، و جایگاه متوسط را حفظ کرد. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) ایران در شاخص‌های توسعه انسانی نزول، و به رده کشورهای با توسعه انسانی پایین سقوط کرد. اما در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)، به رده کشورهای متوسط برگشت و با نمره ۵۶۷/۰ به رتبه ۱۰۸ دست یافت. از سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴)، تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) یعنی ۱۰ سال، ۱۰ پله صعود کرد و به رتبه ۹۴ رسید. ایران، اولین بار در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با نمره ۷۴۳/۰ و رتبه ۸۷، به جرگه کشورهای با توسعه انسانی بالا پیوست و رتبه آن نسبت به سال ۲۰۰۵، یعنی در عرض ۵ سال، ۷ پله صعود کرد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، رشد خود را ادامه داد و ۱۲ پله صعود کرد. در سال ۲۰۱۵ جایگاه ایران باز هم بهبود یافت و از رتبه ۷۵

به رتبه ۶۹ ارتقاء پیدا کرد و به نمره ۰/۷۶۶ دست یافت. در سال ۲۰۱۹ بر اساس گزارش ۲۰۲۰، ایران توانست با کسب نمره امتیاز ۰/۷۸۳، به رتبه ۷۰ ارتقاء یابد که کم به مرز کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا (نمره ۰/۸ به بالا) نزدیک می‌شود.

از جمله مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی، سطح بهداشت است که با معیار امید به زندگی سنجیده می‌شود. شاخص امید به زندگی برای ایران ۷۶/۲ سال عنوان شده است که با کشورهای پیشرو در این حوزه، حدود ۱۰ سال فاصله دارد. همچنین، نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال به بالا برای ایران ۸۵ درصد است. درآمد سرانه ملی ایران، معادل ۱۹/۱۳۰ دلار محاسبه شده است. درآمد سرانه نیروی با رتبه نخست توسعه انسانی، ۶۸/۰۱۲ دلار است و قطر با درآمد سرانه ۱۱۶/۸۱۶ بالاترین رتبه را در مؤلفه درآمد سرانه داراست. بنابراین بیشترین بهبود در وضعیت شاخص امید به زندگی و پس از آن در وضعیت آموزش رخ داده است. اما بدترین وضعیت در بین مؤلفه‌های توسعه انسانی، متعلق به «درآمد ملی ناخالص سرانه» است. در طول سال‌های پس از انقلاب، به دلیل رویکرد محرومیت‌زدایی و انبوه درآمدهای نفتی که دولت‌ها صرف بهبود آموزش و بهداشت کرده‌اند، دو شاخص آموزش و بهداشت در کشور ارتقاء مناسبی داشته، اما میزان بهبود درآمد سرانه رضایت‌بخش نبوده است. وضعیت نامناسب ایران در درآمد سرانه، نقطه ضعف ایران در توسعه است و می‌تواند بر جایگاه ایران در منطقه اثر منفی جدی بر جای بگذارد. به هر ترتیب، طی سه دهه گذشته وضعیت ایران در شاخص توسعه انسانی پیشرفت داشته است. به بیان دیگر افزایش امید به زندگی (کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر در نتیجه گسترش بهداشت عمومی) و گسترش آموزش عمومی و تحصیلات دانشگاهی رتبه ایران را بالا برده است. اما معیار سوم توسعه انسانی یعنی درآمد سرانه (که برابری قدرت خرید را می‌سنجد) در ایران رشد محسوسی نداشته، و در حال کاهش نیز بوده است. اگر شاخص درآمد سرانه همچنان کاهش یابد، بر دو شاخص دیگر نیز اثرات منفی می‌گذارد و جایگاه ایران را در شاخص کل توسعه انسانی تنزل می‌دهد.

یکی از ابعاد بررسی شاخص توسعه انسانی بر حسب برابری جنسیتی است. در ایران طول عمر یا امید به زندگی زنان به طور متوسط حدود ۲ تا ۳ سال بیشتر از مردان است و در زمینه آموزش و تحصیلات نیز شرایط آنان مساوی و حتی به نفع زنان است؛ ولی در زمینه درآمد و شغل شکاف زیادی وجود دارد و این وضعیت ناپایدار خواهد بود.

ارزش شاخص توسعه انسانی قطر برای سال ۲۰۱۹، ۰/۸۴۸ است که این کشور را در دسته‌بندی توسعه انسانی خیلی بالا یعنی در رتبه ۴۵ در بین ۱۸۹ کشور قرار می‌دهد. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، ارزش شاخص توسعه انسانی قطر از ۰/۷۵۰ به ۰/۸۴۸ افزایش یافته که افزایشی ۱۳/۱ درصدی داشته است. طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ امید به زندگی در بدو تولد در این کشور تا ۴/۴ سال، میانگین سالهای تحصیل تا ۴/۳ سال، و سالهای مورد انتظار تحصیل تا ۰/۲ سال افزایش یافته است. درآمد ناخالص ملی سرانه قطر نیز تا حدود ۵۰/۷ درصد طی سالهای ۲۰۱۹-۱۹۹۰ افزایش داشته است.

شاخص توسعه جنسیت برای ۱۶۷ کشور محاسبه شده است. ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۱۹ برای زنان قطر ۰/۸۶۶ در مقایسه با ۰/۸۴۱ برای مردان است که در نتیجه ارزش شاخص توسعه جنسیت را ۱/۰۳۰ می‌کند. در مقایسه، ارزش شاخص توسعه جنسیت برای بحرین و امارات متحده به ترتیب ۰/۹۲۲ و ۰/۹۳۱ هستند.

ارزش شاخص نابرابری جنسیتی قطر، ۰/۱۸۵ است و رتبه‌بندی آن در ۱۶۲ کشور در شاخص سال ۲۰۱۹، ۴۳ می‌باشد. در قطر ۹/۸ درصد از صندلی‌های پارلمان توسط زنان اشغال شده، و ۷۶/۱ درصد از زنان بالغ حداقل سطح متوسطه تحصیل را در مقایسه با ۶۶/۲ درصد مردان، کسب کرده‌اند. برای هر ۱۰۰/۰۰۰ تولد زنده، ۹ زن به علل مربوط به بارداری می‌میرند و زاد و ولد نوجوانان ۹/۹ تولد از هر ۱۰۰۰ زن در سنین ۱۹-۱۵ است. مشارکت زنان در بازار کار ۵۶/۸ درصد در مقایسه با ۹۴/۷ درصد مردان است. در مقایسه، بحرین و امارات متحده عربی در این شاخص به ترتیب در رتبه ۴۹ و ۱۸ قرار دارند.

همچنان که در بخش‌های مختلف بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی نشان داده شد، سه عامل جمعیت، امید به زندگی و درآمد ملی سرانه وجه تمایز و عوامل تأثیرگذار بر شاخص و رتبه توسعه انسانی دو کشور ایران (رتبه ۷۰) و قطر (رتبه ۴۵) را در سال ۲۰۲۰ تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر اشاره کردیم که از جمله مؤلفه‌ها و حوزه‌های مهم قدرت نرم، اقتصاد است و توسعه انسانی یکی از مصادیق قدرت نرم به شمار می‌آید که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. در به کارگیری قدرت نرم و نیز حصول توسعه انسانی نتایجی مشترکاً به صورت تولید رضایتمندی، اعتقاد، اعتبار و تمکین به دست می‌آید زیرا قدرت اقتصادی یکی از مهمترین ابزارها در سیاست‌های قدرت نرم، و قدرت نرم اقتصادی، پرورش دهنده قدرت سخت اقتصادی است

که صرفاً با نیازهای مادی شناخته نمی شود، بلکه تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیت های راهبردی یا فنی اقتصادی (سودآوری، تولید، ثروت)، سیاسی (امنیت و رفاه عمومی و حفظ منزلت موجود)، و فرهنگی (ارزش-گرایی و مطلوب گرایی و کمال خواهی) می باشد.

در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی و پیشرفت توسعه انسانی باعث اقناع اقتصادی شده، موفقیت سیاستهای داخلی و خارجی و منطقه ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور در یک دوره اقتصادی می شود و استمرار آن، تبدیل به یک «الگوی اقتصادی» می شود. در مقایسه با قطر، به نظر می رسد مؤلفه های قدرت نرم اقتصادی در چارچوب توسعه انسانی نیاز به تقویت و توسعه دارند و اگر مورد غفلت قرار گیرند، جامعه اقتصادی با تهدید نرم اقتصادی مواجه خواهد شد که هدف آن، نابسامانی اقتصادی و شروع نارضایتی در اقتصاد است و ادامه آن، بر عکس مراحل قدرت نرم اقتصادی عمل خواهد کرد و چنانچه مدیریت نشود، در مراحل خود موجب کاهش اعتقاد و اعتبار اقتصادی در نزد مردم شده، اقتصاد را با بحران مواجه خواهد کرد. ادامه این بحران، الگوی اقتصادی تولید شده را نیز با چالش مواجه کرده و در نهایت، منجر به شکست و نابودی آن خواهد شد.

منابع

۱. امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۰). «روش محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی»، ماهنامه‌ی بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌ی ۱۲، اسفند.
۲. برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۸). چشم‌انداز استراتژیک کشورهای مسلمان (پژوهشنامه ۱۲)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، تهران: سمت.
۴. جعفری، عباس (۱۳۸۲). گیتاشناسی کشورها، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۵. خاکپور، براتعلی و باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. خواجه پور، غلامرضا (۱۳۷۶). استراتژی توسعه‌ی انسانی، تعاون، (شماره‌ی ۶۷).
۷. حق‌پناهان، حمیدرضا و حامد کرمی، مجتبی همتی (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی ج.ا.ایران»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۴).
۸. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
۹. سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. سیف، الله‌مراد و دیگران (۱۳۹۲). «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸.
۱۱. شریف خطیبی، لیلا (۱۳۸۷). شاخص توسعه‌ی انسانی، ماهنامه‌ی کار و جامعه، شماره‌ی ۱۰۳، دی‌ماه.
۱۲. شریفی، کیومرث (۱۳۸۹). راهنمای تجارت با قطر، تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی.
۱۳. شیرزادی رضا (۱۳۹۹). نوسازی، توسعه، جهانی‌شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.

۱۴. صالح، نسرين (۱۳۹۲). قطر، گام‌های بزرگ برای توسعه، شهرپور، در: <http://tejarat.donya-e-eqtesad.com/fa>

۱۵. صمیمی، احمد و جعفری قدوسی، آمنه (۱۳۸۹). چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش راهبردی شماره ۱۲۴.

۱۶. عربی، زهرا و کاظمی، ابوطالب (۱۳۹۳). «تأثیر شاخص توسعه انسانی بر تولید ناخالص داخلی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره هفدهم.

۱۷. فطرس، محمد حسن و ترکمنی، اسماعیل (۱۳۹۱). «توسعه‌ی انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه‌ی تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال دوم، شماره‌ی هفتم.

۱۸. قاضیان، حسین (۱۳۷۱). «درباره تعریف توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، آذر و دی.

۹۱. گریفین، کیت و نایت، جان (۱۳۷۶). «توسعه انسانی: تأکید مجدد»، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۹ و ۲۰، آبان و آذر.

۲۰. گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۵). تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۲۱. محمودی، وحید (۱۳۸۷). «رابطه‌ی رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی»، فصلنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۲۵۱-۲۵۲، مرداد و شهریور.

۲۲. منصوری، عیسی (۱۳۷۹). «توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.

۲۳. نصیری، سوناز (۱۳۹۹). «بررسی مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه (مطالعه موردی لبنان)»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان.

۲۴. هینز، جفری (۱۳۹۳). مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: آگه.

۲۵. یوسفی لیمایی، فاطمه (۱۳۸۴). گزارش کشوری انرژی قطر، تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

26. Evans Peter & James Rauch (1999), "Bureaucracy and Growth: A Gross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on

- Economic Growth", American Sociological Review, V.64, N.5, (October 1999).
27. Gordon White, "Constructing a Democratic Developmental State", in Mark Robinson and Gordon White. (ed.), The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design (New York: Oxford University Press Inc, 1998).
 28. UNDP(2020). Human Development Report 2020: The next frontier: Human development and the Anthropocenes, New York.
 29. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>
 30. <http://www.ers.usda.gov/topics/international-markets-trade/countries-regions/japan/basic-information.aspx>
 31. <http://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-worldenergy/2014-in-review.html>
 32. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html>
 33. www.trade.gov/topmarket
 34. www.donya-e-eqtesad.com/news/409512/#ixzz3pblYvJDu
 35. <http://khabaronline.ir/detail/268728/>
 36. www.mashreghnews.ir/fa/news/570082
 37. www.iribnews.ir/fa/news/1333149
 38. <http://www.csr.ir/fa/news/247/%D8%B4>
 39. <http://www.mehrnews.com/news/2407913>
 40. <http://www.persian-n-oriental-rugs.com/serapi-rugs.html>
 41. <http://www.iribnews.ir/fa/news/1178677D9%8>

مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق با تأکید بر کردهای شیعه

علیرضا زرگر^۱

علی مولایی^۲

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی‌های منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق با تکیه بر کردهای شیعه مذهب (فیلی) است. قدرت نرم به بیان نای به این معناست که کاری کنیم که دیگران آنچه را طلب کنند که ما می‌خواهیم. این امر نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری در کشورها با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی هر یک از جامعه هدف است. روش پژوهش از نوع تاریخی-کیفی (تحلیل تماتیک) است و جامعه آماری آن شامل اسناد دست‌اول و منابع تاریخی و همچنین، مصاحبه با افراد مطلع و متخصصان و نخبگان بوده است، روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده است. نتایج نشان می‌دهد که علیرغم مشترکات تاریخی، نژادی، قومی، زبانی، مذهبی وجود مستقلات و زمین در برخی از استان‌ها نظیر ایلام، سابقه زیست سالیان متمادی در ایران در زمان تبعید، و نیز تعامل و تعاون آنان با نیروهای انقلاب و... از یک طرف، با توجه به با وجود جمعیت جوان زیاد (که به راحتی تحریک و تهییج می‌شوند)، بیکاری، فقر اقتصادی منطقه و سرمایه‌گذاری عظیم مادی، معنوی، رسانه‌ای، فکری جبهه استکبار از طرف دیگر، احتمال گرایش برخی عناصر سست ایمان و غافل به سمت و سوی آنان را متصور است.

واژه‌های کلیدی: کردهای فیلی-ایران-قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، عراق.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a.zargar.1976@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

مقدمه

قدرت نرم نیز بعد نامحسوسی، غیرمادی و نرم‌افزاری دارد و متکی به جهات ذهنی و مجموعه باورها، ارزش‌ها و بایسته‌هایی است که بر پایه عناصری در درونشان یعنی ذهن و قلب افراد (حوزه ادراکی - احساسی) شکل می‌گیرند و تجلیات عینی آنها را که در اعمال و رفتار انسانی نمودار می‌گردند جهت می‌دهند. این بعد از قدرت، توانایی شکل‌دهی به توجیهات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع. (حیدری فرو و دیگران ۱۳۹۵: ۱۳). جوزف نای براین عقیده است که قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشتغال ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز بگیرد (نای، ۱۳۸۹). قدرت نرم توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه نخستین افکار عمومی خارج کشور است. در قدرت باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه این که ما چگونه به دنیا می‌نگریم (هرسیچ و دیگران ۱۳۸۸: ۲۲۸) توانایی ایجاد رضایت در مخاطب به وسیله ایجاد جذابیت در فرهنگ و ارزش‌ها و حتی سیاست خارجی از طریق متقاعد کردن، همان قدرت نرم است. که در برابر شیوه آمرانه در قدرت سخت به کار می‌رود (دارا، خاکس، ۱۳۹۷: ۵۹) از دیدگاه قدرت نرم این موضوع منجر به کاهش هزینه‌های اقدام و همچنین مشروعیت بخشی به اقدامات سیاسی خواهد شد (جمشیدی و محمدی گهرویی، ۱۳۹۱: ۲) به عبارت دیگر تنورسین قدرت نرم شخصیت نئولیبرال آمریکایی جوزف نای است که قدرت نرم را به عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی می‌کنند بر ضرورت بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا اصرار دارد (سلیمانی پورلک ۱۳۸۶: ۸). جوزف نای قدرت را در سه دسته فرهنگی، عقیدتی و نهادی تقسیم بندی می‌کند (کریمی فرد ۱۳۹۹: ۸۴) به نظر نای مفهوم قدرت در حال تغییر از قدرت سخت به عناصر معنایی تر مانند توان تولید فرهنگی و قدرت جذابیت در حال حرکت است (عباس‌زاده فتح آبادی و رحیمی مقدم، ۱۳۹۹: ۱۹۳). حفظ و ارزش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری خود در این کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی هر

یک از کشورهای هدف است. یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه از لحاظ عملکرد قدرت نرم ایران، کشور عراق است (عسگرخانی ۱۳۹۰: ۹۳۴). قدرت نرم توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه نخستین افکار عمومی خارج کشور است. در قدرت نرم باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه این که ما چگونه به دنیا می‌نگریم. رسیدن به این مهم مستلزم شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری در کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است. یکی از اقوام منطقه خاورمیانه از لحاظ عملکرد قدرت نرم ایران، که می‌تواند تأثیر بسیاری بر قدرت نرم ایران بگذارد؛ کردهای شیعه مذهب (فیلی) کشور عراق است. این افراد؛ کردهای شیعه ایرانی تبار هستند که سالیان متمادی در مرزهای غربی ایران زندگی نموده و در ادوار مختلف تاریخ بر اثر تحدید مرزها، تحمیل قرار داده‌ها و جابجایی جغرافیایی حدود بین دو کشور، ظلم و ستم والیان، تحریم‌های شدید رضاخان، بروز قطعی و... در مقابل؛ وجود مکان مقدسه و عتبات عالیات که همیشه پناهگاه شیعیان و مسلمانان بوده به امید زندگی بهتر به آن سوی مرز متواری، یا مهاجرت نموده یا بالاجبار ساکن شدند. کردهای فیلی به علت استقرار در مناطق استراتژیکی، سنخیت فرهنگی نژادی قومی و مذهبی دارای پتانسیل مطلوبی برای کشورمان می‌باشند. در نهایت هدف تحقیق حاضر مطالعه مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق با تأکید بر کردهای شیعه است.

مبانی و رویکردهای نظری

قدرت نرم

قدرت نرم موضوع تازه‌ای در علم سیاست نیست و ایده جذابیت به مثابه قدرت، قرن‌ها پیش از تبیین نظریه آن وجود داشته است (نجفی و خسروی ۱۳۹۸: ۳۵) با مذاقه در تعاریف ارائه شده از قدرت می‌توان تغییر پارادایم قدرت سخت افزاری را به جنبش نرم افزاری را مشاهده کرد و به عبارت دیگر واقعیت‌های کنونی نشان دهنده آن است که تأکید صرف بر قدرت افکنی، موفقیت پایداری را دربر ندارد و به اعتقاد بسیاری از دانشمندان قویترین کشورها همواره، قویترین باقی نخواهد ماند مگر آنکه قدرت خود را به حق تبدیل کنند. ترجمان این گفت، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است (عباسی سرمدی و آید ۱۳۹۶: ۱۵۴) قدرت نرم برخاسته از جذابیت

فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور است (موسوی ۱۳۹۹: ۲۸۵). قدرت نرم به بیان نای به این معناست که کاری کنیم که دیگران آنچه را طلب کنند که ما می‌خواهیم. این چهره قدرت را می‌توان قدرت غیرمستقیم یا رفتار جذب کننده قدرت نامید (پورسعید ۱۳۸۹: ۳۵) به تعبیری قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌هاست، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های نهادی و سیاسی، مرتبط به همسو باشد. تا اینکه سیاست‌های قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد (افخمی و دیگران ۱۳۹۹: ۱۵۱) وجه مشترک قدرت نرم و سخت متقاعد کردن رقیب به شیوه‌ای متفاوت در شیوه‌ها و ابزارهای متقاعدکننده امروز اهمیت قابل توجهی دارند (میرانی ۱۳۸۹: ۱۷۹)

قدرت نرم بنیاد زیرساخت و جوهره اصلی امنیت همه جانبه یک نظام سیاسی است (نایینی ۱۳۸۹: ۲۹) قدرت نرم و ماهیت آن اجتماعی است که قدرت اجتماعی ظرفیت کنترل رفتار دیگران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق عملکرد گروه‌ها می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و رستگاری یزدی ۱۳۹۴: ۶۶-۶۵)

هنگامی که قدرت نرم را به عنوان ابزاری در رقابت بین دولت‌ها به کار گرفته شود، دیگر نمی‌تواند به عنوان کوشش‌های نرم و بی‌گناه برای ملت در نظر گرفته شود (آقامحمدی ۱۳۹۹: ۱۷۴)

برای موفقیت در عرصه ابعاد نرم‌افزاری قدرت از سوی دولت‌ها با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی هر منطقه و هر کشور متفاوت است (حق پناهیان و دیگران ۱۴۰۰: ۱۴۷) حفظ یکپارچگی دولت، گسترش ارزشها، ایده‌ها، رونق اقتصادی، ارتقای امنیت ملی حمایت از پروژه‌های ملی و توسعه قدرت اهداف مشترکی هستند که تمامی حکومت‌ها متناسب با امکانات خود چون تلاش می‌کنند با آنها برسد. اما میزان موفقیت و ارتباط مستقیم با سطح توسعه و قدرت نرم بین‌المللی را دارد (شرف و فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۲۴) بنابراین همه دولت‌ها به خصوص آنهایی که به صورت بالقوه دارای منابع متعدد قدرت هستند سعی بر شناسایی منابع قدرت خود دارند و هدف آنها استفاده بیشتر از منابع قدرت نرم و هوشمند برای نیل به اهداف خود هستند (حدیدی ۱۳۹۹: ۱۸۱)

قدرت [نرم] دارای تنوع است که جنبه‌های فرهنگی روانشناختی را در بر می‌گیرد که پیش از آن به این خواسته همت گماشته نمی‌شد و این اتفاق به دلیل انقلاب اطلاعاتی، ارتباطی قابل اعتماد اقتصادی مشترک و افزایش نقش بازیگران غیردولتی و تحول در موضوعات سیاسی و تغییر

دموکراتیکی رخ داد، که به افزایش قدرت نرم و تاثیرگذاری آن و سپس تکیه دولت‌ها وحدت بین المللی برای قدرت نرم در برابر به کارگیری قدرت سخت منجر شد (مهرنیا ۱۳۹۹: ۲۹۳-۲۹۲)

نظریه سازه انگاری

مکتب سازه انگاری مطالعات امنیتی سازه انگاری مربوط به نویسندگانی مانند ایمانوئل آدلر، مایکل بارنت، پیتر کاتز شتاین و اسکندر ونت می باشد. مطالعات امنیتی سازه انگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه تغییر تفکر در خصوص روابط بین الملل می تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین المللی را بهبود آن گردد (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۱۸۰) سازه نگاران سرچشمع امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات خصوصاً منافع و تهدیدات می دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات نامتجانس و متناقض باشد میزان بی اعتمادی میان آن افزایش بیشتری می یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خود محوری حرکت می کند (عباسی اشلمی و فرخی ۱۳۸۳: ۸۴) سازه انگاری مفهوم امنیت در رویکرد سازه انگاران در تشکیل اجتماع امنیتی با مفهوم امنیت در مطالعات امنیتی ماتریالیستی دارای تفاوتی است اول آنکه آنان امنیت را در چارچوب مضیق محور نظامی مردود می دانند و اظهار می دارند چنانچه اجتماعی امنیتی در درون خود دچار جنگ باشد نمی توان آن را یک اجتماع امنیتی نامید این تحقیقات نشان می دهد که برای سازنده نگاران صرفاً امنیت نظامی و به بیان دیگر مصون بودن از تهدیدات خارجی ملاک نمی باشد. بلکه امنیت در داخل اجتماع و در دیگر ابعاد و سطوح و گسترده تری نیز مدنظر است دوم آنکه انگاران تحصیل امنیت را از طریق موازنه قوا و بازدارندگی نامناسب می دانند در حالی که به مسئله اطمینان، اعتماد و همکاری برای تحصیل امنیت تأکید دارند اصرار این رویکرد به تحصیل امنیت از اعتقاد آنها به بستر اجتماعی امنیت می باشد (راسخی ۱۳۷۶: ۱۶۲). در تحلیل سازه انگارانه، کنش تا حدود چشمگیری تابع شناخت دانش است. هر بازیگری به عنوان حامل یک هویت، فهمم و انتظار ویژه از خود دارد و مناسبات خود را با دیگران بر اساس همان فهم شکل می دهد. از طرفی هر بازیگر در رابطه با سایر بازیگران و درباره آنها برداشت خاصی دارد و براساس همین برداشت‌ها که ممکن است کاملاً غیر واقعی باشند است که منافع خاصی را تولید کرده و سیاست گذاری می کند. نوع و میزان تعامل میان بازیگران

تا حدود زیادی تابع این تفسیر است که چه کسی (خودی) و کدام بازیگر، دیگر (مشیرزاده ۱۳۸۴: ۳۳۲) آنان به نقش هویت در شکل‌گیری کنش اهمیت بسیاری می‌دهند و معتقدند هویت در نوع، شکل و میزان موقعیت کنش‌ها ایفای نقش می‌کند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸: ۲۲۴). دیدگاه سازه‌انگاران به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادیه میان آنها گسترش یابند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی بر می‌خیزد و نه به شکلی تحلیلی و ماقبل آن، لزوماً نسبت به نوع تعامل میان دولت‌ها و همکاری یا تعارض میان آنها نه می‌توان خویش‌بین بود و نه بدبین (هادیان ۱۳۸۲: ۹۲۰) در این دیدگاه دولت‌ها بر اساس هویت زمینه‌مند خود جهان را می‌سازند و بر اساس آن دست به کنش می‌زنند. ولی به طور متقابل نیز در ارتباط با آن ساخته می‌شوند و هویت‌شان، دچار دگرگونی می‌شود. بنابر این سیاست خارجی عمل بر ساختن است و بنا به گفته اسمیت سیاست خارجی آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (آقایی، رسولی ۱۳۸۸: ۸)

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع تاریخی-کیفی (تحلیل تماتیک) است و جامعه آماری آن شامل اسناد دست‌اول و منابع تاریخی و همچنین، مصاحبه با افراد مطلع یا دروازه بان اطلاع بوده است، روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده است؛ توجه به موضوع و حساسیت آن محقق به ناچار از نمونه‌گیری غیر احتمالی با روش عمدی یا قضاوتی و روش نمونه‌گیری انباشتی استفاده کرده است. نمونه‌گیری عمدی یا قضاوتی که یکی از روش‌های رایج در نمونه‌گیری غیر احتمالی است. در این بررسی چند کاربرد داشت. از آنجایی که شناسایی این جمعیت خاص غیر ممکن و پرهزینه بود و فهرستی از عناصر جمعیت در دسترس نبود؛ بنابراین از طریق تماس و ارتباط در محیط طبیعی و خصوصی مربوط به افراد مورد تحقیق انجام گرفت. همچنین از روش نمونه‌گیری انباشتی، با عنوان نمونه‌گیری شبکه‌ای، مراجعه زنجیری یا نمونه‌گیری از نام آشنائی نیز شناخته می‌شود، استفاده گردید. از این جهت به بهمن تشبیه شده، حجم بهمن همراه با غلتیدن در برف (جلو رفتن در هر گام) بیشتر می‌شود. این روش در جمعیت‌هایی که شناسایی آن دشوار است؛ کاربرد دارد. در روش انباشتی برای یافتن نمونه‌های جدید می‌توان از افراد قبلی درخواست کرد یکی از آشنائیان یا افراد دیگری را معرفی کنند. در نهایت با این روش نمونه

گیری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در این بررسی از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده، مصاحبه‌ها از طریق مراجعه حضوری و رودر رو بوده است

یافته‌های پژوهش

- **مروى بر مفهوم و واژه فیلی:** واژه ((فیلی)) در لغت به معنای انقلاب و تمرد و در اصلاح به معنای شجاع، فدایی و انقلابی است (الطریحی ۱۴۳۴: ۲۳) حمید یزدان‌پناه در باره ریشه کلمه فیلی می‌نویسد: شاید فیلی از کلمه فهله یا پهلوی باشد. لرستان را نیز فیلی می‌گفتند و بدان جهت که جزء منطقه پهلستان است. پهلوی یا پهلستان نام سرزمینی است که سلسله اشکانی، پادشاهی خود را از آنجا آغاز کرده‌اند و شامل اصفهان، ری، همدان، کرمانشاهان، دینور، سبز (پشتکوه) مهر جانقذ، نهاوند، قم و قزوین می‌باشد، هم چنین در پشتکوه (ایلام) منطقه‌ای به نام پهل و وجود دارد که برخی معتقدند کلمه فیلی معرب شده از کلمه پهل می‌باشد (خیتال ۱۳۶۹: ۱۲۱ به نقل از هاشم‌بیگی، ۱۳۹۱) هنری فیلد و کورزن معنای کلمه فیلی را یاغی ذکر کرده‌اند (هنری فیلد-: ۸۷۳)

- **کردهای فیلی:** کردهای فیلی خود را از لحاظ تاریخی ایرانی می‌دانند (الخیون ۲۰۰۵: ۴۴۵) کردهای فیلی عراق، کردهای شیعه مذهب، ایرانی تباری هستند که اساساً و در طول تاریخ در مناطق غربی ایران مستقر بوده‌اند. ولی در سه دوره زمانی متفاوت و بالاجبار، بخشی از آنها ساکن عراق شده‌اند (مرادی مقدم و بصیرت منش ۱۳۹۸: ۶). در دوره اول مربوط به دوران صفویان است. در این دوره تمام سرزمین کردستان تحت حاکمیت دولت ایران بود. پس از جنگ چالدران (۱۵۱۴ م/ ۸۹۳ ش) و شکست حکومت صفوی از امپراطوری عثمانی، براساس معاهده صلح بخشی از خاک ایران و ساکنان آن، ضمیمه سرزمین عثمانی شدند. دوره دوم مهاجرت در سال ۱۲۴۳ شمسی، بسیاری از ساکنان پشتکوه به دلیل قحطی، افزایش مالیات و بی‌کاری، به عراق مهاجرت کرده‌اند (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۹۰) به امید یافتن زندگی بهتر بالاجبار به عراق مهاجرت و ساکن این کشور شدند. دوره سوم مربوط به سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷ شمسی که در این دوران، رضاخان علیرغم سرکوب کردهای فیلی، هم‌چنان از قدرت و نفوذ آنان بیمناک بود. از این رو سیاست تحمیل فقر اقتصادی شدیدی را در مورد آنان اجرا کرده تا کردها مجبور شوند برای امرار معاش به عراق کوچ کنند (اخوان‌کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۵۸).

مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

توجه به این نکته لازم است که منابع مختلف قدرت نرم می توانند در هر کشوری وجود داشته باشد، اما آنچه حائز اهمیت است، نحوه استفاده از ابزارها و شیوه های بکارگیری قدرت نرم است که هر کشوری توانایی انجام آن را ندارد. یک کشور هر چند که از منابع قدرت سخت برخوردار باشد، وقتی قدرت نرم را به خوبی ابراز نکند، ممکن است در اجرای سیاست خود با شکست مواجه شود، نمونه تاریخی این ناکامی اتحاد جماهیر شوروی است که با وجود دارا بودن منابع قدرت سخت، در ارائه نگرش سوسیالیستی خود به عنوان منبع اصلی قدرت نرم خویش ناکام ماند و سرانجام متلاشی شد. (خلجی و حسینی ۱۳۹۱: ۱۱۰ به نقل از صدرپور و دیگران، ۱۳۹۵). ایجاد جذابیت یکی از دوشاخه مهم قدرت نرم است، دیگر شاخصه دیگر شاخصه قدرت نرم توانایی تنظیم اولویت های دیگر کنشگران در عرصه سیاست بین الملل است (احمد زاده و اسماعیلی ۱۳۸۷: ۶۹). بر این اساس مهمترین منابع قدرت نرم عبارتند از

۱. پیشینه تاریخی و تمدنی

پیشینه تمدنی و تاریخی عاملی برای جذابیت بوده و می توان از عناصر تمدنی برای بازتولید مؤلفه های قدرت نرم و در عین حال با اشتراک گذاری مؤلفه های تمدنی و تاریخی ایران با سایر ملت ها می توان بستر اشاعه فرهنگ و ارزش های مندرج در تاریخ ایران را فراهم آورد) قربی و جعفری (۱۳۹۵: ۵۲) سرزمین تاریخی، جایی است که در آنجا زمین و چندین نسل مردم، تأثیری مفید و دوطرفه برهم می گذارند. وطن، جایگاه ارتباطات است و جایی است که متفکرین، قدیسان و قهرمانان در آنجا کار می کردند و نیایش می کردند و می جنگیدند (کریمی مله و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۷۴) از این حیث عراق به لحاظ تاریخی و فرهنگی ارتباط قوی و گسترده با ایران داشته است. بین النهرین به مدت هزاران سال از حوزه تمدنی ایران محسوب شده و ایرانیان این سرزمین را "آسورستان" نام نهاده بودند (محمدی ملایری ۱۳۷۵: ۵۷) از دیرباز دو عامل جغرافیایی و فرهنگی باعث به هم تنیدگی جامعه ایرانی و عراقی گردیده است. (بیات ۱۳۹۳: ۵۸). نیمی از کردهای فیلی عراق ساکن در مناطق شرقی این کشور، ایرانیانی هستند که از جنگ چالدران و براساس معاهدات میان ایران و عثمانی در دوره صفویه از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی شده اند. (اخوان کاظمی، عزیزی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۳) ایرانی بودن

کردهای فیلی و وجود تمایلات ایرانی در میان آنها موجب شده که همواره در تأثیر پذیری از تحولات ایران باشند و از سوی حکومت عراق نیز مورد سوءظن واقع شوند (مرادی مقدم و بصیرت منش ۱۳۹۸: ۶)

آقای کشتکار در این خصوص و نیز نحوه مقابله با دشمنان مشترک معتقد است: بافت سنتی، مذهبی، علاقه و ذائقه کردهای فیلی به مردم ایران باعث شده که قدرت مانور و شعاع عملیاتی نیروهای بیگانه محدود گردد. این بستر باعث شده است که نیروهای فرمانطقه ای کمتر حضور فیزیکی داشته باشند و برای رسیدن به اهداف خویش به صورت نیابتی با استخدام منابع و بکار گرفتن برخی افراد مزدور یا از تجهیزات و فناوری‌های روز بهره مند شوند (مصاحبه مورخه ۱۴۰۰/۳/۱۵)

۲. زمینه فکری و تاریخی

از نظر فکری و تاریخی کردها به مناطق ایرانی کردنشین وابستگی دارند. بدین معنا که شعرا و ادبای بزرگ کرد عمدتاً در مناطق کردنشین ایران رشد کرده‌اند. (طایی، ۱۳۹۵/۷/۴).

حسین فیلی در این خصوص معتقد است:

کردهای فیلی به علت داشتن اصالت و رگ وریشه ایرانی، نسبت قومی هم با اکراد حاشیه مرزهای غربی دارند و یکی از انگ‌های سیاسی که در طول تاریخ به آنها زده شده و تاکنون نیز با کاهش دامنه آن نیز مرسوم می‌باشد؛ انگ ایرانی بودن است (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۲/۱۰) آقای خیتال از کردهای فیلی و مسئولین استانداری ایلام در این زمینه گفت:

در هنگام تبعید کردهای فیلی توسط رژیم بعث عراق بسیاری از آنان در استان ایلام و در اردوگاه‌ها اسکان داده شدند. به زندگی ادامه با ایلامیان وصلت قومی نموده و بسیاری از آنان جذب بازار کار عمدتاً مکانیکی شده و تعدادی نیز عضو سپاه بدر شدند. البته بسیاری از اکراد فیلی به سایر شهرها از جمله کرمانشاه، قم و... عزیمت نمودند (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۱/۲۰).

خانم پروانه عزیزی دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی نیز اذعان داشت:

بسیاری از کردها و از جمله جلال طالبانی ریس جمهور فقید عراق سالها در استان البرز، شهرستان کرج زندگی می کردند و حتی نچيروان بارزانی نخست وزير اقليم كردستان در دانشگاه تهران تحصيل نموده است (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۳/۲۰).

آقای محرمی طور دیگری این حکایت را بیان می نماید:

مشکلات خودمان را داشتیم، این مشکلات با ضريب ده برای عراقی های مهاجری که به ایران آمده بودند وجود داشت، مشکلات بوروکراسی، حساسیت های نژادی، جا و مکان، امکانات آموزشی، پذیرش در دانشگاه ها، ازدواج و ... هم وجود داشت. چنین مشکلاتی بخصوص در زمان جنگ برای یک ایرانی وجود داشت، چه برسد به یک عراقی، این ها متأسفانه به علت بی توجهی ایران به توجیه آنها برای این مسائل باعث شد که فکر کنند چون عراقی هستند، با آنها این طور رفتار می شود و اغلب با این برداشت منفی به عراق برگشتند. ایران انصافاً آنچه در توان داشت برای عراقی ها انجام داد، ولی مشکلات زیادی وجود داشت که مانع می شد تا اینجا به تاریخ حساسیت میان ایران و عراق، حساسیت های جنگ، اسرا، کشته شدگان، معلولان و مهاجران نیز اضافه شد. (محرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۵۸)

۳. مذهب تشیع

یکی عوامل بنیادین ملت سازی در ایران و عراق مذهب تشیع است. که ایران هسته اصلی جهان تشیع محسوب می شود (زین العابدین ۱۳۸۶: ۳۶-۳۳) مسئله تشیع و عراق پیوندی ناگسستگی با هم دارند.

تشیع مهم ترین مؤلفه جنبه قدرت نرم ایران در عراق جریان تشیع است. اکثریت مردم ایران و عراق مسلمان و پیرو مذهب تشیع می باشند این امر تأثیر زیادی بر نوع نگرش مردم عراق نسبت به سیاست ها و اقدامات ایران دارد. و تا حدود زیادی موجب به وجود آمدن درک و اعتماد متقابل میان میان دولت- ملت ایران و دولت-ملت عراق شده است (صادقی، عسکرخانی ۱۳۹۰: ۹۳۹) شیعیان بزرگ ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته ایجاد

حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است (یزدانی و صادقی ۱۳۸۸: ۳۴)

کردهای فیلی وابستگی شدید زبانی و مذهبی با کردهای ایلام و کرمانشاه دارند. به سبب داشتن مذهب تشیع اثنی عشری، دولت عراق آنها را از نواحی کردنشین شافعی مذهب شمالی جدا کرده و در استان‌های عربی (عرب‌نشین) دیاله و واسط قرار داده که بر مذهب تشیع‌اند. (کندال، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰: ۱۷۵ به نقل از عظیمی چلونگر، ۱۳۹۱) کردهای فیلی شیعه مذهب عراق که به کردهای فیلی معروف هستند، در مناطق شرقی و شمال شرقی این کشور به خصوص در استان دیاله، شهرهای خانقین، مندلی، مقدادیه، بدره، زرباطیه، کوت، جصان، عزیزیه، می نعمانیه، بعقوبه، علی شرقی، علی غربی، شیخ سعد، کوفه، بصره و عماره سکونت دارند. (کندال و دیگران، ۱۳۷۰: ۷۵) بنابراین مجموعه عوامل مذکور، یعنی شیعه، کرد بودن و هویت ایرانی باعث شد که حکومت بعث از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیشترین محرومیت‌ها و آسیب‌ها را برای اقلیت فراهم نمایند. به همین جهت کردهای فیلی نیز دوشادوش کردهای سنی و اعراب شیعه عراق، در ردیف معارضین حکومت صدام قرار گرفته بودند و صدمات و تلفات زیادی را در این راه متحمل شدند. (اخوان کاظمی، عزیز، ۱۳۹۷: ۶۵)

۴. قرابت جغرافیایی

عراق در همسایگی غربی ایران و بیشترین مرز مشترک جغرافیایی، حدود ۱۳۳۲ کیلومتر و با بالاترین اشتراکات فرهنگی با ایران را دارد (بهمنی ۱۳۸۷: ۱۹۳) این کشور طولانی‌ترین مرزها را با ایران دارد. واقع شدن اکثر شهرهای پرجمعیت این کشور در شرق و درکنار مرزهای ایران واز جمله نقاط ضعف ژئوپلیتیکی این کشور است. کردهای فیلی در مناطق شرقی و شمال شرقی این کشور به خصوص در استان دیاله، شهرهای خانقین (کندال و دیگران، ۱۳۷۰: ۷۵) مقدادیه، بدره، زرباطه، جاسان، کوت، عزیزیه، زهیرات، بعقوبه و همچنین شهرهای شیخ سعد، علی شرقی، و کوفه (kurd to day: ۱۳۹۳/۶/۱۳) بصره و عماره سکونت دارند. (کندال و دیگران، ۱۳۷۰: ۷۵) از این طایفه عده زیادی در بین‌النهرین مسکون می‌باشند به طوری که اکثر بستگان و کسان این طایفه در مندلی و علی غربی و نواحی دیگر فعلاً زندگانی می‌کنند. (مرادی مقدم، کشتمند ۱۳۸۸: ۴۹۸)

۵. سیاست

سیاست‌های داخلی و خارجی با توجه به سرعت و وسعت جریان اطلاعات از منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند، (دارا، خاکی ۱۳۹۷: ۶۱) عامل دیگر در ایجاد قدرت نرم، سیاست است؛ که تأثیر آن را می‌توان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مشاهده کرد. در عرصه داخلی قدرت نرم حاصل از سیاست را می‌توان در: افکار عمومی، رعایت حقوق بشر، کارآمدی قوه قضاییه، پاسخگویی دولت، سیاست مثبت مهاجرتی، جذب توریسم، میزان دخالت جامعه مدنی، مطمح نظر قرار داد. در عرصه بین‌المللی نیز حجم و میزان تعامل با سازمانهای بین‌المللی، ارائه کمک‌های بشردوستانه، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارتباطات دیپلماتیک که به طور گسترده و مشارکت در برگزاری کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد (افتخاری، بیگی ۱۳۸۹: ۱۵۵ به نقل از صادقی، عسگرخانی ۱۳۹۰) سیاست خارجی هنگامی که به عنوان یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود که در نظر دیگران مشروع، مقبول و مسولانه به نظر برسد (نای ۱۳۸۹: ۲۴) سیاست‌های دولت اعم از سیاست داخلی و خارجی که ریاکارانه، متکبرانه و بی تفاوت نسبت به منافع ملی باشد می‌تواند به تضعیف قدرت نرم منجر شود. از این رو می‌توان استدلال کرد که ارزشهای یک دولت در رفتار داخلی خود در نهادهای بین‌المللی و سیاست خارجی مورد حمایت قرار می‌دهد، اولویت دیگران را شدیداً متأثر سازد (سلیمانی پورلک ۱۳۸۶: ۱۱-۹) سیاست خارجی ایران در عراق شامل حمایت از یکپارچگی و وحدت داخلی عراق، دفاع و پشتیبانی از روندهای قانونی و ساختارهای سیاسی شکل گرفته در عراق پس از صدام، حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی عراق، تلاش مستمر در جهت تحقق روند مردم‌سالاری و دموکراسی در عراق، کمک به بازسازی و عمران زیرساختها و اقتصاد بحران زده عراق، کمک در جهت استقرار صلح ثبات و امنیت در سایه همکاری و کمک به دولت قانونی عراق منظور مقابله و مبارزه با تروریسم در این کشور (محمدی گهروی ۱۳۹۱: ۹۳) در مجموع اتخاذ این سیاست‌ها از نظر مخاطبان عراقی عمیقاً جذاب، مشروع و مقبول تمامی جمعیت عراق جدای از هر نوع هرگونه قومیت، مذهب و نژاد خواهد بود (محمدی گهروی ۱۳۹۱: ۹۳-۹۲)

۶. دین و مذهب

دین و مذهب مشتمل بر منابع قدرت نرم هستند. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی

را شامل شوند و بنیاد سیاست آن را علایق و ارزشهای مشترک جهانی تشکیل دهند احتمال اینکه نتایج مطلوب تسهیل شود افزایش می‌یابد (نای ۱۳۸۹: ۵۲) دین و مذهب همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بودند و باورهای مذهبی تداوم اجتماعی را از طریق معنابخشی به حیات جمعی و قاعده‌مندسازی مناسبات گروهی تضمین کرده‌اند (جهانی ۱۳۹۲: ۶) یعنی مذهب و دین بخش مهمی از هویت افراد را تشکیل می‌دهد بنابراین دین چند طریق محتوا و از طریق حضور در زندگی افراد جامعه اعتماد مشارکت روحیه همکاری و تعاون را تقویت کند (فرجی و دیگران ۱۳۹۶: ۴۸) در ایران دین همواره با قدرت و حاکمیت در ارتباط بوده است و در شکل دهی (هویت ملی) نقش برجسته داشته است (محدثی: ۴۴) در ارتباط با مذهب شیعه باید توجه داشت این مسئله از انعطاف‌پذیری بالایی به واسطه اجتهاد پویا برخوردار است (جوادی ارجمند چابکی ۱۳۸۹: ۴۵) آن گونه که نظریه‌ای جامعه‌شناختی و به ویژه نظریه دورکیم آمده، دین سرمنشاء و عامل همبستگی و همدلی بین آحاد و اعضای هر جامعه است، زیرا باعث تقویت روحیه جمعی و اشتراک نظر مردم در خصوص باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌شود (اصفهانی، نوروزینژاد ۱۳۹۲: ۱۰۶) کردهای فیلی وابستگی شدید زبانی و مذهبی با کردان ایلام و کرمانشاه دارند. به سبب داشتن مذهب تشیع اثناعشری، دولت عراق آنها را از نواحی کردنشین شافعی مذهب شمالی جدا کرده و در استان‌های عربی (عرب‌نشین) دیاله و واسط قرار داده که بر مذهب تشیع‌اند (عظیمی چلونگر، ۱۳۹۱). گروه شیعیان کرد هم تحت عنوان فیلی در اطراف خانقین و در استان کوت و العمارة و بغداد سکونت دارند. (محمدیان و دیگران ۱۳۹۴).

عصام الفیلی گفته است:

بعد از سقوط رژیم صدام در سال [۲۰۰۳]، به دلیل هجمه‌ای که علیه تشیع در منطقه شد، مذهب تشیع در اولویت توجهات کردهای فیلی قرار گرفت و همین دست‌مایه‌ای شد تا احزاب شیعه با ذکر برخی رخدادهای تاریخی از رابطه فیلی‌ها با مرجعیت، به فیلی‌ها نزدیک شوند. به گفته الفیلی؛ جغرافیایی که کردها در آن زندگی می‌کنند بر اعتقادات آنان تأثیر گذاشته و به دلیل تداخل مناطق آنها با مناطق عرب‌نشین، تعهدات خاصی نهاده [است (www.irna.ir)]

فرهنگ شامل مجموعه‌ای از ارزش‌های ایرانی اسلامی و انقلابی است که مردم ایران در آن سهیم‌اند و به درستی، مطلوبیت و جهانشمولی آن‌ها باور دارند. ایرانیان با سی قرن هنر فرهنگ و معرفت و استمرار هویت فرهنگی خود در طول تاریخ، تأسیس نخستین دولت جهانی در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، سازماندهی نخستین جامعه بین‌المللی که به ادیان و فرهنگ‌های اقوام تحت حاکمیت خود احترام می‌گذاشت. آزادسازی یهودیان از اسارت بابلی‌ها و تاثیرگذاری بر تمدن یونانی، عرب، مغول، ترک صرف نظر از تاثیرگذاری بر فرهنگ غرب از طریق سهم ایرانیان در تمدن اسلامی مباحثات می‌کند (رمضانی ۱۳۸۸: ۱۴) در عین حال در جامعه اسلامی نیز فرهنگ منشأ تمامی موفقیت‌ها و شکست‌ها دانسته می‌شود و به دلیل ارتباط فرهنگ با ارزش‌های بنیادی، ترجیحات اساسی و رفتار اجتماعی با تولید قدرت نرم ارتباط نزدیک و قوی دارد (قربی و جعفری) ۴۹: ۱۳۹۵ بنابراین هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکی از بهترین مؤلفه‌های الهام بخش جمهوری اسلامی در جهان اسلام است. این امر در ارتباط با مؤلفه‌هایی مانند انسجام ایدئولوژیک و راهبردی کشورها نقش تاثیرگذار و تعیین کننده‌ای دارد (قربی و دیگران ۱۰۳: ۱۳۹۴) از نظر فکری و فرهنگی -تاریخی کردها به مناطق ایرانی کردنشین وابستگی دارند. بدین معنا که شعرا و ادبای بزرگ کرد عمدتاً در مناطق کردنشین ایران رشد کرده‌اند. (طایی، ۱۳۹۵/۷/۴).

حسین فیلی در این خصوص معتقد است:

کردهای فیلی در اساس رگ و ریشه ایرانی دارند و نسبت قومی هم با اکراد حاشیه مرزهای غربی دارند و یکی از انگ‌های سیاسی که در طول تاریخ به آنها زده شده و تاکنون نیز با کاهش دامنه آن نیز مرسوم می‌باشد؛ انگ ایرانی بودن است (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۲/۱۰)

۸. آداب و رسوم

رسوم و آئین‌های برآمده از فرهنگ ایرانی هم در صورت بهره‌مندی از ویژگی جذابیت خارجی می‌توانند به عنوان منابع فرهنگی مولد قدرت نرم تلقی شوند که بارزترین مصداق در این زمینه جشن نوروز است. (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۳) پاسداشت آئین‌های مختلف ایران یکی دیگر از نشانه‌های توجه ایرانیان به فرهنگ باستانی خود است که با وجود مخالفت‌ها و

موانع زیاد در طول سال‌های سال دوام آورده‌اند، آیین نوروز، سیزده‌بدر و چهارشنبه‌سوری در طول تاریخ ایران پابرجا مانده و هر سال از سوی ایرانیان در هر نقطه‌ای از جهان که باشند، جشن گرفته می‌شوند. این آیین‌ها به نمادی از ایران و فرهنگ ایرانی تبدیل شده‌اند و می‌توانند در ایجاد پیوند میان ایرانیان و شناساندن فرهنگ این مرز و بوم به علل دیگر نقش قابل توجهی ایفا کنند. (یزدان فام ۱۳۹۳: ۱۰۱) از آنجا که یکی از منابع اصلی قدرت نرم یک کشور، فرهنگ و ارزش‌های آن کشور است، همگرایی فرهنگی بین دو کشور باعث توسعه و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی خاصی مانند، مذهب و فرهنگ شیعی می‌شود که از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد. (متقی، حسینی ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵)

زمینه‌های فرصت‌ساز در روابط فرهنگی بیش از هر چیزی به وجود زبان مشترک فارسی برمی‌گردد. در مقایسه با سایر هویت‌های منطقه از جمله هویت ترک و عرب، بی‌تردید نگاه کردهای منطقه بیشتر به دلیل سابقه فرهنگی در تمدن ایرانی، به ایران گرایش دارد. به همین دلیل برقراری روابط با ایران البته با فراز و نشیب‌هایی در میان گروه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی کرد، همواره از اولویت برخوردار بوده و به نوعی نقطه تعادل در میان خود کردها به حساب می‌آید. (بزرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۰) به گفته انور عباس استاد زبان فارسی دانشگاه بغداد: عید نوروز در همه مناطق عراق به دلیل تنوع قومی در این کشور، به یک صورت جشن گرفته نمی‌شود، به گفته وی؛ کرد های شمال عراق، نوروز را با اسطوره کاوه آهنگر و پیروزی بر ضحاک گره زده و باشکوه برگزار می‌کنند و معمولاً یک هفته شمال عراق تعطیل است. در بغداد و استان‌های دیاله، کوت و بخشی از استان میسان که کردهای فیلی سکونت دارند. نیز به این مناسبت اهتمام ویژه می‌دهند. و در این روز به دامن دشت و صحرا می‌روند. از قدیم ایام در بغداد رسم بر این بود که کردهای فیلی در پایتخت، اول نوروز را به سلمان پاک (۲۵ کیلومتری جنوب بغداد) در برگیرنده مرقد سلمان فارسی و اثر تاریخی طاق کسرا است، می‌رفتند. شهروندان عرب و کرد های فیلی عراق همچنین در روز اول نوروز به زیارت مرقد امیر مومنان (ع) و سرکشی به قبور بستگان در وادی السلام نجف اهتمام می‌ورزند (نوروز در عراق از گذشته تا امروز خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۲۹)

تشیع مهم‌ترین مؤلفه جنبه قدرت نرم ایران در عراق جریان تشیع است. اکثریت مردم ایران و عراق مسلمان و پیرو مذهب تشیع می‌باشند این امر تأثیر زیادی بر نوع نگرش مردم عراق نسبت به سیاستها و اقدامات ایران دارد. و تا حدود زیادی موجب به وجود آمدن درک و اعتماد متقابل میان میان دولت-ملت ایران و دولت-ملت عراق شده است (صادقی، عسکرخانی ۱۳۹۰: ۹۳۹) شیعیان بزرگ‌ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته

ایجاد حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است (یزدانی و صادقی ۱۳۸۸: ۳۴)

در دوره اخیر برای کسب قدرت و جایگاه مناسب در ساختار سیاسی جدید بیش از هر چیز با توسل به قواعد و شیوه‌های دموکراتیک به منظور پیشبرد روند سیاسی عراق تاکید کرده‌اند. عامل اصلی گرایش و تاکید رهبران شیعی بر ارتقاء و راهکارهای دموکراتیک بیش از آنکه ناشی از اعتقاد و باور آنها به دموکراسی و هنجارهای دموکراتیک باشد. ناشی از ساختار جمعیتی عراق و سهم شیعیان در این ساختار و در نتیجه بهره برداری راهبردی از آن به منظور دستیابی به حقوق و منافع تاریخی‌شان است. تمایل شیعیان به نهادینه سازی ساختار سیاسی کنونی که می‌تواند تمام گروه‌ها از جمله گروه‌های ایران نسبت به سهم جمعیتی آنها در عراق حفظ کند علت اصلی تلاش آنها برای ایجاد ثبات و امنیت و همچنین ترغیب سایر گروه‌ها و بازیگران خارجی برای اتخاذ رویکرد مناسب در این خصوص است (باقری ۱۳۹۲: ۱۴۰) منطقه ائتلاف راهبردی از طریق عنصر شیعه به این واقعیت بر می‌گردد که بازی‌های آینده در غرب آسیا نه تنها بر اساس ایدئولوژی بر اساس تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌ها صورت می‌پذیرد. حمایت ایران از گروه‌های همسو همچون مجلس اعلا، حزب الدعوه و حتی گروه‌های کردی این نه تنها بر اساس مسائل ایدئولوژیک بلکه با نوعی واقع‌گرایی تبیین، منافع ملی و راهبردی نیز در نظر خواهد بود (خضری و همکاران ۱۳۹۴: ۱۷۴) بنابراین صحنه سیاسی عراق جدید محل تلاقی جنبه‌های ایدئولوژیک و عمل‌گرایانه در سیاست خارجی برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی است (برزگر ۱۳۸۷: ۹۷) با این معنا که صرفاً نباید نگاه ایدئولوژیک به استقبال این واقعیت رفت بلکه منافع ملی ایران ملتزم به اتخاذ راهبردهای سیاسی امنیتی است تا از دیدگاه حمایت از گروه‌های همسو در عراق ائتلاف منطقه‌ای را تشکیل داد تا برای ایفای نقش‌های منطقه‌ای ایران ابزار فشار آن نیز در دسترس باشد (موسوی دهموری ۱۳۹۵: ۸۵)

گسترش نفوذ ایران در عراق جدید به معنای شکل‌گیری نوعی ائتلاف منطقه‌ای میان

جمهوری اسلامی ایران و حکومت آینده عراق است که آثار اجتناب‌ناپذیر بر جغرافیای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه خواهد داشت. این همکاری می‌تواند دسترسی به تمام نقاط کلیدی منطقه غرب آسیا و به دنبال آن اثرگذاری بر بحران‌های منطقه‌ای از جمله روند صلح فلسطین- رژیم صهیونیستی؛ مسائل لبنان و سوریه؛ دسترسی به حدود ۳۰ درصد از منابع نفتی جهان و برخورداری از یک فرهنگ پویایی شیعه در قالب تقویت نوع جدیدی از دموکراسی و آثار آن بر حکومت‌های محافظه کار منطقه اشاره کرد (موسوی دهموردی ۱۳۹۵: ۸۵). قدرت نرم مذهب شیعه در صورت تحقق و بالفعل سازی در قالب مفاهیم و مواردی چون ولایت محوری، شهادت طلبی، فرهنگ انتظار و اعتراض، مهدویت، ظلم ستیزی و جهاد محوری بر پایه فرهنگ عاشورایی و نظایری از این دست، این پتانسیل را داراست که در بعد تبلیغاتی و نشر از طرف مقابل ایجاد جاذبه نماید و در بعد دیگر به رفتار خاص انگیزه‌های شیعیان عراقی جهت مطلوب و مورد انتظار جمهوری اسلامی ایران را بدهد (جمشیدی و محمدی گهروی ۱۳۹۱: ۸۰-۷۹).

نتیجه‌گیری

منابع قدرت نرم سرمایه‌هایی هستند که این جذابیت را ایجاد می‌کنند. قدرت نرم ابزار رایج متفاوتی، نه زور و نه پول، را برای تولید همکاری مورد استفاده قرار می‌دهد. قدرت نرم از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از وظیفه همکاری برای رسیدن به این موارد سود می‌جوید. (قربی و جعفری ۱۳۹۵: ۴۸). از این رو قدرت نرم ناظر بر جذب کردن بازی‌گران دیگر و شکل دادن به ترجیحات و الویت‌های آن‌هاست نه استقامت از نقد و اجبار فیزیکی (صدرپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵). از مهم‌ترین نکات قدرت نرم، تولید ابزار قدرت نرم و کاربست صحیح آنها می‌باشد که با توجه به چنین قدرت نرم دارای تنوع زیادی هستند که سازمان‌های دولتی و غیردولتی، دیپلماسی عمومی، سرمایه اجتماعی، فناوری و رسانه‌ها را می‌توان نام برد در واقع می‌توان بیان نمود که به وسیله ابزارهای یاد شده قدرت نرم تولید می‌گردد. ولی این ابزار به خودی خود دارای بار ارزشی نیستند و بسته به نوع کاربست آنها و تولیدات‌شان بار ارزشی ایجاد می‌کنند. بنابراین بدون استفاده صحیح از این منابع نمی‌توان موفقیت قدرت نرم را انتظار داشت. (رشاد ۱۳۹۰: ۱۷ به نقل از صدرپور و دیگران، ۱۳۹۵) گفتمان انقلاب اسلامی با ویژگی‌هایی چون عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و استکبار در نقاط

مختلف جهان به ویژه کشورهای اسلامی و منطقه تأثیر شگرفی داشت (لعل علیزاده و دیانت ۱۴۰۰: ۲۱۰) با پیروزی انقلاب اسلامی قدرت نرم ایرانی با کسب مؤلفه‌های اسلامی ایرانی توانست از مرزهای ملی به عنوان یک منبع الهام بخش با استقبال مردم مسلمان منطقه و جهان روبرو شود. گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از ارزش‌ها و فرهنگ‌های ایرانی اسلامی و شیعی و برجای گذاشتن آثار فراسرزمینی متعدد در منطقه و جهان از هر لحاظ شرایط حضور در چرخه گفتمان در سطح جهانی را دارد (کریمیان و زارعی ۱۳۹۹: ۱۱). ایمان به باورها و ارزش‌های اسلام، علم و تولید علم، معنویت، مراجع و علمای دین، بصیرت، فرهنگ استقامت و شهادت، عدالت‌خواهی ارزش‌هایی هستند که انقلاب اسلامی آن‌ها را مطرح و بازتولید کرده است و از آنجا که با فطرت انسان‌ها سازگار بوده، برای تمام مردم جهان جذابیت دارند. (قربی و جعفری ۱۳۹۵: ۴۹) به کارگیری پتانسیل‌های فرهنگی و رسانه‌ای، دانشگاهی و تشکلی‌های غیردولتی در جهت توسعه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی نیز اهتمام و توجه به نقش ایرانیان مقیم خارج و نیز مسلمانان و نخبگان شیفته انقلاب اسلامی به عنوان سفرای فرهنگی کشور و کنشگران مؤثر در همکاری علمی و فنی و اقتصادی با جهان در این راستا قابل ارزیابی می‌باشند (چهرآزاد ۱۳۹۹: ۵۳). بر این اساس توانایی ایجاد رضایت در مخاطب به وسیله ایجاد جذابیت در فرهنگ و ارزش‌ها و حتی سیاست خارجی از طریق متقاعدکردن، همان قدرت نرم است. که در برابر شیوه آمرانه در قدرت سخت به کار می‌رود توجه به این نکته لازم است که منابع مختلف قدرت نرم می‌تواند در هر کشوری وجود داشته باشد، اما آنچه حائز اهمیت است، نحوه استفاده از ابزارها و شیوه‌های بکارگیری قدرت نرم است که نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری در کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است. یعنی دستگاه سیاست‌گذاری؛ مجریان و متصدیان بایستی راهکارهای نفوذ یا همان قدرت نرم در کشور هدف را پیدا نموده و در جهت تأمین منافع ملی بر روی آن سرمایه‌گذاری نمایند. از جمله این بسترها وجود قوم‌کردهای شیعه مذهب در کشور همسایه عراق می‌باشد. به دنبال شکست ایران از سپاه عثمانی بخش اعظمی از خاک ایران به امپراتوری عثمانی منتظم گردید، از جمله مردمان این مناطق کردهای فیلی بودند که علیرغم فدمت طولانی و نژاد ایرانی و سابقه زیست سالیان متمادی در نوار مرزی، پاسداری، حراست و حفاظت از مرز با شجاعت، سلحشوری که تاریخ پر افتخار ایران زمین نیز محشون و مملو از آن

است. فداکاری‌های آنان تحت زعامت و سرپرستی خاندان ابوقداره و والیان کرد فیلی بود. این مردمان علی‌رغم انفکاک جغرافیایی و پیوستگی تمدنی، قومی، قبیله‌ای، نژادی، مذهبی خود را علیرغم تحمل مشقات در این راه تا کنون ادامه داده و به انحای مختلف متأثر از ایران و تحولات آن به خصوص انقلاب اسلامی بوده و هستند. مدت‌های مدیدی در حاشیه مرزهای ایران در سه استان دیالی، واسط و میسان زندگی نموده و با اقوام خویش در این سوی مرز مرادوات قومی، قبیله‌ای داشته و وصلت و ازدواج‌های زیادی بین آنان صورت گرفته است. با نگاهی سطحی به سطوح طوایف هر دو سوی مرز متوجه قرابت قومی و قبیله‌ای خواهید شد. طوایف ملک‌شاهی، شوهان، ملک خطاوی، بدره‌ای، خزل، کلهر، قره‌سویی و... دقیقاً تبدیل به دو نیم شده که نصف آن ساکن شهرهای ده‌لران، مهران، صالح‌آباد، سوبار، سرپل خسروی و نیمه دیگر آن در شهرهای و روستاهای عراق اعم از منظریه، نفت‌خانه، قازانیه (دو شیخ) زرباطیه، بدره، جسان، شیخ سعد، علی غربی، علی شرقی، العماره هستند. به گواهی این مردم مرزبانانی وفادار و غیور و نمایندگانی اصیل جهت ترویج فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی بوده و هستند. هرچند آن جوری که باید مورد توجه قرار نگرفته و غفلت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران یا بی‌مهری آنان خلأی در میزان ارادت قلبی آنها نسبت به ایران ایرانی به وجود نیآورده است. چون ژن، خصلت و خوی ایرانی ظلم ستیز و استکبار گریز است. و این فرهنگ جز حیثیت وجودی و شیرازه شخصیتی هر فرد ایرانی بوده که با تأیید و تکمیل مبانی فقهی مذهب جعفری برای کمیت و کیفیت آن افزوده شد. این ویژگی از یک طرف اصالت کردی و تمایل به سرزمین مادری از طرف دیگر آن را به ورطه‌ای هدایت کرد که عواقب شومی برایشان در پی داشت. در این تصادم و مواجهه تاوان سختی را دادند، از تبعید و شکنجه گرفته تا کشتار و دفن دسته جمعی؛ به هر صورت این افراد پتانسیل مطلوبی برای ایران اسلامی است.

منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه (۱۳۹۷). «تحلیلی بر وضعیت کرد های شیعه فیلی در عراق»، فصلنامه علمی شیعه شناسی، سال شانزدهم، شماره شصت و یکم.
۲. افخمی، رسول (۱۳۹۹). «عملکرد نهادهای غیردولتی ورزشی به عنوان قدرت نرم در برقراری صلح در سطح بین المللی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۳. آقا محمدی، ابراهیم (۱۳۹۹). «همه گیری کرونا و تحول در دستور کار جهانی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۴. آقایی، سید داود و رسولی، الهام (۱۳۸۸). «سازه انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره سی و نهم، شماره یکم، بهار.
۵. باقری، حسین (۱۳۹۲). «بازیگران داخلی در سیاست در ساختار سیاسی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان.
۶. برزگر، کیهان (۱۳۸۶). سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۷. بیات، رضی (۱۳۹۶). «اقدامات ایرانیان در عراق از صفویه تا پایان قاجار» چکیده مقالات همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق.
۸. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی گفتمان نرم با محیط راهبردی متاثر از آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی؛ سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار.
۹. جلود خلیل، ابراهیم (۱۳۹۶) رانده شدگان، تهران: سوره مهر.
۱۰. جمشیدی، محمدحسین و محمدی گهرویی، رسول (۱۳۹۳). «جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین؛ تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارشهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره یکم، بهار و تابستان.
۱۱. جوادی ارجمند، محمدجواد و چابکی، ام البنین (۱۳۹۰). «هویت و شاخص های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره چهلیم، شماره اول، پاییز.
۱۲. جهانی، محمد (۱۳۹۲). «تاثیر اقلیت گرایی مذهب بر امنیت ملی جمهوری اسلام ایران،

با تأکید بر نقش سلفیت»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، پاییز.

۱۳. چهرآزاد، سعید (۱۳۹۹). «هویت ملی به مثابه قدرت نرم، اسلامیت، مدرنیته غربی و تدوین سیاست خارجی ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره یکم، بهار و تابستان.
۱۴. حدیدی، حسین (۱۳۹۹). «تجلی قدرت نرم در دعا‌های صحیفه سجاده»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۱۵. حق پناهیان، حمیدرضا و دیگران (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول بهار.
۱۶. خضری، احسان و همکاران (۱۳۹۴). «ریشه یابی منازعات ایران و عربستان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره بیست و سوم، تابستان.
۱۷. خیتال، جعفر (۱۳۶۹). مجموعه آرا پشتکوه، ایلام: کتابخانه اسماعیلی.
۱۸. الخوین، رشید (۲۰۰۵). احوار العراق تاریخ الما والتخفیف، بغداد: مرکز العراق لابعث.
۱۹. دارا، جلیل، خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه رو در اعمال قدرت نرم با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه قدرت نرم، سال هشتم، شماره هیجدهم، بهار و تابستان.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و جدیدی، علی (۱۳۸۹). «نظریه سازه‌انگاری و سازمان‌های بین‌المللی»، فصلنامه حقوق عمومی؛ دوره دوازدهم، شماره بیست و هشتم.
۲۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و دیگران (۱۴۰۰). «نقش رهبری نظام در کارآمدی دیپلماسی عمومی از طریق مدیریت تصویر»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول، بهار.
۲۲. زین العابدینی، یوسف (۱۳۸۸). «منافع ملی و ژئوپلتیک نوین شیعه»، فصلنامه شیعه شناسی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۲۳. سرمدی، عباس و آید، محمد (۱۳۹۶). «الحاق ایران به سازمان کنفرانس حقوق بین الملل خصوصی لاهه از منظر قدرت نرم»، فصلنامه قدرت نرم، سال هفتم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان.

۲۴. سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۸). قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه ای آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۵. سلیمانی پولک، فاطمه (۱۳۸۶). «ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم افزاری قدرت و امنیت»، نامه دفاع، شماره دوم.
۲۶. سمیعی اصفهانی، علی رضا و نوروزی نژاد، جعفر (۱۳۹۲). «دولت- ملت سازی بین المللی و خشونت سیاسی در عراق جدید»، مجله پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال دوم، پاییز و زمستان.
۲۷. شرف، محمد رضا و فاضلی، حبیب الله (۱۳۹۹). «مهاجران و ظرفیت های پیشرفت؛ هم افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۲۸. صادقی، سعید و عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۹۰). «بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، مجله سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان.
۲۹. عباس زاده فتح آبادی، مهدی و رحیمی مقدم، فایزه (۱۳۹۹). «بازنمایی قدرت ملی در رسانه های داعش؛ تحلیل مضمون مجله داعش»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۳۰. عطایی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق جدید»، فصلنامه سیاست، دروه چهل و یکم، شماره سوم، پاییز.
۳۱. عظیمی، کیومرث و چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۱). «پراکندگی فرق مذاهب تشیع در کردستان»، مجله شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز.
۳۲. علی پور، سید محسن (۱۳۸۸). «عراق و امنیت در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان.
۳۳. فرجی، امین و دیگران (۱۳۹۶). «تحلیلی بر تدوین الگوی سرمایه اجتماعی شهری بر مبنای جریان اربعین»، فصلنامه مدیریت اجتماعی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان.
۳۴. الفیلی العلوی، زکی جعفر (۲۰۱۰/۱۴۳۱). تاریخ الكرد الفیلیون و آفاق مستقل، بیروت: مؤسسه البلاغ.
۳۵. کامران، حسن علی و دیگران (۱۳۹۱). «محیط شناسی ژئوپلیتیکی ایران و عراق»، فصلنامه

- علمی پژوهشی جغرافیا، دوره جدید، سال دهم، شماره سی و سوم، تابستان.
۳۶. کریمی فرد، حسین (۱۳۹۳). «پاندمی کرونا: قدرت نرم، نقش و کارکرد رسانه و افکار عمومی با تأکید بر ایران و آمریکا»، فصلنامه علمی قدرت نرم؛ سال دهم، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۳۷. کریمیان، محمد و زارعی، غفار (۱۳۹۹). «نقش بسیج اساتید در تربیت نخبگان سیاسی و تاثیر آن در قدرت نرم مطالعه موردی اساتید بسیجی دانشگاه شیراز»، فصلنامه علمی قدرت نرم، سال دهم، شماره یکم، بهار و تابستان.
۳۸. کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۳). فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور میانه، تهران: دانشگاه امام صادق.
۳۹. لعل‌علیزاده، محمد و دیانت، محسن (۱۴۰۰). «آینده پژوهی و سناریوسازی جایگاه قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه قدرت نرم؛ بهار و تابستان.
۴۰. متقی، ابراهیم و حسینی، مسعود (۱۳۹۱). «فرصت‌ها و تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبل دولت - ملت سازی آمریکا در عراق» فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره ۸۰، پاییز.
۴۱. محرمی، توحید (۱۳۹۶). عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴۲. محمدی گهرونی، رسول (۱۳۹۱). بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۴۳. محمدیان، علی و ترابی، قاسم (۱۳۹۴). «تاثیر تحولات پس از سقوط صدام بر وضعیت کردهای عراق» پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان.
۴۴. مرادی مقدم، مراد و بصیرت منش، حمید (۱۳۹۸). «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره سی و یکم.
۴۵. مرادی، مقدم مراد (۱۳۸۵). «تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۲۵، شماره یک.
۴۶. موسوی، سید صدرا (۱۳۹۹). «قدرت هوشمند در اندیشه امام خمینی: کاربست نظریه

- جوزف نای»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم؛ سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۴۷. مهرنیا، حسینعلی (۱۳۹۹). «قدرت نرم و کارکرد سازمان ملل متحد در سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۴۸. نایینی، علی محمد (۱۳۸۹) «درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم و جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار.
۴۹. نجفی، سجاد و خسروی، علیرضا (۱۳۹۸). «مولفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، تابستان.
۵۰. هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازهانگاری، از روابط بین‌المللی تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴.
۵۱. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸). «تأثیر مولفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره نهم.
۵۲. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸). «مقایسه میزان قدرت نرم ایران ایالات متحده در خاور میانه»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم.
۵۳. یزدان فام، محمود (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مطالعات راهبردی.

جایگاه و تأثیر کارکردهای نظارتی حزب بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

علی حمیدی^۱
حسین آلکجباف^۲
حسن الفتی^۳

چکیده

حزب از باب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جایگاه فقهی و دینی برخوردار است و از طرف دیگر، دارای پایگاه عقلی و مردمی، تحت عناوین اجتماعات و تشکلهای سیاسی می باشد و به همین دلایل در جمهوری اسلامی ایران، از جمله، جلوه های عینی آزادی عقیده، بیان و نماد مردم سالاری دینی و از مؤلفه های دینی و ملی قدرت نرم، به شمار می آید و از مصادیق و تضامین حقوق سیاسی مردم و محافظ و مروج احکام دین اسلام، خواهد بود. این پژوهش که با هدف تبیین کارکردهای نظارتی حزب و نقش آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی و به روش تحلیل محتوای کتابخانه ای تدوین شد. از نگاه اسلام، نظریات حضرت امام خمینی (ره) و قوانین و مقررات موضوعه، بررسی گردید. تجربه بجامانده از فعالیتهای حزبی در ایران حاکی از این است که بعد از سال ۱۳۵۷ شمسی، احزاب به لحاظ محوریت قرارداد دین اسلام، طرد استبداد و استعمار، بارویکردی جدید و با هدف توازن قدرت و استقلال گرای ملی، فعال گردیدند در ذیل بیرق ولایت مطلقه فقیه، ضمن افزایش مشارکت مردم در حمایت از نظام و اقدام به نیروسازی سیاسی به تقویت قدرت نرم و اقتدار ملی می پردازند. لذا بخشی از یافته های این پژوهش، می گوید که گرچه حزب، کارکرد تکثرگرایانه دارد اما از نگاه اسلام، عامل وحدت میان مسلمین می باشد بنابراین نتیجه حاصل از این نوشتار، چنین است که حزب، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار ضمانت و نظارت بر حقوق و آزادیهای ملت است و به مردم، کمک خواهد کرد تا در دفاع از آرمانهای جمهوری اسلامی، راه درست را انتخاب کنند و باعث مشارکت حداکثری مردم در انتخاباتها و تقویت سرمایه اجتماعی و قدرت نرم جمهوری اسلامی می شوند.

واژه های کلیدی: حزب، تحزب، قدرت نرم، توازن قدرت، سرمایه اجتماعی.

Ali.hamidi@pnu.ac.ir

۱. مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

از جمله اجزای لاینفک نظام مردم سالار، وجود احزاب کارآمد و ناظر است که در چارچوب خاستگاه مورد نظر قانون، به فعالیت می پردازند. ایده جدید حکومت داری، تحت نام مردم سالاری دینی که بر اساس آموزه های فقه شیعی با محوریت سیره و سنن نبوی (ص) و ائمه اطهار (ع) در قالب جمهوریت در ایران شکل گرفت بعد از ۴۳ سال فعالیت، تا کنون توانسته مسیر شکل گیری و توسعه احزاب سیاسی را به درستی هموار سازد تا مردم بتوانند در ادای فریضه ی دینی امر به معروف و نهی از منکر در قالب احزاب کارآمد، نظارت لازم را از این مسیر بر اعمال حکومت، داشته باشند حال با توجه به این که حزب، عرفاً، کارکردی تکثرگرایانه دارد. اما چون جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ارزش های مردم سالارانه {دینی}، شکل یافته است (موسوی امجد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۴) و آیات و روایات اسلامی، مکرر توصیه به وحدت می کنند احزاب در جمهوری اسلامی ایران، متأثر از باورهای مذهبی، بیشتر از احزاب در کشورهای سکولار، سعی در حفظ وحدت در هدف و حفظ نظام دارند. بنابراین، از این منظر می خواهیم بدانیم که نظام مردم سالاری دینی، چگونه می تواند شاخصه های جمهوریت منجمله مقوله نظارت مردم بر رفتار حکومت را نهادینه سازد؟ به تعبیر واضح تر، چگونه می توان، ضمن تکثرگرایی احزاب و انتقاد مردم از دولت، به وحدت مورد نظر اسلام و منافع ملی و دینی دست یافت؟ برخی از اندیشمندان حقوقی- سیاسی، علت نبود این سازگاری و کارآمد نبودن احزاب سیاسی در تاریخ ایران را در مداخلات بیگانگان، بیان داشتند بعضی دیگر، نداشتن درک صحیح احزاب از حاکمیت و انحراف از مسیر نظارتی خود تلقی نمودند. دسته سوم که نظرشان به واقعیت نزدیک تر است علل ناکامی احزاب را در موانع تراشی های حکومت های سلطنتی گذشته در ایران، می پنداشتند تا هیچ مرجعی بر این قبیل حکومتها، نظارتی ننماید. اما از آنجائی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل بیست و ششم، به صراحت وجود تشکیلات سیاسی و احزاب را شرط لازم برای تقویت اقتدار نظام پنداشته است، این نوشتار که به روش کتابخانه ای تحلیل و تدوین شد به دنبال این هدف است تا در چارچوب موازین اسلامی، کارکرد نظارتی حزب را در ابعاد حاکمیتی، اجرایی و قانونگذاری تبیین و تاثیرگذاری آن را بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تشریح نماید بطوری که احزاب، ضمن مراعات موازین مورد نظر اسلام، بتوانند متحدان در تنارع رقابت آمیزی، بر رفتار دولتمردان نظارت لازم را داشته باشند، بنابراین، ضرورت دارد احزاب با

شفاف سازی اعمال دولت، توازن قدرت و وادار کردن حاکمان به پاسخگویی، نه تنها در اعمال حکومت مشارکت نمایند بلکه به کج فهمی های داخلی و خارجی که اسلام را در پاسخگویی به شبهات، نا کارآمد جلوه می دهند پاسخ گویند و به مردم این فرصت را بدهند تا با تشکیل گروه های مختلف سیاسی، بیش از پیش بتوانند در راه آرمانهای نظام مردم سالاری دینی، قدم بردارند بنابراین، فرضیه کلی این پژوهش، چنین است که بین کارکرد نظارتی احزاب با قدرت نرم جمهوری اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق و اهمیت آن

پیشینه حزب و قدرت نرم به زمان شکل گیری دولت ها برمی گردد بابررسی آثار علمی بسیاری از پژوهشگران دانشگاهی و حوزوی، ملاحظه گردید که راجع به حزب و قدرت نرم به طور مستقل و جداگانه تألیفاتی وجود دارد اما علی رغم اهمیت و تأثیرگذاری چشمگیری که هر کدام از این عناصر بر شکل گیری، ثبات و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران دارد متأسفانه نسبت به رابطه این دو، بایکدیگر کم توجهی شده است و آثار پژوهشی علمی لازم نگاشته نشد. باتوجه باینکه احزاب از جمله نهادهای نظارتی و درجای خود از ارزش های سیاسی و به تبع آن از اهرمهای سیاستگذاری در اداره کشور به شمار می آیند و قدرت نرم بر ۳ منبع فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی استوار است. (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۳) لذا به نظر می رسد هر دو مولفه حزب و قدرت نرم، بر یکدیگر تأثیر مستقیم دارند.

بند ۱- چارچوب نظری

۱-۱- حزب:

حزب که در لغت به معنای گروه، دسته، یار و بزم، از آن نام می برند. (المعجم المفهرس). اصطلاحاً، به گروهی هم رأی، همراه و یا دسته ای از آیات هم سوء و هم جهت و یا به قطعه ای از زمین که خاک آن فشرده و یا روی هم انباشته باشد، گفته می شود. (مفردات راغب، معجم مقانیس اللغة) و در معنای لاتین، به آن party می گویند. هر یک از ۱۲۰ قسمت قرآن (معین، فرهنگ فارسی) گروهی از مردم که دارای مرام و مسلک معینی باشند. (عمید، فرهنگ فارسی). در فرهنگ نامه های حقوقی- سیاسی، تعاریف متعددی راجع به حزب آمده است.

اما تعریف شایع تر، قالب خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی است که با هدف کسب قدرت و یا حفظ آن و یا نقش آفرینی در تصمیم گیری های سیاسی، پدیدمی آیند. حزب، منشا هم گرایی آرمانها، باور ها و دیدگاه های مشترک سیاسی، اجتماعی است که به اجرای مرامنامه یا اساسنامه ی نوشته یا نانوشته ای متعهد می شوند (یوسفیه، ۱۳۹۱: ۳۹) در جوامع انسانی گذشته، اجتماعات گوناگونی وجود داشت عده ای از اندیشمندان غربی، آغاز پیدایش احزاب را به اواخر قرن ۱۷ میلادی و به تلفیق گروه های پارلمانی و کمیته های انتخاباتی و تحول تدریجی و تاریخی انتخابات کشور انگلستان محدود نمودند. (نقیب زاده، ۱۳۹۴: ۳۱)، اما اسلام قریب به ۱۵۰۰ سال پیش، از حزب به عنوان گروهی از انسانهای هم فکر و همراه دارای رویکرد توحید گرایانه، نام برد، بنابه اهمیت موضوع، سوره ای به نام «احزاب» در قرآن نام گذاری شد و از دو حزب یا گروه در آن یاد شد، یکی، حزبی که پیگیر تحقق اهداف الهی است و خداوند در تائید آن فرمود: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» دوم، حزبی که قرآن از آن به عنوان «حزب الشیطان» نام برده شد. واژه حزب در قرآن در سه حالت مفرد، مثنی و جمع استعمال شده است. علی الحال حزب در اسلام، نسبت به موارد مشابه در غرب، قدمت بیشتری دارد. بنابراین در مرام دینی، سازوکار حزبی بطور کلی دو گونه است، احزاب اسلامی و احزاب غیر اسلامی، که این با ساز و کارهای مورد نظر نظام لیبرال غربی متفاوت است. در نظام لیبرال غربی، حزب مسئولیتی در قبال ترویج دین ندارد. اما از نگاه درون دینی و اندیشمندان اسلامی، حزب با هر شکل و فرمی که در جامعه اسلامی محقق شود، چیزی فراتر از موازین اسلامی، نمی تواند داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران، معمولاً در برنامه ها و فعالیتهای سیاسی، از حزب، بعنوان نهاد و سازمانی منظم در درون یک نظام سیاسی گفته می شود که از اشخاص حقیقی دارای یک هدف و آرمان مشترکی تشکیل یافته و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی بوده و در سایه رعایت و پیروی کردن از اصول قانون اساسی، در پی فتح قدرت عمومی باشد. طبق ماده اول قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مصوب بهمن ۱۳۹۴ حزب، تشکیلاتی از اشخاص حقیقی، تحت عنوان گروه، دسته، جمعیت، جامعه، انجمن، مجمع و سازمان سیاسی است که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی، نقد و اصلاح آن در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مرامنامه و اساس نامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می کند بطوری که اعضای آن، بعد از پذیرش

اساسنامه، از یکسری حقوق و تعهدات بر خوردار می گردند.

۲-۱. تحزب

تحزب که در فرهنگ های فارسی و عربی از آن به گروه گروه شدن، دسته دسته گردن (معین، فرهنگ فارسی)، گرد آمدن، گروه گروه شدن قوم (دهخدا، لغت نامه) یاد می کنند. در معنای دیگر، از آن، به جمع شدن مردم و طرفداری کردن از مرام یا رأی کسی، تعبیر می شود (عمید، فرهنگ فارسی) در معنای لاتین به آن، هوا خواهی، تعصب، فرقه بازی، گفته می شود تحزب، مفهومی صرفاً غربی و یا عربی نیست بلکه آن در ادبیات فارسی، بسیار استعمال شده است و هدفی فراتر از اهداف مورد نظر نظام لیبرال غرب، دنبال می کنند بدین معنی که حزب در نگاه غرب، هدفی بالاتراز کسب قدرت و حکومت داری ندارد اما در رویکرد اسلامی، وسیله ای برای ایجاد وحدت بین مسلمین، خواهد بود و فراتر از حکومت داری توجه دارد. طبق وعده خداوند در قرآن «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، گروه و حزبی که اهداف الهی و مصالح مسلمین را دنبال کند پیروز خواهد بود، یعنی این که، مسلمین برای رسیدن به این آرمان معنوی، به وحدت نیاز دارند و در صورت داشتن وحدت، پیروز خواهند شد. از این رو، تحزب گرایی، گرچه در رویکرد نوین سیاسی، موجب تفرقه و تکثر گرایی می شود و غایت آن، کسب قدرت خواهد بود اما، رویکردی که فقط پیکار سیاسی باشد منطق اسلام نمی پذیرد، اسلام، شکل گیری احزاب و تشکل های سیاسی، اجتماعی را برای نظارت بر حکومت از منظر امر به معروف و نهی از منکر پذیرفته است تا امور جامعه، اصلاح، استعمار و سلطه پذیری، نفی، و مرزهای جغرافیایی مسلمین، حفظ شوند و در نهایت، سعادت دنیوی و اخروی آنها محقق گردد. بنابراین، علل و اهداف تحزب گرایی، در نظام جمهوری اسلامی با نظام غرب متفاوت خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، ضمانت عدم انحراف احزاب از حدود موازین دینی و مبانی اسلامی خواهد بود تا با حفظ استقلال کشور، احزاب مختلف در آن به فعالیت، بپردازند، از جمله مؤلفه های دینی که می تواند به عنوان یک جریان نهاده شده و قانونمند، زمینه ی مناسبی، برای شکل گیری و گسترش اندیشه تحزب در جامعه، فراهم آورد. نهادشوراهای محلی هستند. (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

۳-۱. قدرت نرم:

از قدرت، تعاریف زیادی در ادبیات حقوقی-سیاسی آمده است اما علی رغم استعمال فراوان این واژه، بنا به تعبیر رابرت دال، هنوز اجماع لازم راجع به تعریف واحدی صورت نگرفت (عالم، ۸۹: ۱۳۸۰) اما آن چه باین پژوهش سازگاری دارد «توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی» (آشوری، ۲۴۷: ۱۳۶۶) و «زمانی که در قالب افراد یک جامعه (ملت) مدنظر باشدمی توان توانایی های آن جامعه را قدرت ملی نامید.» (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۹۳: ۱۳۹۰) قدرت که با توجه به ابزار مورد استفاده در تحقق اهداف خود به سخت و نرم تقسیم می شود در جامعه اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران، ماهیت دینی دارد قدرت نرم که نتیجه بازشناسی منابع مختلف قدرت در ادوار تاریخی است در ادبیات دین اسلام به معنای جذب انسان ها و جوامع انسانی با اندیشه و عمل فارغ از خشونت، تعبیر می شود از نگاه اندیشمند غربی «جوزف نای»، این نوع قدرت به عنوان شکل سوم قدرت در کنار قدرت اقتصادی و قدرت نظامی، «مبتنی بر توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران است و آن توانایی ای که تولید جذابیت می کند و منجر به فرمانبرداری و تبعیت می گردد» (نای، ۲۰۰۷: ۱۶۳) و «در دو سطح کلی و خرد (شخصی) قابل بررسی است که بارزترین نمونه آن در سطح خرد، تصویری است که ماکس وبر، جامعه شناس شهیر آلمانی، از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت های بزرگ و چهره های متنفذ و کاریزما، به دست داده است». (موسوی وقنبیری، ۱۳۹۹: ۲۸۲) با این توصیف و با تأملی بر موفقیت های چشمگیر انقلاب اسلامی ایران به نظر می رسد این نوع قدرت در جمهوری اسلامی، بر فرهنگ اسلامی، پشتوانه مردمی و سیاست های نهادهای حکومتی استوار است و با اهمیت بالایی که دارد در ایران، به دلیل داشتن یک نظام سیاسی دینی و مردمی و وجود مخالفت ها و چالش های گوناگون، اولویت بیشتری دارد. (ملک زاده، ۱۱۰: ۱۳۹۴)

۴-۱. تاریخچه ی حزب در ایران

در ادوار تاریخی، گروه های جمعیتی زیادی به فراخور شرایط فرهنگی، اجتماعی آن زمان، در ایران تشکیل شدند اما هیچکدام با مؤلفه های حزبی متداول امروزی، تناسب نداشتند. با نسیم آزادی سیاسی از دوره مشروطه و الگو گرفتن از وضعیت سیاسی وقت برخی کشورهای

غربی، سه جریان فکری، چپ یا مارکسیست، اسلامی و ملی گرا در کشور پدید آمدند و به تبع این جریانات، جلوه هایی از حزب تحت عناوینی چون دموکرات عامیون و اجتماعيون اعتداليون، شکل گرفت این روند تا پایان دوره قاجار، تقریباً ادامه داشت با استقرار حکومت رضاشاه، فضای احزاب سیاسی چندان رشد نکرد از سال ۱۳۲۰ به بعد چندین حزب سیاسی در کشور شکل گرفت اما غالب آنها، از تشکیلات سراسری در کشور برخوردار نبودند. ساختار هر کدام از این احزاب، بجز حزب توده، به جای داشتن شخصیت حقوقی مستقل، به رهبر و یا مؤسسين حزب وابسته بود. تشکل هایی که بین سال های ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ در اقصی نقاط ایران تشکیل شدند به معنای دقیق کلمه، نمی توان نام حزب بر روی آنها نهاد، غالب چنین گروهها و تشکل های سیاسی که از انسجام درونی لازم برخوردار نبودند، نتوانستند در بین مردم، پایگاهی کسب نمایند، آنها به جای رقابت با یکدیگر، بیشتر در صدد حذف همدیگر و حتی با گروه های حاکم و دولت برمی آمدند. (محمودی نژادپیان، ۱۳۶۹: ۴۷) بنابراین به نظر می رسد که احزاب تا قبل از سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران، به عنوان یکی از ضروریات مشارکت مردم در امور کشور، متولد نشده بودند بلکه حسب شرایط طبیعی و عینی جامعه سر در آورده بودند. از این مقطع تاریخی به بعد، فضای سیاسی کاملاً جدیدی بر کشور حاکم شد احکام دین اسلام بویژه مذهب شیعه، محور برنامه ریزی کشور قرار گرفت، احزاب و جریانهای سیاسی با این نگاه، فعال شدند و در امور حکومت داری سهم و شریک گردیدند. بدین صورت که احزاب و گروه های سیاسی متناسب به اصول گرایی با نگاه حداکثری و احزاب و تشکل های سیاسی موصوم به اصلاح طلبی با نگاه حداقلی به موازین دین اسلام. به رقابت در مشارکت پرداختند گفتمان دموکراتیک جامعه مدنی، در سالهای اولیه انقلاب اسلامی، ظهور زود گذری یافت اُمادر سال های اخیر به علت بحران در گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک، از نو احیاء شد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۳: ق: ۳۱۵) در نظام جمهوری اسلامی، احزاب دارای پروانه در چارچوب موازین اسلامیت و بامتکی بر بعد جمهوریت، بصورت آزادانه، فعالیت می کنند شهید مطهری در این مورد چنین فرمود: که.... اگر کسی در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودش را به ما بگوید ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم که اسلام چنین چیزی را نمی گوید. (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۷) منظور شهید از بیان چنین جملاتی این بود که تعدادی از احزاب شکل گرفته قبل از انقلاب که با جریانات شکل گیری انقلاب اسلامی همراهی داشتند به لحاظ تأثیر پذیری از رفتار و دستور

بیگانگان به دنبال منافع آنها در کشور بودند اما بعدها متوجه شدند که انقلاب اسلامی، نفوذ و نسخه هیچ استعماری را نمی پذیرد، آنگاه از مسیر انقلاب جدا شدند. در سال ۱۳۶۵ ش، با شروع ترورها، توطئه ها و قیام های مسلحانه آنها علیه نظام جمهوری اسلامی، فعالیت اکثر آنها متوقف شد. (هاشمی تروجنی، ۱۳۹۱: ۵۷) در ماههای اول انقلاب، «حزب جمهوری» توانست بسیاری از نیروهای مؤمن انقلابی را سروسامان دهد. امروزه بیش از ۲۴۰ حزب و تشکل سیاسی در ایران از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب مجوز فعالیت دارند، اما همچنان باید اقرار کرد که احزاب در ایران، هنوز رشد کیفی لازم را نکردند بطوری که پیشرفت و توسعه کشور، با مواضع مربوط به احزاب گره خورده است.

۵-۱. حزب از نگاه اسلام

در کنار احکام هدایت ساز دین مبین اسلام، یکسری ابتکارات عقلی برای سروسامان دادن زندگی اجتماعی انسانی پدید آمده اند که یکی از این بدیهیات عقلی، پدیده حزب و تحزب گرایی است. قرآن مجید نه تنها این پدیده را پذیرفته، بلکه به بقا و استمرار آن تأکید نموده است. بطور ضمنی در قرآن، به سه گروه که دارای آرمان مشترکی همچون حزب، هستند، اشاره شده است. یکی، گروهی که برای یاری رساندن به همدیگر، تشکیل می شوند «الْجَمَاعَةُ الْمُتَطَاهِرَةُ الَّتِي يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ فِي الرِّضَاعِ» بنابراین، انسانها، برای رفع نیازهای یکدیگر، گاهی حسب ضرورت، به طور فی سبیل الله، گروه هایی، تشکیل می دهند تا باهم افزایی، مشکلات یکدیگر را مرتفع سازند. دوم، فرقه: برای همگرایی در نحله ها و گروه های مذهبی، و سوم، حزب: جماعتی که دارای آرمان مشترک و هدف خاصی باشد. از اینرو، خداوند از همه این تعبیر برای شناخت دو حزب الهی و شیطانی استفاده می کند و بارها در قرآن به مسلمان ها مژده داده است، حزبی که دارای آرمان الهی باشد پیروز خواهد بود در همین راستا، چهار عنصر فقهی در اسلام وجود دارد:

الف- فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر، در تبیین و تشریح این عنصر عبادی- سیاسی، خداوند در قرآن فرمود «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَأَمْرُونِ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (باید که در بین شما، جماعتی باشند که مردم را به خیر فرا خوانند، امر به معروف کنند و از کارهای ناپسند باز دارند و هم ایشان اند

رستگار» (آل عمران، آیه ۱۰۴) این آیه شریفه، مسلمانان را برای اصلاح امور و نظارت بر نظام اجتماعی دعوت می‌کند، لازمه چنین هدف الهی، داشتن ابزار سیاسی - اجتماعی کافی همچون حزب و تشکلهای سیاسی، خواهد بود. در آیه ی ۱۴۹ سوره ی بقره، آمده است «..... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «.... پس در نیکوکاری از یکدیگر سبقت بگیرید...» از این رو، برای رفع معضلات اجتماعی - سیاسی، و انجام امور خیر و تحقق اقتدار نظام اسلامی، ضرورت دارد مسلمانان در قالب گروه های مختلف با یکدیگر رقابت کنند.

ب- دومین عنصر، مقوله ی شور و مشورت هست، خداوند در سوره ی شوری، امر مهم مشورت مردم با همدیگر را موجب نزدیکی آنها با یکدیگر و تشکیل اجتماعات دانسته است، لازمه ی تحقق این امر حیاتی، داشتن آزادی بیان خواهد بود که با تشکیل حزب، به عنوان یکی از کانونهای شور و مشورت، تجلی پیدامی کند. شورا و حزب نه تنها باعث تقویت روحیه ی مشارکت و مجالست مردم می شوند بلکه با بالا بردن آستانه ی تحمل آنها، بر قدرت نرم نظام اسلامی، می افزایند به تبع این، برنامه ریزیهای کشور کارشناسی تر گرفته می شوند والنهایه امر مهم حکومت داری اسلامی تسهیل می گردد.

ج- سومین عنصر، امر مهم بیعت با حاکم است که امروزه در شکل انتخابات، جلوه می کند و حزب، یکی از لوازم ضروری آن به شمار می آید بدین نحو که با معرفی کاندیدهای همسوی خود، تنویر تبلیغات انتخاباتی را گرم تر و به تبع آن فرایند مشارکت مردم را هموار می سازد. حزبی هم که بیشترین استقبال را از مردم داشته باشد ممکن است تعداد دیگری از گروه ها و احزاب کوچک، از برنامه های آن، تبعیت کنند و در نتیجه باکسب آراء بیشتر، کرسیهای زیادهتری از قدرت و حاکمیت اشغال نماید.

عنصر چهارم مورد تاکید اسلام، عنصر بنیادین «عدالت اجتماعی» است وجود احزاب بادیگاه ها و سلائیق متنوع، با حفظ منافع ملی و سروسامان دادن به نگرشهای مختلف، خواهند توانست به توازن قدرت و تحقق عدالت اجتماعی، کمک کنند. از این رو، به تبع این عدالت عمومی، رضایت عمومی حادث می شود و این میزان رضایت مندی، باعث تقویت قدرت نرم نظام و استحکام پایه های دفاعی، اقتدار و عزت کشور اسلامی در تمامی صحنه های ملی و بین المللی می شود.

۶-۱. حزب از نگاه حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در طول عمر بابرکت خویش، بر سیر تحولات احزاب و تشکلهای سیاسی در ایران، توجه ویژه داشت. در قبل از انقلاب، سعی داشت ماهیت احزاب وابسته و فرمایشی را افشا کند مردم را از همکاری با احزاب منحرف چون حزب رستاخیز، بر حذر می داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بر آزادی احزاب و گروههای سیاسی در چارچوب قانون اسلام تاکید می کرد. با ملاحظه سخنان، وصیت نامه و موضع گیریهای امام (ره) راجع به احزاب و تشکلهای سیاسی، مواردی از وظایف نظارتی آنها به نظر می رسد امام (ره) در خصوص نظارت احزاب بر انسجام درونی و جلوگیری از تفرقه فرمود: احزاب از تفرقات و افتراقها، پرهیز کنند احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا کنند بعد هر کاری که می خواهند بکنند.... اگر شما، ملت را دوست دارید برای خاطر ملت، اگر کشورتان را می خواهید برای خاطر کشور، بازی نخورید، (۱۳۵۸/۰۴/۱۶) من باز از همه قشرهای ملت، از همه روشنفکران، از همه احزاب، از همه دسته جات و گروه هایی که مع الاسف تاکنون شاید دو بیست گروه پیدا شده باشند. -تقاضای کنم که مسیرتان، مسیر ملت و مسیر اسلام باشد و.... (۱۳۵۸/۰۵/۲۶) اینجانب [امام] به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی، به گروه های داخل کشور، اعم از تهران، کردستان و سایر نواحی ایران، در هر نقطه که هستند پدرا نه توصیه می کنم که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید. (۱۳۵۹/۱۱/۰۱) من به شما احزاب و گروه ها، چه آنهایی که به چیگرایی معروف هستند و چه آنهایی که از غرب ارتزاق می کنند و الهام می گیرند و چه آنهایی که با اسم خود مختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدماتهای فرهنگی و بهداشتی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می شوند مثل حزب دموکرات و کومله، وصیت می کنم که به ملت پیوندید.... مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می دهد. (۱۳۶۸/۰۳/۱۵)

۷-۱. حزب در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی ایران

در راستای نظریه دستور گرایی، قانون اساسی که تضمین کننده ی حقوق و آزادی ملت ایران است در فصل سوم، از حزب به عنوان یکی از مصادیق حقوق و آزادی های مردم، نام برده

است و بر آزادی احزاب و تشکلهای سیاسی در کشور به عنوان یکی از حقوق مسلم ملت، تأکید نموده است. در فرایند مذاکرات تدوین قانون اساسی در ابتدای اصل ۲۶، کلمه «تشکیل حزب» آمده بود در همین خصوص، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) چنین سوال کرد که آیا منظور «تشکیل» تنهاست یا دوام را شامل می شود؟ در پاسخ، دکتر قائمی گفت که دوام را هم شامل است. تا اینکه برای ابهام زدایی، واژه «تشکیل» را هم برداشتند (سجادی، ۱۳۸۰: ۸). بنابراین طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بر آزادی فعالیت های احزاب است البته نه به معنای هرگونه آزادی، بلکه برای حفظ نظام، همچون دیگر کشورها، یکسری پارامترها بایستی رعایت شوند یعنی اینکه احزاب برای اعتدای حقوق مردم و حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی و یا اخلاق عمومی، محدودیتهایی نیز خواهند داشت (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۰) لذا در قانون اساسی، به عنوان مهمترین میثاق نامه ی حقوقی- سیاسی ملت و دولت، احزاب همانند جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی می بایستی شرایط و قیودی بپذیرند تا حیات سیاسی آنها دچار اختلال و توقف نگردد. یکی از این پارامترها این است که فعالیتهای سیاسی- اجتماعی آن حزب تحت هیچ شرایطی نباید چارچوب استقلال سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و یا فرهنگی کشور را نقض کند و بهانه ای برای مداخله استعمارگران در امور کشور فراهم آورد، دوم، همانطوری که قانون گذار مکلف کرده هیچکس را نمیتوان از شرکت در حزبی منع کرد و یا به شرکت در یکی از احزاب کشور، مجبور ساخت. بنابراین برنامه های آن حزب، نباید به آزادی مورد نظر قانون، خدشه وارد کند، وحدت ملی و منافع ملی را جریحه دار سازد بطوری که انسجام درونی کشور تضعیف گردد. اما مورد چهارمی که هر حزبی در جمهوری اسلامی ایران بنابه توصیه قانون اساسی، نباید از چارچوب آن عدول و خروج نماید. تطبیق برنامه های سیاسی، اجتماعی آن حزب با مبانی و موازین دین اسلام است. همانگونه که در اصل ۲۷ قانون اساسی، تصریح شده است تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها باید بدون حمل سلاح باشد و بامبانی دین اسلام در تقابل و تغایر نباشد. از این رو، تجمعات حزبی هم باید طبق این قاعده آمره، صورت گیرد. هر حزب سیاسی، می بایست اصول اعتقادی توحید و معاد را با اصول کلی عدالت و قانونمداری معجون و یا رویکرد وحدت گرایانه، مسیر راه حیات خود و فصل الخطاب امور خود قرار دهد. «اصل هدایت و رهبری مستمر را بپذیرا باشد. شبکه روابط اجتماعی اعضای آن بر اساس گذاره های دینی تنظیم شود». (واعظی، ۱۳۷۸: ۸۹) نکته قابل

تأمل، ارتباط حزب با محوری ترین رکن نظام جمهوری اسلامی یعنی ولایت مطلقه فقیه است، از آنجائیکه در نظام جمهوری اسلامی امر مشروعیت سازی برنامه ها و سیاست ها، از کارکرد های ولی فقیه است و در نظام لیبرال دموکراسی، این وظیفه، بر عهده احزاب می باشد یعنی وجود احزاب در آن نظام لیبرالی، بامشروعیت آن نظام رابطه مستقیم دارد، حال سؤال اینجاست که در نظام مردم سالاری دینی، بین حزب و ولایت مطلقه فقیه، چه رابطه ای وجود دارد؟ از جمله مولفه های مورد پذیرش و تأکید قانون اساسی نظام مکتبی جمهوری اسلامی، موضوع حزب و تشکلهای سیاسی است که قوانین عادی و مقررات موضوعه، اجرای این مهم را تسهیل می کنند. باتوجه باینکه ولایت امر و امامت امت که هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارد به طور غیر مستقیم بر فعالیتهای احزاب، نظارت دارد یعنی وقتی که قوانین و مقررات قبل از ابلاغ برای اجرا، به تأیید شورای نگهبان می رسند آن وقت نظارت تشریعی ولی فقیه نمود پیدا می کند. از طرف دیگر، یکی از شرایط عضویت افراد در احزاب و تشکلهای سیاسی در جمهوری اسلامی، اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و اصل محوری ولایت مطلقه فقیه است. از این رو، به لحاظ مبنایی، تعارضی بین ولایت مطلقه فقیه و حزب وجود ندارد تجربه فعالیت های حزبی بعد از انقلاب، نشان داده است که نه تنها تکثر گرایی حزبی موجب تضعیف نظام نشده است بلکه در چار چوب قانون اساسی، موجب تقویت نظام شده است. طرح احزاب و تشکل های سیاسی در ۱۸ تیر ۱۳۶۰ در مجلس اول، به تصویب رسید و در مجالس بعدی، اصلاحاتی در آن صورت گرفت قانون نحوه ی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۴ در مجلس شورای اسلامی مصوب گردید بعد از اینکه شورای نگهبان ایراداتی به آن گرفت، مجلس شورای اسلامی بنا به مصلحت و عرف جامعه نسبت به متن تصویب شده اصرار ورزید، سپس توسط رئیس مجلس شورای اسلامی، برای رفع اختلاف، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد از سوی آن مجمع در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۸ موافق با مصلحت نظام، تشخیص داده شد و به تصویب اکثریت اعضا رسید. این قانون که مشتمل بر ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره می باشد بعد از پایان ۱۰ سال اعتبار، قابل تمدید خواهد بود. احزاب دارای مجوز فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، موظفند ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون وضعیت خود را با شرایط مندرج در آن تطبیق دهند.

بند ۲- رابطه حزب و قدرت نرم در جمهوری اسلامی

عمده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، باتوجه به آیه.... إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ از باور افراد جامعه به باور های اسلامی و شیعی ایجاد می شود این کانون، در ۴۳ سال گذشته سبب تداوم و قدرت حاکمیت گشته و در هر کجا که نیاز بود اقدام به اعمال قدرت خشن برای بقای حاکمیت در قالب نیرو های مردم چه در جنگ تحمیلی و چه در بلایای طبیعی و حرکت های اجتماعی نموده است. احزاب در جامعه اسلامی ایرانی در صورتی که بتوانند بارویکرد اسلامی، باور های انقلاب اسلامی را در اذهان پیروانشان ایجاد نمایند خواهند توانست بر جریان قدرت نرم تأثیر گذار باشند و در بخشی از قدرت نرم هسته حاکم، شریک گردند و از این طریق تفکرات خود را پیش ببرند و بدون شک حزبی پایدار خواهد ماند که بتواند تمام یا بخش قابل توجهی از قدرت نرم در آن جامعه را از آن خود نماید اگر به طور مختصر، مؤلفه هایی چون نام سرزمین ایران و هویت ایرانی، تاریخ و جاذبه های فرهنگی و تمدنی، قدمت و تنوع زبان فارسی، کیفیت بر تر نیروی انسانی هوشمند و کارآمد، روحیه ظلم ستیزی، خودباوری، وجود اندیشمندان و فلاسفه بزرگ - مساجد، روحانیت، روحیه جهاد و شهادت، ولایت پذیری و مهدویت گرایی را جز مؤلفه های ملی و دینی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدانیم، حزب از جمله نهادهایی است که هم جایگاه دینی دارد و هم از پایگاه و دستاورد عقلی و مردمی برخوردار است و در هر دو دسته، رد پای آن به چشم می خورد، با تأملی بر کارکردهای تاریخی حزب، ملاحظه گردید احزابی که توانسته اند در ادوار گذشته، بخشی از قدرت نرم را از آن خود کنند کماکان بازیگر دانهای اصلی دولت و نظام بودند بنابراین، این رابطه حزب و قدرت نرم، دوسویه است هم احزاب بر قدرت نرم اثر می گذارند و هم به تناسب، از آن اثر می پذیرند و هر چه این رابطه وسعت بیشتری داشته باشد حزب توانایی بیشتری در سهم خواهی و کنترل جریان قدرت، پیدا می کند.

بند ۳- تأملی بر کارکردهای نظارتی حزب و تأثیر آنها بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

هر حزبی که دارای پروانه از کمیسیون احزاب در کشور باشد از یک سری حقوق و تکالیف برخوردار است که به فراخور فعالیت های خود می تواند از آنها برخوردار و یا به انجام برساند، از جمله ی این حقوق و تعهدات، نظارت بر اعمال و رفتار حکومت خواهد بود که از منظر فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر و در چارچوب قانون، می تواند این تکالیف را عملی سازد.

تشکیل و توسعه احزاب با سلیقه های متفاوت، علاوه بر این که به افزایش مشارکت مردم در تصمیمات سیاسی، اجتماعی کشوری انجامد و بر اعتبار، مقبولیت حکومت و ثبات آن در روابط بین الملل می افزاید. در چارچوب منافع ملی، این حق برای احزاب در قانون پیش بینی شده است که بتوانند به عنوان یک نهاد غیررسمی و کارآمد از خدمات دولت و رفتار دولتمردان انتقاد کنند. نقاط ضعف را به کارگزاران نظام برسانند تا دولتمردان هم به تجدید نظر در تصمیمات و برنامه های خود در قبال مردم، بپردازند و هر چه نظارت احزاب مؤثرتر باشد رابطه بین ملت و دولت مستحکم تر می شود و مشارکت اجتماعی در همه عرصه های ملی بیشتری گردد و در نهایت سرمایه اجتماعی و به تبع آن قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی، تقویت خواهد شد، بنابراین با توجه به قانون احزاب و تجربیات به جامانده قبلی، می توان بصورت مختصر کارکردهایی برای حزب از بعد نظارتی، تعریف و تأثیر آنها را بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به اجمال تبیین نمود.

۱-۳. هدایت انتخابات ها

حزب از جمله عناصر نظارتی کارآمد و مفیدی است که می تواند بطور ساده، رضایت اکثریت افراد جامعه را نسبت به انتخاب فرد اصلح برای ورود به بدنه حاکمیت، هموار سازد. (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۲) با توجه به این که احزاب سیاسی می توانند کاندید معرفی کنند و در فرایند تبلیغات و بعد از انتخابات، حمایت و راهنمایی لازم را به ایشان داشته باشند (بندت ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴) از طریق ارائه ی اطلاعات و شکل دادن به افکار عمومی، می توانند افراد را به مشارکت به نفع کاندید یا کاندیدهای طرفدار خود وادار کنند. (نقیب زاده، ۱۳۹۴: ۹۸) البته، باتوانایی که در زمینه انتخاب فرد اصلح در انتخابات دارد، همان طور هم می تواند بر عملکرد آن فرد منتخب، نظارت لازم را داشته باشد تا نه تنها از مسیر قانون و آرمانهای نظام منحرف نشود. بلکه کارآمدی بیشتری از خود نشان دهد و رضایت مندی مردم را نسبت به نظام بیشتر کند و از آنجایی که «اعتماد» از جنبه های مهم روابط انسانی و زمینه مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است». (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵۷) و «باعث حفظ انسجام و هماهنگی در سیستم ها می شود» (نجف بیگی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴)، احزاب باید هم در فرایند تبلیغات، هم در زمان برگزاری انتخابات و هم بعد از انتخاب گزینه یا گزینه های مورد نظر يك حزب، باید

میزان اعتماد عمومی مردم را تقویت کنند تا به همان نسبت، قدرت نرم نظام، بالا رود.

۲-۳. انسجام نیروها

همانگونه که ماکس وبر، در کتاب اقتصاد و جامعه، منابع اقتدار را در سه بخش: سنتی (سلطه سنتی در نظام سلطنت موروثی)- قانون و عقلگرایی (حق فرمانروایی از متن وقوانین جامعه برمی آیند) و بخش فرهی یا کاریزماتیک، که حق فرمانروایی را ناشی از پویایی و صفات رهبر سیاسی جامعه می داند، تقسیم بندی نمود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱۵) احزاب که از متن وقوانین جامعه ناشی می شوند بر پایه اعتقاد به قانونی و عقلایی بودن الگوهای هنجاری و توجه به رسالت ذاتی خود در جامعه اسلامی که ایجاد وحدت درون دینی و مبارزه با طاغوت است می توانند با جذب نیروهای تازه کار، نوپا و انقلابی و آموزشی و عقیدتی- سیاسی به آنها، نوعی همگرایی سیاسی بین اقلشمار مختلف مردم به وجود آورند و از این راه با تربیت نیروهای کارآزموده، علمی و فنی به تقویت اقتدار و همین طور قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی بپردازند. بنابراین در نظام حزبی و دینی، نه تنها بابسیج نیروها، مشارکت سیاسی در امور حکومت صورت می گیرد بلکه با استبداد و خودکامگی هم، مبارزه می شود. (پور فرد، ۱۳۸۴: ۸)

۳-۳. مخالف قانونمند و پاسخگویی شفاف

ممکن است در یک جامعه قانونمند، حزبی به عنوان «مخالف قانونمند» تلقی گردد یعنی این که به نظام سیاسی و قانون اساسی، اعلام وفاداری کند اما در عمل با سیاست های اشتباه حاکمیت در تعارض باشد، حزب کمونیست ایتالیا و فرانسه از این دسته، هستند. (میخلر، ۱۳۷۳: ۶۴) در نظام مردم سالاری دینی، چنانچه ترکیب نمایندگان پارلمان از احزاب مختلف با سلاتق گوناگون سیاسی باشند و اعضای کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان در مجلس شورای اسلامی، دارای ترکیب متوازی از احزاب سیاسی متعدد، باشند بدون شک، نمایندگان مجلس و به تبع آن خود پارلمان، به دنبال شفاف سازی و پاسخگویی بیشتری خواهد بود و از آن طرف، به لحاظ وظیفه نظارتی که مجلس بر نهادهای عمومی کشور دارد این شفاف سازی، در رفتار دیگر قوا هم تسری پیدامی کند به طوری که مقامات قوه مجریه و شوراهای محلی شهروستا، علاوه بر اینکه به احزاب حامی خود پاسخگومی شوند مکلف می گردند به انتقادات و درخواستهای احزاب

رقیب و گاه‌مخالف خود و همین طور مردم عادی، گزارشاتی از عملکرد خود اعلام نمایند و به درستی پاسخگوی نیازهای جامعه باشند تا حمایت مردم از سیاستهای نظام تقویت گردد.

۴-۳. قانون مداری

یکی از اصول دستیابی به سعادت بشری، پایبندی به قانون، است با قانونگرایی، مسئولیت پذیری و انتخابات منظم و نظم پذیری در جامعه بدون اجبار و سلطه‌ی غیر منطقی قدرت، قابل اجراست و کلید رمز این موفقیت، باور و اعتقاد به قانون است. (بشیری، ۱۳۸۰: ۱۹۳) یکی از کارکردهای نظارتی حزب، قانونمداری است و رصدمی کنند تا مقامات حکومتی از مسیر قانون عدول نکنند. تصرفات مالی خارج از قانون نداشته باشند تا قانونمداری احزاب و دولتمردان، نه تنها اعتماد مردم به نظام را بیشتر می‌کند بلکه پایبندی آنها به قانون را نهادینه می‌کند. و به تبع این مهم، قدرت نرم نظام ارتقاء می‌یابد.

۵-۳. اعطای حق تعیین سرنوشت به مردم

سرمایه اجتماعی از نقطه نظر درجه و میزان عینیت پذیری ابعاد آن، دارای بخش «ساختاری»، شامل اموری ملموس و تسهیل کننده مانند شبکه‌ها، نهادها و تشکلهای، و بخش «شناختی» شامل امور فرهنگی و غیرلمسی، می‌باشد (حق پناهان، ۱۴۳: ۱۴۰۰) آموخته‌ها، هر یک از احزاب و تشکلهای، سعی دارد تا مردمی بودن خود و بالا بردن سرمایه اجتماعی کشور را اثبات کند گرچه در عمل، بسیاری از آنان، به این خواست واقعی مردم و منافع و مصالح آنان اعتنایی ندارند اما همیشه در رقابت با جریانهای مخالف از نام مردم کمک می‌گیرند. (منصوری، ۱۳۸۶: ۶۸) در طول تاریخ، دولت‌هایی که به مشارکت سیاسی مردم، اهتمام بیشتری ورزیدند در دراز مدت، ثبات و اقتدار ملی خود را بیشتر از دیگر دولت‌ها، حفظ کردند بنابراین، هدایت احزاب و مشارکت آگاهانه‌ی مردم در امور کشور، از مهمترین علل بقاء و دوام نظام جمهوری محسوب می‌شود. در نظام دینی مبتنی بر حزب و رأی مردم، چون مردم از ارکان نظام سیاسی محسوب می‌شوند حق تعیین سرنوشت از جمله‌ی حقوق اساسی آنها، خواهد بود. (پور فرد، ۱۳۸۴: ۸۲) حضرت امام خمینی (ره) در این باره فرمود: «حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم است که به موجب آن هر ملتی باید سرنوشت خود را خودش تعیین کند» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳۹: ۲۰۴)

۶-۳. افزایش سطح آگاهیهای مردم

هر حزبی برای تقویت نفوذ و قدرت خود ناچار است که از افراد مختلف علاقمند به مسائل سیاسی-اجتماعی دعوت و عضوگیری به عمل آورد. مسائل مربوطه حزبی و سیاسی را به آنها آموزش دهد. افراد آموزش دیده را هدایت و از آنها در رده های مختلف تشکیلات حزب، بکارگیرد. این شیوه فعالیت های حزبی و بعضاً "مسئولیت های اجرایی و سیاسی کشور، نوعی آموزش عملی سیاسی محسوب می شود. اعضای حزب، بعد از مدتی که در درون حزب حضور سیاسی داشته باشند سعی می کنند که یک یا چند نفر از افراد خودی را به اجماع نظر اکثریت، برای انتخابات ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس و همین طور برای شوراهای محلی، معرفی و کاندید نمایند، باین حال، می توان گفت که انتخابات، موقعیت استثنایی برای احزاب، به وجود می آورد تا ظرفیت و تأثیر گذاری خود را علنی سازند، از آن طرف، دیگر افراد، هم با مشاهده رفتار سیاسی اعضای حزب، نوعی آگاهی و بینش سیاسی نسبت به امور جامعه پیدا می کنند، از اوضاع و احوال حکومت داری، شیوه تعامل و یا برخورد با دیگر کشورها و به طور کلی از تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی دنیا، اطلاع پیدا می کنند. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفَلْ عَنِ الْأُسْتَعْدَادِ» «کسی که شرایط زمان را بشناسد از آمادگی (برای برخورد با وقایع) غافل نمی شود.» (حکیمی، ۱۳۵: ۱۳۵۸). حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) هم در همین خصوص، فرمود: «نفع حکومت های دیکتاتور دنیا به این است که مردم سیاسی نباشند، مردم درک سیاسی، تحلیل سیاسی و شعور سیاسی نداشته باشند. اما یک حکومتی که می خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد، مردم را همه چیز نظام می داند، مگر می شود مردم و بویژه جوانان و بالاخص جوانان دانشجوی، در چنین نظامی، غیر سیاسی باشند؟ مگر چنین چیزی شدنی است؟ عالمترین عالم ها و دانشمندترین دانشمندان هم اگر مغز سیاسی و فهم سیاسی نداشته باشند با یک آبنبات، به سوی دشمن می روند و مجذوب او می شوند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۱۳۷۲) با این اوصاف، حزب، اعضای خود را به گونه ای آموزش و انضباط فکری و عملی می دهد تا آنان، همگون و یکپارچه گردیده و یکپارچگی خود را حفظ کنند. (ابوالحمد، ۱۳۶۴: ۴۳۵)

۷-۳. نظارت همگانی

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جمله پارامترهای بنیادی-کاربردی در اسلام هست که نه تنها حزب در نظام مردم سالاری دینی، از دل آن، بیرون می آید بلکه بهانه ایست تا مردم در تصمیمات و برنامه های کشور مشارکت و حق اظهار نظر داشته باشند و به راحتی و از روی حس مسئولیت پذیری، بتوانند نسبت به امور حکومت و رفتار حاکمان، نظارت همگانی و مستمر داشته باشند. البته، این مهم، به سهولت، محقق نخواهد شد مگر اینکه ابزار لازم از طرف مردم مهیا گردد که از جمله ی این ابزار، تأسیس «حزب» خواهند بود تا به نمایندگی از طرف مردم بر امور داخلی و خارجی کشور، بطور آزادانه و در چارچوب نظم، امنیت و منافع ملی، اظهار نظر و نظارت نمایند. (بند پ ماده ۱۳ قانون احزاب) و با شفاف سازی برنامه های حاکمیت، بر اعتماد عمومی جامعه بیفزایند و در نهایت قدرت نرم نظام را ترقی دهند.

۸-۳. نظارت سیاسی و تقویت اقتدار نظام

هر کشوری برای نظم عمومی و ارتقاء سطح اقتدار حکومت خود، نیازمند تنظیم و ارائه برنامه های سیاسی-اجتماعی متنوع و مقتدری است. داشتن فعالیت سیاسی وظیفه ی ذاتی هر حزب دارای پروانه خواهد بود (بند الف ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۴) تا از آن طریق، مواضع سیاسی خود را اعلان و شفاف نماید. مقامات عالیه نظام، متناسب با معدل مواضع سیاسی احزاب مختلف و حسب میزان مشارکت و حمایت آنها، برای حفظ نظام و ارتقاء سطح اقتدار آن، برنامه ریزی می نمایند. چنین تصمیمات کارشناسی شده و برخوردار از ابزار لازم، در پیشبرد امور کشور و تقویت بنیه قدرت نرم و سخت نظام، مثمر ثمر خواهند بود فی المثل احزاب با تبلیغات گسترده سیاسی، اجتماعی، نقش عمده ای در افشای ماهیت گروه های معاند [لیبرال] و حرکت های براندازانه آنها خواهند داشت. (گونه شناسی بحرانها، ۱۳۸۱) در ادامه این کارکرد، به فرض اگر اظهار نظر ها و صدور بیانیه ها و امر به معروف و نهی از منکر کردن های احزاب در رفع ابهامات، نواقصات و تصمیمات بالادستی نظام، مؤثر واقع نیفتد، آن وقت، حزب یا احزاب مربوطه با اطلاع از وزارت کشور و با رعایت بند ۶ ماده ۱۱ قانون احزاب و شروط مورد نظر اصل ۲۷ قانون اساسی می توانند نسبت به برگزاری راهپیمایی و تشکیل اجتماعات، اقدام نمایند. (بند خ ماده ۱۳ قانون احزاب مصوب ۱۳۹۴) حسب این نظارت غیر رسمی احزاب، دولتمردان در

پاسخ به انتقادات، اعتراضات و درخواستهای آنها مکلف می شوند جهت رفع نیازهای عمومی، از هر کوششی، دریغ نکنند. مخصوصاً اینکه با فشارهای متعدد احزاب، مقامات انتظامی - امنیتی کشور در برابر تهدیدات بیرونی، هوشیارتر می شوند و قدرت تدافعی کشور را متناسب با تهدیدات داخلی و خارجی بالا خواهند برد.

۹-۳. نظارت مالی

هر حزبی مکلف است به منظور شفاف سازی و پیشگیری از سوء نیت های احتمالی، کلیه ی درآمدها و هزینه های خود را در دفاتر قانونی، ثبت نماید. صورتی از تراز مالی خود را پس از تصویب شورای مرکزی حزب در پایان هر سال شمسی، به کمیسیون احزاب مستقر در وزارت کشور، گزارش دهد. یارانه های دولت را جهت اهداف حزبی خود مصرف نماید چنانچه از این مسیر قانونی، عدول کند کمیسیون احزاب متناسب با تخلف صورت گرفته، با آن حزب برخورد لازم را خواهد نمود این شفافیت در امور و هزینه ها برای اعضای که به دنبال رسیدن به قدرت و حاکمیت، تلاش می کنند نوعی چراغ قرمز از طرف قانون است که به این حزب و اعضای آن، پیام می دهد که قدرت، فساد آور است و چه بسا غفلت از قانون مداری، زمینه ساز گسترش فساد می گردد. علی ایحال هر کدام از اعضای حزب بایستی از اشرافی گری، قانونگریزی و مال اندوزی اجتناب نمایند تا آن حزب بتواند بطور غیر رسمی، نظارت به موقع و دقیقی بر امور اقتصادی نهادهای دولتی داشته باشد و بهتر بتواند بر اعتماد مردم به برنامه های نظام و قدرت نرم کشور بیفزاید.

۱۰-۳. نظارت شرعی و اخلاقی

هیچکدام از احزاب، جبهه ها و جریانات سیاسی موضوع قانون احزاب، نمی توانند با مبانی دین مبین اسلام و اخلاق حسنه، فعالیت مغایر داشته باشند (بند الف ماده ۱۸ قانون احزاب) علاوه بر تلاش برای تضمین حقوق و آزادیهای ملت، بایستی مروج و مبلغ برنامه های دینی و مذهبی در کشور باشند و بارفتار حزبی خود، زمینه ترویج اخلاق سیاسی در جامعه گردند. در صورتی که احزاب تأثیر گذار در کشور، از شروط مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی عدول نمایند ممکن است استعمار از همین رفتار آنها، سوء استفاده کند و زمینه تفرقه را در میان سیاسیون

و فعالان اجتماعی فراهم آورد تا جایی که ارزشهای نظام تضعیف شوند و به تبع این تفرقه درونی و وابستگی حزب به بیگانگان و آثار سوء دیگر آن در جامعه، آستانه اقتدار نظام به نفع استکبار، تنزل پیدا کند. بنابراین احزاب اسلامی، بیش از دیگر احزاب غیردینی، باید اخلاق مدار و وفادار به آرمانهای نظام جمهوری اسلامی باشند.

نتیجه گیری

اگر نام سرزمین ایران و هویت ایرانی، تاریخ و جاذبه های فرهنگی و تمدنی، قدمت و تنوع زبان فارسی، کیفیت برتر نیروی انسانی هوشمند و کارآمد، روحیه ظلم ستیزی، خودباوری، وجود اندیشمندان و فلاسفه بزرگ ایرانی را از مؤلفه های ملی و مساجد، روحانیت، روحیه جهاد و شهادت، ولایت پذیری و مهدویت گرایی را جز مؤلفه های دینی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدانیم، حزب هم که از جمله نهادهایی است که هم جایگاه دینی دارد و هم از پایگاه و دستاورد عقلی و مردمی برخوردار است، ملاحظه می شود که اثر حزب در هر دو گروه، پیداست و به همین دلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت به وجود و آزاد بودن آن تأکید نموده است. حزب علاوه بر اینکه برای انتظام بخشی به حکومت، استحکام حاکمیت و توازن قدرت، تلاش می کند بپشتوانه ی دینی، مبلغ دستورات دین مبین اسلام و ضامن عدم تفرقه مردم جامعه اسلامی خواهد بود بنابراین، از باب کارکردهای نظارتی و تأثیری که بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد به اجمال می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. احزاب نه تنها از قلمرو و شروط مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی، نباید عدول نمایند بلکه فعالیتهای سیاسی آنها طوری عملیاتی شوند که ناظر کارآمدی، برای تضمین حقوق و آزادیهای ملت و افزایش اعتماد عمومی و تقویت قدرت نرم، باشند
۲. گرچه احزاب سیاسی، برای مقاصد معینی پدید می آیند اما در آموزش، انتقال ارزش ها و فرهنگ سیاسی، ارتقاء سطح دانش و بینش عمومی و تقویت حمایت و وفاداری افراد به نظام سیاسی نقشی مؤثر دارند.
۳. احزاب غیر حاکم و به اصطلاح «اپوزیسیون» نظارت و انتقاد از سیاست ها و عملکردهای دولت ها را وظیفه ی خود می دانند این نقش غیر حاکم و مخالف، تأثیر قابل توجهی در قانونمند شدن امور کشور، نظم پذیری و همه جانبه نگر بودن و جلوگیری از استبداد دولتها دارد.

۴. تشکیل جلسات بحث و انتقاد در حزب، اعضای آن را برای فعالیت های سنجیده ی اجتماعی و سیاسی آماده می نماید وقتی که حزب در قبال موضع سیاسی خود پاسخگو هست این به نوبه خود، روحیه ی قانونگرایی و مسئولیت پذیری را در جامعه گسترش می دهد.

۵. احزاب با توجه به رسالت ذاتی خود در جامعه اسلامی که ایجاد وحدت درون دینی و مبارزه با طاغوت است می توانند با تبلیغات گسترده سیاسی، اجتماعی خود، نقش عمده ای در افشای ماهیت گروه های معاند و براندازانه در کشور داشته باشند. از طریق آموزش های سیاسی، نیرو های انقلابی را سرو سامان دهند از این راه به انسجام نیروها، تقویت بنیه علمی، دینی و دفاعی نظام بپردازند.

۶. با توجه به کارکردهای مؤثر نظارتی حزب بر اعمال حکومت، به نظر می رسد که بین این دسته از کارکردهای حزب و افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

منابع

۱. ابراهیمی، هادی؛ باباتبار سرخی، ابوالقاسم و موسی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه های اقتدار ملی، مطالعه موردی اندیشه های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۴). مبانی علم سیاست، تهران: نشر توس.
۳. امام خمینی (ره) (۱۳۵۸). صحیفه امام، جلد ۸، سخنرانی در جمع مردم و پاسداران حصارک کرج.
۴. امام خمینی (ره) (۱۳۵۹). صحیفه امام، جلد ۹، سخنرانی در جمع مردم.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس هایی دموکراسی برای همه، تهران: نشر نگاه معاصر.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ پورطاهری، مهدی و صادقی، علی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱.
۷. پور فرد، مسعود (۱۳۸۴). مردم سالاری دینی، قم: پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. جابرانصاری، محمدرضا؛ نجف بیگی، رضا و الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۹). «راهکارهای ارتقاء اعتماد عمومی به سازمانهای دولتی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم.
۹. حسینی شیرازی، آیت الله سید محمد (۱۴۰۳) الفقه سیاسی، مترجم مطیعه رضایی، قم.
۱۰. حق پناهان، حمیدرضا؛ کرمی، حامد و همتی، مجتبی (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه های قدرت نرم بانگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول.
۱۱. حکیمی، محمدرضا (۱۳۵۸). الحیاة، جلد ۱، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۱۳۷۲.
۱۳. روزنامه عصر ما، ۱۳۸۰/۰۶/۲۴ توسعه و تحزب.
۱۴. سجادی عبدالقیوم (۱۳۸۰). «رهیافت های فقهی در تحزب»، پایگاه حوزه شماره ۱۸.
۱۵. فیرحی، داوود (۱۳۸۶). «مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه»، همایش تحزب و توسعه سیاسی، تهران: کتاب سوم

۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۱۷. محمودی نژادیان، جهانگیر (۱۳۶۹). رژیم احزاب سیاسی، تهران: نشر بعثت.
۱۸. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروهای مقاومت بسیج (۱۳۸۱). «گونه شناسی بحران ها و راهبردهای مقابله با آن».
۱۹. میخلر، روبرت (۱۳۷۳). جامعه شناسی احزاب، مترجم: احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
۲۰. مطهری مرتضی (۱۳۶۹). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. منصوری، جواد (۱۳۸۶). سیاست و نهادهای اجتماعی، تهران: انتشارات امیر کبیر چاپ خانه سپهر.
۲۲. منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی و واثق، بهاره (۱۳۸۹). «بررسی رابطه پاسخگویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان های دولتی (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳.
۲۳. مهرداد هرمز (۱۳۷۶). جامعه پذیری سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر پاژن.
۲۴. موسوی امجد، سیدحسن؛ زارعی، غفار و روان بد، امین (۱۴۰۰). «تأثیر باورهای مذهبی بر شکل گیری ارزش های مردم سالارانه دینی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره اول.
۲۵. موسوی، سیدمحمدرضا و قنبری، سمیه (۱۳۹۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان (۲۰۲۰-۲۰۰۱)»، تهران، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم.
۲۶. نای، جوزف (۱۳۹۲). آینده قدرت، ترجمه احمدعزیزی، تهران: نشر نی.
۲۷. نقیب زاده، احمد (۱۳۹۴)، «حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز»، تهران، انتشارات میزان.
۲۸. واعظی، احمد (۱۳۷۸) حکومت دینی، تأمل در اندیشه سیاسی اسلام، تهران: نشر مرصاد.
۲۹. هاشمی ترو جنی، سید محمد (۱۳۹۱) «احزاب و گروه های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)» چاپ ۵، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۰. یوسفیه، ولی الله (۱۳۹۱). احزاب سیاسی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و کاربست قدرت نرم در همگرایی اقوام ایرانی؛ مورد مطالعه شبکه تلویزیونی شما

محمد کاویانی^۱

علی امیری^۲

مسعود مطلبی^۳

حجت مهکویی^۴

چکیده

در دنیای امروز رسانه ها، نهادها و شبکه های رسانه های بواسطه بهره گیری از قدرت نرم تأثیری موثر بر تغییر رفتار و نگرش انسان ها دارند و می توانند ابزاری موثر برای ایجاد فرهنگ جدید و یا شکل دهی به هویت های قومی و همگرایی اقوام داشته باشند. بنابراین با شرایط کنونی جهانی شدن رسانه ها و هجوم و هجومه دنیای مجازی و ارتباطات اینترنتی - ماهواره ای، مولفه های هویتی فراوانی بر جامعه و به ویژه قومیت ها تزریق می شود که اگر مدیریت رسانه ای کشور با در نظر گرفتن حساسیت های قومی در برنامه های خود به مدیریت این مولفه ها در راستای رفع چالش ها و کاهش بحران های قومی توجه کند، همگرایی قومی به نحو مطلوب شکل خواهد گرفت. در این راستا هدف از این مقاله توصیفی - تحلیلی بررسی نقش و کارکرد سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با محوریت «شبکه تلویزیونی شما» در کاربست قدرت نرم در همگرایی اقوام ایرانی است. نتایج و یافته های تحقیق حاکی از آن است که «شبکه تلویزیونی شما» بواسطه بهره گیری از مولفه های قدرت نرم و برجسته سازی آداب و سنن صحیح فرهنگ بومی و محلی، معرفی شخصیت ها و مفاخر ملی و دینی، ارائه تصویری بکر از زیبایی های خرده فرهنگ های داخلی و نیز معرفی تاریخ، فرهنگ و جاذبه های گردشگری و طبیعی هر استان، معرفی و پخش موسیقی اقوام نقش موثری در «جامعه پذیری»، «تقویت ارزش های اسلامی»، «تقویت ارزش های ملی» و «تقویت همبستگی ملی و جلوگیری از واگرایی اقوام» در جامعه ایرانی داشته است.

واژه های کلیدی: رسانه، شبکه تلویزیونی شما، قدرت نرم، همگرایی، اقوام ایرانی

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)
amiri.ali@lu.ac.ir

۳. استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۴. استادیار جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

رسانه های اجتماعی همچون تلویزیون به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای ایجاد و نمایش قدرت نرم نقش مهمی در اقناع و جذب مخاطب ایفاء می نمایند. همچنین این رسانه ها، نقش و کارکردی دوگانه در خصوص جوامع متکثر و چندقومیتی دارند؛ از طرفی با دستکاری و تحریک به تغییر و تهدید بافت اجتماعی يك جامعه مبادرت می ورزند و نابسامانی های اجتماعی را دامن می زنند و از طرفی دیگر می توانند با مدیریت صحیح از ایجاد شکاف های اجتماعی و بحران های قومی جلوگیری کنند.

ایران کشوری است با پیشینه ای تاریخی و چند هزار ساله و این امری است که هر ایرانی که امروز در مرزهای دولت مدرن ایران زندگی می کند باید در نظر داشته باشد. کشور ایران به مثابه دولت ملی پیشینه ای تقریباً صد ساله دارد اما به مثابه یک تمدن چند هزار سال و سرزمینی به مرتب پهناور تر از ایران کنونی را شامل می شود. ایران دارای ده ها قومیت، حدود پنجاه زبان، صدها گویش و ... است که هر یک از آن ها دارای پیشینه تاریخی خود هستند، آداب و رسوم دارند و آیین هایی خاص خود را که بسیار با ارزش هستند در دل خود حفظ کرده اند. با وجود این، این تنوع فرهنگی و قومی بسیار گسترده ایران را در وضعیتی متناقض قرار می دهد: از یک سو ایران مدرن به مثابه یک دولت ملی نیاز به وحدت و یکپارچگی زبانی و فرهنگی و اجتماعی دارد و از طرف دیگر این یکپارچگی اگر بخواهد مدل خود را از سایر دولت های ملی به ویژه دولت های ملی اروپایی که در قرن نوزدهم تشکیل شدند، بگیرد، نه تنها امکان پذیر نیست، بلکه یک خطر هم محسوب می شود. البته منظور از یکپارچگی مطلق این نیست که یک زبان، یک فرهنگ و یک شیوه زندگی و ... به زور و یا با تشویق به همه تحمیل شود. چنین کاری ایجاد وحدت ملی نمی کند و برعکس ایجاد شکاف ملی می کند. این همان برنامه ای است که در دوره پهلوی اول پیش گرفته شد و نتایج آن معکوس بودند (بهرامی، ۱۳۸۵: ۸۵ و عنبرانی، ۱۳۹۸: ۲۴۴-۲۴۲). از این رو، تحقیق حاضر بر آن است تا نشان دهد که، رسانه های اجتماعی و در میان آن ها به ویژه رسانه تلویزیون (شبکه «شما»ی سیمای جمهوری اسلامی) به عنوان یکی از موثرترین ابزارها چگونه می تواند با بهره گیری از مولفه های قدرت نرم در همگرایی و یکپارچگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و در برقراری ارتباط با اقوام موثر عمل نماید.

بر این اساس معرفت شناسی و هستی شناسی قدرت نرم رسانه ای در جمهوری اسلامی

ایران و نیز تبیین نقش و کارکرد شبکه تلویزیونی «شما» جمهوری اسلامی در انسجام و تقویت همگرایی قومی در جمهوری اسلامی ایران مهمترین اهداف تحقیق حاضر را تشکیل می دهند. اینکه کارکرد یا کارکردهای رسانه ای زمینه ساز همگرایی قومی و یا بالعکس واگرایی قومی در شبکه تلویزیونی «شما» کدامند؟ و نیز شبکه تلویزیونی «شما» ی سیمای جمهوری اسلامی با استفاده از کدام راهکارهای نرم افزاری می تواند تهدیدات ناشی از تنوع قومیت ها را در ایران به فرصت تبدیل نماید؟ مهمترین سوال های تحقیق حاضر را تشکیل می دهند. در پاسخ به این سوالات، فرضیه های ارائه شده بر این تأکید دارند که مطالعه خروجی و اقدامات انجام شده در شبکه سراسری شما نشان می دهد اساساً راهبرد و نگاه شبکه شما درباره قومیت ها، از نوع فرصت است نه تهدید. در این شبکه احترام به اقوام، صرفاً به تمجید و تکریم زبانی نیست. هر آیتیم رادیویی و تلویزیونی در شبکه شما که به عناصر قومی و محلی می پردازد، در خدمت تعالی بخشی این فرهنگ و استفاده از آن برای اثربخشی پیام متعالی سازمان صدا و سیما در میان مخاطبان سراسری و منطقه ای است.

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه پژوهی هر چند پژوهش ها و تألیفات متعددی در زمینه نقش رسانه ها و تأثیرگذاری آن ها هم در ایران و هم در جهان انجام شده است، ولی تحقیقی که به نقش شبکه تلویزیونی «شما» در ایجاد همگرایی یا واگرایی قومی در ایران بپردازد مشاهده نگردید. با این حال برخی از پژوهش های انجام شده که بنوعی همسو با اهداف تحقیق حاضر هستند عبارتند از:

ساوه درودی (۱۳۹۷) در کتاب «رسانه، قدرت نرم و امنیت»، ضمن برجسته سازی رسانه و قدرت رسانه ای به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم تلاش دارد نشان دهد که چگونه رسانه ها با ارائه تصاویر و اخبار جذاب مساعی خود را برای جذب مخاطب با شیوه های گوناگونی به کار می گیرند که در محور آن برنامه های تبلیغاتی با هدف تصرف ذهن است. به همین دلیل جنگ تبلیغاتی به منظور تصرف اندیشه به سرعت جایگاه خود را در منازعات اجتماعی و سیاسی در سطح ملی و فرا ملی باز کرده و در پرتو آن بحران سازی و بحران گریزی به یکی از کارهای ویژه و اصلی رسانه تبدیل شده است.

خرازی آذر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «تأثیر استفاده از رسانه جمعی و اجتماعی بر همگرایی بین قومی در ایران» به بررسی میزان تأثیر اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی پرداخته اند. بر اساس یافته ها، میانگین همگرایی اقوام بین نمونه مورد نظر برابر با ۶۲/۴۷ درصد بوده و به ترتیب، افراد قوم بلوچ، کرد، لر، فارس، آذری و عرب، بیشترین تا کمترین میزان گرایش همگرایی قومی را داشته اند. استفاده از شبکه های ماهواره های قومی و تلویزیون خارجی، بیش ترین تأثیر منفی را بر همگرایی اقوام داشته و پس از آن، شبکه های ماهواره های فارسی زبان در مسیر افزایش واگرایی، نقش ایفا کرده اند. شبکه های سراسری صداوسیما و مطبوعات، نقش ایجابی در همگرایی اقوام داشته اما نقش اینترنت معنادار نیست. استفاده از رسانه های اجتماعی وب محور بیش از شبکه های اجتماعی بر بستر تلفن همراه هوشمند، باعث افزایش همگرایی اقوام ایرانی شده است.

قدسی (۱۳۹۰) در مقاله «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم (با تاکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی)» تلاش دارد نقش رسانه ملی بر افزایش قدرت نرم و به تبع آن تولید امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد. در این نوشتار، جایگاه رسانه ملی در راهبردهای کلان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور و همچنین انتظارات و مطالبات نظام و مردم مورد دقت قرار گرفته است.

فتحی نیا و وزیرین دار (۱۳۹۲) در مقاله «بازنمایی اقوام ایرانی در مجموعه های پربیننده تلویزیونی» به دنبال شناخت نحوه بازنمایی مازنی ها در مجموعه تلویزیونی پایتخت و شناسایی رمزگان ها و کلیشه های مورد استفاده در این بازنمایی است. برای دستیابی به این هدف، ۱۶ سکانس شاخص از مجموع سریال، انتخاب شده و مورد تحلیل نشانه شناختی قرار گرفتند. یافته ها نشان می دهند سه دسته رمزگان های گفتار و گویش، پوشاک و گریم و حالت چهره و کنش، رمزگان های اصلی هستند که برای بازنمایی هویت قومی و شهرستانی به طور عام و «مازنی» و «علی آبادی» به طور خاص، به کار گرفته شده اند. علی آبادی ها در برابر تهرانی ها با کلیشه هایی چون ساده لوح در برابر خردمند، ناتوان در برابر توانا، روستایی در برابر شهری، بی توجهی به پوشش در برابر آراستگی ظاهر و ... به تصویر کشیده شده اند. در این میان می توان کلیشه شهرستانی ناتوان را به عنوان مهم ترین وجه بازنمایی علی آبادی های مهاجر تلقی کرد اما آنچه اثر این بازنمایی را تشدید می کند، نفی مهاجرت با دست مایه قرار دادن کلیشه های قومیتی است.

رسول زاده اقدام و همکاریانش (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه محتوای برنامه های شبکه استانی سهند با هویت ملی مخاطبان» با بررسی ای که بر روی ۴۰۰ نفر از شهروندان آذربایجان شرقی انجام دادند به این جمع بندی رسیدند که بین میزان استفاده هدفمند از برنامه های شبکه استانی و نوع محتوای برنامه شبکه استانی سهند در تمامی ابعاد (مدنی، دینی، اجتماعی و فرهنگی) با تعلق خاطر مخاطبان به هویت ملی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. همانگونه که مشاهده می شود در هیچ کدام از پیشینه های ذکر شده به طور خاص به بازنمایی مساله قومیت در شبکه «شما» نپرداخته اند. از آنجا که این شبکه یکی از مهمترین شبکه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می باشد و از بینندگان زیادی برخوردار است، جهت گیر برنامه های آن می تواند پدیده قومیت گرایی را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. از آنجا که بیشترین تاثیر رسانه های جمعی از منظر قدرت نرم می باشد، شبکه شما نیز از این جهت از ظرفیت بالایی برای تاثیرگذاری بر همگرایی قومی در ایران برخوردار است. لذا توجه به تاثیر این شبکه بر همگرایی قومی در جمهوری اسلامی ایران از منظر قدرت نرم، مساله ای است که تا کنون در هیچ کدام از پژوهش ها مورد توجه قرار نگرفته است.

ادبیات و مبانی نظری

۱. مفاهیم بنیادی

۱-۱. رسانه

رسانه ابزاری واسطه ای بین استفاده کننده اطلاعات و خود اطلاعات است که به تولید؛ دریافت؛ جمع آوری؛ دستکاری یا پخش اطلاعات می پردازد. رسانه در لغت به معنای رساندن یا انتقال دادن است و در معنای کلی نیز هر آن چه چیز دیگری را به ما برساند رسانه نامیده می شود. به عبارت دیگر «رسانه وسیله ای است که فرستنده به کمک آن، معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می کند» (امیر تیموری، ۱۳۷۷: ۱۰). آنچه که در عصر کنونی از رسانه به معنای خاص تصور می شود، انتقال «پیام» است؛ بنابراین رسانه ابزاری است که پیام را منتقل می کند. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و ... نمونه هایی از رسانه هستند (کازانو، ۱۳۸۷؛ امیر تیموری، ۱۳۷۷، ۱۶-۱۰ و ازکمپ، ۱۳۷۶: ۱۳۲).

در مجامع علمی و محافل اندیشه‌ای انواع مختلفی از رسانه‌ها بیان شده است که در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

رسانه‌های مکتوب یا نوشتاری؛ مانند: انواع نشریات، مطبوعات، کتاب، مجلات (اعم از الکترونیکی یا سنتی)

رسانه‌های شنیداری؛ مانند: رادیو، نوار کاست و...

رسانه‌های دیداری - شنیداری؛ مانند: تلویزیون، سینما، رایانه، اینترنت، ماهواره.

در برخی پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه رسانه، علاوه بر این سه قسم، اقسام دیگری چون: رسانه‌های ابزاری [مانند اعلامیه، تبلیغی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت و...]، رسانه‌های نهادی یا گروهی [همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی و...]، رسانه‌های فراهادی [همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین الملل، کارتل‌ها] و اقسامی دیگر بیان کرده‌اند، اما با یک نگاه دقیق، روشن می‌شود این اقسام رسانه به همان سه قسم کلی باز می‌گردند. پس می‌توان نتیجه گرفت که جامع‌ترین تقسیم برای انواع رسانه، نوشتاری، شنیداری و در نهایت رسانه‌های دیداری - شنیداری است.

رسانه بدون پیام، معنا و مفهوم ندارد و بواسطه پیامی که حمل می‌کند، می‌تواند انسان را در ایجاد رابطه با محیط پیرامونی‌اش یاری رساند. در این میان پیامی اهمیت می‌یابد که بتواند اقتضائات و زمینه‌های کنش متقابل را فراهم کند و این در حالی صورت می‌پذیرد که منطبق با نیازهای مخاطب و گیرنده باشد. بدیهی است پیامی که نتواند در جریان تأمین نیاز مخاطب قرار گیرد، دیگر قادر به فراهم‌سازی زمینه کنش متقابل نخواهد بود و عملاً غیرقابل انتقال تلقی می‌گردد. شرط استمرار حیات مشروع رسانه‌ها نیز هم‌خوانی پیام با نیاز گیرندگان است که دارای جنبه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی است. لذا در تعریف رسانه چنین عنوان می‌شود: «رسانه به هر ابزار، سازمان یا نهادهای مادی و غیرمادی که حامل پیام بوده اطلاق می‌گردد و منتها به شرط آن که پیامی که منتشر می‌کند از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشد و موردپذیرش جامعه و مخاطبان قرار گیرد.» (عقبیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). بدین سبب رسانه می‌تواند نوعی الگوی رفتاری را در مخاطب بوجود آورد. اما نکته مهم آن است این الگوها یا سرمشق‌ها در علم، فرهنگ عمومی خواننده نمی‌شوند. در صورت کسب تأیید و مقبولیت آن‌ها و استمرارشان طی چند نسل و در صورتی که موردپذیرش همه یا حداکثری از همه افراد جامعه قرار گیرند، آن

زمان می‌توانند قابلیت تبدیل شدن به بخشی از فرهنگ را کسب نمایند. در تحقیق حاضر منظور از رسانه صرفاً صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (شبکه تلویزیونی شما) می‌باشد.

۱-۲. قدرت نرم

قدرت یکی از محوری‌ترین مفاهیم در عرصه روابط بین‌الملل است. قدرت به طور سنتی به عنوان توانایی یک بازیگر خاص برای کنترل یا تأثیرگذاری بر دیگران و نتایج رویدادها تعریف می‌شود و از طریق نیروهای نظامی یا قدرت اقتصادی اعمال می‌شود. منابع و راه‌های دیگری نیز وجود دارد که بازیگران بتوانند به اهداف خود دست یابند. جوزف نای برای اولین بار مفهوم قدرت نرم را بسط داد و در درجه اول به روش‌هایی اشاره کرد که در آن منابع فرهنگی یک ملت شکلی از قدرت را تشکیل می‌دهند که قدرت نظامی و اقتصادی را تقویت می‌کند یا حتی جایگزین آن می‌شوند. این شیوه «توانایی یک ملت برای دستیابی به اهداف مورد نظر از طریق جذب به جای اجبار یا پرداخت مالی» است. به گفته نای، عناصر اصلی قدرت نرم یک کشور عبارتند از فرهنگ (در جاهایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج از کشور مطابق با آنها باشد)، و سیاست‌های خارجی (زمانی که مشروع تلقی شوند و دارای اقتدار اخلاقی باشند). طبق آمار، فرهنگ غالباً "در میان پایه‌های کلیدی قدرت نرم" در نظر گرفته شده است - هم در نوشته‌های دانشگاهی و هم در عملکرد سیاسی. نمونه‌های ذکر شده شامل جذابیت آموزش، ارزش‌های هنجاری، رسانه، سنت و زبان است (Zhou, 2021: 235).

در نگاه اول، درک مفهوم قدرت نرم نسبتاً ساده به نظر می‌رسد، که دامنه آن اغلب بسیار فراتر از حوزه دانشگاهی است. معمولاً در تقابل با قدرت سخت (اجبار فیزیکی و اقتصادی) تعریف می‌شود، ریشه‌های آن را می‌توان به آسانی در دانشمند علوم سیاسی دانشگاه پرینستون و دانشگاه هاروارد، جوزف نای، محقق آمریکایی که مسئول ابداع این واژه بود، جستجو کرد (Angey, 2015: 3). با نگاهی اجمالی در باب تعاریف ارائه شده از قدرت، می‌توان تغییر پارادایم قدرت از جنبه سخت‌افزاری را به جنبه نرم‌افزاری مشاهده کرد (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۰). به عبارت دیگر، واقعیت‌های امروز نشان‌دهنده آن است که تأکید صرف بر قدرت سخت در قدرت افکنی، موفقیت‌پایداری را دربر ندارد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، قوی

ترین کشورها همواره قوی ترین باقی نخواهند ماند، مگر آنکه قدرت خود را به حق تبدیل کنند. ترجمان این گفته، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است (عسگری، ۱۳۹۰: ۵۲). در سیاست (و به ویژه در سیاست بین الملل)، قدرت نرم به جای اجبار (برعکس قدرت سخت)، توانایی جذب و انتخاب است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب است. یکی از ویژگی های تعیین کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاستهای خارجی است. قدرت نرم را می توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می گردد (بلیک و گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲۵)، بنابراین در طول تاریخ با تغییر هویت ابزارهای قدرت، چهره های قدرت به طبع آن تغییر یافته است. قدرت نرم (نه زور است و نه پول) در قدرت نرم، بروی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شوند و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش ها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه خواست ها سود می جوید. ریشه های نظری بحث قدرت نرم را می توان در دو نظریه «هژمونی یا سیطره» گرامشی و «چهره سوم قدرت» استیون لوکس جست و جو کرد. استیون لوکس در نظریه قدرت خود با الهام از مطالب گرامشی و لوکس تصریح می کند که در چهره سوم قدرت، قدرت بر فرد یا گروه اعمال می شود بی آنکه در مورد این اعمال قدرت آگاهی وجود داشته باشد و این کار از راه ایجاد تغییراتی در بستر اعمال قدرت به وجود می آید. به عبارتی، فردی که بر او اعمال قدرت می شود، به دلیل آگاهی نداشتن از آنچه در بستر اعمال قدرت رخ می دهد، گاه تصور می کند خود او اعمال قدرت می کند. به عبارتی دیگر، جایگاه ابژه و سوژه قدرت عوض می شود. در سیطره، گاه فرد از اعمال قدرت هم با خبر است اما به دلیل رضایت، در برابر آن مقاومت نمی کند، اما در چهره سوم قدرت، فرد یا گروهی که بر او اعمال قدرت می شود، در زمین حریف و مطابق با قواعد او بازی می کند، بی آنکه از آن آگاهی داشته باشد (لوکس، ۱۳۹۳: ۳۳ و ۵۱؛ قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۱).

این مفهوم را اولین بار جوزف نای از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ در کتابی، با نام «تغییر ماهیت قدرت آمریکایی» مطرح کرد. وی در سال ۲۰۰۴ مفهوم قدرت نرم را در کتاب «قدرت نرم: راه موفقیت در سیاستهای جهانی» بسط داد. در مقابل قدرت نرم واژه تهدید نرم معرفی می شود که مفهوم آن را تحولاتی می دانند که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوی رفتاری

مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود (Nye, 2004:4-11). قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و به تعبیر گرامشی، «هژمونی فرهنگی» سه مفهوم نزدیک و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند. آنچه از محتوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بردیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (شعبانی و هندیانی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). به تعبیری، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌ها است، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های نهادی و سیاسی، مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۲). در واقع، هسته بنیادین مفهوم قدرت سوای جنبه‌های گوناگون آن، به کارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است. برای مثال، قدرت فرماندهی و اسطوره‌های شکست‌ناپذیری در کنار اقتصاد قوی و کارآمد می‌تواند منبعی مهم برای جذابیت در انظار و افکار عمومی به شمار آید (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۰). قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که دارای ماهیتی ایستا و بسیط است، ماهیتی ژلاتینی و چند بعدی دارد. کاربرد قدرت سخت و ناکامی‌های کارکردی بسیار در آن، سبب شده است تا به ابزارهای جدیدی همچون رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی جدید، رایانه‌ها، صنایع فرهنگی و... رو آورده شود؛ ابزارهایی که هزینه‌های کمتری برای آن تقبل کرده و از تلفات جانی و مالی تا حد زیادی بکاهد و در عین حال، افکار عمومی را با خویش همراه سازد.

امروزه روز وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم، جهان‌های ذهنی و غیر واقعی را به دنیا مخابره می‌کنند. آن‌ها دیگر به انتقال واقعیت فکر نمی‌کنند، بلکه واقعیت‌ها را می‌سازند. هدف رسانه‌ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه‌ای در این دنیا موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آن‌ها نشان دهد. در عصر رسانه‌های نوین جهانی، به مدد تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات کسب قدرت نرم به مراتب راحت‌تر از به دست آوردن و نگهداری (قدرت سخت) است و دولت‌ها اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود، باز تعریف کنند، در آن صورت مجبور نیستند لشکرهای

عظیم نظامی خود را تقویت کنند (رفیع و قربی، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۲۷).

بر این اساس راه کارهای رسیدن و در اختیار داشتن قدرت نرم در حوزه رسانه ای عبارتند از: داشتن کانال های چندگانه ارتباطی داخلی و خارجی همچون شبکه های رادیو-تلویزیونی؛

- نزدیک کردن سنت ها و ایده های فرهنگی اجتماعی و سیاسی بر نرم های جهانی؛
- حرکتی آرام، پراکنده و مداوم در جهت تسخیر افکار عمومی به توسط رسانه های همراه و همگام با مردم؛

- ایجاد گفتمان های خبری رسانه ای در خارج و داخل به زبان های مختلف؛
- پذیرش اینکه دیگر مردم مجبور به استفاده از رسانه های داخل نیستند و طراحی برنامه هایی که بتواند از مشارکت مردم در امور بالاتری استفاده نمود؛

- اعتماد به مردم حتی در صورت بیان انتقادهای تند؛
- توجه به طراحی و انعکاس برنامه هایی که تفکر جهانی شدن از محلی شدن را منعکس کند (جهانی شدن برنامه ها) (باید از پنجره خارج به داخل نگریست نه از پنجره داخل به خارج)؛

- توجه به وجود تنوع آراء در داخل و انعکاس آن به خارج (دیگر اینکه همه جامعه یکسان فکر کنند پایان رسیده) وجود تنوع فکری و تکرر آراء حتی در مخالفت با حکومت نقطه قوت محسوب می شود؛

- ابهام زدایی از صحنه سیاست خارجی؛
- اعلام برنامه ها و اصول کلی اجرایی و تشریح دیدگاهها در مورد مسائل حساس جهانی و منطقه ای و معرفی تیم اجرایی سیاست خارجی مشخص جهت تبیین آن ها؛
- دادن زمینه کار به رسانه ها جهت طرح،

۱-۳. قوم، قومیت و تنوع قومی

قوم یا گروه نژادی گروهی از انسانهاست که اعضای آن دارای ویژگی های نیایی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند. همچنین گروه های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند که ممکن است به آبا و اجدادشان برگردد و یا بر اساس عوامل دیگری

به وجود آمده باشد. بنابراین یک گروه قومی می تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد. مهمترین خصوصیات يك قوم را می توان در موارد زیر دانست: نیاکان مشترك واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره ای، نام مشترك، سرزمین مشترك، زبان مشترك، فضای مشترك زیستی، رسوم و آداب مشترك، ارزش های مشترك و احساس تعلق به يك گروه واحد. به تعبیر فردریک بارث واژه گروه قومی در ابیات انسان شناسی معمولاً به جمعیتی اطلاق می شود که دارای خود مختاری زیادی در باز تولید زیستی خود باشد، ارزش های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته باشد که درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند و یک میزان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، و دارای یک احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۷). بنابراین مهمترین خصوصیت یک قوم را می توان در موارد زیر دانست: نیاکان مشترك واقعی یا باور به نیاکان اسطوره ای، نام مشترك، سرزمین مشترك، زبان مشترك، فضاهای مشترك زیستی، آداب و رسوم مشترك، ارزش های مشترك و احساس تعلق به یک گروه واحد (فکوهی، ۱۳۸۰، در ضمیمه برتون ۱۳۸۰).

مفهوم قومیت و اینکه افراد خود را متعلق به یک گروه قومی تعریف میکنند، بیانگر اهمیت بعد هویتی قومیت است. قومیت قبل از همه یک امر هویتی برای اعضای آن قوم است. به تعبیر بارث، قومیت حاصل فرایند تعیین هویت است، این فرایند در پی تعیین مرزها و تفاوت ها (نسبت به بیرون) و تشابه و همسانی (نسبت به درون) است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۶۳). انسان در تمام فرهنگ ها در پی تعریف مرزهای هویتی خودش بوده است. از نظر گیدنز قومیت به رفتارها و چشم اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز يك اجتماع از دیگران می شود. اعضای گروه قومی خودشان را به لحاظ فرهنگی متمایز از دیگر گروه ها در جامعه می بینند و خود آن ها نیز توسط دیگران متمایز در نظر گرفته می شوند. مهمترین خصوصیات قومی که آن ها را از دیگران جدا می کند؛ زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن است. همه این تفاوت ها فرهنگی و آموختنی هستند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۰). در بخش عمده های از تاریخ ایران (به جز اوایل عهد باستان) تفکیک مردمان نه بر اساس قومیت یا نژاد فرضی آنان (که دیگر در پی روابط و تعاملات طولانی و بسیار مردم، شالوده ی آن از میان رفته بود) بل که بر اساس طبقه و پیشه و جایگاه اجتماعی افراد انجام می یافته است. در ایران عصر میانه و معاصر هیچ گاه تعریف قومیت و هویت قومی میسر نبوده است؛ چرا که هیچ مرزبندی مشخص و ثابتی برای تعیین یک

گروه قومی با مشخصات و ویژگی های منحصر به فرد و واحد و دارای اصالت ماهوی، وجود نداشته است. تفاوت های زبانی و مذهبی موجود در میان برخی از گروه های اجتماعی ایران (که حاصل فرایندها و حوادث پیچیده تاریخی است) نیز هرگز عامل تمایز و دسته بندی مطلق اجتماعی نبوده است (هر چند که گاه، عامل تمایز سیاسی بوده و البته این موضوع خارج از بحث ماست) (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۲).

تنوع قومیتی نیز به عنوان یک واقعیت تاریخی - سیاسی همواره با جغرافیای سیاسی ایران پیوند خورده است. سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصدی همانندی در رتبه شانزدهم قرار دارد. در ایران اگرچه فارسی زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت اکثریت دارند ولی وجود شش قومیت عمده (عرب، ترک، لر، کرد، بلوچ و ترکمن) در درون این واحد ملی و تاثیرات گسترده آنها بوسیله تحولات تاریخی واقعیت مشهودی است که می تواند مبنای پیش بینی وضعیت آینده امنیتی کشور قرار گیرد (مطلبی، ۱۳۸۷: ۲۴-۱۶).

۱-۴. همگرایی و وگرایی

همگرایی به مثابه یک فرایند، اشاره به روشی می کند که تعامل گران رفتارهای ارتباطی خود را سازگار می کنند تا تفاوت های اجتماعی و ارتباطی را در بین خود کاهش یا افزایش دهند. در مقابل واگرایی به معنای آن کنش و رفتاری است که موجب برهم خوردن ساختار و نظم حاکم بر جامعه می گردد. این واگرایی گاهی در یک گروه اجتماعی کوچک، و گاهی در سطح یک واحد سیاسی با حاکمیت مستقل و مشخص می باشد. واگرایی ملی دقیقاً به معنای کنش و رفتار گروه هایی اجتماعی است که نظم و ساختار موجود حاکمیت سیاسی را به چالش گرفته و خواهان وضعیت غیر از این وضعیت حاکم می باشند. واگرایی در صورتی متصور است که همگرایی وجود داشته و همگرایی پیرامون یک ساختار هویتی شکل گرفته و متولد می گردد؛ زیرا همگرایی به معنای اجزا و عناصر سازنده یک کل، باید با یکدیگر هماهنگ و همگرا باشند و اگر اجزا و عناصر از هماهنگی و هم سویی برخوردار نباشند، واگرایی خواهد داشت و ساختاری را شکل نداده و اگر ساختاری موجود بوده باشد آن را متلاشی خواهد کرد. واگرایی قومی برای برخی از کشورها، چالش های متعددی در برداشته و دولت ها در این کشورها در پارهای از مواقع با بحران های گوناگون مواجه اند که وحدت و انسجام داخلی آن ها را مورد تهدید قرار می دهد.

در واقع واگرایی قومی و تشدید و برجستگی آن، یکی از مسایل اجتماعی مهم کشورهای چند قومیتی است. اهمیت این مسأله، به ویژه در کشورهای توسعه نیافته بیشتر است. در این کشورها که هنوز جامعه مدنی و مکانیزم های آن نهادینه نشده است، تشدید واگرایی قومی می تواند اثرات مخربی در سرنوشت آن ها بگذارد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

واگرایی و همگرایی ملی، در گرو پیدایش و شکل گیری خود آگاهی ملی امکان پذیر است. خود آگاهی ملی، یعنی خود آگاهی انسان به خودش در رابطه اش با کسانی که با آنها پیوند قومی، نژادی دارد. انسان در اثر زندگی مشترک با گروهی از مردم، با قانون، آداب و رسوم، تاریخ، پیروزی ها و شکست های تاریخی، زبان، ادبیات و در نتیجه فرهنگ مشترک، نوعی یگانگی با آنها پیدا می کند؛ همانطور که يك فرد دارای دارای يك «خود» است، يك قوم و يك ملت به علت داشتن فرهنگ، يك خود «خود» ملی پیدا می کند. بنا بر این خود آگاهی ملی به معنای آگاهی به فرهنگ ملی، به «شخصیت ملی» به «ما»ی خاص ملی خواهد بود.

۲. رسانه و کارکردهای رسانه ای

تعریف نقش ها و کارکردهای فردی و اجتماعی پیام های ارتباطی، منبعث از نظریه کارکردگرایی در جامعه شناسی است. نظریه کارکردگرایی ضمن بنیادی انگاشتن ارزش ها و هنجارهای مشترک برای جامعه، بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافق های ضمنی تأکید می کند. بنابراین، نقش ها و کارکردهایی که برای رسانه ها در جامعه تعریف می کند رفع نیازهایی چون تداوم، نظم، یکپارچگی، هدایت و سازگاری است (امامی و مهربانی فر، ۱۳۹۳). بر اساس رویکرد کارکردگرایی، رسانه ها یکی از عناصر زیرمجموعه نظام محسوب می شوند که بخش های مختلف نظام را به یکدیگر مرتبط می سازند و ضمن تأمین نظم و یکپارچگی درونی نظام، ظرفیت پاسخ گویی آن را در بحران ها بر اساس واقعیت ها افزایش می دهند» (مهدی زاده، ۱۳۹۱: ۴۶).

رسانه ها عوامل اجتماعی قدرتمندی هستند که از طریق آنها، افراد متعلق به گروه های اقلیت در مقایسه با گروه اکثریت، درباره خود و هویت گروهی خود اطلاعات می گیرند. تحقیقات در زمینه رسانه ای ایالات متحده نشان می دهد که روایات رسانه های رایج رایج معاصر به طور معمول اقلیت های قومی را به شیوه های منفی نشان می دهند. تصویرهای منفی

در فرهنگ عامه می تواند برجستگی هویت و خود ارزیابی منفی را در اعضای اقلیت افزایش دهد. (Ramasubramanian & others, 2017: 1880). رسانه ها همچنین می توانند کمک نمایند تا تنوع اجتماعی و فرهنگی مورد تایید قرار گیرد و علاوه بر این، فضاهای بسیار مهمی را فراهم می کنند که در این فضاها و از طریق آنها هویت های تحمیلی یا منافع دیگران مقاومت کرده، به چالش کشیده و تغییر داده شوند (Cottle, 2000: 2).

صاحب نظرانی که درباره کارکردهای رسانه های مدرن به اظهار نظر پرداخته اند، کارکردهای متفاوتی برای رسانه ها بیان کرده اند. هارولد لاسول و چارلز رایت، دو تن از پژوهشگران و اندیشمندانی هستند که به نقش و کارکرد رسانه ها توجه نشان داده اند. آن ها معتقدند که رسانه ها دارای چند کارکرد هستند:

۱. کارکرد نظارت بر محیط (نقش خبری)؛
 ۲. ایجاد همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط (نقش ارشادی یا راهنمایی)؛
 ۳. انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی)؛
 ۴. سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۸۳).
- این دو نظریه پرداز معتقدند که در کارکرد نخست، رسانه ها به نظارت، مراقبت و تهیه و رساندن خبر دست می زنند و در دومین کارکرد، وظیفه انتخاب و تفسیر اطلاعات در محیط را بر عهده دارند. در اینجا است که رسانه، حامل انتقادات و پیشنهادهایی برای چگونگی نگرش افراد به واقعیت ها است. در این نقش، رسانه به تقویت ارزش های اجتماعی، اجماع و افشای انحرافات، رجوع به پایگاه رهبران فکری، پیشگیری از تهدید ثبات اجتماعی و وحشت عمومی، مدیریت افکار عمومی و نظارت بر حکومت و حفاظت می پردازد. در کارکرد سوم، رسانه می کوشد از میراث فرهنگی جوامع پاسداری کند و با یاری رساندن به انسجام اجتماعی، تجربه های مشترک انسانی را نهادینه سازد.

هانمن، یکی دیگر از نظریه پردازان حوزه رسانه ها، می گوید که می توان کارکردهای وسایل ارتباط جمعی را در سه بخش تقسیم کرد:

۱. تولید: به این معنا که رسانه های جمعی قادرند کاری انجام دهند که ممکن است ساختن بر مبنای خطوط از پیش تعیین شده و یاد دادن روش هایی باشد که مردم را به اهدافشان می رساند.

۲. ابداع: یعنی ایده‌های جدید را تشویق نمایند و تغییر ایجاد کنند.

۳. نگهداری: یعنی روابط موجود را حفظ و نگهداری کنند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۴۵۲)

دیگران نیز نقش‌ها و کارکردهای متفاوت دیگری برای رسانه‌ها بر شمرده‌اند؛ از جمله: نقش تعمیم و یک‌پارچه‌سازی، برجسته‌سازی، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، در. با این توصیف می‌توان به گوناگونی و گستره وسیع کارکردهای رسانه‌ها در عصر کنونی پی برد؛ واقعیتی که در فضای عینی زندگی بشر نیز به صورتی ملموس قابل مشاهده است.

بر این اساس سازمان صدا و سیما و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی تحت پوشش آن همچون «شبکه شما» به عنوان یکی از ابزارها و نشانگان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران همچون شبکه شما با برخورداری از کارکردهای آموزشی؛ کارکرد اطلاع‌رسانی؛ کارکرد آگاهی‌بخشی؛ کارکرد تعمیم و یک‌پارچه‌سازی؛ کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در کنار پاسخ به نیازهای محیطی، تبلیغی، سرگرمی و تفریح بدنبال نوگرایی و توسعه، همگن‌سازی، راهنمایی و رهبری و ارشاد افکار عمومی، بحران‌زدایی، آگاهی‌بخشی، اعطای پایگاه اجتماعی، حمایت از هنجارهای اجتماعی، بیان عقیده، ایجاد همبستگی بین اجزای جامعه از جمله اقوام می‌باشد. در واقع آنچنانکه مک کوایل نیز بیان می‌کند پیدا کردن بینش راجع به اوضاع و احوال دیگران، همدلی اجتماعی، همذات‌پنداری با دیگران و کسب احساس تعلق، یافتن مبنایی برای گفت‌وگو، تعامل اجتماعی، پر کردن جای یک همراه واقعی در زندگی، کمک به اجرای نقش‌های اجتماعی و توانا ساختن فرد به ایجاد پیوند با خانواده، دوستان و جامعه، از خدماتی است که رسانه‌ها ارائه می‌دهند و از آن طریق می‌توانند همبستگی اجتماعی در سطح ملی را تحکیم نمایند (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

شبکه «شما» و همگرایی اقوام ایرانی

۱. ساختار شبکه

پس از اجرای سیستم پخش دیجیتالی و گسترش این سیستم در کشور مدیران وقت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همچون عزت‌الله ضرغامی ریاست سازمان و علی‌داری معاونت سیما در طرحی به فکر افزایش تعداد شبکه‌های سراسری افتادند که در این راستا پس

از افتتاح شبکه مستند، پخش رسمی شبکه شما در ۸ مرداد ۱۳۹۰ با حضور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران و مسئولان این سازمان آغاز شد. این شبکه که با روی کار آمدن محمد سرافراز رئیس صدا و سیما با شعار کوچک سازی صدا و سیما و به علت آغاز پخش اچ دی شبکه مستند سیما و کمبود پهنای باند فرستنده دیجیتال، در ۲۷ اسفند ۱۳۹۴ در شبکه آموزش ادغام شده بود، پس از تغییرات مدیریتی صدا و سیما و لزوم توجه به برنامه های تولیدی مراکز استان ها و پخش برنامه های شاخص مرکز استان ها در سراسر ایران و به دنبال حمایت مالی دولت وقت در زمان ریاست عبدالعلی علی عسگری در صدا و سیما مجدداً در ۲۹ شهریور ۱۳۹۵ افتتاح مجدد شد (ر.ک سایت رسمی شبکه شما سیما؛ shomatv.ir).

۲. عملکرد شبکه

بعد از سال ها از حیات جمهوری اسلامی ایران و نیز سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ شمسی برای نخستین بار تصویر اقوام ایرانی به این گستردگی در قالب یک شبکه مستقل به نمایش گذاشته شد. «شبکه تلویزیونی شما» با اتکا به تولیدات برنامه ای سیما مراکز استان ها از طریق تأمین و تولید برنامه، یکپارچگی اقوام و قشرهای مختلف کشور را در عین گوناگونی نمایش می دهد و عموم مردم مخاطبان آن بودند. وجه غالب، گرایش و عمده برنامه های این شبکه، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و پوشش آن سراسری است. این شبکه از ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۰ به صورت ۲۴ ساعته شد. این شبکه همچنین با مشارکت وزارت گردشگری و میراث فرهنگی سعی در تسهیل امر گردشگری دارد.

شبکه شما به منظور پخش تولیدات فاخر مراکز استان ها برای همه مردم ایران، تأسیس شد، اما با توجه به پخش ۲۴ ساعته و محدود بودن تولیدات فاخر در استان ها، ذخیره برنامه های این شبکه که شامل تولیدات ده ساله در مراکز استان ها بود، طی یک سال به پایان رسید. با شروع پخش برنامه های تکراری، روند صعودی جذب مخاطب بعد از یک سال کاهش یافت. و از همین رو تلویزیون بر آن شد که برای این شبکه امکان تولید برنامه را فراهم کند البته به ترتیبی که تولیدات این شبکه ملی، در مراکز استان ها صورت بگیرد. این شبکه به جز استفاده از تولیدات فاخر مراکز استان ها، درباره موضوعات استانی مثل اقوام، استعدادها، ظرفیت های علمی، فرهنگی و هنری و نیز گردشگری و کشاورزی در سراسر کشور برنامه می سازد.

شبکه شما تصویری از ایران بزرگ را به نمایش می‌گذارد، اقوام ایرانی، فرهنگ و هنر و تمدن اقوام، سبک زندگی و هر آنچه مربوط به مردم این سرزمین است. هر چند این شبکه به مساله گردشگری هم توجه دارد همچنان که مدتی است موضوع کشاورزی را هم در دستور کار قرار داده اما گردشگری رسالت اصلی این شبکه نیست. این شبکه، با ۳۳ مرکز استان ارتباط تنگاتنگ دارد و برنامه‌های این شبکه حاصل همین ارتباط است (صلواتیان و خوش بیان، ۱۳۹۷: ۹).

یکی از نقاط قوت این شبکه تلویزیونی این است که زیر نظر معاونت استان‌ها فعالیت می‌کند و با ۳۳ مرکز صدا و سیما در استان‌های کشور ارتباط دارد اما نکته اینجاست که شبکه شما یک شبکه ملی است که باید تولیدات بومی را به نمایش بگذارد. به نظر می‌رسد در این تعریف تعارض‌هایی وجود دارد اما ارتباط و هماهنگی بین شبکه شما و ۳۳ مرکز استان فرصتی را فراهم کرده که تصویری قابل درک برای همه مردم از نقاط مختلف و تک تک اقوام ایرانی از شبکه شما به نمایش درآید. این شبکه بواسطه بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در استان‌ها رنگین‌کمانی از برنامه‌های استانی در حد و اندازه‌های ملی به نمایش می‌گذارد. برنامه‌های پخش شده نشان می‌دهد که موضوعات وحدت‌بخش از جمله هویت ایرانی، اسلام، زبان فارسی و انقلاب اسلامی ایران برای شبکه سراسری شما از اهمیت ویژه برخوردارند (لاریجانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۸۴-۳۸۳).

شبکه شما نماینده پخش برنامه‌های مختلف ۳۳ صدای و سیما مراکز استان‌ها را بر عهده دارد. این در حالی است که هر دو روز ساعت ۸ تا ۹ صبح برنامه صبحگاهی یک مرکز استان را پخش می‌نماید. در ساعت ۹:۴۵ دقیقه هر دو روز یک مرکز استان برنامه پزشک شما را خواهند داشت. ساعت ۱۱ برنامه خانواده هر دو روز یک استان پخش می‌شود. برنامه شبانه هر استان هر هفته یک استان ساعت ۲۲ شب پخش می‌شود. این برنامه‌ها به صورت زنده پخش می‌شود. به طوری که در این برنامه‌ها آداب و رسوم، لباس، لهجه و گویش و لوکیشن خود استان به منظور شناخت و همگرایی اقوام پخش می‌شود. به غیر از برنامه‌های زنده، مجموعه‌های نمایشی همچون جلال ۱ و ۲ مرکز آذربایجان شرقی، بانوی سردار مرکز چهارمحال بختیاری، دخترم نرگس مرکز آذربایجان شرقی، صبح آخرین روز مرکز زنجان به تناوب از شبکه شما پخش می‌شود. در کنار این‌ها در ایام مناسبت‌های مذهبی شبکه شما با نگاه به کل استان‌ها به پرداخت آیین سوگواری و اعیاد و آداب آنها با تمرکز بر استان‌های خراسان رضوی، فارس، قم می‌پردازد.

در روزهای جمعه ساعت ۹:۳۰ صبح برنامه های نشاط افزا و مفرح زنده رود از مرکز اصفهان و خوشا شیراز از مرکز فارس و ساعت ۲۰:۳۰ برنامه شهریار از مرکز آذربایجان شرقی پخش می شود.

یکی از واحدهای فعال شبکه، فضای مجازی آن می باشد که با تهیه پوسترها و اعلام برنامه روزانه و درگیر کردن مخاطبان با پرسش و پاسخ و معرفی مراکز، اماکن دیدنی و ترغیب به مطالعه با سوالات اطلاعات عمومی سعی در افزایش میزان مطالعه مخاطبان دارد. این شبکه، تصویری از همه ایران به نمایش می گذارد؛ از کرد، ترک، لر، بلوچ، مازنی، گیلانی و فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها را با همان اصالت ذاتی و همان طور که هستند، نشان می دهد. از این نگاه شبکه شما، یک شبکه کاملاً ملی است و نه فقط مخاطبش همه مردم در سراسر ایران هستند، بلکه برنامه هایش در گوشه و کنار این سرزمین بزرگ تولید می شود (مهاجر، ۱۳۹۴: ۳).

با توجه به اهمیت برنامه سازی در تلویزیون برای اقوام و مناطق مختلف (ماکویی، ۱۳۹۸ و خبازی و شفیعی سروستانی، ۱۳۹۴)، محورهای همچون احترام به اقوام/ مناطق؛ حمایت از ارزش های مشترک ملی و نمایش آن ها؛ ایجاد پیوند میان اقوام/ مناطق و پرهیز از اختلاف افکنی میان اقوام/ مناطق؛ ایجاد همگرایی ملی و پرهیز از ایجاد واگرایی؛ نمایش برابری جایگاه اقوام/ مناطق و پرهیز از تبعیض قومی؛ ایجاد وفاق اجتماعی و پرهیز از تنش اجتماعی؛ تأکید بر عقلانیت و پرهیز از تعصب و پیشداوری؛ برنامه سازی مبتنی بر انصاف و اعتدال؛ رعایت حقوق فرهنگی اقوام؛ پذیرش تنوع قومی و مذهبی؛ پرهیز از شی انگاری اقوام/ مناطق و ایجاد اعتماد و تلاش برای ارتقای سرمایه اجتماعی به عنوان اصول این نوع برنامه سازی در شبکه شما مد نظر دست اندرکاران این شبکه تلویزیونی از زمان تأسیس قرار گرفته است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

تأکیدات و یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که امروزه رسانه های اجتماعی از بزرگترین و مهمترین بازیگران حوزه و عرصه های عمومی جوامع بشمار می آیند که بواسطه برخورداری از قدرت نرم الگوها و هنجارها اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی و نیز اقتصادی را ایجاد، تخریب و یا دچار تحول و دگردیسی می کنند. رسانه ها بواسطه بهره گیری از قدرت نرم آگاهی، آموزش و نیز سبک و معنای زندگی مد نظر خود را به جامعه انتقال می دهند، نهادینه سازی

و میانجی‌گری می‌کنند و با تأثیر بر افکار عمومی موجب تغییر، دگرگونی و تحول در جامعه می‌شوند. این رسانه‌ها در جوامع متکثر و چند قومی، علاوه بر فعالیت در وظایف و تکالیف حوزه عمومی، در ایجاد همگرایی و همبستگی ملی نیز نقش بسی‌بدیلی دارند. پیوند اقوام به جامعه ملی و برقراری پیوند و ارتباط بین اقوام از مهم‌ترین کارویژه‌های رسانه‌ها در جوامع متکثر چند قومیتی یا موزاییکی چون ایران می‌تواند باشد. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های پس از انقلاب همواره در تلاش بوده تا به بهترین وجه این تعلق و ارتباط را از طریق برنامه‌های مختلف با شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی ایجاد کند. روند گسترش فناوری‌های ارتباطی و پدید آمدن شبکه‌های ارتباطی و نیز ظهور مخاطبان انتخابگر متعدد موجب شده است تا توجه به شبکه‌سازی و برنامه‌سازی در سازمان صدا و سیما بیش از پیش، معطوف به موضوع اقوام شود. در این راستا شبکه تلویزیونی شما از زمان تأسیس اش در سال ۱۳۹۰ شمسی در کنار اهدافی همچون: ترویج نظام ارزشی اسلام و فرهنگ‌ها و سنت‌های اصیل ایرانی به منظور ایجاد محیط مساعد برای تعالی انسان، گسترش معنویت در جامعه و ارتباط نزدیک و صمیمانه میان قشرها مختلف مردم؛ بالا بردن سطح اطلاعات عمومی تلاش دارد ضمن معرفی دست‌آوردها و خدمات نظام در استان‌ها به منظور تقویت اعتماد بین اقوام (مردم) و نظام به انعکاس مناسب‌ها و آداب بومی اقوام، نمایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقلیمی محله‌ها و مناطق قومی، برجسته‌سازی نقش و جایگاه قومیت‌ها در تقویت دیپلماسی فرهنگی، تأکید بر عدم تقابل زبان ملی و محلی و نیز ارتقاء کیفی تولیدات صدا و سیما مراکز از طریق ایجاد رقابت برنامه‌ای بین آن‌ها بپردازد. به رغم تلاش برای دستیابی به این مهم، مروری بر نتایج و بازخورد برنامه‌های پخش شده این شبکه تلویزیونی، توجه به پیشنهادات رسانه‌ای ذیل را بیش از پیش ضروری و الزامی می‌سازد:

- تمرکز در بازنمایی فرهنگ اقوام بخصوص اقوام کرد، ترک و لر در شبکه تلویزیونی شما جهت از بین بردن برخی کلیشه‌های ذهنی جهت همگرایی اقوام و کاهش زمینه‌های واگرایی امری ضروری است.

- تدوین برنامه‌های متنوع فرهنگی توسط صدا و سیما با محوریت شبکه تلویزیونی شما در راستای کاهش محرومیت اقوام؛ تا از طرفی توزیع عادلانه تر امکانات و فرصتها در جامعه صورت بگیرد و از طرف دیگر، کاهش گرایش‌های واگرایانه در بین اقوام منجر

به همگرایی اقوام گردد.

- در محتوای برنامه های پخش شده از سیما، گاه اقوام ایرانی به شیوه نامطلوبی به نمایش در می آیند و این اقوام، تصاویر پخش شده درباره خود را چندان مطلوب نمی دانند. بنابراین لازم است که در بازنمایی فرهنگ اقوام در شبکه تلویزیونی شما و همچنین سهم گروه های قومی از لحاظ کمی و کیفی در برنامه ها توجه بیشتری صورت بگیرد و بازنمایی هایی که از اقوام ارائه می شوند، متناسب با ظرفیت های فرهنگی واقعی آنان باشد.

- تغییر دید سازمان صدا و سیما و نگاه به اقوام ایرانی در مناسبات و تصمیمات سیاسی و مشارکت همه آن ها در تصمیم سازی ها در قالب بازسازی هویت ملی توسط ابزار رسانه با محوریت شبکه تلویزیونی شما امر ضروری بنظر می رسد.

- شبکه تلویزیونی شما در بعد فرهنگی برنامه سازی خود باید محورهای همچون تأکید بر جنبه های فرهنگی تنوع قومی (آداب و سنتن متنوع، زبان و گویش و لهجه متنوع، ارزش های متنوع و...)؛ تأکید بر مفاهیم و لایه های عمیق فرهنگی تنوع قومی (در مقابل برداشت های سطحی)؛ تأکید بر ادراک و فهم میان فرهنگی (در مقابل کلیشه سازی و پیش داوری)؛ کشف زبان مشترک فرهنگی؛ کشف مؤلفه های مشترک؛ ایجاد پیام های متنوع فرهنگی و نیز گشودن افق های متنوع فرهنگی را مد نظر قرار داده و عملیاتی نماید.

- شبکه تلویزیونی شما در بعد اجتماعی برنامه سازی خود باید محورهای همچون هدایت و توسعه اجتماعی (در مقابل انزوا و انفعال اجتماعی)؛ تأکید بر آرامش و اعتدالی اجتماعی (در مقابل خشونت اجتماعی و آسیب ها)؛ جامعه محور بودن؛ امیدبخش بودن و روشن بینی؛ انسجام، همبستگی و پیوند اجتماعی؛ عدالت محوری (در مقابل تبعیض)؛ عزت نفس (در مقابل تحقیر) و توجه به شاخص های مختلف سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، مسئولیت پذیری، اعتماد همبستگی اجتماعی، هنجارهای مشترک و تعامل پذیری) را مد نظر قرار داده و عملیاتی نماید.

- شبکه تلویزیونی شما در بعد اقتصادی برنامه سازی خود باید محورهای همچون توجه به گردشگری و صنایع دستی محلی و بومی، مهارت افزایی، شفافیت مالی و اقتصاد مقاومتی را مد نظر قرار داده و عملیاتی نماید.

- شبکه تلویزیونی شما در بعد سیاسی برنامه سازی خود در باب تنوع قومی - محلی باید محورهای همچون تأکید بر امنیت و اقتدار ملی؛ تأکید بر هویت ملی، تأکید بر همگرایی سیاسی در سطح ملی در عین پذیرش تنوع قومی - محلی؛ پذیرش برابری اقوام/ مناطق به مثابه شهروند و خنثی سازی تبلیغات شبکه های موازی خارجی را مد نظر قرار داده و عملیاتی نماید.

منابع

۱. احمدی، حمید (۱۳۷۹). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
۲. ازکمپ، استوارت (۱۳۸۵). روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: مؤسسه انتشارات به نشر.
۳. امامی، سیدمجید و مهربانی‌فر، حسین (۱۳۹۳). امید و رسانه (پژوهشی در مبانی، ابعاد و راهبردهای امیدآفرینی اجتماعی در رسانه ملی)، قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
۴. امیرتیموری، محمدحسن (۱۳۷۷). رسانه‌های آموزشی، شیراز: ساسان.
۵. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، زمستان، شماره ۴۱، صص ۳۰-۷.
۶. ایوبی، حجت‌ا... (۱۳۷۷). «شکاف‌های قومی و خشونت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار، صص ۳۸-۱۹.
۷. برتون، رولان (۱۳۸۰). قوم‌شناسی سیاسی، ناصر فکوهی، تهران: نی.
۸. بلیک ژانت، الیزابت و محمودرضا گلشن‌پژوه (۱۳۸۹). «قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، تابستان، شماره ۵۵، صص ۱۳۷-۱۲۳.
۹. بهرامی، روح‌ا... (۱۳۷۷). «سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار، صص ۱۲۵-۶۵.
۱۰. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر (۱۳۸۶). ترجمه علیرضا دهقان، نظریه‌های ارتباطات، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. خبازی، مجید و شفیعی‌سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۳). رسانه ملی و فرهنگ، راهبردها، سیاست‌ها و محورهای برنامه‌سازی، قم: نشر مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
۱۲. خرازی آذر، زهرا؛ افسانه، مظفری و بهرامیان، شفیع (۱۳۹۵). «تاثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر هم‌گرایی بین قومی در ایران»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۳۴، تابستان، صص ۱۰۱-۶۹.
۱۳. رسول‌زاده اقدم‌صمد؛ عدلی‌پور، صمد و اقبالی، سمیه (۱۳۹۶). «مطالعه رابطه محتوای برنامه‌های شبکه استانی سهند با هویت ملی مخاطبان»، مطالعات ملی، شماره ۷۱،

صص ۱۳۹-۱۲۵.

۱۴. رفیع، حسین و قربی، سید محمدجواد (۱۳۸۹). «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان، صص ۱۳۷-۱۱۷.
۱۵. زردار، زرین و فتحی نیا محمد (۱۳۹۲). «بازنمایی اقوام ایرانی در مجموعه های پر بیننده تلویزیونی»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۲۴، زمستان، صص ۶۲-۴۱.
۱۶. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۷). رسانه، قدرت نرم و امنیت، تهران: انتشارات پشتیبان.
۱۷. سورین، ورنرو تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). نظریه های ارتباط جمعی، ترجمه علیرضا دهقان، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. شعبانی، محمدرضا و هندیانی، عبدالله (۱۳۸۷). «بسیج، شناخت و مدیریت تهدیدات نرم»، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، جلد ۳، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. صلواتیان، سباوش و خوش بیان، ابوذر (۱۳۹۷). «تدوین راهبردهای مطلوب برای شبکه های تلویزیونی استانی صداوسیما از دیدگاه مدیران رسانه ملی و کارشناسان رسانه»، فصلنامه رسانه، دوره ۲۹، شماره ۱۱۱، تابستان، صص ۳۰-۹.
۲۰. عباس زاده، محمد؛ بوداقی، علی و محمد پور، ابراهیم (۱۳۹۶). «مطالعه عوامل موثر بر پذیرش هنجارهای گروه های مرجع و واگرایی قومی»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، مقاله ۶، دوره ۱۰، شماره ۳۴، بهار، صص ۱۵۸-۱۲۵.
۲۱. عسگری، محمود (۱۳۹۰). قدرت افکنی؛ الزامی برای دارندگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. عقیلی سیدوحید؛ دلاور، علی و برادران، هانیه (۱۳۹۰). «بررسی دیدگاههای اساتید علوم اجتماعی نسبت به نقش رسانه های دیداری (تلویزیون، ماهواره و اینترنت) در فرآیند جهانی شدن با تاکید بر سیاست های فرهنگی ایران»، فرهنگ ارتباطات، سال اول، شماره ۱، صص ۶۰-۳۱.
۲۳. عنبرانی، عطا (۱۳۹۸). رضا شاه و شکل گیری دولت مدرن در ایران، تهران: نشر علم.
۲۴. قدسی، امیر (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم (با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی)»، مطالعات قدرت نرم، دوره ۱، شماره ۲، تابستان، صص ۱۰۳-۷۵.

۲۵. قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۷). سیاست ترکیه در قبال عراق پس از صدام و بازیگران منطقه ای، پژوهش ۱۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۶. کازنوو، ژان (۱۳۸۷). جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.
۲۷. کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدید و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۲۹. لاریجانی، مریم؛ نادری، مصطفی؛ شبیری، سید محمد و زبردست، لعبت (۱۳۹۹). «تعیین معیارها و ارزیابی عملکرد شبکه های تلویزیونی سیما با استفاده از روشهای تصمیم گیری چندمعیاره فازی»، فصلنامه مدیریت راهبردی دفاع ملی، دوره ۴، شماره ۱۳، بهار، صص ۳۶۳-۳۸۸.
۳۰. لوکس، استیون (۱۳۹۳). کتاب قدرت: نگرشی رادیکال، ترجمه عماد افروغ، تهران: انتشارات علم.
۳۱. ماکویی، سوویل (۱۳۹۸). بررسی عناصر قومیتی در برنامه های تلویزیونی، تهران: مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۳۲. مطلبی، مسعود (۱۳۸۷). «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی»، زمانه، شماره ۷۰، تیر، صص ۲۴-۱۶.
۳۳. مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجالالی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۳۴. مهاجر، آذر (۱۳۹۴). «شبکه «شما» آینه اقوام ایرانی»، روزنامه جام جم، سه شنبه ۱۵ دی، شماره ۴۴۴۶.
۳۵. مهدوی، اصغر آقا و نادری بابا ناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکرد قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۱۴، صص ۲۰۴-۱۶۷.
36. Angey, gabrielle & molho, jeremie (2015). a critical approach to soft power: grasping contemporary turkey's influence in the world, European journal of Turkish studies, 21, pp. 1-18.

37. Cottle, simon (2000). ethnic minorities and media research: mapping the field, in book: ethnic minorities and media research.
38. Nye, Joseph (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs.
39. Ramasubramanian, Srividya; doshi, marissa & saleem, muniba (2017). Mainstream Versus Ethnic Media: How They Shape Ethnic Pride and Self-Esteem Among Ethnic Minority Audiences, International Journal of Communication 11:1879-1899
40. Zhou, y (2021). Confucius Institute in the Sino-Thai relations: A display of China's soft power, asian journal of social science, vol. 49, iss. 4, pp. 234-243.

بررسی زیرساخت‌های تحقق قدرت نرم در حکومت دینی

حسین رحمانی تیرکالایی^۱

چکیده

پس از انقلاب اسلامی، حرکات جهادی و عرصه‌های علمی موجود در حوزه‌های گوناگون سخت و نرم بود که انقلاب را از حیث نظری و عملی بهینه نمود و روز به روز بر موج حامیان مقاومت و انقلاب اسلامی افزود. در این میان، مرعوب بودن قشر فرهنگی و خواص جامعه در برابر پروژه قدرت نرم غرب، از جمله خطرهایی است که سبب تخریب بسیاری از دستاوردهای اعتقادی جامعه خواهد شد. در برابر هجمه‌های پیوسته غرب در تهاجم فرهنگی تازمانی که حکومت دینی به سمت مبدل شدن به قدرت نرم منطقه‌ای و جهانی حرکت نکند، حرکت‌های داخلی منفعلانه خواهد بود. بر اساس این ضرورت، نگارنده در این اثر با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی زیرساخت‌های تحقق قدرت نرم در حکومت دینی روی آورده و در نهایت بدین نتیجه رسیده است تبدیل شدن به قدرت نرم، از شناسایی و باور داشتن به ظرفیت‌های داخلی نشأت می‌گیرد و اگر مسئولین در حکومت دینی، گرفتار غرب‌زدگی باشند، قادر نیستند طراحی کلانی برای آینده نرم جامعه داشته باشند. این طراحی باید مهاجمانه و با تکیه بر آرمان‌ها و روش‌های داخلی باشد و نگاه طراحان آن نیز معطوف به درون نباشد و عرصه‌های جهانی را مورد توجه قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، رسانه، شبیخون فرهنگی، دشمن‌شناسی، حکومت دینی

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

rahmanitirkalai1391@yahoo.com

مقدمه

استعمارگران تلاش می‌کنند هویت اصلی مردم را از آنها بگیرند تا به راحتی آنان را استعمار و استعمار کنند و در برابر آنها مطیع محض و تسلیم باشند و همواره تلاش می‌کنند که مردم از فرهنگ دینی و ملی دور نگهدارند و با هیاهوی تبلیغاتی روحیه شجاعت، حماسه، جهاد و ایثار را تضعیف کنند و یأس و ناامیدی را به مردم القا کنند و مقدرات کشور را به دست بیگانگان بسپارند تا ملت نتواند در اداره‌ی امور کشور تصمیم‌گیری کند و همیشه این ندا را سر بدهند که استعمارگران برترند و در دل و جان ترس و وحشت از بیگانگان داشته باشند. و تقلید در اندیشه، سخن و رفتار و آداب و رسوم استعمار داشته باشند، به گونه‌ای که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها حرف بزنند، مثل آنها بپوشند، مثل آنها بخورند، مثل آنها تفریح کنند، مثل آنها ظاهر خود را تنظیم نمایند و خلاصه مثل آن‌ها زندگی کنند. (اکبری، ۱۳۷۸: ۹۶) بر این اساس همانگونه که غرب به دنبال القای هیمنه نرم خود بر جهان است، لازم خواهد بود حکومت دینی به دنبال تحقق زیرساخت‌های قدرت نرم متناسب با ارزش‌ها و اصول فکری خود باشد. در این میان، از جمله آثاری که نگاشته شده عبارتند از: ۱- کتابی از آقای احمد حسین شریفی، با عنوان جنگ نرم که در انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است که در این کتاب به مباحث مقدماتی جنگ نرم، ابزارها و ابعاد جنگ نرم و راهکارهای مقابله با جنگ نرم می‌پردازد. ۲- کتابی با عنوان جنگ نرم در عصر رسول خدا (ص) که در پژوهشکده تحقیقات اسلامی امام صادق (علیه السلام) تهیه شده و این کتاب در سه بخش تدوین شده است؛ بخش اول در چهار فصل که شامل ظهور اسلام، پرچمداران جنگ نرم، علل رویکرد دشمنان به جنگ نرم و در بخش دوم کتاب که شامل چهار فصل است به پیامبرستیزی، قرآن‌ستیزی، جامعه‌ستیزی و در بخش سوم به راهکارها می‌پردازد. ۳- کتابی با عنوان مبانی جنگ نرم از آقای عباس فیروزی که در انتشارات شکوفه یاس، سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است؛ در این کتاب به مباحث فرهنگی جنگ نرم در دوازده فصل پرداخته شده است. ۴- کتابی با عنوان تهدیدات نرم سیاسی در قرآن کریم از جناب آقای محمدجواد جاوری که در انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. ۵- راه‌های مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن از محمدباقر بابایی که در سال ۱۳۹۱ در تهران به چاپ رسیده است؛ نویسنده در این کتاب با نگاهی قرآنی به بررسی راه‌های نفوذ پرداخته است و علی‌رغم پردازش

به موضوع مورد ابتلاء جامعه، جریان نفوذ و چرایی شکل‌گیری آن را مورد تبیین لازم قرار نداده است که نگارنده به دنبال این امر خواهد بود. ۶- سبک زندگی ایرانی - اسلامی اثر ستار صادقی ده‌چشمه و سعیده شریعت که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است؛ نگارنده در طول این اثر به بررسی ابعاد سبک زندگی ایرانی و اسلامی و تعامل بین این دو روش پرداخته است. نویسنده در این تحقیق، به چالش‌های پیش روی این سبک نپرداخته که در این تحقیق مورد نظر نگارنده خواهد بود. ۷- راهکارهای مقابله با جنگ نرم و نفوذ در قرآن کریم از مجتبی دولتی و دکتر سیدرضا موسوی؛ در این مقاله روش‌های مقابله با جنگ نرم و نفوذ در قرآن تبیین شده و اینکه راهکارهای مقابله با تفرندهای شیطانی از منظر قرآن شناسایی شده است. اما وجه تمایز این اثر نسبت به آثار برشمرده شده در این بوده که نگارنده در این اثر به دنبال تبیین زیرساخت‌های قدرت نرم در حکومت دینی است، امری که در آثار پیشین بدان پرداخته نشده بود و سبب جدید بودن این اثر خواهد شد. در حقیقت نگارنده در این تحقیق در پی دستیابی بدین هدف است که امکان دستیابی به قدرت نرم اسلامی وجود دارد اما برای تحقق آن راهبردهایی وجود دارد که کمتر بدان توجه می‌شود. در این راستا در طول این اثر بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که زیرساخت‌های تحقق قدرت نرم در حکومت دینی چیست؟

۱. چارچوب نظری

۱-۱. هویت حاکم بر قدرت نرم

قدرت نرم را می‌توان اقداماتی دانست که سبب دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مقبول نزد هر نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و قرار گرفتن الگوهای نظام سلطه به جای آنها محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که سبب شود اهداف و ارزش‌های حیاتی هر نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی هر کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر ملت دیگر تحمیل، و به عبارت دیگر آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند. (نائینی، ۱۳۹۱: ۵۴)

۱-۲. مکانیزم حاکم بر قدرت نرم

در جنگ نرم باید از نظر به عمل سیر کرد تا موجب تغییرات اجتماعی و سیاسی شود. مهم‌ترین موضوع در گذار از نظر به عمل، شیوه انتخاب ساز و کار یا فرآیند مناسب برای تاثیر گذاشتن بر نگرش‌ها و رفتارهای حاکمان و مردم است. بدین‌گونه این اقدام برگزینش روش‌های ایجاد تغییرات و براندازی موردنظر در مناسبات قدرت بین مردم و حکومتشان اثر می‌گذارد. با این نگرش، تمامی اقداماتی که سبب شود اهداف و ارزش‌های حیاتی نظام سیاسی به خطر افتد یا تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی کشوری روی دهد، تهدید نرم علیه امنیت ملی به شمار می‌آید.

جنگ نرم به راحتی بدون هزینه نمودن مبالغ سرسام آور نظامی می‌تواند صفوف متحد یک ملت را از هم بگسلاند و بدون تلفات نظامی، دشمن به اهدافش نزدیک گردد؛ جنگ نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه‌ترین و درعین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع جنگ علیه امنیت ملی یک کشور است؛ چون با کمترین هزینه با حذف تهاجم خود قرار می‌دهد. جنگ نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده ملت را از بین می‌برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند، فروپاشی روانی یک ملت، می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. (رنجبران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲) جنگ نرم برخلاف جنگ سخت در ساحت‌های نظامی و لشکرکشی صورت نپذیرفته بلکه به تکنیک‌هایی اطلاق می‌گردد که دشمن با برنامه‌ریزی و غیرمحسوس به تخریب منافع ما می‌پردازد.

۲. شناخت حقیقت تهاجم فرهنگی

نظام سلطه‌جوی غرب بعد از استقلال کشورهای تحت سلطه خود، به ویژه در کشورهای اسلامی که بعد از تجزیه امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به صورت کشورهای جدید و براساس ناسیونالیسم شکل گرفتند؛ به طور غیرمستقیم به گسترش فرهنگ خود و جایگزین کردن آن در کشورها پرداخت و تهاجم فرهنگی را به طور غیرمستقیم دنبال کرد. تهاجم فرهنگی نوعی از ارتباط فرهنگی است که در آن حداقل یکی از سه هدف ذیل تعقیب می‌شود: تحمیل فرهنگی، تخریب فرهنگی و تسلیم فرهنگی. (افتخاری، ۱۳۷۷: ۷۴)

در تهاجم فرهنگی دشمن می‌خواهد کاری کند که ملت مورد تهاجم آن گونه که او می‌خواهد فکر کند آنچه او می‌خواهد بخواند و در نتیجه کاری را که منظور اوست، انجام دهد. پس باید فرهنگ مورد نظر دشمن جایگزین فرهنگ اصلی مردم شود و برای رسیدن به این هدف الزاماً باید مردم فرهنگ اصیل خود را فراموش کنند و رابطه آنان با گذشته و میراث فرهنگی و دستاوردهای پیشینیان قطع شود تا این تخلیه فرهنگی صورت نگیرد. القا و تزریق فرهنگ مورد نظر امکان‌پذیر نیست ملتی که گذشته پرافتخار خود را به یاد دارد و خود را در بنیانگذاری تمدن و پیشرفت‌های علمی روز سهیم و شریک می‌داند به هیچ روی حاضر نیست در برابر فرهنگ بیگانه تسلیم شود هر چند کشورش تحت اشتغال نیروهای دشمن باشد. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که در تهاجم فرهنگی سه مرحله متمایز وجود دارد:

۱. الغای فرهنگ خودی

۲. القای فرهنگ بیگانه

۳. تثبیت فرهنگ بیگانه.

در جریان النقاط مرحله اول تهاجم فرهنگی که الغای فرهنگ خودی است را می‌توان در دین‌زدایی که بنا به فرموده امام خمینی هدف اصلی دولت‌های استعمارگر محو قرآن، اسلام و علمای است و انزوای روحانیت که در خط مقدم جبهه تهاجم فرهنگی قرار دارد و فرقه‌گرایی که این ترغند از قدیمی‌ترین و کهنه‌ترین حیل‌های دشمن برای استثمار است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۰)

امروز توطئه فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است. شعار نمی‌دهم، من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه بسیار زیرکانه‌ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام عیار فرهنگی علیه ماست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۲۵)

در حقیقت پدیده‌ترین جبهه نبرد که تا به حال دشمنان کشورمان گشوده‌اند و بعد از شکست‌های پی در پی در میدان‌های مختلف بدان دل بسته‌اند، تهاجم فرهنگی است آنان در صددند از کانال فرهنگی نفوذ نمایند و مسیر جامعه را به گونه‌ای تغییر دهند که رفتار شخصی و اجتماعی و شیوه تفکر مردمی، تأمین‌کننده آرمان و اهداف غرب و جهان استعمارگر باشد. نابودی و یا بی‌رنگ نمودن فرهنگ اسلامی و ملی در زوایای زندگی خانوادگی، تربیتی، دینی،

تفریحی - اقتصادی - تفکر سیاسی و غیره مورد نظر آنهاست. بی شک محصول کارشان غربزدگی و دل‌سپردگی به غرب و غربیان از سویی و حاشیه‌ای شدن فرهنگ ملی و اسلامی از سویی دیگر است. امروزه بیش از هر زمان دیگر در تاریخ کشورمان، غرب در پی هجوم به فرهنگ اسلامی و ملی ما است. توان زیادی صرف می‌شود که میکروب غرب‌خواهی و سرمست گردیدن از شیوه زندگی غربی را با آمپول تبلیغات در پیکر اجتماعی که تار و پودش در برگیرنده ارزش‌های غنی و مفید دینی و ملی است. ترزیق کنند تا بدین وسیله بیماری مهلك بی‌توجهی به سرنوشت انقلاب و کشور در بین مردم مسلمان ایران شیوع پیدا کند از آن جایی که فرهنگ در زوایای مختلف زندگی متبلور است در تهاجم فرهنگی می‌توان از جهات مختلف و در ابعاد گوناگون عمل کرد. برخی از اقدامات غرب در تهاجم فرهنگی و سیستم تبلیغاتی ضدّ ملی و ضد اسلامی به شکل زیر است:

۱. تلاش برای القای افکار ناسیونالیستی و تقویت قوم‌گرایی با هدف ایجاد تفرقه و جدایی بین اقوام.
 ۲. جذب استعدادهای درخشان و نیروهای کارآمد هم به جهت تقویت بنیه علمی غربیان و هم به دلیل تغییر اندیشه‌های جذب‌شدگان.
 ۳. کوشش در ایجاد جبهه ضد اسلامی با کمک نویسندگان و هنرمندان غرب‌گرا برای مقابله با اندیشه اسلامی و محتوای متعالی هنر و هنرمندان متعهد.
 ۴. تلاش برای نفوذ در نظام آموزش و مراکز علمی و دانشگاهی با مهره‌های غربزده داخل کشور به منظور خط‌دهی به دانش‌آموزان و دانشجویان و تغییر روحیات اسلامی.
 ۵. سعی در محاصره اسلام ناب محمدی با ترویج اسلام آمریکایی بین کشورهای همسایه.
- (همان، ۱۹۷)

تهاجم فرهنگی دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دوی‌شان برای شما قابل توجه است، یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می‌گرفته و در دوران اسلامی قطع شد. این‌ها دارند فشار می‌آورند که همان کار، باید انجام بگیرد، این يك شاخه، شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران، از طریق فرهنگی با نوشتن، با تهیه فیلم‌ها یا نمایشنامه‌ها یا تنظیم کتاب‌ها

یا فصلنامه ها، این کار هم الان در کشور ما با هدایت بیگانه دارد انجام می گیرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۸)

تا زمانی که چیستی و دامنه تهاجم فرهنگی دشمن مورد غفلت باشد، کشور به مرحله آسیب‌شناسی و رفع نقائص که پیش در آمد پیشرفت در قدرت نرم بوده نخواهد رسید. حکومتی که هنوز نمی‌داند از چه سمت و سویی مورد حمله قرار گرفته و از درک کیفیت و حجم آن عاجز است، امکان مدیریت توان نرم خود را نخواهد داشت.

۳. تقویت فرآیند بسط عمق راهبردی نظام در جهان

انقلاب اسلامی در مسیر دعوت انبیاء شکل گرفت و به یک محیط خاص متوقف نمی‌شود؛ چراکه تمام تأکید انبیاء بر این بود که باید اعتقاد حق را از باطل تشخیص داد و با برهان و منطق در صدد اثبات و ترویج آن بر آمد و نقد افکار مخالفان و طرفداران باطل پرداخت تا هیچ فرد آگاهی به سمت آن گرایش پیدا نکند. حضرت امام خمینی (ره) با الهام از این حرکت انبیاء شعار احیای اسلام ناب محمدی را مطرح ساخت و با کمک و همراهی یاران باوفای خود، انقلاب اسلامی را پایه‌ریزی کرد. بررسی تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که اولین شعاری که حضرت امام را حل مطرح و دیگران نیز از آن پیروی کردند، مسأله احیای اسلام بود، مروی بر سخنرانی‌های آن حضرت در همان آغاز نهضت، حالی از آن است که اساس بر پای چنین نهضتی، به سبب خطری بوده است که ایشان نسبت به فراموشی اسلام احساس می‌کردند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

گسترش این انقلاب دینی و بسط مفاهیم و ارزش‌های آن در جهان در وهله اول بر عهده روحانیت است؛ چراکه پیدایش انقلاب از حوزه بوده و بسط راهبردی آن نیز باید توسط این نهاد صورت پذیرد؛ این انقلاب نیاز به روحانیت دارد، به شرط آنکه روحانیت وظیفه خودش را در آینده انقلاب خوب درک کند. کارش را باید ده برابر کند، تحقیق علمی‌اش را باید ۱۰ برابر کند، تبلیغ فرد را ۱۰ برابر کند. رابطه‌اش را با مردم، در جمع مردم آمدم، به میان مردم رفتن، درد مردم را از نزدیک لمس کردن و احساس کردن؛ اینها را باید چندین برابر کند. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۸۷)

آینده انقلاب هم اگر بخواهد ان شاء الله پیروزتر بماند و به نتیجه برسد، باز باید روی دوش روحانیت باشد. اگر این پرچم‌داری از روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح طبقه

روشن فکر بیفتد و به عقیده من، یک نسل بگذارد اسلام به کلی مسخ می شود، چرا؟ برای اینکه حامل فرهنگ اسلامی باز هم همین طبقه هستند. (همان، ۱۹۴)

بسط ارزش های انقلاب در جهان به معنی صدور انقلاب است و «صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کردیم.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۱۹) واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استعمار و بردگی ملت ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام های دست نشانده و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۷۹)

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم. (همان، ج ۱۲: ۱۴۸) بنابراین ملت ایران به عنوان ملتی آگاه، بیدار و رها شده از بند سلطه و ستم و به عنوان ملتی که تجربه پیروزی بر مصادیق کفر و ظلم را هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین المللی در کارنامه خود دارد، نشر و صدور تجربه های انقلابی خود را به لحاظ تعهدات انسانی و اسلامی تکلیفی همیشگی برای خود می داند. افزون بر آن، ملت های تحت ستم نیز حق دارند از پیام ها و تجارب ملت های آزاد در جهت رهایی خویش از بند سلطه برخوردار شوند و حتی به نظر امام ملت های مستضعف جهان به انقلاب اسلامی ایران چشم امید دوخته اند. (همان، ج ۱۶: ۳۱۱)

۴. اجتناب از غرب‌زدگی و بزرگنمایی تمدن غربی

دشمن همواره علیه ما از ابزارهای جنگ روانی و تهاجمی استفاده می‌کند تا دستاوردهای ما را دگرگون جلوه دهد و از این طریق به صفوف ما وارد شود و داشته‌های خود را برتر نشان دهد، در این بستر، ما نیز می‌توانیم با شناخت نقاط ضعف و حفره‌های موجود در آنها، آرمان‌های مادی و دستاوردهای شیطانیشان را به چالش کشیده و موجی از نارضایتی عمومی نسبت به مواضع آنها ایجاد کنیم، یکی از مهم‌ترین ابزار در این طریق، پررنگ کردن آسیب‌های اجتماعی موجود در نظام حیات مادی آنهاست؛ کارشناسان غربی آمارهایی تهیه کرده‌اند که نشان می‌دهد امروزه ساختار و نظام اخلاقی در آن جوامع با مشکلات متعددی ست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم‌جنس‌بازی، زندگی زوجین در چارچوب‌های خارج از دایره ازدواج، بی‌بند و باری فرزندان و سطح بالای حاملگی دختران نوجوان، همه و همه از توابع و پیامدهای الگوی ناتمام و ناصواب غرب در برابری حقوق زن و مرد و آزادی بی‌قید و شرط زنان در عرصه‌های مختلف است که علاوه بر از هم‌گسیختگی و متلاشی شدن نظام خانواده در آن جوامع، باعث شیوع و گسترش فسادهای اخلاقی و از بین رفتن هنجارهای انسانی شده است. در یک نظرسنجی در آمریکا، نیمی از جوانان با روابط جنسی افراد متاهل با دیگران مخالفتی نداشته‌اند. در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره ازدواج دارند، البته این میزان در کشورهای کاتولیک که مذهب نقش بیشتری دارد کمتر است. در کشورهای غربی طی چند دهه اخیر تعداد نوزادان نامشروع به شدت افزایش یافته و در بعضی از آن کشورها از مرز ۵۰٪ گذشته است. بنابر آمارهای منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ آمریکا بالاترین میزان طلاق را داشته است. (روشن‌دل، ۱۳۷۷: ۳۵)

آمارهای ارائه شده توسط خود غرب در خصوص وضعیت امروز به سبب سیطره امیدهای و انگیزش‌های مادی، نشان می‌دهد زن در جامعه به ظاهر متمدن غربی حتی از حقوق اولیه خود نیز محروم است؛ افزایش شدید طلاق و جدایی که در آن حدود ۸۵٪ از زنان عهده‌دار نگهداری بچه یا بچه‌ها می‌شوند (گاه از دو یا سه مرد، بچه دارند) و بعدها نیز پیدا کردن مرد دیگری برای زندگی که طول مدت آن نیز نامعلوم است، با رقابت‌های شدیدی که بین زنان در جذب مردان وجود دارد، بسیار مشکل می‌باشد و ناراحتی‌ها و بیماری‌های روحی و عصبی به همراه خود می‌آورد و نتیجه آن افزایش روز افزون اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی و داروهای آرام‌بخش و

خواب آور در زنان سوئد است. در این نوع زندگی، اغلب زنان زودتر از سنین واقعی خود، شکسته و فرتوت می‌شوند. به خصوص با بالا رفتن سن در جوی که آزادی‌های بدون مرز جنسی، زنان را سهل‌الوصول‌تر و به صورت کالای یک بار مصرف در دسترس مردان قرار می‌دهد. زنان خانه دار به امید وضع بهتر و آزادی بیشتر در خانه و اجتماع و به خصوص در کسب استقلال مالی به بازار کار هجوم آوردند و قشر کارگر و کارمند پر کار و کم مزد را تشکیل دادند و با این تحوّل بیشتر آنها مجبور به ترک زادگاه، شهر یا روستای خود گردیده و بیگانه‌وار در شهرهای دیگر و مراکز صنعتی ساکن شدند و بدین ترتیب رشته ارتباطات و الگوهای سنتی، خانوادگی به انحاء مختلف از هم گسیخته شد. (دبیرسیاقی، ۱۳۷۵: ۱۴)

در منظومه نگاه انسان غربی که به واسطه آن، دائماً مترقی بودن خود را به جهانیان القاء می‌کند، کل عالم، موش آزمایشگاهی انسان و ابزاری برای او جهت وصول به خواسته‌هایش می‌باشند و چون انسان مالک و صاحب‌خانه جهان و آنچه در آن است می‌باشد اجازه دارد در هر یک از موجودات به هر صورتی که می‌خواهد تصرف نماید. نکته مهم این که او در تصرفات خود نباید به هیچ موجودی نیز پاسخ گوید بلکه او در حقیقت، (فعال مایشاء و لا یسئل عما یفعل) می‌باشد. از این رو، هدف علوم تجربی که در دنیای سنتی، کشف نظم پیشین الهی میان موجودات بوده است تغییر نموده و صرفاً در صدد قدرتمند نمودن انسان برای تسلط بر جهان طبیعت است. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۸۳)

اوج عقب‌ماندگی نهضت ناامید غرب به جایی رسیده که آنها با تحلیل‌های مادی و امید برای دستیابی به اهداف و جایگاه‌های ماده‌گرایانه به جایی رسیده‌اند که جایگاه افراد را هم جابه‌جا نموده‌اند؛ نهضت فمینیسم با معرفی خانواده به عنوان جایگاه اصلی پابر جایی ستم بر زنان و مهم‌ترین عامل فرودستی زنان، منجر به تضعیف این نهاد مهم اجتماعی و سست شدن روابط خانوادگی در جوامع غربی شده و این مسئله تا آنجا پیش رفته است که امروز از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام‌های لیبرال‌دمکراسی، از هم پاشیدن خانواده اعلام شده است. تحقیر نقش مادری، آسیب‌پذیری نهاد خانواده و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی از سوی زنان باعث کاهش نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی شده و بسیاری از کشورها را با بحران کاهش جمعیت روبه‌رو کرده است؛ تا جایی که برای افزایش جمعیت تمهیداتی اندیشیده شده است؛ از جمله باروری مصنوعی، تجارت اینترنتی اسپرم، تجارت کودکان از طریق مادران

باردار و قاچاق کودکان از کشورهای دیگر و غیره. (دیرسیاقی، همان: ۲۷۲)

انسان متوهم غربی می‌پندارد که می‌تواند مستقلاً و تنها با تکیه بر عقل خود بنیاد، بر همه حیثیت‌ها و جهات وجودیش فائق آید و با تکیه بر آرای عمومی و ایجاد افکار عمومی یا حاکمیت اکثریت یا بنیان کردن امور بر اساس و محوریت انسان به نام اومانیزم، دغدغه‌های روزگارش را به سامان برساند؛ غافل از آن‌که همه قوا و نیروهای بشری، اعم از عقل، آرا و افکار مردم و... تنها به امامت وحی می‌توانند کارآیی لازم خود را داشته، کارکرد مناسب خود را ارائه کنند وگرنه همانند نیروها و قوای مختلف يك لشکر بدون فرمانده، نه تنها وحدت جمعی خود را از دست داده، در مقابل دشمن قرار نمی‌گیرند، چه بسا در جهت سرکوب و از بین بردن يك دیگر نیز قرار می‌گیرند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۳۲۸)

۵. ارتقاء خودباوری به سبک زندگی دینی

دوری از فرهنگ‌های بیگانه در بسیاری از موارد در حوزه ادراکی و الهامات قلبی انسان قرار دارد و انسان با مراجعه به قلب خود قادر خواهد بود، با شناخت این سبک‌های مغایر با فطرت به حیات الهی و زیست معنوی دست یابد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (انعام، آیه ۱۰۴)؛ دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد، کسی که (به وسیله آن حق را) ببیند به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم پپوشد به زیان خود اوست و من شما را اجبار نمی‌کنم.

در جامعه ایران و در دو دهه گذشته، (پس از پایان جنگ تحمیلی) با افزایش رفاه عمومی و گسترش شبکه‌های ارتباطی، در کنار توجه دولتمردان به توسعه اقتصادی و سیاسی و همسویی با نظام بین‌الملل، زمینه برای گسترش بازارها و رواج فراورده‌های گوناگون و متناسب با مد فراهم گردید. این مسأله با رشد طبقه متوسط شهری، موجبات رواج سبک زندگی بر مبنای فردیت و فرهنگ مصرفی را فراهم آورد و موضوع سبک زندگی را به عنوان مسأله‌ای در شرف تکوین برای جامعه ایران رقم زد. از این روی، توجه به این پدیده اجتماعی در شرایط امروز، برای درک آن‌چه در عرصه فرهنگی و اجتماعی اتفاق می‌افتد امری ضروری می‌نماید. اگر مردمان کشورهای غربی، تغییر در سبک زندگی را در دهه‌های ۵۰ میلادی به بعد، تجربه کردند، تحولات سبک زندگی در ایران را می‌توان به دو دهه اخیر و سالهای بعد از جنگ مرتبط دانست. عوامل مختلفی

را می‌توان برای این دگرگونی‌ها یادآور شد. شماری از اهل نظر، سه عنصر تغییر در معنای کار و فراغت، مصرف‌گرایی و دگرگونی‌های طبقه متوسط را برای تحلیل دگرگونی‌های سبک زندگی در غرب به کار برده‌اند که می‌توان از آنها برای دگرگونی‌های سبک زندگی در ایران استفاده کرد و صاحب نظر دیگری، چهار عامل را برای عمل اجتماعی ایرانیان، یادآور می‌شود که عبارت‌اند از طبقه، شهری شدن، نسل و جنسیت که می‌توان بر اساس این دو دیدگاه، به بررسی شش عامل (مفهوم طبقه در هر دو مشترک است) در دگرگونی‌های سبک زندگی در ایران پرداخت. (شهابی، ۱۳۸۴: ۳۶)

از منظر تعالیم دینی فرهنگ‌های زنده و پویا در روند سبک زندگی خود، به بیگانگان اجازه سلطه بر سرنوشت يك ملت و غارت منابع اقتصادی و مالی آنان را نمی‌دهند. استعمارگران برای آنکه سرنوشت و مقدرات يك ملت را به دست گرفته، از امکانات و منابع عظیم مادی و معنوی آنان به نفع خویش بهره‌برداری کنند، در قدم اول، تلاش می‌کنند تا موانع فرهنگی را که جدی‌ترین مانع بر سر راه آنها محسوب می‌شود از سر راه خویش بردارند. بدین منظور، از وسایل، ابزار و شیوه‌های گوناگون کمک می‌گیرند، فرهنگ بومی را تضعیف و فرهنگ خویش را به ویژه عناصر منفی و مضرّی که افراد را از تفکر و فعالیت باز می‌دارد، ترویج می‌کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم، از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده و به فرهنگ بیگانه و استعماری روی می‌آورند. آنان هویت ملی خود را تباه ساخته و حساسیت خویش را در مقابل هرگونه فعالیت‌های تجاوزکارانه استعمارگران از دست می‌دهند. در سال‌های اخیر، برای سردمداران کشورهای سلطه‌گر، نفس جهانی کردن فرهنگ غربی اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این نظر علاوه بر استفاده از وسایل سیاسی، تبلیغاتی و صنعتی، با نظریه‌های شبه علمی نیز پشتیبانی می‌شود مثلاً نظریه «دهکده جهانی» مک لوهان و امثال آن، با صراحت سعی بر آن دارد که زمینه را برای پذیرش فرهنگ غربی مساعد نموده و از حساسیت‌هایی که ممکن است در مقابل آن ابراز شود، بکاهد. (فولادی، ۱۳۹۳: ۵۴)

سبک زندگی غربی و مادی، انسان را در نهایت به پوچی و ناامیدی سوق خواهد داد از همین روی بوده که اگر جامعه بتواند در دامن خود افراد را پرورش دهد و شخصیت افراد موجود در خود را ارتقاء دهد، جامعه ایده‌آل و توأم با دینی محسوب می‌شود و ظرفیت افراد در دامن آن به هرز نخواهد رفت؛ «جامعه تنها عامل سازنده و پردازنده شخصیت انسان نیست و عوامل

مؤثر و پرتوان دیگری چون سرشت و طبیعت، عامل وراثت و اراده فعال و آزاد و تاریخ‌ساز انسان را به هیچ‌وجه نباید از نظر دور داشت اما واقعیت این است که فرد بر اثر زندگی اجتماعی، سخت تحت تأثیر و نفوذ عمیق و همه‌جانبه جامعه قرار می‌گیرد و در همه ابعاد حیات از محیط اجتماعی اثر می‌پذیرد و شرایط و وضعیت جامعه و محیطی که فرد در آن دیده به جهان می‌گشاید و رشد می‌یابد، پدیدآورنده شیوه‌های عمل و عکس‌العمل، آرا و دیدگاه‌ها، علوم و اندیشه‌ها، شکل‌گیری خودآگاهی و سازمان‌دهنده جهت‌گیری‌های اوست.» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۳۱)

امروزه دشمن با تمرکز بر تنگه احد معاصر، به دنبال ایجاد تغییرات کلان در حوزه زندگی جامعه مؤمنین است و اگر بار دیگر مراقبت از این تنگه جای خود را به هوس‌ها و طمع‌ها دهد، اثری از سبک زندگی اسلامی در جامعه ما باقی نخواهد ماند؛ در جنگ احد همین ساده‌انگاری بود که علی‌رغم هشدارهای مکرر رسول خداوند، موجب شد طعم شیرین پیروزی با هزینه سنگین عوض شود و بسیاری از مؤمنین به شهادت برسند؛ «رسول خداوند، عبدالله بن جبر را فرمانده تیراندازان کرد که پنجاه نفر بودند و به او فرمود: با تیراندازی خود و نفرت دشمن را از آمدن به طرف کوه دور کن که دشمن از عقب بر ما نتازد و هیچ‌گاه این سنگر را رها مکن، چه سرنوشت جنگ به نفع ما باشد و چه به ضرر ما و حتماً بدان که اگر دشمن بر ما چیره و غالب شود از ناحیه تو شده است.» (طباطبایی، همان، ج ۴: ۲۱)

ولایت دشمن، سبب گرایش تدریجی جامعه مسلمین به مظاهر سبک زندگی آنها خواهد شد؛ علت نهی از محبت کفار، این بوده که چون دوستی بین دو طایفه باعث اختلاط ارواح آنان است و هرگز بین دو طایفه که یکی مقدسات و معتقدات دیگری را مسخره می‌کند دوستی و صمیمیت برقرار نمی‌ماند، از این رو مسلمین باید دوستی کسانی را که اسلام را سخره می‌گیرند ترک کنند و زمام دل و جان خود را بدست اغیار نسپارند وگرنه اختلاط روحی که لازمه دوستی است، باعث می‌شود اینان عقاید حقه خود را از دست بدهند. (همان، ج ۶: ۳۸) دین برای عرصه‌ها و شئون گوناگون حیات انسان دارای برنامه است و همین امر نشانگر جامعیت سبک زندگی دینی خواهد بود؛ چراکه مجموعه رفتارهای انسان در ابواب مختلف زندگی، تشکیل دهنده سبک زندگی اوست و دین، این سبک جامع را به انسان ارائه داده است. قدرت نرم در حکومت دینی بر پایه باور به این ظرفیت درونی شکل خواهد گرفت و مادامی که شناخت به این توان و اعتقاد بدان وجود نداشته باشد، در شاخصه‌های گوناگون نیز به پتانسیل‌های دینی تکیه نخواهد شد و ناگزیر مدل‌های عینی و اجرایی غربی جایگزین می‌شود.

۶. کنترل و درونی سازی فضای رسانه

عوامل متعددی می تواند در گرایش به فضای مجازی نقش داشته باشد که از جمله آنها برای تعدادی از افراد، کسب سریع اطلاعات روز و استفاده بوده اما غالب افراد از آن به عنوان نوعی تفریح و سرگرمی استفاده می کنند؛ به عبارتی دیگر جنبه آموزشی و استفاده کنندگی از فضای مجازی بسیار کمتر از جنبه های سرگرم کننده و تفریحی آن است؛ انسان موجودی اجتماعی است که برای برطرف شدن نیازهایش باید با دیگران ارتباط برقرار کند و با آنان تعامل داشته باشد. در طول تاریخ نوع و شکل ارتباط با دیگران تغییر و تکامل یافته ولی غالباً ارتباط فیزیکی و حضوری بوده؛ درحالی که امروزه با ورود تکنولوژی های جدید مانند شبکه های اجتماعی افراد از راه دور با هم مرتبط هستند.

در این شبکه ها از یک طرف به دلیل نوع ارتباط ها که متنوع و دارای جذابیت زیادی است و از سوی دیگر به دلیل امکان برقراری ارتباط با هر شخصی از هر جنس و هرملیتی افراد زیادی به این شبکه ها روی آورده و در آنها عضو می شوند. برخی از کارشناسان علت رو آوردن به شبکه های اجتماعی چنین مطرح کرده اند: انسان موجودی اجتماعی است و از هر ابزاری که انسان را در اجتماعی شدنش کمک کند یا اجتماعات جدید را به او معرفی کند و حتی به این موضوع کمک می نماید که انسان در ارتباط های مختلفش بروز و ظهور داشته باشد مورد استقبال این موجود قرار می گیرد. براساس پژوهش های انجام شده، افراد به دلایلی، از قبیل میل به نوجویی، هیجان خواهی، محبوبیت، خودشیفتگی، حفظ ارتباط، فرار از محرک های تنش آور بیرونی، قابل احترام بودن با استفاده از پوشش هویت دوم و چشم و هم چشمی، در شبکه های اجتماعی عضو می شوند. (حسینی، ۱۳۹۶: ۳۵)

اردوگاه رسانه ای غرب با جذابیت سازی کاذب در این فضا، در وهله اول به دنبال به مخاطره انداختن امنیت روحی جامعه است، امنیت روحی زائیده ارتباط قلبی با خداوند است و رسانه دشمن این رسالت را بر عهده دارد که کدهای آرامش را از محوریت خداخواهی به لذت خواهی تغییر دهد. حرکت های فرهنگی بیگانگان در فضاهای چند رسانه ای و سایبری؛ از قبیل، روزنامه های کثیرالانتشار ملی و محلی، سینما، تئاتر، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و هزاران عنوان دیگر؛ به نوعی اقدامات تخریبی به شمار می رود. این امکانات تبلیغی یکی از بسترهای آسیب رسان به جامعه است. در صد قابل توجهی از خانواده هایی که از این امکانات بهره می برند از فرزندان

خود در برابر این تهدیدها چندان مراقبت نمی‌کنند و بیشترین چالش‌های فرهنگی در درون این خانواده‌ها است. یکی از مسئولین، مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال در این باره می‌گوید: بر اساس نظر سنجی‌ها انجام شده، حدود ۲۰ درصد بانوان و ۱۰ درصد آقایان سبک پوشش خود را متأثر از مشاهده تصاویر مربوط به پوشش دیگر اعضای شبکه‌های اجتماعی، اینترنتی، سینما، تلویزیون و... انتخاب می‌کنند. (شریفی، ۱۳۹۸: ۱۷۶)

اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی، ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است... ما نبایستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتاب‌هایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۹/۲۰)

فضای مجازی از آنجا که دو طرف را دور از چشم محسوس یکدیگر قرار می‌دهد، برای دختر و پسر احساس وجود حرمت نامحرم را به میزان حضوری ایجاد نخواهد کرد، از همین روی دسترسی به روحیات، خصوصیات، اطلاعات و... زیاد بوده و عملاً حریم خصوصی دو طرف شکسته خواهد شد. فضای مجازی آنچنان خصوصی بوده که امکان حضور فرد دیگری معمولاً در آن نیست و حالتی پیش می‌آید که دین از تحقق آن بر حذر داشته است؛ خداوند متعال همواره تأکید نموده که دو جنس مخالف نباید در محیطی با یکدیگر خلوت نمایند، اما در فضای مجازی این امکان وجود ندارد؛ فضای حضور نامحرمان نباید به گونه‌ای خلوت باشد که امکان ورود سایر افراد در آن وجود نداشته باشد، چرا که خلوت‌گزینی با جنس مخالف، موقعیت را برای تحقق گناه فراهم می‌سازد. محمد طیار از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید وارد مدینه شدم، چون برای مدتی می‌خواستم در آنجا سکونت کنم، دنبال منزلی برای اجاره می‌گشتم. خانه‌ای پیدا کردم که دارای دو اتاق بود که با یک در از یکدیگر جدا شده بودند. یکی از اتاق‌ها در اختیار زنی جوان بود. به دلیل آنکه این دو اتاق به یکدیگر راه داشتند، از اجاره آن منصرف شدم و صلاح ندیدم در منزلی که زنی جوان زندگی می‌کند، خانه بگیریم. اما آن زن گفت اگر شما این اتاق را اجاره کنی من در را می‌بندم. من نیز این شرط پذیرفتم. اما بعد از سکونت، آن زن به بهانه

اینکه می خواهد از نسیم هوا استفاده کند در اتاق را باز می گذاشت. در برابر درخواست اکید من برای بستن در مقاومت کرد و حاضر به این کار نشد. به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم و ماجرا را با ایشان در میان گذاشتم. آن حضرت فرمود: «تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ إِذَا خُلِّيَا فِي بَيْتٍ كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ» (شیخ حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۹: ۱۵۴)؛ از آنجا به جای دیگر برو؛ زیرا هیچ مرد و زنی در مکانی خلوت نکنند مگر آنکه شیطان سومی آنها باشد.

حریم نگه داشتن زن در برابر مردان نامحرم، ابزاری است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مردان می تواند از آن استفاده کند. بنابراین، هرچه رعایت حریم خصوصی جنس مذکر و مؤنث در فضای مجازی بیشتر باشد، حرمت ها محفوظ خواهد ماند و از جنس زن به عنوان کالایی سوء استفاده نمی گردد. غرب در دوران کنونی با حیاءزدایی و القای فرهنگ خود از طریق رسانه، روز به روز به سیطره خود بر اذهان ملت ها اضافه می کند، لذا ضروری است حکومت دینی برای حرکت به سمت شکل گیری قدرت نرم، در مرحله اول به کنترل فضای رسانه ای موجود و در مرحله بعد، درونی سازی آن روی بیاورد.

۷- طرح ریزی برای پروژه جهانی سازی اسلامی

دهه های پایانی قرن بیستم و سال های آغازین سده بیست و یکم با بحث های پر تنش، پیرامون چیرستی فرآیند جهانی شدن همراه بوده است. با دقت در آراء متفکران مختلف می توان، خاطرنشان کرد که جهانی شدن، پدیده ای است که به سرعت، در تمام ابعاد و زوایای زندگی بشر (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در حال رخنه و گسترش است. در واقع پیشرفت های فناوری و پیدایش شبکه های اینترنت و ماهواره های مخابراتی باعث شده است که جهانی شدن نیز با سرعت و با شیوه های متنوع تری بر جوامع انسانی اثر بگذارد و با درنوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی، امکان پیوند سریع میان افراد، جوامع و نظام ها را فراهم کند. ایران نیز در دهه های گذشته و بویژه در دو دهه گذشته با رشدی روزافزون تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته است. همچنین ما در سالهای گذشته شاهد کاربرد گسترده ی ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی چون رایانه و اینترنت در میان گروه های مختلف مردم بویژه جوانان بوده ایم. بنابراین فرآیندهای جهانی شدن در زندگی اجتماعی ایرانیان اهمیت فراوانی یافته است. از نظر مایکل مان، در بحث جهانی شدن با آمیزه ای از روندهای ایدئولوژیک، اقتصادی، نظامی و سیاسی روبرو

هستیم. ماهیت چند جانبه جهانی شدن پیش از این در مرحله اولیه‌اش آشکار بود. این مراحل چندین قرن به درازا کشید و با تسخیر جهان در اواخر قرن پانزدهم توسط کاشفان اروپایی شتاب گرفت. اما توسعه و گسترش آنها چند جانبه بود. گسترش جهانی سرمایه‌داری و امپریالیسم اروپا و ایدئولوژی‌های آن مانند مسیحیت، فردگرایی و نژادپرستی و بعدها لیبرالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی از آن جمله است. (امینی، ۱۳۸۵: ۸۹)

جهانی شدن بنا به تفسیر گیدنز هویت جدیدی را مطرح کرده، به تعمیم‌سازی آن می‌پردازد. جهانی شدن از نظر فرهنگی به وضعیتی اشاره دارد که در پرتو آن سنن و فرهنگ بومی تخریب می‌شود و نوعی همسان‌سازی فرهنگی ترویج می‌گردد. بنابراین در فرآیند جهانی شدن در چارچوب اندیشه گیدنز، آموزه‌های تجدد عالمگیر و جهانی می‌شود که در این میان، عناصر و مؤلفه‌های جدید به عنوان تشخص و هویت مطرح می‌گردد. این هویت بر بستر باورهای لیبرالیستی غرب و در چارچوب اندیشه لیبرالیسم تعریف و ارائه می‌شود. (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۲)

بنابراین، تعارض هویتی برآمده از فرآیند جهانی شدن را با هویت اسلامی می‌توان چنین بیان کرد که در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلامی بخش مهمی از هویت مسلمان را شکل می‌دهد. این هویت خواه ناخواه در درون مرزهای اعتقادی و دینی تعریف می‌گردد و نوعی مرزبندی بین خود و بیگانه را مطرح می‌کند.

یورگن هابرماس معتقد است: مواجهه جهان اسلام با آمریکا ناشی از به چالش افکندن سرمایه‌داری مدرن است و نه تفاوت‌های تکنولوژیک و نظامی غرب یا توسعه اقتصادی آمریکا در مقایسه با دیگر کشورهای جهان. در واقع آنچه جهان مدرن امروزه را به مخاطره کشیده، استعمار هویت‌های فرهنگی دیگر تمدن‌ها است. در هر حال، جامعه مدرن کنونی از آن جهت جامعه‌ای خطرپذیر قلمداد می‌شود که هر یک از مدعیان تمدن به دنبال محاصره آن به نفع ایدئولوژی و اثبات هویت برتر خود از طریق استبداد اکثریتی و تحمیل آن به اقلیت‌ها است. هابرماس اشاره می‌کند: آن‌گاه که جنگ وجهی هویتی - تمدنی به خود می‌گیرد، دیگر با دخالت نیروهای امنیتی پلیسی و قطعنامه‌های حقوقی و قضایی قابل حل نیست، بلکه نیازمند نسخه‌ای اجتماعی است. (کچویان، ۱۳۸۹: ۹۰)

غرب بر پایه نظریه جهانی‌سازی خود، ابعاد و دامنه نرم خود را تعریف و گسترش داده است، اگر در حکومت دینی، نگاهی جهانی نسبت به اهداف انقلاب دینی و دربرگرفتن افراد مختلف

در دنیا وجود نداشته باشد، عملاً نه تنها قدرت نرمی حاصل نخواهد شد، بلکه محکوم به انزوا و گوشه‌گیری در تقابل نرم با دشمن خواهیم بود؛ بنابراین با پیدایش بحران هویت در بین امت اسلامی و نقش اسلام در بازیابی این هویت از دست رفته به نظر می‌رسد بحران هویت در کشورهای اسلامی بیشتر نقش مذهبی و دینی به خود گرفته است. همانطور که هانتینگتون می‌گوید قرن بیست و یکم به عنوان عصر مذهب آغاز گشته و نشانه‌هایی از چهارگوشه جهان از ایران تا روسیه و ترکیه و جهان عرب شاهد احیای دین هستیم. به نظر او اهمیت فزاینده مذهب برای هویت ملت‌ها و مردم، به معنای حضور روزافزون مذهب در مناقشات بسیاری از بخش‌های جهان است. (همان، ۹۱)

نتیجه‌گیری

در جنگ نرم، دشمن سعی دارد در محور باور یا نگرش، ارزش، رفتار یا سبک زندگی، تغییر ایجاد کرده و درصدد تأثیرگذاری بر مخاطبان مدنظر خود باشد که مخاطبان جنگ نرم دشمن تمامی افراد جامعه هستند. جنگ نرم دشمنان به عنوان کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین تهدید علیه حکومت اسلامی است. امروزه جامعه ما و خیل وسیعی از مسئولین دارای غفلت و حرکت انفعالی در خصوص لزوم تبدیل شدن به قدرت نرم هستند، بر همین اساس در بررسی زیرساخت‌های تحقق قدرت نرم در حکومت دینی پرداخته شده که این زیرساخت‌ها شامل شناخت حقیقت تهاجم فرهنگی، تقویت فرآیند صدور انقلاب، کنترل و درونی‌سازی فضای رسانه و... می‌شود و در نهایت این نتیجه حاصل شده است که بدون ادراک جامع و عمیق نسبت به فرهنگ و تهاجم فراگیر دشمن در این زمینه، به کارگیری ابزارهای مقابله‌گر نیز ناقص و ناکارآمد خواهد بود. جامعه‌ای امکان تبدیل شدن به قدرت نرم منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت که از اسارت بینشی نسبت به دشمن خارج شود که در این زمان امکان باورداشت به ظرفیت‌های گسترده درونی برایش فراهم خواهد شد. مضاف بر این، دشمن حرکت نرم خود را برای براندازی حکومت دینی در مقیاس جهانی ترسیم نموده، در برابر این حرکت وسیع، باید جهانی‌سازی اسلامی و تمدن کلان نوین مورد نظر باشد تا رویارویی در سطوح مختلف برابر و بایسته صورت پذیرد والا هر نوع حرکتی جزیره‌وار، جزئی و خنثی‌کننده درصددی محدود از حملات دشمن در فرآیند نرم خواهد بود.

پیشنهادهات

امروزه چالش‌ها و فرصت‌های حاصل از مکانیزم قدرت نرم، یکی از موضوعات مورد ابتلاء و پرکاربرد در زندگی بشر امروزی است، نگارنده پس از نگارش این اثر، با توجه به محدودیت‌های موجود و جای کار بیشتر در این خصوص به پژوهشگران پیشنهاد می‌دهد تا در خصوص این موضوعات نیز کار شود: ۱- بررسی نقش قدرت نرم در ایجاد مصونیت بصیرتی جامعه، ۲- ساحت‌شناسی تهاجم و تبادل فرهنگی در مکانیزم قدرت نرم، ۳- آسیب‌شناسی قدرت نرم در حکومت دینی.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. اکبری، محمدرضا (۱۳۷۸). مواضع امام خمینی، تهران: پیام عترت.
۴. امینی، علی اکبر (۱۳۸۵). جهانی شدن و جهانی سازی، تهران: نی.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). راه های مقابله با تهاجم فرهنگی، تهران: آفرینش.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). تسنیم، قم، اسراء.
۷. حسینی، سیدتقی (۱۳۹۶). فضای مجازی از دیدگاه آیات و روایات، تهران: سیمای افق.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. دبیرسیاقی، سیدمنوچهر (۱۳۷۵). در غرب چه می گذرد، تهران: بحرالعلوم.
۱۰. رنجبران، داوود (۱۳۸۹). جنگ نرم، تهران: ساحل اندیشه.
۱۱. روشن دل، جلیل و قلی پور (۱۳۷۷). رافیک، سیمای زن در جهان، ایالات متحده آمریکا، تهران: برگ زیتون.
۱۲. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸). همیشه بهار، تهران: معارف.
۱۳. شهابی، محمد (۱۳۸۴). الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: نی.
۱۴. شیخ حر عاملی (۱۳۹۱). وسائل الشیعه، قم: جامعه مدرسین.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). المیزان، قم: جامعه مدرسین.
۱۶. فولادی، محمد و بختیاری، محمدعزیز (۱۳۹۳). عوامل تضعیف خودباوری فرهنگی، تهران: قلم.
۱۷. کچویان، حسین (۱۳۸۹). نظریه های جهانی شدن، پیامد چالش های فرهنگ و دین، تهران: نی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، تهران: نی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی و ریشه های آن، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). جامعه و تاریخ، تهران: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). آینده انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
۲۲. نائینی، محمدعلی (۱۳۹۱). اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: ساقی.

قدرت نرم در حکمرانی شایسته مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره) با تاکید بر شفافیت

سعید ذکریابور سورکوهی^۱مرتضی علویان^۲رحمت عباس تبار^۳

چکیده

یکی از جلوه های قدرت نرم، ارائه الگوی جذاب و شایسته اداره گری و حکمرانی است. حکمرانی خوب یکی از نتایج تلاش ها برای یافتن الگویی مطلوب برای حکمرانی است که توسط کارشناسان بانک جهانی مطرح گردید. تعاریف مختلفی برای شاخصه های حکمرانی خوب، از سوی مراکز و شخصیت های مختلف مطرح شده است اما عناصر کلیدی حکمرانی خوب شامل پنج مولفه پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی و حاکمیت قانون است. شفافیت بعنوان یکی از مولفه های مهم حکمرانی خوب، به طور خلاصه، هر آن عملی است که توسط حکومت برای در جریان قرار دادن مردم از تصمیماتشان و ارائه اطلاعات لازم برای زندگی شان انجام می شود. این مفهوم، مورد توجه پژوهشگران مختلفی قرار گرفته است که بخشی از آن ها به تلاش برای تایید و بسط این مفهوم در اندیشه اسلام و متفکرین اسلامی می پردازند. این نوشتار در صدد پاسخ به این سوال است که شفافیت چه جایگاهی در قدرت نرم در حکمرانی شایسته در اندیشه امام خمینی (ره) دارد. برای این پژوهش، از روش شبکه مضامین، یکی از روش های تحلیل مضمون، بعنوان یکی از پرکاربردترین روش های تحلیل داده استفاده شده است. در این روش، مضامین پایه مرتبط با شفافیت در منبع مورد پژوهش، گردآوری شده و مضامین پایه مرتبط، ذیل مضامین سازمان دهنده دسته بندی می شوند و مضامین سازمان دهنده مرتبط، ذیل مضامین فراگیر انسجام می یابند. پس از مطالعه و بررسی، شفافیت در اندیشه امام خمینی (ره) در دو مضمون فراگیر تحت عنوان "محتوای شفافیت در اندیشه امام خمینی (ره)" و "ملزومات شفافیت ساز در اندیشه امام خمینی (ره)" فصل بندی شد و نتایج حاصله از پژوهش نشانگر آن است که در اندیشه امام خمینی (ره)، منطبق با اندیشه علوی، شفافیت در معنا امری عجین با حکمرانی ایشان و مورد پذیرش و مورد تاکید ایشان بوده است هر چند که نامی تحت عنوان "شفافیت"، در منظومه ادبیات و سخنان ایشان وجود ندارد.

واژه های کلیدی: قدرت نرم، حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته، شفافیت، نهج البلاغه، امام خمینی (ره)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
saeed.hoseiin.z@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

در سالهای آخرین قرن بیستم، قدرت سیاسی در قالب هایی چون قدرت نرم و قدرت هوشمند مطرح شده است که با اشکال نظامی و اقتصادی آن، که به طور سنتی مورد توجه دانشوران و سیاستمداران بوده است، تفاوت عمده دارد. این قالب ها به خصوص در محافل دانشگاهی و سیاستگذاری آمریکا مورد توجه قرار گرفته اند. البته، از دوران قدیم آثار فراوانی در ارتباط با قدرت نرم وجود داشته اند، هر چند به این نام مفهوم سازی نشده و یا اینکه مورد تبیین تئوریک قرار نگرفته بودند. (امام زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴) از جمله مفاهیم دیگری که در دهه های اخیر مورد توجه اندیشمندان و سازمان های جهانی قرار گرفته است، مسئله حکمرانی خوب است. برای این منظور، دانشمندان و سازمان های مختلفی، به بیان ویژگی ها و ملاک هایی برای یک حکمرانی خوب که تضمین کننده نتایج و دستاوردهای مثبتی برای اجتماع می باشد، پرداخته اند. یکی از شاخصه ها و ملاک هایی که بسیاری از اندیشمندان بعنوان یکی از ملاک های حکمرانی خوب بدان پرداخته اند، شفافیت است. شفافیت در حکمرانی خوب، از جایگاه ویژه ای در رسیدن به اهداف این نظریه و مدل حکمرانی برخوردار است. اسلام بعنوان دینی که مدعی طرح همه جانبه مسائل لازم برای پیشرفت و سعادت بشر است، در حوزه حکمرانی نیز، مدعی مدل حکمرانی مطلوبی است که به طور قراردادی این حکمرانی مطلوب اسلامی را حکمرانی شایسته مینامیم. قدرت نرم در حکمرانی شایسته، به مولفه ها، برنامه ها و مزیت های گفتمانی اسلام برای اداره جامعه اسلامی اطلاق می گردد.

چارچوب نظری

۱. حکمرانی خوب

قدرت نرم، توانایی دستیابی دولت ها، سازمان ها و افراد به اهدافی معین از طریق متقاعد کردن دیگران (و نه تشویق و یا تهدید آنان) به انجام کاری و یا باز داشتن آنان از کاری می باشد که بر خلاف میل اولیه آنان بوده است (Nye¹, 2004:x). متقاعد کردن دیگران بدون توسل به تشویق و یا تهدید مستلزم استفاده از جاذبه ها یا جذابیت ها می باشد، که بدون آنها قدرت نرم

تحقق یافتنی نیست. (امام زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴) یکی از جلوه های قدرت نرم و مقاعدسازی بدون استفاده از زور، مقاعدسازی اندیشمندان و سیاستمداران در خصوص نحوه اداره گری شایسته حکومت و ارائه الگویی جذاب برای حکمرانی است که بتواند برای مردم و کشور، رفاه، پیشرفت، عدالت، مشارکت و رضایتمندی را به همراه آورد که میتوانیم از آن تحت عنوان حکمرانی خوب یاد کنیم.

در مورد حکمرانی خوب، تعاریف مختلفی ارائه شده است. با دقت می توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آنها چندان تفاوتی نمی کند، گر چه به هر حال این تعاریف کم و بیش با یکدیگر اختلافاتی دارند. اساس یک تعریف حکمرانی خوب عبارت است از نظامی از ارزش ها، سیاست ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی، و مدنی مدیریت می کند. (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۱۲) در تعریفی دیگر، حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخ گویی و اثربخشی است. (میدری، ۱۳۸۳: ۹۳-۱۱۸) تعریفی دیگر نیز حکمرانی خوب را اینگونه معرفی می کند: راهکارها و فرایندها و نهادهایی که به واسطه آنها شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعداشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می کنند. (شریف زاده، فتاح و قلی پور، ۱۳۸۴: ۹۳)

در متون مختلفی، شاخص های حکمرانی خوب، به صورت متفاوت ذکر شده اند. بانک جهانی شاخص های ذیل را برای سنجش حکمرانی خوب در دوستان کشور استفاده کرده است: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و پایداری (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶: ص ۵). یک مبنای اساسی برای ویژگی های حکمرانی خوب، شاخص های هشت گانه ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل مطرح شده اند. این شاخص ها عبارت اند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، اجماع سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی، و در نهایت پاسخگویی (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). تعاریف مختلف دیگری نیز برای شاخصه های حکمرانی خوب، از سوی مراکز و شخصیت های مختلف مطرح شده است اما اتفاق نظر وجود دارد که عناصر کلیدی حکمرانی خوب شامل پنج مولفه پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی و چارچوب قضایی حقوقی توانمندساز (یا همان حاکمیت قانون) است. (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۶۳)

۲. حکمرانی شایسته

اسلام بعنوان یک دین الهی که قرار است برنامه ای برای شیوه زندگانی بشر ارائه کند، در مسئله مهمی مانند حکومت نیز قطعا انسان ها را بدون راهنمایی و راهنما رها نگذاشته و وجود کتب متعدد در باب حکومت اسلامی از سوی متفکرین متعدد شیعه و سنی و همچنین ارائه مدل حکومتی چون حکومت پیامبر در مدینه و حکومت امیرالمومنین (ع) بر بلاد اسلامی و همچنین خلفای اهل سنت، نشانگر اهمیت حکومت در اسلام و بی تفاوت نبودن اسلام نسبت به مقوله حکومت است و از همه مهم تر داشتن برنامه عملی برای شیوه حکمرانی است. صرف نظر از اینکه، اندیشمندان مختلفی به بسط ویژگی های حکومت در اسلام و شیوه اعمال حکومت و حاکمیت در اندیشه اسلامی پرداخته اند، یکی دیگر از راههای بسط حکمرانی اسلامی، تطبیق مفاهیم و ترمینولوژی های نوپدید در اندیشه اسلامی و تایید و یا عدم تایید آن از سوی اسلام است. از جمله این مفاهیم نوپدید که پژوهش های زیادی پیرامون مابه ازایابی و تطبیق آن مفهوم در اندیشه اسلامی صورت گرفته است حکمرانی خوب است. برخی از پژوهشگران، برای تمایز قرار دادن معیارهای حکمرانی خوب در اندیشه غربی و اندیشه اسلامی، از واژه حکمرانی شایسته برای حکمرانی مطلوب و خوب در اندیشه اسلامی استفاده کرده اند که در این پژوهش نیز، عبارت قراردادی ما برای حکمرانی مطلوب در اندیشه اسلامی، "حکمرانی شایسته" است. پژوهش های مختلفی هر یک به نحوی به بسط برخی از شاخصه های حکمرانی خوب در اندیشه اسلامی پرداخته اند. در این پژوهش، به شاخصه "شفافیت"، بعنوان یکی از شاخصه های حکمرانی خوب پرداخته می شود.

۳. شفافیت و جایگاه آن در حکمرانی شایسته

ریشه های حکمرانی مطلوب را اگر چند عنصر تعیین کننده بدانیم، بدون شک یکی از اساسی ترین آنها مقوله شفافیت خواهد بود؛ پدیده ای که در صورت تحقق آن، سلامت یک نظام سیاسی و ساختارهای آن تا حد زیادی تضمین شده و زمینه مبارزه با فساد و ریشه کنی آن در محیط جامعه را فراهم می آورد. شفافیت به نحوی حکمرانان را در اتاق شیشه ای قرار می دهد و مردم می توانند قضاوت درستی درباره عملکرد آنها داشته باشند و میزان کارآمدی آنها را مورد سنجش قرار دهند. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹۴-۹۵)

شفافیت، از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت های مردم سالار و اصلاح اداره عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می شود؛ چنان که امروزه به عنوان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی خوب محسوب می گردد. مردم چنانچه در جریان تصمیم گیری ها قرار گیرند، متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت خاطری است که ملت نسبت به حکومت پیدا می کنند و در جهت استمرار و تقویت آن گام بر خواهند داشت. (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ۴)

مطابق با نکاتی که ذکر گردید، در این پژوهش، شفافیت، بعنوان یکی از مفاهیم نوپدید در عرصه حکمرانی، و یکی از شاخصه های مهم در حکمرانی خوب، به صورت تطبیقی در اندیشه و حکمرانی امام خمینی (ره)، بعنوان یکی از مهم ترین شخصیت ها و متفکرین اسلامی و بنیانگذار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای اندیشه و حکمرانی امام علی (ع) بررسی شده و نسبت شفافیت با اندیشه اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) احصاء خواهد شد.

روش پژوهش

روش تحقیق، به طور عمده به دو روش کیفی و کمی تقسیم می گردد. در روش کمی ما با آمار و ارقام و یا نظرسنجی مواجهیم، اما در روش کیفی با متن و اندیشه. انواع مختلفی از روش ها برای تحلیل کیفی وجود دارد. یکی از روش های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون^۱ است (براون^۲، ۲۰۰۶)؛ تحلیل مضمون به سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین صورت می گیرد. در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده می شود. الگوریتم این پژوهش که به مقوله شفافیت در اندیشه علوی می پردازد بدین صورت در قالب روش شبکه مضامین ارائه می شود.

1. Theory Analysis

2. Braun

جدول شماره ۱. الگوریتم پژوهش در قالب روش شبکه مضامین مطابق با شکل مضمون آتراید و

استیرلینگ (آترایدو استیرلینگ، ۲۰۰۱)

مرحله	اندیشه		شفافیت در اندیشه علوی
	استخراج مضامین پایه	استخراج مضامین پایه در نهج البلاغه	
مرحله اول	دسته بندی و تخلص مضامین پایه	دسته بندی و تخلص مضامین پایه مستخرج از نهج البلاغه	
مرحله دوم	کشف مضامین سازمان دهنده	کشف مضامین سازمان دهنده مستخرج از نهج البلاغه	
مرحله سوم	کشف مضامین فراگیر	کشف مضامین فراگیر برای مضامین سازمان دهنده مستخرج از نهج البلاغه	

در واقع، پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، شناسایی مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه ای انجام می شود؛ در این مرحله از تحلیل مضمون سعی می شود با سازمان دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه ای انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون های اصلی تری رهنمون سازد. (خان احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۱)

در این پژوهش، ابتدا نهج البلاغه بعنوان مبنای سند مطالعه ما برای حکمرانی امیرالمومنین (ع)، بعنوان نمونه عالی حکمرانی شایسته مورد مطالعه دقیق قرار می گیرد و متن های دارای ارتباط با شفافیت از آن استخراج می گردد. سپس برای متن ها عنوان بندی اولیه یا مضمون پایه در نظر گرفته می شود. پس از عنوان بندی متن ها، این مضامین به دسته بندی های هم خانواده و دارای ارتباط (سازمان دهنده مضامین پایه) ذیل مضامین فراگیر ما تقسیم می گردد. در نهایت نیز مضمون فراگیر ما بر اساس این دسته بندی ها و مضامین مستخرج از متن سازمان دهی می شوند. سپس مطابق با الگوی مستخرج از نهج البلاغه، ما به ازای همه تیرها و سرفصل های به دست آمده در اندیشه امام خمینی (ره) مورد واکاوی قرار گرفته و احصاء می شوند.

الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته

این پژوهش اساسا به واکاوی اندیشه می پردازد. هر اندیشه ای برای هویدا شدن و اعلام شدن، به سخن و یا متن تبدیل می گردد. برای واکاوی اندیشه، آن متن یا گفتار، باید در متن پیاده و تجزیه و تحلیل گردد. همانطور که ذکر گردید، این پژوهش بر مبنای الگوی حکمرانی علوی،

بعنوان الگوی حکمرانی شایسته یا همان الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی می باشد و برای این منظور، اندیشه های امیرالمومنین(ع)، مورد مطالعه قرار گرفته است. سخنان حضرت امیر(ع)، در روایات مختلف و در کتب مختلفی گردآوری شده است که یکی از جامع ترین و موثق ترین آن ها نهج البلاغه است. در این تحقیق، کتاب نهج البلاغه، مبنای واکاوی ما قرار گرفت و بر اساس روش پژوهش، بر اساس جدول ذیل، الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته تدوین گردید.

جدول شماره ۲- الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه علوی

ردیف	مضمون فراگیر	ردیف	مضامین پایه یا عنوان بندی اولیه	متن و سند
۱	محتوای شفافیت	۱	آموزش بینش سیاسی	خطبه های ۲۲، ۱۳۱، ۵۱، ۳۳، ۶۱
		۲	روشنگری و بصیرت افزایی	خطبه های ۱۴۸، ۷۷، ۷۳، ۱۶۹
		۳	صراحت	خطبه های ۲۰، ۱۸، ۷۷، ۱۹، ۱۵۶، ۵۶، ۷۱
		۴	ارتباط بدون واسطه با مردم	خطبه ۱۲۵، ۸۹
		۵	گزارش دهی به مردم	خطبه ۶۸، ۵۴، ۴۳
		۶	آزادی بیان دادن به مردم	خطبه ۱۶۲ و نامه ۵۳
۲	ملزومات و ساختارهای ایجاد شده برای تحقق شفافیت	۱	پنهان گریزی	نامه ۶۹
		۲	راست گزینی	خطبه ۱۰۸
		۳	تبیین گری	خطبه ۳
		۴	بیان عذر تقصیر	نامه ۵۳
		۵	حضور در میدان	نامه ۵۳
		۶	شفافیت اطلاعات	نامه ۵۰
		۷	حاکمیت قانون	نامه ۵۰
		۸	نظارت جدی	نامه های ۴۰، ۴۳
		۹	پرهیز از نفاق	نامه ۲۶
		۱۰	پاسخگویی	نامه ۵۳
		۱۱	امانت داری	نامه ۵
		۱۲	مشاورت و مشارکت	نامه های ۵۳، ۵۰
		۱۳	آزادی بیان	خطبه ۱۶۲

جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

در تبیین جایگاه شفافیت در اندیشه امام خمینی (ره)، میتوانیم فارغ از توجه به مدل ارائه شده در تبیین جایگاه شفافیت در اندیشه علوی، به ارائه مدلی جدید و ویژه بر اساس مواضع و عمل ایشان در طول حیات به ویژه در دوران بیش از ده ساله زمامداری جمهوری اسلامی، پردازیم اما به دلیل پیوستگی پژوهش و همچنین نگاه تطبیقی به اندیشه و عمل امام خمینی (ره) با اندیشه و حکمرانی امیرالمومنین (ع) بعنوان نمونه حکمرانی شایسته و یا حکمرانی مطلوب اسلامی، در همان سرفصل های الگوی مطالعاتی، آن را تدوین کنیم.

۱. محتوای شفافیت

برای اینکه بتوانیم محتوای شفافیت را با توجه به اینکه مفهومی جدید در قرن معاصر در حکمرانی است، در اندیشه و حکمرانی امام خمینی (ره)، مطابق با الگوی حکمرانی شایسته در اندیشه امام علی (ع) احصاء کنیم، در شش مولفه آموزش بینش سیاسی، روشنگری و بصیرت افزایی، صراحت، ارتباط بدون واسطه با مردم، گزارش دهی به مردم و آزادی بیان دادن به مردم، به استخراج بیانات و سیره حکمرانی ایشان مرتبط با آن پرداختیم که در ذیل بدان اشاره می گردد.

- آموزش بینش سیاسی

یکی از مباحث مهم در شفافیت، آموزش است. آموزش زیربنای فهم شفافیت، خواست و مطالبه گری شفافیت و همچنین تاثیرگذاری و فایده بخشی آن است. امام خمینی (ره)، همواره به آموزش بینش سیاسی صحیح به مردم حساس بودند و اهتمام داشتند. برای نمونه ایشان خطاب به مردم می فرمایند:

"از آغاز انقلاب تاکنون، یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است دور کردن مردم از صحنه های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمانهای اجتماعی - سیاسی اسلام بوده است؛ که در راه تحقق آن به انواع حيله ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده اند؛" (صحیفه امام، ج ۲: ۹)

از موارد دیگر آموزش های امام (ره) به مردم، آموزش مبانی سیاسی خصوصاً مبانی سیاست در اسلام به مردم بود که برای نمونه یکی از سخنان امام (ره) خطاب به مردم در ذیل آورده می شود.

"اسلام همه چیز است ... یکی از بدترین چیزی که اجانب در بین مردم و در بین خود ما القا کردند، این است که اسلام برای این است که ما همان عبادت بکنیم. چنانکه مذهب مسیح را هم مسخ کردند؛ مذهب مسیح مسخ شد. مسیح هرگز نمی‌شود که دعوتش این باشد که فقط عبادت بکنید، ظلمه را بگذارید به کار خودشان! این نمی‌شود؛ نبی نمی‌تواند اینطور باشد. مسخ شده است اینها. اینها اسلام را در نظر ما، در نظر جاهلین مسخ کردند؛ اسلام را به صورت دیگر نشان دادند. و این از کیدهایی بود که با نقشه‌ها پیاده شده است؛ و ما خودمان هم باور کردیم «آخوند را به سیاست چه؟! این حرف حرف استعمار است: آخوند را به سیاست چه؟!» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۸۶)

ایشان در راستای تقویت بیش‌سیاسی مردم، در تبیین و معرفی جریانات سیاسی و فکری در کشور به مردم کوشا بودند. برای نمونه در جایی می‌فرمایند:

"من بعض از آن جریانات را عرض می‌کنم و به ملت تنبه می‌دهم که بیدار باشند و يك وقت - خدای نخواست - يك وقتی بیدار نشوند که کار از دست گذشته باشد. من جمله از جریانات، این است که به من کراراً اطلاع دادند که بعض جوانها و بعض بیخبرها یا اشخاصی که با طرح وارد شده‌اند و آنها را اغفال کرده‌اند: به بعض مراجع بزرگ اسلام اهانت می‌کنند. در شهرهای مختلف، این مطلب دیده می‌شود. و شما بدانید که این مطلب اهانت کردن به مراجع جز اینکه يك اختلافی در بین ملت ایجاد کند و جز اینکه يك مطلب برخلاف رضای خدایی واقع بشود، نتیجه ندارد." (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۶۴-۳۶۵)

- روشنگری و بصیرت‌افزایی

از دیگر مباحث ذیل شفافیت در اندیشه و حکمرانی امام خمینی، روشنگری است. روشنگری یکی از جلوه‌های بروز شفافیت در سیره امام است. یکی از جلوه‌های روشنگری‌های امام، روشنگری نسبت به مخالفین جمهوری اسلامی بود. ایشان در بیاناتی اینچنین در خصوص مخالفان روشنگری می‌کنند:

"اینهایی که با جمهوری اسلامی مخالفت دارند و با قلمشان و با زبانشان آن مسائل را طرح می‌کنند بشناسید، که يك وقت اینها اغفال نکنند شما را. اینهایی که داد این را می‌زنند که ما طرفدار مردم هستیم و طرفدار خلق هستیم اینها همینها هستند که حاصل رنج يك جمعیتی را در

يك سال با يك كبريت آتش می‌زنند، و نمی‌گذارند کارخانه‌ها راه بیفتند. هر وقت هم راجع به يك کار اصلاحی پیش می‌آید، اینها مخالفت می‌کنند." (صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۳۸)

امام نسبت به روشنگری پیرامون فتنه‌های فتنه‌گران نیز اهتمام داشتند و در صورت بروز فتنه به میدان روشنگری مردم و کارگزاران وارد می‌شدند. برای نمونه به سخنانی از امام در خصوص فتنه‌گری "فدائیان خلق" در کردستان اشاره می‌گردد:

"شما خیال نکنید که يك فدایی خلق شوروی ما داریم اینجا. این «فدایی خلقهای امریکایی» اند! اینها از آن طرف‌اند، نه این طرف. هر دو طرفش را ما مخالف با آن هستیم. از اول هم «حزب توده» يك حزب توده انگلیسی بود! من رأسش را می‌شناختم، همسفر مکه من بود. مسلمان هم بود! حزب توده‌ای که درست کرده بودند، حزب توده انگلیسی بود. منتها به اسم کمونیست شوروی به خورد ما می‌دادند!" (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۳۷)

- صراحت

از دیگر مواردی که در تبیین شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد، صراحت است. این صراحت چه در برابر افراد و گروه‌ها باشد و چه در برابر مردم. امام خمینی، یکی از صریح‌ترین رهبران قرن حاضر بودند و در برابر هیچ قدرتی، واهمه‌ای از صراحت نداشتند.

برای نمونه، ایشان در پیامی که برای سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه صادر کردند، اینچنین در قبال این حادثه و همچنین آل سعود موضع گرفتند:

"علی‌رغم گذشت يك سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۷۴)

از جلوه‌های بارز صراحت امام، صراحت در برابر خواص و نخبگان بود. یکی از جلوه‌های معروف این صراحت در عزل آقای منتظری، قائم مقام رهبری بروز کرد. به بخشی از نامه امام در عزل آقای منتظری، اشاره می‌گردد:

"والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده لوح

می دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیل کرده که مفید برای حوزه های علمیه بودید و اگر اینگونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی کنم." (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۳۱)

امام در برابر کارگزاران حکومت نیز، کاملاً صریح بودند و سعی می کردند هشدارهای لازم را به کارگزاران بدهند. در ذیل به یکی از این هشدارهای صریح اشاره می گردد:

"آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می کنم که سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می گیرد بسیار شکننده است." (صحیفه امام، ج ۲۱: ۶۵)

- ارتباط بدون واسطه با مردم

امام خمینی، یک شخصیت مردمی داشت و دیدارهای مختلف او با اقشار مختلف مردم چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب و در زمان رهبری جمهوری اسلامی استمرار داشت. امام بین خود و مردم حائلی قائل نمی شد و سعی می کرد همیشه در کنار مردم باشد، سخنانشان را بشنود و از نزدیک به سخن گفتن برای آنان بپردازد. انبوه دیدارهایی که از دیدارهای امام با مردم ثبت شده است، نشانگر این روحیه است. ایشان همواره به شبهاتی که گروه های مختلف در جامعه می پراکندند حساس بوده و به پاسخگویی بدان برای مردم می پرداختند. برای نمونه در منشور روحانیت، امام در این پیام به برخی شبهه افکنی ها و تردیدهایی که برخی از گروه های دینی علیه انقلاب راه انداخته بودند پاسخ می دهد که در ذیل به یکی از این فرازاها اشاره می گردد:

"دیروز «حجتیه ای» ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده اند! «ولایتی» های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند." (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۰-۲۸۱)

- گزارش دهی به مردم

از جمله اقدامات امام خمینی (ره)، گزارش دهی مستمر به مردم بود. در گوشه گوشه بیانات و پیام های ایشان، فرازهایی از گزارش دهی و شرح مآل و مقصد توسط ایشان وجود دارد. برای نمونه به یکی از این گزارشات امام در خصوص علاقه جناحهایی در داخل برای ارتباط با آمریکا و کارشکنی های آنان در دیدار با مردم کنگاور اشاره می گردد:

"از آن روز اولی که ما آمدیم به اینجا و قبلش، اخلاص می کردند. قدم به قدم اخلاص می کردند. خواستید رأی بدهید، رأی نمی گذاشتند بدهید. یک دسته ای نمی گذاشتند. آنجا جلو رفتید و شکست دادید آنها را. بعدش قدم دوم. بعدش راجع به قانون اساسی، چه حرفهای مزخرف زدند. و گفتند و اخلاص به اینکه نباشد یک همچو چیزی بشود. بعد مردم رأی دادند. و در این رأی صد در صد از آن رأی سابق بیشتر بود. مردم صدی نود رأی دادند. حالا به دست و پا افتادند که اربابها دارند شکست می خورند، چه بکنیم. باز هیاهو می کنند. می خواهند رأی چند نفر آدم را بر رأی تمام ملت به اسم مصلحت ملت." (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۶۰-۲۶۱)

- آزادی بیان دادن به مردم

امام خمینی در حکمرانی، مبنا را بر آزادی بیان دادن به مردم قرار داده بودند و آن را حقی برای آنان می دانستند. در این خصوص ایشان، پیش از پیروزی انقلاب، در مصاحبه با روزنامه «لوتا کوئتنوا» درباره ویژگی های حکومت اسلامی بیان داشتند:

"هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد- خود به خود- از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل می کند." (صحیفه امام، ج ۵: ۴۰۸)

۲. ملزومات شفافیت ساز در اندیشه و حکمرانی امام خمینی (ره)

در این بخش به ملزومات شفافیت ساز در اندیشه و حکمرانی امام خمینی (ره) در سیزده عنوان

پنهان‌گریزی، راست‌گزینی، تبیین‌گری، بیان‌عذر تقصیر، حضور در میدان، شفافیت اطلاعات، حاکمیت قانون، نظارت جدی، پرهیز از نفاق، پاسخگویی، امانت‌داری، مشاورت و مشارکت و آزادی بیان می‌پردازیم. برخی از این مولفه‌ها، اگر چه مستقیم ارتباط با شفافیت ندارند، اما به تحقق و نهادینه‌سازی شفافیت کمک می‌کنند.

- پنهان‌گریزی

امام خمینی به تاسی از امیر المومنین (ع)، بر آماده بودن مسئولین برای پنهان‌گریزی و افشای عمل تأکید می‌کردند و آن‌ها را برای تنظیم عمل برای آن روز آماده می‌کردند. در یکی از این فرازها خطاب به نمایندگان مجلس بیان کردند:

"بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست، و يك انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام الله» - خدای نخواست - باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می‌خوانند!" (صحیفه امام، ج ۱۴: ۸۰)

- راست‌گزینی

امام خمینی همواره بر صداقت و پرهیز از دروغ تأکید داشتند. برای نمونه ایشان در دیدار با کمیته تبلیغات برگزارکنندگان هفته جنگ، بر صداقت در تبلیغات تأکید کردند و بیان کردند:

"امیدوارم موفق و مؤید باشید و تبلیغاتتان همیشه بر اساس صدق و صداقت باشد. کارهایتان را بر اساس صدق و صداقت و صفا انجام دهید و همیشه مصالح ایران را در نظر بگیرید." (صحیفه امام، ج ۱۹: ۵۶)

- تبیین‌گری

امام خمینی همواره به تبیین و توضیح تصمیمات مهم خود می‌پرداختند و این موضوع در جای جای تاریخ سیاسی انقلاب مشاهده می‌گردد. برای نمونه امام یک روز پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری در دیدار با اқشار مختلفی از مردم، به تبیین آن پرداختند و بیان کردند:

"کراً! من گفتم که بیا برو (منظور بنی صدر) از این گروهکهای فاسد، از این

منافقین، تبری کن؛ حیثیت خود را از دست نده. بیا برو در ملاء عام و اینها را از خود بران. اینها تو را به تباهی می کشند. این گرگهایی که اطراف تو جمع شده اند الا بعض معدود آنها، همه آنها گرگهایی هستند که می خواهند ترا به تباهی بکشند، اینها را از خود بران. و برای اینکه نتوانست بفهمد اسلام یعنی چه و کشور اسلامی یعنی چه و ملت اسلام یعنی چه و ارتش اسلام یعنی چه و سایر قوای مسلح اسلام یعنی چه، این خودش را به تباهی کشاند." (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۸۷-۴۸۸)

- بیان عذر تقصیر

امام خمینی، نه تنها مسئولین را به لزوم عذر داشتن نزد مردم توصیه می کردند، بلکه خود نیز در صورت اشتباهات دستگاه ها از مردم عذرخواهی می کردند و به مسئولین می آموختند یا باید در پیشگاه مردم عذر موجه داشته باشید و یا عذرخواهی کنید و اصلاح کنید. در ذیل به نمونه ای از عذرخواهی امام پیرامون اصلاح نشدن بروکراسی و کاغذبازی در وزارتخانه ها از مردم اشاره می گردد:

"من از پیشگاه ملت ایران معذرت می خواهم. من از شما برادران، برادران ارتشی، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام جوانهای خودشان را دادند، معذرت می خواهم. ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدهیم. ما ضعیف هستیم. ما باز گرفتار کاغذبازی هستیم." (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۷۸-۴۷۹)

- حضور در میدان

امام یک شخصیت مردمی بود و در فواصل مختلف با مردم دیدار می کرد. در بسیاری از این دیدارها و یا خارج از دیدار، گروهی از مردم نسبت به مسائل مختلف با ایشان صحبت می کردند و امام را از مشکلات منطقه خود آگاه می ساختند. امام همواره میان مردم حضور داشت و با مردم سخن می گفت. به نمونه های این دیدارها و بیانات در مثالهایی در بالا اشاره گردید.

- شفافیت اطلاعات

امام خمینی قائل به در میان گذاشتن امور با مردم بودند. این معنا را به طرق مختلف به مسئولین مطرح می کردند. در یکی از این بیانات خطاب به اعضای هیات دولت بیان کردند:

"این مسائلی را که به من گفتید در يك همچو اتاق محدودی، بهتر این است که هر يك از آقایان که متکفل يك امری هستند، وقتی کاری انجام می دهند بروند در رادیو بگویند و از مردم بخواهند که هرکس اشکالی دارد که مثلاً ما بر خلاف می گوئیم، بیایند اطلاع بدهند. در روزنامه ها اطلاع بدهند، خودشان بیایند در محضر عمومی اطلاع بدهند." (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۹۳-۴۹۴)

- حاکمیت قانون

امام خمینی، همیشه به قانون گرایی تأکید داشتند و خود را به آن مقید می دانستند. این سخنان امام، که پیش از انقلاب ایراد شده و قانون گرایی را حتی در قبال قوانین رژیم شاهنشاهی مطالبه می کنند، گواه این مطلب است:

"اگر به قوانین اسلام، شما اعتقاد دارید، این قوانین اسلام؛ و اگر به قوانین اساسی، به قانون اساسی شما اتکا دارید، قانون اساسی مردم را آزادی داده است در مسکن، در کارهای خودش، در مالش، در جانش، آزادی داده است؛ از این زورگوییها قانون منع کرده است. ما می گوئیم شما آقا بیایید به قانون عمل کنید. می گذاریم قانون را زمین." (صحیفه امام، ج ۱: ۲۸۷)

- نظارت جدی

امام خمینی بر اعمال کارگزاران نظارت داشتند و از آنها گزارش گیری مخفی داشتند. برای نمونه ایشان در نامه به شورای عالی قضایی و دادستان کل کشور، به گزارشهایی استناد می کنند که به ایشان رسیده و از اعمال خودسرانه افراد مسئول و غیر مسئول خبر می دهند و به ضرورت برخورد با آنان تأکید می کند:

"اخیراً گزارشهایی می رسد که افراد غیر مسئول، و احتمالاً از گروههای منحرف، و گاهی مقامات مسئول بر خلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و

املاک محترم مردم می‌شوند و به‌طور سرخود به تقسیم املاک و مصادره اموال اشخاص می‌پردازند؛ وگاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد و آنان را جلب می‌نمایند؛" (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۸)

- پرهیز از نفاق

امام خمینی سیاست صحیح و اسلامی را سیاستی به دور از دروغ، خدعه و تزویر می‌دانند و سیاست را رسالت انبیا می‌دانند و سیاستمدار اسلامی را از سیاست همراه با فریب و نفاق پرهیز می‌دهند. در یکی از بیانات امام، ایشان این معنا را با ذکر خاطره ای اینچنین شرح می‌دهند:

"وقتی که ما در حبس بودیم و بنا بود که حالا دیگر از حبس بیرون بیاییم و برویم قیطریه و در حصر باشیم، آن رئیس امنیت آن وقت در آنجا حاضر بود و ما بنا بود از آن مجلس برویم، ما را بردند پیش او. او ضمن صحبت‌هایش گفت که: آقا! سیاست عبارت از دروغ‌گویی است، عبارت از خدعه است، عبارت از فریب است، عبارت از پدرسوختگی است، این را بگذارید برای ما. من به او گفتم: این سیاست مال شماست! البته بعدش آمد دروغی گفت که [فلانی] بنا گذاشتند که در سیاست دخالت نکنند و ما هم جوابش را دادیم. مسئله این است، البته سیاست به آن معنایی که اینها می‌گویند که دروغ‌گویی، با دروغ‌گویی، چپاول مردم و با حيله و تزویر و سایر چیزها، تسلط بر اموال و نفوس مردم، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد، این سیاست شیطانی است. و اما سیاست به معنای اینکه جامعه را راه برد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای تبی اکرم با لفظ «سیاست» ثابت شده است. و در دعای، در زیارت جامعه ظاهراً هست که «ساسة العباد» هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد." (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۱-۴۳۳)

- پاسخگویی

در منظومه فکری امام، مسئولین در حکومت اسلامی باید پاسخگوی مردم باشند و مشروعیت

آنان در گرو این پاسخگویی است. اما در مصاحبه با روزنامه «لوتا کوتینوا» بر این معنا اینچنین تأکید می کنند:

"هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد- خود به خود- از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل می کند." (صحیفه امام، ج ۵: ۴۰۷)

- امانت داری

امام خمینی، همواره نسبت به امانت بودن حکومت و لزوم امانتداری تأکید داشتند. برای نمونه ایشان در دیدار ارتشی ها و شوراهای اسلامی در همین خصوص، اینچنین به امانت داری سفارش می کنند:

"امروز اسلام به دست ما سپرده شده است و از ما امانتداریش را می خواهند. اگر ما امروز به این گروههایی که مخالف با اسلام هستند و با اسم اسلام پیش شما نفوذ دارند می کنند، اگر امروز ما گول بخوریم از اینها یا- خدای نخواسته- دنبال اینها برویم، این امانتی که دست ما بوده است به آن خیانت کرده ایم. به این امانت ما نباید خیانت بکنیم. ما باید امانتدار باشیم و اسلام را حفظ بکنیم." (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۷۲)

- مشاورت و مشارکت

امام خمینی، بر ضرورت مشورت خواهی به همه اقشار تأکید داشتند. در یکی از این نمونه ها، ایشان در توصیه به مجلس شورای اسلامی، بر ضرورت مشورت برای رای دادن تأکید می کنند و بیان می کنند:

"من امیدوارم که ان شاء الله جدیت زیاد در این مسئله بکنید. و ان شاء الله رأیهایی که شما می دهید، مشورتها زیاد باشد. بلکه گاهی وقتها با بعض افراد شورای نگهبان مشورت کنید و بعد از اینکه مشورت شد و این امور آن طور شد،

دیگر نه شورای نگهبان رد می‌کند و نه مردم ناراضی می‌شوند." (صحیفه امام،

ج ۱۷: ۲۵۳-۲۵۴)

همچنین ایشان در ضرورت مشارکت مردم در همه امور در دیدار جمعی از کارگزاران و

مسئولین عالی کشور و اقشار مردم می‌فرمایند:

"مردم را در همه امور شرکت بدهیم. دولت به تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی

که الآن به دوش این ملت هست بردارد." (صحیفه امام، ج ۲۰: ۵۵)

- آزادی بیان

از دیگر مسائلی که در راستای تحقق شفافیت در سیره امام خمینی وجود داشت، اعتقاد ایشان به آزادی بیان بود. مجدداً عقیده ایشان در این خصوص که در مصاحبه با روزنامه "لوتاکنونینوا" بیان کردند، ذکر می‌گردد:

"هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین

را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این

صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد- خود به خود- از

مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل

می‌کند." (صحیفه امام، ج ۵: ۴۰۸)

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه اندیشه‌ها و اقدامات امام خمینی (ره)، چه پیش از دوران حکمرانی و چه در دوران ده ساله حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، تمامی شاخصه‌های از پیش تعیین شده در الگوی مطالعاتی حکمرانی شایسته، در اندیشه‌ها و اقدامات ایشان یافت گردید و مشخص شد، ایشان در بحث شفافیت در حکمرانی نیز به تاسی از امیرالمومنین (ع)، انطباق حداکثری با مبانی حکمرانی مطلوب اسلامی را ایجاد کردند. همانطور که در فرض پژوهش پیش‌بینی می‌شد، پذیرش و تایید شفافیت در اندیشه امام خمینی (ره)، مویذات فراوانی داشت که مولفه‌هایی از قبیل، آموزش بینش سیاسی، روشنگری و بصیرت‌افزایی، صراحت، ارتباط بدون واسطه با مردم، گزارش دهی به مردم، آزادی بیان دادن به مردم، پنهان‌گریزی، راست‌گزینی،

تبیین گری، بیان عذر تقصیر، حضور در میدان، شفافیت اطلاعات، حاکمیت قانون، نظارت جدی، پرهیز از نفاق، پاسخگویی، امانت داری، مشاورت و مشارکت و آزادی بیان، ذیل دو مضمون کلی تری تحت عنوان "محتوای شفافیت" و "ملزومات شفافیت ساز" سازمان دهی و انسجام یافت. از منابع فراوانی که در آثار و بیانات و سبک حکمرانی ایشان در صحیفه امام در خصوص مولفه های ذکر شده در موضوع شفافیت به دست آمد میتوان این نکته را برداشت کرد که شفافیت در سیره امام خمینی (ره)، نه یک امر نمایشی و تاکتیکی، بلکه مسئله ای عمیق، راهبردی و عجین شده با روحیات و عادات ایشان و تفکرات ایشان و همچنین سیره سیاسی ایشان است.

نظر به تغییر مدل حکمرانی در عصر امام خمینی (ره) و به وجود آمدن ابزارهای نوین حکمرانی و ابزارهای نوین ارتباطی و همچنین گسترش فرهنگ و مفاهیم مشارکت مردمی و حقوق عامه، این شاخصه های استخراج شده در خصوص شفافیت در اندیشه ایشان، قابلیت بسط و گستره بیشتری داشت که نظر به وجه تطبیقی پژوهش به همان شاخصه های الگوی مطالعاتی اکتفا گردید. بنابراین پژوهشگران میتوانند با مطالعه اندیشه و حکمرانی امام خمینی (ره) فارغ از توجه به وجه تطبیقی آن در حکمرانی علوی، ظرفیت های اندیشه امام (ره) را در حوزه شفافیت استخراج کنند و به تبیین تغییر ریل حکمرانی در ایران پس از دوران طولانی نظام شاهنشاهی و ایجاد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) پرداخت.

منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. ابطحی، سید مصطفی و آرایش، حسن و سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷). «بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، شماره ۵.
۳. امام خمینی (۱۳۸۹). نگرشی موضوعی بر وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ دوازدهم.
۴. امام خمینی (۱۳۹۷). ولایت فقیه حکومت اسلامی، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، چاپ سی و دوم.
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۷). صحیفه امام؛ مجموعه بیانات و اطلاعیه های امام خمینی، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. امام زاده فرد، پرویز (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، مطالعات سیاسی، شماره ۷.
۷. آل کجفاف، حسین و فرج دنیوی، حسن (۱۳۹۷). «حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تاکید بر پاسخگویی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۰.
۸. بهرامی، محمدباقر و اکبرزاده، فریدون و شهابی، روح الله و جلال پور، شیوا (۱۳۹۹). «نقش راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب»، نشریه راهبرد، شماره ۹۵.
۹. بیگی نیا، عبدالرضا و صفری، سعید و مرشدی زاد، علی و پولاددرگ، عبدالحمید (۱۳۹۱). «شناسایی و اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب»، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۲.
۱۰. پولاددرگ، عبدالمجید (۱۳۸۸). شناسایی اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب با استفاده از تکنیک تحلیلی سلسله مراتبی (AHP)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
۱۱. جوادی ارجمند، محمدجعفر و مکرمی پور، محمدباقر و نقدی نژاد، اطهره (۱۳۹۸). «حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران»، پژوهش های راهبردی انقلاب اسلامی، شماره ۶.

۱۲. حبیب نژاد، سید احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۵). «شاخص های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی)»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۹.
۱۳. خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۰۵.
۱۴. خسروی، جواد (۱۳۹۶). بینش و نگرش مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. درخشه، جلال و موسوی نیا، سید مهدی (۱۳۹۷). «مؤلفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه پژوهش های علم و دین، شماره ۱۷.
۱۶. دقیقی اصلی، علیرضا و گرابی نژاد، غلامرضا و آقابگلین، سلین (۱۳۹۲). «اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط»، مجله فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۲۶، شماره ۴ (پیاپی ۸۶).
۱۷. ذکریا پور، سعید و علویان، مرتضی (۱۴۰۰). «واکاوی جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته، مبتنی بر اندیشه آیت الله خامنه ای^(مدظله العالی)»، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۷.
۱۸. رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۵). «منشور حکومت دینی در نهج البلاغه»، فصلنامه اندیشه، شماره ۵ و ۶.
۱۹. سردارنیا، خلیل اله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۴.
۲۰. شاه آبادی، ابوالفضل و جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۲.
۲۱. صحرایی، علیرضا و محمودی نیا، امین (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب؛ چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۲۸.
۲۲. طاهری، محسن و ارسطا، محمد جواد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۹.
۲۳. عجمی، علی (۱۳۹۰). بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه بین کشوری)،

- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۲۴. علیزاده ثانی، محسن و الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، شماره ۵۳.
۲۵. عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). «بررسی مولفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹.
۲۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
۲۷. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). "حسن اداره گری" در: مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲۸. مبارک، اصغر و آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). «نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶.
۲۹. مجیدی، حسن و ولدبیگی، عبدالشریف و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۹). «مولفه های دولت شفاف از منظر امام خمینی و آیت الله خامنه ای»، نشریه پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۳۴.
۳۰. محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸). «حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۹.
۳۱. مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه آینده پژوهی ایران، شماره ۳.
۳۲. مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۹۵). «تحلیل معنای حکمرانی شایسته با تاکید بر آموزه های قرآنی»، فصلنامه فقه حکومتی، شماره ۱.
۳۳. مفتاح، محمدهادی و قاسمی، غلامعلی و کردنژاد، نسرین (۱۳۹۴). امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تاکید بر جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۴.
۳۴. نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»، فصلنامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۱.
۳۵. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مجله علوم انسانی، شماره ۷۶.

۳۶. الوانی، سید مهدی و علی زاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۸.

۳۷. هداوند، مهدی (۱۳۸۴)، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۴.

38. Nye, Josep S. (2004). "Soft power and American Foreign Policy", Political Science Quarterly, Vol. 119, No. 2.

قدرت نرم جبهه مقاومت: واکاوی قدرت رسانه‌ای راهپیمایی اربعین

سید محمد طباطبائی^۱

محمد رضا رسولی^۲

سید وحید عقیلی^۳

نسیم مجیدی قهرودی^۴

چکیده

راهپیمایی اربعین یکی از بزرگترین حرکت‌های معنوی جهانی محسوب می‌شود که از آن به عنوان قدرت جبهه مقاومت یاد می‌شود. این پژوهش به دنبال شناسایی کارکردهای رسانه‌ای راهپیمایی اربعین می‌باشد بنابراین به دنبال واکاوی و کشف موضوع مورد مطالعه است و چارچوب نظری مشخصی ندارد و یافته‌های آن بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده، تنظیم شده که با استفاده از روش نظریه مبنایی (گراندد تئوری) و انجام مصاحبه با خبرگان، طی فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مؤلفه‌ها استخراج و ارائه گردیده است. برای کدگذاری تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار MAXQDA 2020 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ کارکردهای متفاوتی در راهپیمایی اربعین وجود دارد. راهپیمایی اربعین دارای کارکردهای رسانه‌ای "آموزش"، "راهنمایی"، "رهبری"، "نظارت بر محیط"، "همبستگی اجتماعی"، "انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی"، "سرگرمی"، "کاهش بحران‌ها" و "ایجاد جایگاه اجتماعی" می‌باشد. کارکردهای اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، ایجاد همبستگی اجتماعی و آموزش دینی در ارتباط با ارتباطات میان فردی و ارتباطات جمعی رسمی و کارکردهای اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، انتقادی و حتی در بعضی مواردی سرگرمی در ارتباط با ارتباطات رسانه‌ای غیررسمی وجود دارند. این سطوح ارتباطات و کارکردهای رسانه‌ای راهپیمایی اربعین رابطه مستقیم با ارتباطات، قدرت رسانه‌ای و قدرت نرم جبهه مقاومت دارد.

واژگان کلیدی: مقاومت؛ راهپیمایی اربعین؛ رسانه؛ ارتباطات؛ کارکردهای رسانه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rasouli57@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

مقدمه

اربعین از مناسبت‌های مذهبی شیعیان و ایام مهم تاریخ شیعه است. چهلمین روز شهادت حضرت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا، که مصادف با روز بیستم ماه صفر است با نام اربعین، ارزش و اهمیت خاصی در میان پیروان اهل بیت (ع) دارد. در سال‌های اخیر گسترش حرکت راهپیمایی اربعین، توجه جامعه شیعی را در درجه اول و به تبع آن برخی رسانه‌ها و اشخاص غیر شیعه و حتی غیرمسلمان را به این روز معطوف کرده است. ابعاد مختلف رسانه‌ای، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این راهپیمایی باید مورد توجه قرار گیرد و در نسبت با باورهای مذهبی، فرهنگ و تفکر شیعی بررسی شود. ارتباط مردم از اقوام و ملیت‌های مختلف در محدودیت زمانی و مکانی زیارت اربعین موجب شکل‌گیری تأثیرات فرهنگی و اجتماعی دوجانبه و چندجانبه میان زائران و به ویژه شیعیان می‌شود. هر چند اغلب زائران از کشور عراق و پس از آن ایران هستند و عمده روابط از دیدگاه ایرانیان، بین دو ملت ایران و عراق در حال شکل‌گیری است اما نمی‌توان ماهیت جهانی این پدیده را نادیده گرفت. حضور عمده افراد از کشورهای مختلف نیازمند بررسی دقیق به منظور کشف آثار و نتایج ارتباطات موجود است (عاملی، ۱۳۹۶). در این مناسک، افراد مختلف از گروه‌های سنی متفاوت از کودکان تا سالمندان، از مردان و زنان، از خرده فرهنگ‌ها مانند گروه‌های زبانی متفاوت، از قومیت‌های مختلف و حتی افرادی با شرایط فیزیکی خاص مانند معلولان و در یک جمع بندی کلان از گروه‌های اجتماعی متفاوت حضور دارند.

هر رویداد با مجموعه‌ای از انتظارات تعریف شده با تعاملات نمادین و نیز درک مخاطبان خود به وجود می‌آید (Jaimangal-Jones, 2014). راهپیمایی اربعین مناسکی است که در آن فعالیت‌ها نمادین و جذاب جریان دارد، در عین حال که اعتقادات مذهبی را بیان می‌کند و افراد را به سوی یک مرکز که کربلا و حرم امام حسین (ع) می‌باشد، هدایت می‌کند.

نهاد رسانه‌ای با تولید، باز تولید و توزیع معرفت در وسیع‌ترین معانی با مجموعه‌ای از نمادها سروکار دارد که ارجاع معناداری به تجربه در جهان اجتماعی دارد. این شناخت ما را توانا می‌سازد تا به تجربه خویش معنا بخشیم، ادراک خود را درباره آن شکل دهیم و در ذخیره کردن معرفت گذشته و تداوم فهم کنونی سهیم شویم (Mcquail, 1987). با توجه به شرایط حاکم بر این تجمع، این مراسم مذهبی امری چند وجهی دارد. این راهپیمایی، مانند اجرای پشت سرهم صحنه‌های

متفاوت و متعددی است که روزها طول می‌کشد و در آخر هم با پایان روز اربعین تکمیل می‌شود. هر فردی که در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کند با مجموعه‌ای از رفتارها و نمادها سر و کار دارد که تجربه‌ای منحصر به فرد را کسب می‌کند و با تولید و بازتولید معرفت فضای معناداری را پدید می‌آورد که این موارد دارای پیام است و هر فرد مشارکت‌کننده می‌تواند هم خود حامل پیام باشد و هم اینکه به عنوان یک فرستنده اخبار و اطلاعات این راهپیمایی را از طریق رسانه‌های مختلف ارسال کند که ویژگی‌های رسانه‌ای آن دارای اهمیت می‌باشد، بنابراین فردی که در این مراسم شرکت می‌کند، همانند فردی که در سایر مراسم دینی به صورت حضوری شرکت می‌کند، از تجربه زیسته‌ای برخوردار می‌شود که می‌تواند نوعی از آگاهی و شور دینی و نیز همبستگی با دیگر مشارکت‌کنندگان، از پیش زمینه‌های اجتماعی مختلف را در او ارتقاء دهد که با توجه به خاصیت و نوع ارتباطات موجود در این راهپیمایی، ویژگی‌های رسانه‌ای در آن بروز پیدا کند.

ضرورت موضوع

امروزه راهپیمایی اربعین علاوه بر جنبه‌های زیارتی دارای مناسبات گوناگونی است که می‌توان ضمن مطالعه هر کدام، به تبیین آن پرداخت و با تحلیل آن، نتایجی بدست آورد و مدل‌های مختلفی استخراج نمود. راهپیمایی اربعین میدانی است که در آن هر شرکت‌کننده می‌تواند نقش یک فرستنده، خبرنگار و تولیدکننده محتوا را ایفا کند و به توصیف محیط پیرامون خود بپردازد و اخباری را تولید کند. به دلیل حضور طیف‌های گسترده مردمی و ملیت‌های مختلف محتواهای تولیدی می‌تواند جنبه جهانی پیدا کند. در این راهپیمایی انواع ارتباطات در جریان است، از ارتباطات رودرو و میان فردی تا ارتباطات سازمانی مشاهده می‌شود. شرکت‌کننده از زمانی که تصمیم به شرکت در راهپیمایی می‌گیرد تا زمان انجام راهپیمایی و ارتباطات میان فردی شامل راه رفتن، استراحت، صرف غذا، انجام مناسک دینی، دعا، زیارت و اتمام راهپیمایی با انواع ارتباطات و مؤلفه‌های رسانه‌ای مواجه می‌شود. از جانب دیگر ارتباطات جمعی به صورت رسمی مانند گزارش‌های خبری رادیو، تلویزیون و مطبوعات و خبرگزاری‌ها معمولاً تلاش می‌کنند، بعد دینی و همبستگی مردمی راهپیمایی را برجسته و تبلیغ کنند. با عنایت به شرایط بوجود آمده از بیماری کرونا رسانه‌های رسمی، بخصوص رادیو و تلویزیون، تلاش می‌کنند تا تعهد به رعایت این شرایط را توسط زائران برجسته کنند. در ارتباطات غیررسمی که بیشتر از طریق شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، چند دسته اطلاع رسانی با انگیزه‌های متفاوت وجود دارد.

اهمیت موضوع

موارد مطروحه الزام شناخت دقیق و حضور محققین در میدان و بهره مندی از نظر متخصص ها و آشنایان با راهپیمایی اربعین را مضاعف می کند. در عین حال فقر تحقیقاتی در حوزه موضوعات رسانه ای اربعین مشهود است و در اندک تحقیقات انجام شده در حوزه اربعین نتایجی ارائه شده است که با رویکرد این پژوهش متفاوت است. بنابراین با یک مساله ای مواجه هستیم که می بایست کارکردهای رسانه ای راهپیمایی اربعین را آن طور که وجود دارد، استخراج کنیم و حل این مساله نیازمند پژوهشی است که اطلاعات دست اول و دقیق را ارائه کند به علاوه با این چارچوب پژوهشی صورت نگرفته پس انجام این پژوهش ضرورت دارد.

مساله اصلی

هدف پژوهش گر از انجام این پژوهش، شناسایی کارکردهای رسانه ای راهپیمایی اربعین و واکاوی مؤلفه های مرتبط با آن می باشد. همچنین جمع آوری و دریافت نظرات نخبگان در این زمینه می تواند مجموعه ای ارزشمند برای پژوهش های بعدی باشد. با توجه به هدف، پرسش اصلی عبارت است از اینکه چه کارکردهای رسانه ای در راهپیمایی اربعین وجود دارد؟ جهت دستیابی به نظرات متخصصان با توجه به شرایط کرونا، ارتباط با آن ها و دیگر مصاحبه شوندگان جهت مصاحبه حضوری دشوار و کدگذاری و نظام مند کردن متون به دست آمده از مصاحبه ها نیز نیازمند دقت زیاد و اشراف اطلاعاتی روی موضوعات بود. در این راستا برای رفع مشکلات از مشاوره اساتید حوزه ارتباطات و رسانه بهره گرفته و جهت کد گذاری داده ها از نرم افزار MAXQDA استفاده شد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. ادبیات پژوهش

پژوهش به دنبال کشف موضوع مورد مطالعه است، بنابراین چارچوب نظری مشخصی ندارد و یافته های آن بر اساس داده های جمع آوری شده، تنظیم شده است. اما در راستای شناخت اولیه و درک مناسب از واژگان اصلی پژوهش می بایست نسبت به تعریف مفاهیم اصلی از منابع معتبر اقدام لازم به عمل آید. در این خصوص تلاش می شود تا دیدگاه های صاحب نظران مطرح

و ادبیات موجود در این حوزه به اشتراک گذاشته شود.

۱-۱-۲. رسانه

در معنایی وسیع، گفتار، نوشتار، ایماء و اشاره، بیان چهره‌ای، لباس، بازیگری و رقص، را می‌توان در زمره رسانه‌های ارتباطی گنجانند. هر رسانه‌ای می‌تواند کدها را در امتداد یک یا چند کانال منتقل کند (اوسولیوان و همکاران، ۱۳۸۵). در بررسی رسانه‌ها، از یکسو به رسانه عمومی برخورد می‌کنیم و در پاسخ این دست رسانه‌ها، رسانه‌های شخصی و هویتی افراد قرار دارند و پوشاک می‌تواند نوعی از آن باشد (گیدنز، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، رسانه‌ها ابزار ارتباطی اند؛ ارتباط جمعی به خودی خود صورت نمی‌گیرد، بلکه به ابزاری نیاز دارد که از طریق آن بتوان با جمع کثیری ارتباط برقرار کرد و این ابزار همان رسانه است. همچنین، رسانه‌ها واسطه اطلاعات اند. از دهه ۱۹۸۰ به این سو با رشد عظیم و باورنکردنی رسانه‌ها در سطح جهان روبه رو بوده‌ایم و آن‌ها بهترین واسطه اطلاعات بوده‌اند (دیباچی و رئیس میرزایی، ۱۳۹۰). رسانه می‌تواند تلویزیون، فیلم ویدیویی، رسانه‌های مکتوب، ماهواره و اینترنت باشد. از دیگر سو، رسانه می‌تواند پوشاکی باشد که معرف هویت و سبک زندگی افراد است. اگر هویت اجتماعی افراد را مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها بدانیم، قطعاً میان سبک زندگی که یکی از مؤلفه‌های آن الگوی مصرف پوشاک یا مد است، می‌توان خویشاوندی ساختاری یافت. بنابراین، هر سبک زندگی به عنوان یک رسانه هویتی می‌تواند عمل کند و نوع پوشاک نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، به منزله رسانه هویتی افراد است (نیکزاد فرخی، ۱۳۸۲).

۲-۱-۲. کارکردهای رسانه

با عنایت به عقاید صاحب نظران حوزه رسانه و ارتباطات رسانه‌ها کارکردهای رسانه‌ای گوناگونی دارند که از آن دسته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱-۲-۱. رسانه و آموزش

یکی از کارکردهای اصلی رسانه آموزش بوده است. آموزش براساس تعریفی که سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) بیان داشته، عبارت است از؛ تمام کنش‌ها و اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی مغزی و معرفتی و هم چنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان به کار می‌روند. البته به طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن، تعالی بخشند (دادگران، ۱۳۸۵). در این میان رسانه‌های ارتباطی خواه برای این کار برنامه ریزی

شده باشند و خواه نشده باشند، آموزش دهنده‌اند. رسانه‌ها فراهم آورنده دانش و شکل دهنده ارزش‌هایند و مردم همواره از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما نقش آموزش موازی یا آموزش دائمی قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، وظیفه آموزشی انجام داده و دانستنی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند (معمدنژاد، ۱۳۸۵).

۲-۱-۲. رسانه، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی

اطلاع‌رسانی عبارت از انتشار اطلاعات و شکل دادن به چیزی. چیزی که اطلاعات به آن شکل می‌دهد هم واقعیت است و هم هویت. ما همان چیزی هستیم که می‌دانیم و آن چیزی که نمی‌دانیم نمی‌توانیم باشیم. این دنیای شناخته شده و قابل شناخت است که واقعیت ما را شکل می‌دهد. هر چیز غیر قابل شناخت، غیر واقع است. اطلاعات، در حرکتی متقابل، هم موضوعات اجتماعی و هم واقعیت اجتماعی را بوجود می‌آورد (بهار، ۱۳۸۶). هرچند این وظیفه با مقوله آموزش از طرفی و مقوله خبررسانی جمعی از طرف دیگر، تداخل دارد اما رسانه‌ها باید علاوه بر انتقال اخبار و اطلاعات، به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان نیز بپردازند. تحلیل علی پدیده‌های خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علل، موجب تغییر در جهان بینی انسان‌ها می‌شود. به همین سیاق وسایل ارتباط جمعی بایستی موجبات آگاهی انسان‌ها از کالاهای مورد نیاز را فراهم سازند. این وظیفه، یعنی آگاه‌سازی، از آن‌رو از تبلیغ متمایز است که در آن، هیچ کوششی برای خرید کالایی خاص وجود ندارد، همان‌گونه که هیچ کوششی نیز برای ایجاد گرایش به سوی دیدگاه خاص وجود ندارد (ساروخانی، ۱۳۸۵).

۳-۲-۱. رسانه، انگیزه و راهنمایی

نقش رهبری‌کننده وسایل ارتباطی و اثر آن‌ها در بیداری و ارشاد افکار عمومی، امری واضح بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، در نظام‌های دموکراسی، وسایل ارتباط جمعی می‌توانند در راه گسترش ارتباط میان رهبری‌کنندگان و رهبری‌شوندگان، خدمات مهمی را انجام داده و به عنوان آئینه تمام‌نمای افکار عمومی در جلب همکاری مردم و شرکت دادن آن‌ها در امور اجتماعی، تأثیر فراوانی به جای بگذارند (معمدنژاد، ۱۳۸۵). البته رسانه‌های گروهی

با انگیزه سازی در مخاطب، می‌توانند ایجاد مشارکت اجتماعی که از عمده‌ترین نقش‌های رسانه‌هاست، را به‌دنبال داشته باشند. این مهم، یعنی انگیزه سازی برای مشارکت، نیازمند شناخت درست از نیازهای مخاطبان است. توجه به فرهنگ‌های محلی مناطق گوناگون یک کشور نیز در انگیزه سازی حائز اهمیت است (کریمی، ۱۳۸۲).

۴-۱-۲-۲. رسانه، ایجاد پیوند و همگن سازی

وسایل ارتباط جمعی، موجب نزدیکی سلیقه‌ها، خواست‌ها و انتظارات تمامی ساکنان یک جامعه شده و جوامع را از عصر محدوده‌های جدا خارج می‌گردانند. ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا را ناپدید کرده و به نوعی تشابه میان تمامی ساکنان یک جامعه به وجود می‌آورد و مردم آن جامعه، از سبک زندگی و علایق و خواسته‌هایی که رسانه‌های جمعی ارائه می‌دهند، پیروی می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۸۵). همچنین از طرفی نمادها و نظام نمادین مذهبی، برساخته‌های اجتماعی هستند که خودشان نیز در مراحل بعدی در ساختن اجتماع دخالت می‌کنند. از نظر دورکیم، وجدان اخلاقی و وجدان جمعی در بستر مناسک جمعی در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. افراد طی همین تشریفات مناسکی، با هم پیوند پیدا می‌کنند، به یکدیگر نزدیک می‌شوند و ارتباط و صمیمیت متقابلشان بیشتر می‌شود (امین ورزلی، ۱۳۹۵).

۵-۱-۲-۲. رسانه و تقابل با بحران‌ها

رسانه‌های گروهی می‌توانند در عرصه مقابله با بحران‌های اجتماعی، به ایفای نقش پردازند و در کاهش بحران‌های مختلفی مانند بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی، کارکرد موثری داشته باشند (کریمی، ۱۳۸۲).

۶-۱-۲-۲. آیین

آیین‌ها عبارتند از فعالیت‌هایی کلیشه‌ای (تعریف شده و مشخص) که با اشارات، کلمات و اشیای ویژه‌ای در ارتباط‌اند، در مکان‌هایی مخصوص انجام می‌شوند و در پی تأثیر گذاری بر موجودات و نیروهای مافوق طبیعی، با هدف تأمین مصالح و منافع مد نظر آیین گزاران هستند (Turner, 1973). تمامی صور آیین، ارتباطاتی هستند. آیین‌ها همواره رفتارهای نمادین در موقعیت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، بنابراین همواره گویی متونی هستند که نوشته شده‌اند تا قرائت شوند (Grimes, 1995).

۲-۲. پیشینه پژوهش

با عنایت به مطالعه پژوهش‌های انجام شده از جمله مقاله‌ها، رساله‌ها و پایان نامه‌ها در زمینه مشابه موضوع این پژوهش، می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را در جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف و یا سئوالات اصلی	نویسندگان - روش استفاده شده
الگوی گردشگری ابر رویداد مذهبی اربعین از طریق شناخت ظرفیت‌ها و مکانسیم‌های حاکم بر رویداد اربعین، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را از منظر گردشگری استخراج شد.	سنخ‌شناسی آسیب‌های موجود در راهپیمایی اربعین شناسایی انگیزه افراد شرکت‌کننده در ابر رویداد دینی اربعین	مهديه بد (۱۳۹۵) (تحلیل تماتیک)
نتایج بدست آمده از دو مرحله تحلیل داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی به روش‌های مضمون بندی داده‌ها و کدگذاری نظری‌های نشان داد؛ این آیین شیعی در ارتباط تنگاتنگی با سه مفهوم کلان محبت اهلبيت، نمایش جهانی و هویت شیعی قرار داشته و نمودی از یک مصالحه تاریخی میان فرهنگ خواص و فرهنگ عوام نزد شیعیان دارد.	ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی چیست؟	عبدالله گیویان و محسن امین (۱۳۹۶) (مردم نگاری)
نتایج حاصله از نگاه سطحی و غیر دقیق در حوزه رسانه‌ای اربعین گزارش می‌کند؛ علی‌رغم نگاه تمدنی و نگاه یک ابر رویداد رسانه‌ای در ساحت عمل، عملکرد رسانه‌ای در این مسیر نیازمند تلاش بیشتر و سیاست‌های دقیق‌تر و برنامه‌های جامع‌تر است، تارسانه ملی از سطح گفتمان خدمات رفاهی و تشویق و ترغیب برای مشارکت فراتر رفته و بتوان پوشش رسانه‌ای اربعین را در قامت یک ابر رویداد دید.	رویکرد رسانه‌ای که خبر ۲۱ سیما به عنوان خبر رسمی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۹۳ و ۹۴ در خصوص آیین زیارتی اربعین چگونه است؟	سعید صدیقی (۱۳۹۶) (تحلیل گفتمان)

با عنایت به بررسی پژوهش‌ها و منابع علمی می‌توان اظهار داشت که تا کنون تحقیق علمی

مستقلی در خصوص این موضوع صورت نگرفته است، بنابراین این پژوهش با استفاده از روش نوین نظریه مبنایی به دنبال استخراج کارکردهای رسانه‌ای مناسک جبهه مقاومت یعنی راهپیمایی اربعین می‌باشد.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله از نوع کیفی و از نظریه مبنایی (گراندد تئوری) بهره گرفته شده است. استراس و کوربین عناصر کلیدی گراندد تئوری را شامل نمونه گیری نظری، مقایسه ثابت، کدگذاری باز، محوری و انتخابی، یادآور و اشباع نظری دانسته‌اند که با این رویکرد در جمع بندی با بهره مندی از روش‌های علمی تشریح شده به مصاحبه و بررسی داده‌ها پرداخته تا مؤلفه‌ها را از مصاحبه‌ها استخراج کرده باشد. سعی شد در مصاحبه‌ها از افرادی با تخصص‌های مرتبط استفاده شود؛ بنابراین، جامعه مورد بررسی این پژوهش از دو دسته تشکیل شده است؛ گروه اول، متخصصان نظری و اساتید دانشگاهی حوزه رسانه و ارتباطات و گروه دوم، محققان و آشنایان به رسانه و راهپیمایی اربعین که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی انتخاب شده‌اند. داده‌ها از مصاحبه با ۲۷ نفر از کارشناسان و خبرنگاران مرتبط با حوزه موضوع تحقیق به دست آمده است. حجم نمونه بر مبنای روش اشباع نظری تعیین شد، بدین ترتیب که طی مصاحبه‌های ۱۵ تا ۱۷ داده‌های جدید و قابل توجهی از مصاحبه شونده‌ها دریافت نشد، اما برای اطمینان از دست یافتن به اشباع نظری، مصاحبه با کارشناسان تا ۱۰ نفر دیگر را ادامه یافت. در ادامه، به منظور اطمینان از صحت گردآوری داده‌ها، به یادداشت برداری و ثبت تمامی گفته‌ها، بررسی مصاحبه‌ها و نیز سؤال‌هایی کنترلی انجام شده است. به منظور اطمینان از اعتبار تحلیل‌ها نیز از بازخورد نظرات مطلعان و متخصصان حوزه نظریه داده بنیاد بهره جسته، در واقع با انجام مصاحبه‌های مناسب سعی شده است تا ضمن پیگیری سؤالات تحقیق، توصیف دقیقی از کارکردهای رسانه‌ای راهپیمایی بدست آورده شود. لازم به ذکر است با عنایت به درخواست مصاحبه شوندگان و رعایت اخلاق پژوهش مشخصات افراد نزد پژوهشگر محفوظ است که جهت ارجاع از حرف D به عنوان نماد هر مصاحبه شونده استفاده شده است. به عبارت دیگر D1 تا D27 کدهای اختصاصی مصاحبه شوندگان را نشان داده‌اند. متون مصاحبه‌های انجام شده در نرم افزار MAXQDA درج شد و تحلیل یافته‌ها با

استفاده از این نرم افزار صورت پذیرفته است. مراحل مختلف هماهنگی جهت همکاری و برگزاری جلسات مصاحبه و انجام آن، یادداشت برداری، تبدیل فایل های صوتی و جمع آوری و تحلیل داده های اولیه به مدت ۱۴ ماه زمان برده است. در طول این مسیر مصاحبه ها در چندین نوبت به صورت صوتی و نوشتاری مرور و تفسیرهای صورت گرفته توسط پژوهشگر ارزیابی شد. گزارشی از نتایج تحقیق تهیه و به برخی افراد مصاحبه شونده و نخبه ارائه شد و بازخوردها در مورد تفسیر و تحلیل ها دریافت شد. با چند نفر از مصاحبه شوندگان و نفر جدید با هدف پالایش و تصفیه مضاعف نظریه صورت بندی شده، مصاحبه مجدد گرفته شد. مراحل مختلف هماهنگی جهت همکاری و برگزاری جلسات مصاحبه و انجام آن، یادداشت برداری، تبدیل فایل های صوتی و جمع آوری و تحلیل داده های اولیه به مدت ۱۴ ماه زمان برده است. در طول این مسیر مصاحبه ها در چندین نوبت به صورت صوتی و نوشتاری مرور و تفسیرهای صورت گرفته توسط پژوهشگر ارزیابی شد.

گزارشی از نتایج تحقیق تهیه و به برخی افراد مصاحبه شونده و نخبه ارائه شد و بازخوردها در مورد تفسیر و تحلیل ها دریافت شد. با چند نفر از مصاحبه شوندگان و نفر جدید (دکتر علی اصغر کیا) با هدف پالایش و تصفیه مضاعف نظریه صورت بندی شده، مصاحبه مجدد گرفته شد. جهت افزایش دقت در قابلیت به کارگیری یافته های تحقیق در موقعیت های مشابه، در نمونه گیری با اساتید حوزه رسانه مشورت شد و نظرات سازنده آن ها اطلاعات ارائه شده در مسیر پژوهش، مصاحبه شوندگان و یافته های به دست آمده به قدری کافی و جامع باشد که هر خواننده ای بتواند امکان انتقال پذیری یافته ها را به موقعیت های مشابه دیگر مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین مفاهیم کلیدی و نظری ارائه شده از داده ها و یافته هایی حاصل شده که از مصاحبه با افراد در این پژوهش استخراج شده است.

۴. یافته های تحقیق

۴-۱. راهپیمایی اربعین محل تلاقی فرهنگ ها و منتقل کننده میراث فرهنگی

یکی از مهمترین وجوه رسانه ای اربعین، وجهه ارتباطات میان فرهنگی است، در واقع به نظر می رسد یک رخداد فرافرهنگی صورت می پذیرد. انسان ها با تمام وجوه انسانیت در این مراسم شرکت می کنند. این موضوع که راهپیمانان از کدام قوم، کشور، ملیت و مذهب باشند رنگ

می‌بازد و افراد به یک زائر تبدیل می‌شوند. فرهنگ دینی، فرهنگ‌های ملی و خرده فرهنگ‌های قومی که در راهپیمایی اربعین حضور دارند با تعاملات فرهنگی‌شان در تلاش هستند در راستای جهانی شدن نوع خاصی از فرهنگ دینی را به نمایش بگذارند.

در راهپیمایی اربعین به دلیل ماهیت آن که برخاسته از رویکرد سخاوتمندانه ائمه در برخورد و مواجهه با اقشار مختلف مردم است، همه افراد با مسلک، مذهب و گرایش مختلف با خرده فرهنگ‌های متفاوت شرکت می‌جویند. در این اجتماع عظیم خرده فرهنگ‌ها به دلیل غلبه جلوه‌های فرهنگ شهادت، ایثار و گذشت با یکدیگر تعامل می‌کنند، تعاملاتی که مبنای آن اشتراکات فرهنگی است، که در مکتب امام حسین (ع) گنجانده می‌شود. تجلی این همگرایی، هم زیستی همه اقشار در فضای معنوی مراسم است و ارزیابی‌ها هم حکایت از این همگرایی، همدلی و یکرنگی دارد. بنابراین در راهپیمایی اربعین از انواع فرهنگ‌ها حضور دارند و نقطه ارتباطی آن‌ها پیدا کردن نقاط مشترک و وحدت حول اشتراکات است. تعاملات این فرهنگ‌ها بر خلاف سایر مواقع، تقابلی نیست و با تاکید بر اشتراکات و امید به هدف مشترک همزیستی بالایی را تجربه می‌کنند. بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه‌شوندگان در خصوص انتقال فرهنگ‌ها در راهپیمایی اربعین، ۲۸ یافته به دست آمد که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۲. برخی اسناد، کدها و یافته‌هایی به دست آمده در خصوص انتقال فرهنگ

انتقال فرهنگ			
ردیف	سند	کد	یافته
۱	D22	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	از جمله طرح و انتقال ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی شامل اتحاد، انسجام مذهبی، مشارکت، تعامل، تحمل، ایجاد و افزایش همدلی، هم‌افزایی ارزشی، فراگیری و رویکرد غالب هژمونیک
۲	D8	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	انتقال مفاهیم ارزشی، فرهنگی، تاریخی، و سیاسی و به نسبت هر کدام از این حوزه‌ها، مخاطبین با رویکردهای مذکور سعی در کسب، تحلیل، انتشار و بازآفرینی وجوه آن دارند.
۳	D4	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	این خودش یک مقوله‌ی مهم در حوزه‌ی انتقال پیام راهپیمایی اربعین است.

۴	D2	راهپیمایی اربعین اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	کارکرد سوم یعنی انتقال میراث فرهنگی به ویژه میراث فرهنگی ۱۴۰۰ سال شیعی و فرهنگ مقاومت در برابر استبداد و تلاش برای برقراری هرچه بیشتر عدالت انسانی و آزادی انسانی با سرعت و گستردگی و عمق هرچه بیشتر در این رویداد مشاهده می‌شود.
۵	D6	راهپیمایی اربعین اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	کارکردهای مرتبط با انتقال مفاهیم به شکل نمادین مانند سایر رویدادهای رسانه‌ای
۶	D17	راهپیمایی اربعین اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	ازجمله کارکردهای اجتماعی این اجتماع بزرگ، نمایش اقتدار شیعیان، انتقال پیام‌های عاشورا به انسان‌ها، دیدار چهره به چهره شیعیان و افزایش سینرژی در زمینه‌های گوناگون، کاهش کشمکش‌ها و اختلافات است.
۷	D12	راهپیمایی اربعین اکارکردهای رسانه‌ای انتقال فرهنگ	مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ای آن را انتقال مؤلفه‌های این حرکت به نسل‌ها مختلف و نیز جامعه جهانی می‌دانم.

طبق نظر نخبگان اگر با رویکرد فرهنگ‌های ملی و قومی به راهپیمایی اربعین بنگریم، غالب فرهنگ‌های موجود در راهپیمایی اربعین فرهنگ‌های ایرانی و اعراب می‌باشد. فرهنگ عزاداری و زیارت ایرانی، فرهنگ عزاداری و زیارت عراقی اولویت بیشتری نسبت به دیگر فرهنگ‌ها دارند.

۲-۴. برگزاری آیین و بروز وجوه سرگرمی در راهپیمایی اربعین

در راهپیمایی اربعین افراد در یک آیین معنوی حضور می‌یابند و ماهیت این حرکت عظیم به نوعی برای مخاطبین سرگرم کننده است اما سرگرمی که در نوع خود بی نظیر و با چاشنی معنویت و عبادت همراه است. اکنون جهت مطالعه دقیق این موضوع می‌بایست به شرایط حاکم بر فضای راهپیمایی به صورت خلاصه اشاره کرد که شرایط آب و هوایی نامساعدی وجود دارد؛ شب‌های سرد و ظهرهای گرم و هوای غبار آلود که حضور انبوه جمعیت و کمبود خدمات رفاهی سبب کمبود خدمات بهداشتی شده است. از طرفی امکانات تفریحی نامناسب و حداقلی، شرایط زندگی را برای راهپیمایان سخت کرده است. بنابراین اکثر افراد جهت گذراندن اوقات فراغت پا به این عرصه نگذاشته‌اند اما وجهه رسانه‌ای این رویداد و حرکت بزرگ برای دریافت کنندگان و مخاطبین می‌تواند جنبه سرگرم کننده داشته باشد. حال اگر به راهپیمایی اربعین به مثابه یک رسانه بنگریم، ابعاد سرگرم کننده در آن یافت می‌شود. خود پیاده‌روی و بودن با دیگران،

مکالمه و صحبت با دیگران یا تجربه تعامل فرهنگی با فرهنگ‌های مختلف، ایجاد سرگرمی می‌کند. لباس و نوع پوشش مختص به راهپیمایی می‌تواند ابعاد سرگرمی داشته باشد. نمادهایی که رویت می‌شوند، به کار می‌روند و یا منتقل می‌شوند جنبه سرگرم کننده دارند. تمامی سبک زندگی‌ای که در این ایام که در قالب پیاده‌روی اربعین زائران تجربه می‌کنند، ابعاد سرگرمی خاصی دارند. نوعی تفرج صنع، گشایش خیال، مباشرت و معاشرت است. خود پیاده‌روی جذاب است. بریدن از دنیای مادی و حضور در جمعی که برای هدفی بالاتر از اهداف روزمره دور هم جمع شده‌اند جذاب است. ارتباط با میلیون‌ها انسانی که نقطه اشتراک مقدسی با هم دارند می‌تواند جنبه‌های سرگرم کننده داشته باشد. اغلب افرادی که این سفر را تجربه کرده‌اند از چند جنبه آن را جذاب می‌دانند که می‌توان به احساس بهجت در طی مسیر، تجربه لذت بخش نوشیدن و خوردن غذاهای متنوع و خوارکی‌های محلی و سنتی، حضور در منزل و موکب‌های عربی و تجربه مهمان‌نوازی و دیدار و گفت و گو با مسلمانان سایر کشورها اشاره کرد. همچنین انجام آداب و برگزاری برخی مراسم‌های گروهی از جنبه‌های دیگر این راهپیمایی است. بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه شونده‌گان در خصوص جنبه‌های سرگرمی رسانه‌ای راهپیمایی اربعین، ۲۰ یافته به دست آمد که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۳. برخی اسناد، کدها و یافته‌های به دست آمده در خصوص جنبه‌های سرگرمی راهپیمایی اربعین

سرگرمی و تفریح			
ردیف	سند	کد	یافته
۱	D16	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای سرگرمی و تفریح	همانطوری که اشاره شد راهپیمایی اربعین علاوه بر همه کارکردهای مربوط به رسانه، واجد کارکرد سرگرمی و تفریحی نیز هست، خانواده‌ها در یک راهپیمایی که واجد جذابیت‌های یک تور گردشگری و مسافرتی نیز است از جلوه‌های سرگرمی و تفریحی این رویداد بهره می‌گیرند.
۲	D23	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای سرگرمی و تفریح	لباس و نوع پوشش آنجا خودش می‌تواند ابعاد سرگرمی داشته باشد. کل سبک زندگی‌ای که در این سه روز چهار روز یک هفته‌ای که در قالب پیاده‌روی اربعین زائران تجربه می‌کنند خودش یک ابعاد سرگرمی خاصی دارد.

۳	D17	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای سرگرمی و تفریح	البته بخشی از مشارکت کنندگان در راهپیمایی اربعین مخصوصاً در میان جوانان و نوجوانان، بیشتر از بعد معنوی و سیاسی این رویداد، به لحاظ کارکرد کارناوالی و تفریحی آن مشارکت می‌کنند.
---	-----	--	---

۳-۴- راهپیمایی اربعین پیوند دهنده سلايق

راهپیمایی اربعین شرایطی پدید می‌آورد که افراد با سلايق و علايق مختلف، تجربه‌ای متناسب با آن محیط به دست آورند که از خودمحوری و درون‌گرایی حاصل از زندگی روزمره تا حدودی جدا شوند و به خاطر آن وجه اشتراکی که وجود دارد، در عین تفاوت‌ها، بستری از اشتراک‌ها را ببینند. یکی از فلسفه‌های راهپیمایی اربعین وجود هدف مشترک و تحقق مطالبه اشتراکی میان شرکت کنندگان است. در راهپیمایی اربعین عشق و علاقه به امام حسین (ع) و یارانشان و هدف متعالی که ایشان داشته‌اند محور مشترک اجماع حضور افراد با سلايق و علايق مختلف است. در بازه زمانی راهپیمایی اربعین نوعی همزیستی، مشارکت و همبستگی اجتماعی به وجود می‌آید. ذیل این رویداد نیز نزدیکی و انسجام هم شکل می‌گیرد.

همچنین راهپیمایی اربعین به دلیل ارتباط فرهنگی زائران و راهپیمایان با یکدیگر، آیینی است که اشتراکات فرهنگی زیادی به وجود می‌آورد. این ارتباطات میان فرهنگی با گفتگوهای همدلانه، پذیرایی، ارتباطات غیر کلامی، به همگرایی، فرهنگ‌پذیری و اتحاد می‌انجامد. بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه‌شوندگان در خصوص ایجاد پیوند و همگن سازی راهپیمایی اربعین، ۵۳ یافته به دست آمد که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۴. برخی اسناد، کدها و یافته‌های به دست آمده در خصوص ایجاد پیوند و همگن سازی راهپیمایی اربعین

ایجاد پیوند و همگن سازی			
ردیف	سند	کد	یافته
۱	D20	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای ایجاد پیوند و همگن سازی حرکت به سمت یک مقصد	آشنایی با چنین رفتارهای مثبتی و تجربه آن‌ها از نزدیک، باعث می‌شود این ویژگی‌ها در افراد نهادینه شود؛ همچنین افراد با سلیقه‌ها و فرهنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر و قدم به قدم با هم برای رسیدن به مقصدی مشترک همکاری می‌کنند و این تفاوت‌ها باعث نمی‌شود که به یکدیگر کمک نکنند.

۲	D22	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای ایجاد پیوند و همگن سازی اصمیت	در واقع همدلی، همراهی، مهربانی، صفا و صمیمیت، وحدت و انسجام در عین کثرت، صبر، امیدواری، وفاداری، ایثار و از خودگذشتگی، صداقت و شفافیت، صلح، میهمان نوازی، نوع دوستی، اجماع نظر حول یک هدف متعالی وجود دارد ۳ برآیند این صفات بارز اخلاقی منجر به هم افزایی و ارتقا اخلاق جمعی می شود.
۳	D11	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای ایجاد پیوند و همگن سازی پیوند افراد	یکی از ارزش های خبری که من یادم رفت آنجا بگویم مجاورت معنوی ای هست که بین مسلمانان به خصوص شیعیان از اقصی نقاط جهان با این افکار پیوند پیدا می کند.
۴	D23	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای ایجاد پیوند و همگن سازی پیوند افراد	رسانه ها می توانند موجب نزدیکی سلائق و علائق باشند، پیونددهنده باشند و راهپیمایی اربعین به نظرم به واسطه بستری که فراهم می کند که افراد رودررو با افکار و سلائق متفاوتی و متنوعی مواجهه کنند، اولاً تجربه ای را فراهم می کند که افراد از آن خودمحوری و از آن شدت درون گرایی شان در زندگی متعارف و روزمره از یک حدی جدا شوند و مواجه شوند اولاً با سلائق و علائق مختلف.

در نهایت با عنایت به نظر نخبگان و صاحب‌ه شونده‌گان می‌توان دریافت که راهپیمایی اربعین اهداف مشترک و اقدام‌های مشترکی دارد. این مؤلفه‌ها سبب نزدیکی قلب‌ها و سلیقه‌ها می‌شود. در این مسیر تفاوت‌ها رنگ می‌بازد و همیاری و ایفای نقش در تحقق یک هدف بزرگتر معنا پیدا می‌کند.

۴-۴. آموزش، راهنمایی و رهبری راهپیمایی اربعین

در دوران معاصر مناسک اربعین از چنان قدرت نفوذ و تاثیرگذاری برخوردار شده است که نه تنها توجه همه شیعیان را به خود معطوف نموده، بلکه جهانیان و رسانه‌های بین‌المللی نیز این واقعه بزرگ را پوشش داده و پیگیری می‌نمایند، در این راستا از راهپیمایی اربعین می‌توان به عنوان یک رویداد، آیین و مناسک جریان‌ساز نام برد که برآیند این حرکت در هم تنیده شدن صفوف شیعیان و به رخ کشیدن قدرت نرم مذهب تشیع در جهان است. از این رو اربعین با کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متنوع به نوعی می‌تواند به رهبری جریان فکری تشیع کمک نموده و موجب بیداری و ارشاد و افکار عمومی در شناخت آرمان‌های جاوید امام حسین

(ع) شود بیداری و ارشاد افکار عمومی یکی از کارکردهای مهم راهپیمایی اربعین بوده و این آیین ضمن تقویت عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در بین مشارکت کنندگان، انتقال دهنده پیام و محتوی قیام و فلسفه حرکت و نهضت امام حسین (ع) در بین افکار عمومی جهان می باشد. بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه شوندگان در خصوص رهبری، هدایت و آموزش راهپیمایی اربعین، ۵۷ یافته به دست آمد که برخی از آن ها به شرح زیر می باشد.

جدول ۵. برخی اسناد، کدها و یافته های به دست آمده
در خصوص نقش راهپیمایی اربعین در رهبری و هدایت

رهبری و هدایت			
ردیف	سند	کد	یافته
۱	D19	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه ای رهبری	به هر حال بازتاب یک حرکت این گونه در این ابعاد به هر حال خودش می تواند به عنوان یک نماد، به عنوان یک المان فرهنگی، مدام از آن حرف زده شود و به تعبیری چون به شدت گسترده است، اشتباهی زیادی در این دارد که محتوای زیادی را در خودش جا بدهد، می تواند به عنوان یک موضوع و محتوایی که موضوعات دیگر را رهبری می کند.
۲	D16	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه ای رهبری	از این رو اربعین با کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متنوع به نوعی می تواند به رهبری جریان فکری تشییع کمک نموده و موجب بیداری و ارشاد و افکار عمومی در شناخت آرمان های جاوید امام حسین (ع) شود بیداری و ارشاد افکار عمومی یکی از کارکردهای مهم راهپیمایی اربعین بوده و این آیین ضمن تقویت عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در بین مشارکت کنندگان، انتقال دهنده پیام و محتوی قیام و فلسفه حرکت و نهضت امام حسین (ع) در بین افکار عمومی جهان می باشد.

۳	D9	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای رهبری مشارکت اجتماعی	از نظر طبقاتی نمی‌توان گفت که تمایز خاصی وجود دارد، بنابراین افرادی از همه طبقات اجتماعی در راهپیمایی مشارکت دارند که به معنای گذشتن از مرزهای طبقاتی در این کنش جمعی است.
۴	D12	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای رهبری مشارکت اجتماعی	ظرفیت‌های بالایی دارد، بیان‌کننده عشق و علاقه است، مشارکت، همدلی، همراهی، عدالت‌پروری، مقابله با ظلم و بسیاری دیگر از واژگان را تعریف می‌کند آن هم تعریف واقعی و عینی و نه تعریفی که از دیگران بشنویم.
۵	D8	راهپیمایی اربعین‌اکارکردهای رسانه‌ای رهبری‌ایبیداری و ارشاد افکار عمومی	مبتنی بر ارزش‌های شکل گرفته آن. این ارشاد همه‌جانبه و همه‌سویه برای مخاطبین ایرانی و غیرایرانی فهمیده می‌شود لذا در تفسیرها و تحلیل‌ها می‌بایست برخی ملاحظات لحاظ شود.

برخی با توجه به پیام‌های راهپیمایی اربعین، ویژگی‌های پیام آن را به تقویت گفتمان همدلی، همبستگی و مقاومت در منطقه مرتبط دانسته‌اند و خاصیت این راهنمایی را خودجوش و مردمی اعلام کرده‌اند که می‌بایست به همین شیوه ادامه یابد. این راهنمایی و رهبری سبب ایجاد ارتباط عاطفی و فکری و سیاسی میان زندگی امروز و حقیقت قیام امام حسین و یارانش خواهد شد که به تبیین ابعاد مختلف ولایت و ولایت‌پذیری منجر می‌شود. در این اطلاع‌رسانی و آموزش تمرکز بر فضیلت‌های اخلاقی امام حسین (ع) و یارانش می‌تواند جنبه تربیتی داشته باشد. با تقویت همین شعائری که عملاً در این مراسم شکل می‌گیرد و تولید نسبت فی مابین این شعائر با حقایق و رویدادهایی که نظام منطقه‌ای و جهانی می‌توان مخاطبین زیادی را تحت تأثیر قرار داد و ارزش‌هایی که بین بشریت مشترک هستند را منتشر کرد تا از این طریق دایره فهم اشتراکات افزایش و ضریب نفوذ آموزش و رهبری تقویت شود.

۴-۵. راهپیمایی اربعین و کاهش بحران‌های اجتماعی

با توجه به وجود بحران‌های اجتماعی در شرایط کنونی در کشور عراق، حضور میلیونی، مشارکت و همدلی افراد از اقشار مختلف مردمی سبب فروکش کردن تظاهرات و اجتماعات اعتراضی در بازه زمانی راهپیمایی اربعین در کشور عراق می‌شود. اکثر افراد شرکت‌کننده

در راهپیمایی از جامعه شیعیان هستند، بنابراین راهپیمایی اربعین با گستردگی و عظمت خود که ناشی از گردهمایی پیروان این مذهب از نقاط مختلف به ویژه کشورهای منطقه می باشد می تواند به وحدت و همگرایی منطقه ای کمک کند و تنش های اجتماعی کشور عراق و منطقه ای را کاهش دهد.

در جمع بندی یافته ها می توان دریافت که افراد به جنبه هایی از نقش راهپیمایی اربعین در کاهش بحران های اجتماعی اشاره کرده اند. رسانه ها می توانند از طریق القا حس آرامش و ثبات رویه در انتشار این حس از جوانب مختلف به ثبات ذهنی افراد و پیامد آن که کاهش معضلات و بحران ها است و در مجموع به ثبات اجتماعی کمک کنند. در این راستا با القای حس همدلی، مشارکت، نوع دوستی، اتحاد، وفاق، انسجام و وحدت که در اجتماعات راهپیمایی اربعین ایجاد می شود ثبات اجتماعی نیز حاصل می شود. در صورتی که حضور ملموس و میدانی در این راهپیمایی نشان از همدلی و اتحاد میان آحاد مختلف مسلمانان را نمایان می سازد و به تعبیری هدفی والاتر از اختلافات عقیدتی فرقه ای مورد اجماع است. در واقع راهپیمایی مذکور می تواند نمایش اقتدار اجتماعی مسلمانان باشد. دیدار چهره به چهره مسلمانان افزایش می یابد و هم افزایی در زمینه های مختلف فردی و اجتماعی صورت می پذیرد که در نهایت این حرکت موجب تقویت روحیه جمعی و افزایش معنویت و نوع دوستی می شود. این فضا با توجه به درون مایه راهپیمایی اربعین و وجود مؤلفه های هویت دینی در تقویت نظام هویت دینی نقش به سزایی ایفا می کند. همچنین بازنمایی قدرت تجمعات مذهبی و حرکت دسته جمعی انسان های آزاده جهان در تثبیت قدرت و امنیت مؤثر است. در این راستا بازیابی هویت جمعی مشترک و مبتنی بر ارزش های انسانی و اخلاقی می تواند موجب کاهش بحران ها از جمله بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی باشد.

این رویداد می تواند با تقویت مؤلفه های یاد شده در فرآیند کاهش بحران های مذکور نقش داشته باشد و به پیشگیری یا کنترل راحت تر آن کمک نماید. بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه شوندگان در خصوص جنبه های تقابل با بحران های اجتماعی و کاهش آن توسط راهپیمایی اربعین، ۷۰ یافته به دست آمد که برخی از آن ها به شرح زیر می باشد.

جدول ۶. اسناد، کدها و یافته‌های به دست آمده در خصوص نقش راهپیمایی اربعین در کاهش و تقابل با بحران‌ها

تقابل با بحران‌ها			
ردیف	سند	کد	یافته
۱	D19	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	هویت ایجاد می‌شود که آدم‌های گوناگون ببینند و در این هویت خودشان را پیدا کنند.
۲	D8	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	با توجه به حساسیت‌های نظام ارزشی درون اسلامی اگر به شکل صحیح راهبری شود می‌تواند تعدیل‌کننده بحران‌های منطقه‌ای باشد اما برعکس در صورت عدم مدیریت صحیح و یا احیاناً جهتدار می‌تواند چالش آفرین و آفت‌زا باشد که انسجام هویت دینی را در منطقه با تهدید مواجه کند.
۳	D20	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	در راهپیمایی بزرگ اربعین همسانی‌ها و اشتراک افراد حاضر از مناطق مختلف جهان یک احساس و هویت مشترکی را میان حاضران پررنگ می‌کند که‌ای بسا افراد در موطن خود کمتر با این حجم و تعداد از افراد دارای اندیشه و احساس و باور مشترک روبرو بوده‌اند.
۴	D23	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	یعنی تقویت‌کننده هویت‌یابی افراد هست و هم شدت هویت و همبستگی را بالا می‌برد و هم نوع آن را مثل یک غنی‌سازی در رابطه با قضیه هویت و ثبات انجام می‌دهد.
۵	D17	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	راهپیمایی اربعین این ظرفیت را دارد که انسان‌ها را به هم پیوند دهد و در هویت بخشی کارساز باشد.
۶	D9	راهپیمایی اربعین کارکردهای رسانه‌ای تقابل با بحران‌ها بحران هویت	از این کارکردها می‌توان کارکردهای هویت جویی، را مهم‌ترین کارکردی دانست که در این مورد وجود دارد.

۴-۶. جایگاه اجتماعی راهپیمایی اربعین

در ایام برگزاری راهپیمایی اربعین، مردم کشورهای مختلف که اکثر آن‌ها عراقی هستند با برپایی موکب‌ها در محل‌های از قبل تعیین شده به پذیرایی شرکت‌کنندگان می‌پردازند و

رسیدگی به امور را با هزینه شخصی و قومی خود مدیریت می‌کنند، گویی که شرکت کنندگان، عزیزترین افرادند و رسیدگی به امور او را وظیفه خود می‌دانند. از این لحاظ راهپیمایی اربعین یک راهپیمایی مردمی و مستقل است. هیچگونه شرطی برای مردم عراق جهت خدمت به دیگران وجود ندارد ولی شروط حضور در راهپیمایی اربعین برای سایر کشورها از جمله ایران، به حداقل شرایط قانونی محدود می‌شود؛ از جمله آن‌ها داشتن گذرنامه و ویزا می‌باشد که بر اساس شواهد و پاسخ اطلاع رسانی این شرایط نیز بارها نقض شده است و ایرانی‌ها با کارت ملی نیز از مرز قانونی وارد خاک عراق شده‌اند و در راهپیمایی شرکت کرده‌اند. افراد معمولاً از ۷ تا ۱۰ روز جهت شرکت در این راهپیمایی زمان می‌گذارند و معمولاً مسیر را به صورت پیاده به سمت کربلا طی می‌کنند. میلی که همه را به سوی مرکزی جذب می‌کند. جاذبه‌ای که مانند جاذبه مغناطیس عمل می‌کند و همه را به سمت مرکزی به نام کربلا و مرقدی به نام مرقد حسین بن علی (ع) می‌کشاند. جهت دستیابی به منزلت راهپیمایان توجه به منزلت امام حسین (ع) ضروری می‌باشد. انسان اشرف مخلوقات الهی است. از میان انسان‌های بزرگ و کامل، سالار شهیدان، حضرت امام حسین (ع) دارای جایگاه ویژه‌ای بین امامان معصوم است، در این خصوص حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: "حسین از من است و من از حسینم" (ابن قولویه، ۱۳۷۷). حال جایگاه افرادی که به زیارت این امام بزرگوار می‌روند و در راهپیمایی اربعین که نماد بزرگداشت یاد امام حسین (ع) است شرکت می‌کنند بهتر آشکار می‌شود. در کنار این موارد امام حسین (ع) نماد ایستادگی در برابر ظلم، شجاعت، عزت و تمام ارزش‌های انسانی است بنابراین شأن اجتماعی راهپیمایان شأن دوستداران آن امام است که در جوامع اسلامی شأن بالایی است. حال زیارت امام حسین (ع) در روز چهلم شهادتشان جایگاه ویژه‌ای نزد علاقه‌مندان آن امام شهید دارد... بر اساس کدگذاری متن گفتگوی مصاحبه‌شوندگان در خصوص منزلت و جایگاهی که راهپیمایی اربعین به افراد می‌دهد، ۲۱ یافته به دست آمد که در انتها می‌توان دریافت که افرادی که در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند، دارای منزلت اجتماعی می‌شوند. همان‌طور که گفته شد، منشأ این منزلت، مقام والا و صفات برگزیده امام حسین (ع) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر اساس ادبیات حوزه مربوطه، نظرات افراد از طریق مصاحبه در خصوص کارکردهای رسانه‌ای راهپیمایی اربعین دریافت شده است. کارکردهای رسانه‌ای متفاوتی در راهپیمایی اربعین وجود دارد. راهپیمایی اربعین دارای کارکردهای رسانه‌ای نظارت بر محیط، همبستگی اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، آموزش، راهنمایی، رهبری، سرگرمی، کاهش بحران‌ها و ایجاد جایگاه اجتماعی می‌باشد. کارکردهای اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، ایجاد همبستگی اجتماعی و آموزش دینی در ارتباط با ارتباطات میان فردی و ارتباطات جمعی رسمی و کارکردهای اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، انتقادی و حتی در بعضی مواردی سرگرمی در ارتباط با ارتباطات رسانه‌ای غیررسمی بخصوص از نوع غیرهمسو با رسانه‌های رسمی وجود دارند. انواع فرهنگ‌ها در راهپیمایی اربعین حضور دارند و نقطه ارتباطی آن‌ها پیدا کردن نقاط مشترک است. تعاملات این فرهنگ‌ها بر خلاف سایر مواقع، تقابلی نیست و با تاکید بر اشتراکات و امید به شناسایی هدف مشترک همزیستی بالایی را تجربه می‌کنند. در راهپیمایی اربعین اگر دین را به مثابه فرهنگ در نظر بگیریم، یک فرهنگ مشترک وجود دارد و آن هم فرهنگ اسلام می‌باشد. با این شرایط انتقال میراث فرهنگی به ویژه میراث فرهنگی شیعی و فرهنگ مقاومت در برابر استبداد و تلاش برای برقراری هرچه بیشتر عدالت انسانی و آزادی انسانی با سرعت و گستردگی و عمق هرچه بیشتر در این رویداد مشاهده می‌شود. بنابراین خرده فرهنگی‌های قومی از جمله مسلمانان و شیعیان ایران، افغانستان، پاکستان، هند، آسیای میانه، حوزه خلیج فارس، شمال آفریقا و نواحی دیگر وجود دارند که تعاملات میان این قومیت‌ها زیاد می‌باشد که منجر به ایجاد همبستگی و وحدت در میان آن‌ها می‌شود.

این حرکت عظیم به نوعی برای مخاطبین سرگرم کننده است اما سرگرمی که در نوع خود بی نظیر و همراه با معنویت، دعا و عبادت است. شرایط نامساعد محیطی و آب و هوایی محل راهپیمایی در کشور عراق سبب شده تا جنبه‌های سرگرمی و فراغتی این راهپیمایی کم رنگ شود. بنابراین اکثر افراد جهت گذراندن اوقات فراغت پا به این عرصه نگذاشته‌اند اما وجهه رسانه‌ای این رویداد برای دریافت کنندگان و مخاطبین می‌تواند جنبه سرگرم کننده داشته باشد. خود پیاده‌روی و همزیستی، مکالمه و صحبت با دیگران یا تجربه تعامل فرهنگی با فرهنگ‌های مختلف، ایجاد سرگرمی می‌کند. لباس و نوع پوشش مختص به راهپیمایی می‌تواند ابعاد سرگرمی داشته باشد.

نمادهایی که رویت می‌شوند، به کار می‌روند و یا منتقل می‌شوند جنبه سرگرم کننده دارند. راهپیمایی اربعین دارای ویژگی‌های راهنمایی و رهبری برای راهپیمایان و مخاطبین بیرونی است. با توجه به پیام‌های راهپیمایی اربعین، از طریق راهنمایی خودجوش و مردمی، گفتمان همدلی، همبستگی و مقاومت در منطقه تقویت می‌شود، خاصیتی که می‌بایست به همین شیوه ادامه یابد. این راهنمایی و رهبری سبب ایجاد ارتباط عاطفی و فکری و سیاسی میان زندگی امروز و حقیقت قیام امام حسین (ع) و یارانش خواهد شد که به تبیین ابعاد مختلف ولایت و ولایت‌پذیری منجر می‌شود. در این اطلاع رسانی و آموزش تمرکز بر فضیلت‌های اخلاقی امام حسین (ع) و یارانش می‌تواند جنبه آموزشی و تربیتی داشته باشند. این راهپیمایی می‌تواند از طریق درگیر کردن انبوه مخاطبان دامنه فهم اشتراکات را افزایش دهد و ضریب نفوذ آموزش و رهبری را تقویت کند.

راهپیمایی اربعین می‌تواند از طریق ایجاد هویت مشترک در اقصی نقاط جهان نقش آفرینی کند و در نهادینه سازی ارزش‌های والای انسانی قدم بردارد. راهپیمایی اربعین ارتباطات و مناسبات انسانی را که لازمه مدیریت بحران است عمق بخشیده و آثار معنوی آن را مضاعف می‌کند. راهپیمایی اربعین در این موقعیت مکانی سبب فروکش کردن بحران‌ها می‌شود و از طریق وحدتی که بین ملت‌ها ایجاد می‌کند از بروز بحران‌های منطقه‌ای و اختلاف افکنی‌ها جلوگیری کند. حتی با توجه به اهمیت برگزاری راهپیمایی اربعین برخی از درگیری‌ها، تجمعات، اعتراض‌ها و بحران‌های داخلی کشور عراق نیز در این بازه زمانی از بین می‌روند یا کم رنگ می‌شوند. با توجه به اینکه اکثر افراد شرکت کننده در راهپیمایی از جامعه شیعیان هستند بنابراین راهپیمایی اربعین با گردهمایی پیروان این مذهب از نقاط مختلف به ویژه کشورهای منطقه می‌تواند به وحدت و همگرایی منطقه‌ای کمک کند. این فضا با توجه به درون مایه آن و وجود مؤلفه‌های هویت دینی در تقویت نظام هویت دینی نقش به سزایی ایفا می‌کند. همچنین بازنمایی قدرت تجمعات مذهبی و حرکت دسته جمعی انسان‌های آزاده جهان در تثبیت قدرت و امنیت مؤثر است. در این راستا بازیابی هویت جمعی مشترک و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند موجب کاهش بحران‌ها از جمله بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی باشد.

جایگاه افرادی که به زیارت امام حسین (ع) می‌روند و در راهپیمایی اربعین که نماد

بزرگداشت یاد امام حسین (ع) است شرکت می‌کنند جایگاهی برگرفته از شخصیت والای امام حسین (ع) است. امام حسین (ع) نماد ایستادگی در برابر ظلم، شجاعت، عزت و تمام ارزش‌های انسانی است، بنابراین منزلت اجتماعی راهپیمایان همان منزلت محبان امام حسین (ع) است که در جوامع اسلامی و فرهنگ شیعی جایگاه خاصی است. بنابراین کسانی که در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند به دلیل بزرگداشت مقام امام حسین (ع) از منزلت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

در نهایت می‌توان اشاره کرد که راهپیمایی اربعین همزمان رسانه فردی و رسانه‌های جمعی را در خود دارد. فرد شرکت کننده در راهپیمایی اربعین که میلیون‌ها نفر را شامل می‌شود خود رسانه صادق و روایتگر بی‌غرض رویداد هستند و می‌توانند تحریف احتمالی رسانه‌های سنتی را خنثی کنند. بنابراین این رویداد در کارکرد نظارت بر محیط اجتماعی شرکت کنندگان و تماشا کنندگان رویداد از طریق روایت شرکت کنندگان و روایت رسانه‌های جمعی ملی و منطقه‌ای از اوضاع و احوال مسلمانان و شیعیان و جایگاه و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن‌ها خبرهای جدید و مطمئن‌تر دریافت می‌کنند و از این موضوعات تا جای ممکن و مرسوم در میزان نظارت خود بر محیط اجتماعی که در آن قرار دارند اعمال نظر کنند و نظارت کافی را به عمل می‌آورند.

منابع

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۷۷). ترجمه کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، تهران: پیام حق.
 ۲. امین وزلی، محسن (۱۳۹۵). پیاده روی اربعین به مثابه ارتباطات آیینی شیعه، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۳. اوسولیوان، تام؛ جان هارتلی، دانی ساندروز و جان فیسک (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه رئیس زاده، تهران: فصل نو.
 ۴. بهار، مهری (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی، تهران: سمت.
 ۵. دادگران، محمد (۱۳۸۵). مبانی ارتباطات جمعی (نسخه نهم)، تهران: مروارید.
 ۶. دیباجی، سید محمد علی و زهرا رئیس میرزایی. (۱۳۹۰). «پرداختن به فلسفه رسانه»، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۴۹-۶۵.
 ۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ارتباطات (نسخه هفدهم). تهران: اطلاعات.
 ۸. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). تحلیل پیمایش راهپیمایی اربعین حسینی: ظرفیت‌ها، چالش‌ها، نمادها و معانی. تهران: مرکز پژوهشی سیاست‌های فضای مجازی دانشگاه تهران.
 ۹. کریمی، سعید (۱۳۸۲). رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی (نسخه اول). قم: بوستان کتاب.
 ۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص (نسخه ششم)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
 ۱۱. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵). وسایل ارتباط جمعی (نسخه پنجم، جلد اول)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۱۲. نیکزاد فرخی، مهرداد (۱۳۸۲). الگوی مصرف پوشاک و هویت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد. گیلان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
13. Grimes, Ronald L. (1995). *Beginnings in Ritual Studies*. Columbia: University of South Carolina Press.

14. Jaimangal-Jones, Dewi. (2014). Utilising ethnography and participant observation in festival and event research. *International Journal of Event and Festival Management*, 5, 39-55.
15. Mcquail, Denis. (1987). *Mass Communication Theory*. Sage, 51.
16. Turner, Victor Witter. (1973, March 16). Symbols in African Ritual. *Science*, 179, 1100-1105.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جنبش های اسلامی جهان اسلام؛ نمونه موردی حزب الله لبنان

کریم عباسی^۱

صمد قائم پناه^۲

حسن شمسینی غیاثوند^۳

دکتر سید اسدالله اطهری^۴

چکیده

قدرت در سده بیست و یکم با شاخص هایی همانند رسانه ها، تولید علم، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی و سبک زندگی معنا می یابد. در واقع قدرت داخلی، منطقه ای و جهانی دولت ها با توجه به این شاخص ها صورت بندی می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به برخی منابع قدرت نرم و هوشمند خود همچون فرهنگ تاریخی، ارزشهای دینی و انقلابی و سیاسی از ظرفیت های خاصی در منطقه برخوردار بوده است. هدف و سوال محوری این پژوهش این است که مهمترین مولفه های تاثیرگذار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش های اسلامی بخصوص حزب الله لبنان کدامند؟ در تجزیه و تحلیل این موضوع مؤلفه هایی مثل اخلاق، شهادت طلبی، معنویت گرایی، علم گرایی، ولایت فقیه، و... مورد تاکید قرار گرفتند. منابع قدرت نرم اسلامی بر جنبش های اسلامی همچون شهادت طلبی، ولایت مداری و استقلال طلبی، بیشترین تاثیرات را بر جنبش های اسلامی از جمله حزب الله لبنان داشته اند. درواقع حزب الله لبنان با تاثیرپذیری از ایران و با ترکیب قدرت سخت و نرم خود یا همان قدرت هوشمند ضمن آنکه اقتدار خود را در سطح داخلی و منطقه ای افزایش داده است، باعث بازتولید و افزایش قدرت و امنیت منطقه ای ایران شده است.

واژه های کلیدی: قدرت نرم، ایران، امنیت ملی، حزب الله، رسانه ها

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول)
ghampanah@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۴. استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

مقدمه

منابع و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نرم انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت فرهنگی این انقلاب بسیار فراوان است. با این حال سه منبع دین اسلام، فرهنگ شیعه و جهان‌بینی انقلاب اسلامی را می‌توان منابع عمده و مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی عنوان کرد. اصول اعتقادات اسلامی را شاید بتوان به عنوان مهم‌ترین سرچشمه انقلاب اسلامی ایران دانست. یکی از پیام‌های اصلی انقلاب اسلامی همان ورود دین به ساحت اجتماع و سازماندگی زندگی سیاسی و اقتصادی بوده است. در این چهارچوب سیاست باید زمینه‌ساز تحقق ارزش‌های دینی به خصوص دین اسلام باشد. بطور کلی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی چه در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی بر اقتدار و امنیت ایران بسیار تاثیرگذار بوده است. سوال و هدف محوری این پژوهش تاثیر قدرت نرم ایران در قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی بخصوص در حزب الله لبنان است. در این راستا موضوعاتی از قبیل مولفه‌های قدرت نرم ایران در سطح منطقه‌ای در ابعاد دینی، ملی، رهبری و رسانه‌ای، تهدیدات نرم علیه ایران و همچنین نتایج و اهداف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مهمترین متونی که درباره قدرت نرم نگارش یافته اند عبارتند از:

قدرت نرم، نظریه‌ای است که مبدع آن جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد می باشد. نای با نگارش سلسله مقالات و کتاب‌ها به دنبال ارائه نظریه‌ای جدید از قدرت بوده است. وی با بررسی فراز و فرود میزان قدرت ایالات متحده در جهان، به خصوص پس از حمله آمریکا به عراق، با ارائه مفهوم قدرت نرم، با گذر از سخت افزار گرایی به نرم افزار گرایی؛ گشاینده دریچه نوین مطالعات در عرصه قدرت می باشد (نای، ۱۳۸۷).

از دیگر آثار مهم در باب قدرت نرم می توان کتاب قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، را نام برد. موضوع اصلی این کتاب قدرت نرم و امنیت است. که فرهنگ بسیج و قدرت نرم، قدرت بسیج و امنیت نرم، دانش بسیج و تولید قدرت نرم و الگوی بسیج در فضای فرهنگی مهمترین موضوعات آن است. مباحث کتاب جهت تبیین قدرت نرم و امنیت نرم بر موضوع فرهنگ تمرکز یافته و موضوع سرمایه اجتماعی در آن بحث نشده است. از آثار مهم وی می توان به کتاب قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل اشاره کرد.

از دیگر آثار مهم، کتاب قدرت نرم و سرمایه اجتماعی می باشد. این کتاب در برگیرنده

مجموعه مقالات همایش ملی بسیج و قدرت نرم است که در زمستان ۱۳۸۶ تدوین شده است که به مفهوم قدرت نرم و سرمایه اجتماعی نیز پرداخته شده است.

با توجه به اهداف انقلاب جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی بویژه مبارزه با استکبار جهانی، حمایت از مظلومین و مستضعفان عالم و تلاش مداوم دشمنان داخلی و بین المللی برای مقابله با گسترش قدرت ایران در منطقه، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از جذابیت های آرمانهای انقلاب اسلامی می تواند با استفاده از پتانسیل های سایر ملل مسلمان و آزادی خواه قدرت خود را در منطقه افزایش دهد.

چارچوب مفهومی

مفهوم سازی اولیه قدرت نرم توسط جوزف نای صورت گرفته است. (نای، ۱۳۸۹: ۴۷) آنچه جوزف نای به عنوان منابع قدرت نرم آورده، در بردارنده سه مؤلفه فرهنگ، ارزش های سیاسی و مطلوب های سیاست خارجی است. (نای، ۱۳۸۹: ۵۱) امروز از فرهنگ به عنوان مهم ترین منبع قدرت نرم نام برده می شود. (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶) قدرت نرم که بعضاً آن را قدرت هنجاری و قدرت انگاره ای و عقیدتی می نامند، تکیه بر فرهنگ و ارزش ها دارد. (اصغریان کاری، ۱۳۸۹: ۳۲) از فرهنگ که در قاموس و عرف بین الملل به عنوان قدرت نرم یاد می گردد. (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶) که جهت دهنده به ذهن و رفتار در همه حوزه های اجتماعی است. فرهنگ یک کشور بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است. (افتخاری، و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴) و می توان گفت نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته و یا مورد مخالفت قرار می گیرد و یا باز تولید می گردد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴)

نای معتقد است، ارزش های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی، می تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی؛ پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش های مثبت یک حکومت است. در عرصه خارجی، هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه بین الملل و منطقه ای با نهاد های دیگر سنجیده تر و همگرا تر باشد و اختلافات را به حداقل رسانیده و به معاهدات بین المللی پایبند باشد، قدرت نرم آن کشور افزایش می یابد؛ زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و باعث نشان دادن برآیند مثبت از چهره ی یک کشور می گردد و این امر، امروزه در بعد سیاست خارجی منجر به جذب دیگران و افزایش قدرت و

نفوذ یک کشور می گردد. (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۱). دیپلماسی عمومی، یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است. (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱) که جذب قلوب و افکار، در این نوع دیپلماسی مشهود است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲) زیرا در این نوع سعی شده دیپلماسی با اخلاق مورد توجه قرار گرفته به نحوی که امروزه اکثر کشورها سعی دارند در دیپلماسی و روابط بین کشورها، خود را اخلاقی نشان دهند. از آنجا که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد، ضمیر ناخودآگاه مخاطبان را هدف قرار می دهد و با لطافت و ظرافت غیر مشهودی بر لایه های عمیق اذهان تأثیر می گذارد، بنابراین در مقایسه با سایر ابزارهای شایع در سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی یا عمومی، با سهولت بیشتری بر لایه های زیرین جوامع رسوخ و اثر می گذارد.

در این دیپلماسی، فرصت بهتری برای حضور جدی بازیگران غیر دولتی مهیا می گردد و با توجه به اینکه در قدرت نرم، توأم ساختن دیپلماسی با اخلاق، یک امتیاز است که کشورها سعی می کنند خود را متصف به آن سازند، این نوع دیپلماسی، اخلاقی تر و انعطاف پذیر تر است. (خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۱۳۹)

قدرت منطقه ای

با افول نظام دو قطبی در جهان، مفهومی تحت عنوان قدرت منطقه ای، مطرح گردید. در نظام سلسله مراتب بین المللی، قدرت های منطقه ای بازیگرانی می باشند که جایگاه و کارکردشان بسیار حائز اهمیت است. واژه ی قدرت منطقه ای که بنیان نظری خاصی در ادبیات روابط بین الملل دارد پویایی نوع خاصی از تقسیم بندی دولت ها است که در آن قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می گیرد. این واژه در تجزیه و تحلیل های مربوط به امور بین المللی مورد استفاده قرار می گیرد. سیستم بین المللی به لحاظ ماهوی متشکل از لایه های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و در عین حال به لحاظ جغرافیایی قابل تقسیم بندی و سیستم های منطقه ای می باشد.

برخی از صاحب نظران کشورهای جهان را در سلسله مراتبی هرمی شکل از قدرت طبقه بندی می کنند که در واقع این هرم قدرت مسلط در میانه آن قدرت های بزرگ و متوسط و در قاعده آن قدرت های کوچک منطقه قرار می گیرند (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۵). موضوع سلسله مراتب قدرت های منطقه ای را بوزان و ویور دستمایه کار پژوهش ارزشمند قرار داده اند. آنها در این بحث که

در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای مطرح کردند، بین قدرت های بزرگ و ابرقدرتها که در سطح جهانی عمل می کنند و در این عرصه اثر گذاری دارند و قدرت های منطقه ای که نفوذ آنها ممکن است در منطقه خود زیاد باشد؛ اما در سطح جهانی مورد توجه قرار نمی گیرند، تمایز قابل می شود از نظر آنها، قدرت های منطقه ای ممکن است دارای منابع مادی و سخت افزاری قدرت چندان مناسب نباشند، اما به لحاظ اصالت تاریخی، سنت های ریشه دار و موقعیت جغرافیایی این قدرت ها وضعیت مساعدی داشته باشند (به نقل از نصری، ۱۳۸۴: ۶۰۵ - ۵۸۶).

حزب الله لبنان

«حزب الله» یک سازمان سیاسی - نظامی و یک نیروی چریکی است که در اوایل دهه ۸۰ میلادی با ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی (ره) در لبنان ظهور کرد و با شعار «مبارزه با اسرائیل» توانست بین گروه های مختلف اعتقادی در لبنان وحدت ایجاد کند و با هدف مقاومت برای شکست اسرائیل و بازپس گیری زمین های اشغالی، جوانان را به خود جذب کند. به ویژه، با پیروزی در سال ۲۰۰۰ بر رژیم صهیونیستی و موفقیت در عقب راندن نیروهای این رژیم از جنوب لبنان و نیز مقاومت ۳۳ روزه در برابر این رژیم در سال ۲۰۰۶، روز به روز بر محبوبیت آن در بین مردم لبنان و حتی کشورهای عربی افزوده شد. (نصرتی، ۱۳۹۱: ۶۷ و ۶۸) این جنبش با یاری و همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز خود را، که به انقلاب اسلامی علاقه مند بودند، آموزش داد و آن ها را در راه بسیج و سازمان دهی نظامی علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت و تاکنون چندین عملیات ضداسرائیلی در جنوب لبنان انجام داده است. (محمّدی، ۱۳۸۵: ۲۴۱)

«حزب الله» بر نقش روحانیان دینی در طرح سیاسی خود تأکید دارد. همچنین انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگویی برای خود برگزیده و مبانی و ارزش های آن و نظریه «ولایت فقیه» را که امام خمینی (ره) آن را اجرا کرده بود، پذیرفته است. «ولایت فقیه» در اندیشه و مرام «حزب الله»، یعنی همان جانشین خدا و حاکمیت «خليفة الله» بر روی زمین. دستور و امر ولی فقیه برای «حزب الله» به مثابه حکم الهی است. (بژی، ۱۳۸۷: ۱۵)

«حزب الله» یک حزب صرفاً ملّی و معمولی در یکی از کشورهای کوچک خاورمیانه نیست. این حزب گرچه خود را در چارچوب های ملّی تعریف کرده و در چنین فرایندی به شدت

فعال شده، اما در عین حال، از ویژگی‌های فراملی بسیاری برخوردار بوده و کارکرد منطقه‌ای قابل توجهی پیدا کرده است. این ویژگی در اصل، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران است که «حزب‌الله» با بهره‌گیری از همگونی مذهب خود با انقلاب، شالوده فکری و رفتار خود را بر اساس آن پی‌ریزی و بیشتر ویژگی‌های انقلاب اسلامی را در خود بومی‌سازی کرده و الگوی عربی قابل توجهی برای منطقه ارائه داده است. سی و سه روز مقاومت «حزب‌الله» در مقابل ششمین ارتش بزرگ جهان و کمک‌های بزرگ‌ترین زرادخانه‌های تسلیحاتی و تبلیغاتی آمریکا و چند کشور اروپایی همچون انگلیس و فرانسه و تأیید فریب‌کارانه چند کشور عربی، توانست موازنه قدرت را در منطقه، به نفع اسلام و «حزب‌الله» و دولت لبنان در خاورمیانه رقم بزند. (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳)

مولفه‌های تاثیرگذار بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه رهبری و ولایت فقیه

ولایت فقیه در اعتقاد جامعه شیعی در مسیر طولی حاکمیت خداوند بر بندگان، در عصر غیبت امام معصوم (ع) در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرد پیروی و اطاعت از رهبری با توجه به اعتقادات و باور قلبی سبب بالارفتن مشروعیت دینی و سیاسی انقلاب و خنثی‌سازی جنگ روانی و تبلیغاتی دشمنان می‌شود؛ چرا که فی‌نفسه بزرگترین و موثرترین قدرت نرم انقلاب و پرچمدار هدایت در وحدت و یکپارچگی جامعه به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن و مدیریت بحران‌های داخلی و خارجی موثر و غیر قابل انکار به شمار می‌آید. در حقیقت تقویت جایگاه و تبعیت از ولایت فقیه به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۳). ولایت فقیه از یک طرف رهبری و مدیریت صحیح اسلامی با عفو و عطوفت همراه است و نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و اتصال به مردم بنا می‌شود و این نقطه مرکزی وحدت می‌باشد و از طرفی دیگر شناسایی کیدهای دشمنان و عوامل تفرقه‌زا و پیشگیری از آن در جهت جلوگیری از تضعیف امنیت ملی و انسجام اسلامی به مثابه «اشداء علی الکفار» مطرح است. به همین جهت لبه تیغ دشمنان از یک طرف وحدت اسلامی و امنیت را هدف قرار داده و از طرف دیگر ولایت فقیه را، و این به نوبه خود اهمیت نقش ولایت فقیه در ایجاد وحدت اسلامی و امنیت را مشخص تر می‌کند.

استکبارستیزی

یکی از ارزشهای مورد نظر شیعه، عدم پذیرش استکبار و سلطه کافران است؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «لَنَجْجِلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نسا، آیه ۱۴۱) (رجبی، ۱۳۷۴: ۵۸)؛ بنابراین شیعیان و مومنان نباید سلطه و استکبار کافران را بر خود بپذیرند بلکه باید در مقابل استکبار و سلطه کافران بایستند و مقاومت کنند. چنانچه مقام معظم رهبری می فرماید: در واقع، قیام امام حسین (ع) برای احیای روحیه مسئولیت پذیری و ظلم ستیزی بود (امام خامنه ای، ۱۳۹۱: ۱۵۷). این عنصر یکی از عناصر مهم و نقش آفرین در فرهنگ سیاسی شیعه است که زمان های مختلف عامل بیگانه ستیزی و مقابله با استکبار توسط شیعیان بوده است این بیگانه ستیزی در مواردی موجب مخالفت مردم با هیئت حاکم بوده است (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

روحیه ایثار و شهادت طلبی

روحیه ایثار و شهادت طلبی، یکی از ارزش های سیاسی و اعتقادی شیعیان است. شیعه اعتقاد خاصی به شهادت دارد. با مروری بر تاریخ زندگی ائمه می بینیم که تمامی آنها به دست دشمنان مقتول یا مسموم شده اند. این ارزش بزرگ با نام حسین بن علی در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است و شیعیان لقب سید شهدا را برای او از هر کس دیگری مناسب تر می دانند؛ زیرا شهید با ایثار قطرات خورش در پیکر جامعه، خون گرم و زنده ای را به جریان می اندازد و راه خدا را باز می کند و سدها و موانع را برمی دارد (روحانی، ۱۳۸۲: ۷۸). شهادت نقش بسیار حساسی در تاریخ اسلام و امت اسلامی دارا است. این امر از ابتدای ظهور اسلام تاکنون وجود داشته است شاید به همین جهت بوده است که بسیاری از اسلام شناسان غیر مسلمان، به علت تشویق اسلام به جهاد با جان جهت برقراری و دفاع از حق و حقیقت و به علت علاقه فراوان مسلمانان برای استقرار عدل و ریشه کنی ظلم و به علت فداکاری همه جانبه رهبران اسلام و امت اسلامی در صلح و آیین اسلام را دین شمشیر معرفی می کنند (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۸: ۲۸).

داعش ایجاد شده بود تا قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه را به ویژه در کشورهای دوست ایران مثل سوریه و عراق مورد هدف قرار دهد و از این طریق دولت های دست نشانده غربی در آنجا تحت عنوان دولت اسلامی به روی کار بیاید، این موضوع ضمنای شرایط را برای حمله به ایران مهیا می کرد. جمهوری اسلامی ایران با تشکیل شبه نظامی های متعدد در

کشورهای همسایه همچون حشد شعبی عراق، فاطمیون افغانستان، حیدریون پاکستان و ... فرهنگ شهادت و ایثار را بیش از هر زمان دیگری از خود نشان داد و اجازه نداد خواب های آشفته دشمنان تعبیر گردد.

عدالت طلبی

یکی دیگر از مهمترین ارزش های سیاسی که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی واحد، حافظ و مروج آن است، عدالت است. عدالت در برگیرنده و متضمن سایه ارزش ها و فضایل انسانی و اجتماعی نیز هست، و دولتی که باید در داخل به عنوان الگو جهت الهام بخشی به دیگران ایجاد گردد «حکومت عدل اسلامی» است. اهمیت این ارزش و اصل به اندازه ای است که رهبر انقلاب اسلامی آن را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می داند. ارائه و معرفی الگوی عدالت اسلامی به صورت مسالمت آمیز از طریق گسترش ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی به سه طریق الهام بخشی انقلاب اسلامی را تامین می کنند:

الف) ایجاد و استقرار یک دولت عادل و جامعه الگوی اسلامی که زمینه ساز تشکیل جامعه جهانی اسلامی تحت حاکمیت دولت مهدوی خواهد بود؛

ب) گسترش ارزش های دولت اسلامی در زمینه عدالت خواهی و سلطه ستیزی و صدور الگوی مقاومت جمهوری اسلامی ایران به اردوگاه سلطه ستیزان (لبنان و فلسطین)؛

ج) فراگیر شدن فرهنگ و گفتمان مقاومت در سطح منطقه ای و بین المللی به معنای گسترش نفوذ و دامنه منافع و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به فراسوی محیط پیرامونی آن می باشد (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

هنجار سازی در سطح جهان اسلام

تلاش در راستای اشاعه ارزش های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می شود. برای تبیین بهتر این امر می توان از مفهوم عمق راهبردی استفاده کرد. عمق راهبردی مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعات

امنیتی و استراتژیک مربوطه است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گسترش نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپلیتیک و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می شود رقیبان و دشمنان کشور، عملاً از این آسیب رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف نظر کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز با برخورداری از مزیت های فراوان سرزمینی و جغرافیایی در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می کند، اشاعه ارزش ها و گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی خود با جدیت پیگیری می کند. اما داشتن چنین رویکرد ارزشی و هنجاری نه تنها هیچ منافاتی با تامین امنیت و منافع ملی کشور ندارد، بلکه گسترش نفوذ ایدئولوژیک، تضمین کننده امنیت و منافع ملی ایران در بلندمدت خواهد بود. از این رو مجموعه هزینه هایی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف و اولویت های سیاست های خارجی خود در افق ۱۴۰۴ و در حوزه جهان اسلام می پردازد، ضمن انطباق با آرمان های آن، تقویت کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، حمایت از مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی از طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران تامین کننده قدرت نرم و امنیت و منافع ملی آن است. درباره نفوذ دولت یک کشور در مناطق ژئوپلیتیک، یک شاخص مهم، ارزیابی محبوبیت - به مسائل شاخصه عمده در اندازه گیری نفوذ قدرت نرم - در کشورهای دیگر است. استقبال مردم از مقامات بلندپایه ایران در کشورهای اسلامی می تواند تا اندازه ای روشنگر جذابیت ارزش ها و هنجارها و نیز محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در میان مردم مسلمان باشد (درخشش و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۹ - ۴۰)

اهداف جمهوری اسلامی ایران در منطقه

۱. صدور انقلاب اسلامی

گسترش انقلاب اسلامی یکی از مهمترین اهدافی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در موارد متعدد به آن توجه شده است. چنان که مفهوم صدور انقلاب به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی سیاست استقلال طلبی و مقابله با رخنه پذیری در مقابل نفوذ قدرت های خارجی معنی می یابد؛ یعنی صدور انقلاب خود نوعی جهت گیری راهبردی است که تشکیل

حکومت های مستقل مبتنی بر ارزش ها و تعالیم دینی در کشور های اسلامی را هدف می گیرد، بنابر این اولویت و ترجیح قانون اساسی در تأکید بر این امر، همان مبانی و اصول می باشد. در همین رابطه در مقدمه ی قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند، بویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان هذ امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.»

قانون اساسی حتی در بیان وظایف و فلسفه وجودی نیروهای نظامی کاملاً از دید مکتبی و فراملی نگاه می کند. از همین رو در مقدمه ی قانون اساسی آمده است: «نه تنها سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود و اعدوا ما استطعتم من قوه و من روابط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین... منهم.» هم چنین در بند ۱۶ اصل ۳، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیار های اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه ی مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان می کند.

ضدیت با نظام سلطه

ساخت نظام سیاسی حاکم و استمرار حیات و استواری مبانی راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران را باید در عناصر معنوی، ارزشی، هویتی - فرهنگی که برخلاف جریان حاکم جهانی عامل پیروزی انقلاب بوده اند جستجو کرد، به ویژه در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیروهای خارجی ویرانگری بوده است که سعی داشته اند سایر نیروها را به انقیاد خود درآورند، بهره گیری نظام جمهوری اسلامی ایران از فرهنگ و هویت سنتی ایرانی - اسلامی یکی از ابزارهای مهم لازم برای استمرار بقا بوده است، مخصوصاً آنکه هویت فرهنگی و نشانه شناسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران را میتوان در ارتباط با تحلیل انتقادی از جهان غرب مورد مطالعه قرار داد. راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش استقلال و مقاومت در رفتار سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. یعنی از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت های جهانی به مثابه یک ارزش تلقی می شود، بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود را در محیط بین المللی بر همین اساس ترسیم کرده است که خطوط کلی آن را می توان در قانون اساسی سراغ گرفت. برای مثال اصل دوم «نهی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری» و اصل سوم «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» را مورد تأکید قرار داده است. ضدیت با نظام سلطه که طی چهار دهه ی گذشته به عنوان یک راهبرد مستمر و تغییر ناپذیر همواره سرلوحه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و تجلی آن در رفتارها و کنش هایی نظیر تداوم خصومت با ایالات متحده ی آمریکا و رژیم صهیونیستی یا مقاومت سرسختانه در مقابل فشار کشورهای غربی در جریان کشمکش هسته ای قابل مشاهده است، برای بسیاری از افراد و گروه های سلطه ستیز و منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه ی سیاست بین الملل در نقاط مختلف جهان جذابیت دارد و موجب دل بستگی آنان به دولت و ملت ایران می شود.

پ. حمایت از نهضت های آزادی بخش

پیامد نهاده شده شدن ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که پشتیبانی معنوی و حتی مادی از نهضت های آزادی بخش به عنوان یکی از تعهدات برون مرزی کشور تلقی می شود به طوری که در اصل صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه ی حق طلبانه ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.» همچنین امام خمینی اظهار می داشت: «ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده ی جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲۰، ۲۲۷). رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی به گروه های مبارز و نهضت های آزادی بخش خصوصاً در کشورهایی مانند لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و بحرین سبب ارتقاء وجهه و جایگاه ایران در میان این گروه ها و حامیان مردمی شان شده است تا جایی که آنها ایران را به چشم یک الگو و

هدایتگر می‌نگرند و در بسیاری از موارد تابع رهنمودهای رهبران و مقامات ایرانی هستند.

ت. حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان

آرمان جمهوری اسلامی نفی کامل ساختار مسلط روابط بین الملل و جایگزین ساختن ساختاری جدید با محوریت جهان اسلام بوده است، آن هم اسلام انقلابی که در جهت آزادسازی دنیای اسلام از سیطره غرب، گام بر میدارد؛ همانطور که امام خمینی خاطر نشان میکند: «انقلاب ما منحصر به ایران نیست، انقلاب ایران، آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است» (فولر، ۱۳۷۷: ۳۱۰) حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی دیگر از ارزش‌های ماهوی انقلاب اسلامی است که موجب ارتقاء جایگاه آن در میان طبقات مظلوم و مستضعف کشورها و جلب توجه آنها به ایران می‌شود. انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری‌اش با صفت حامی مستضعفان مشهور شد و پشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم را به عنوان یک ارزش اساسی برای خود تعریف کرد. البته این ارزش هم حاصل سلايق شخصی رهبران انقلاب نیست بلکه ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام دارد. پس به اقتضای فرامین اسلام بود که رهبران انقلاب اسلامی از ابتدا پشتیبانی از مستضعفین را در صدر شعارها و ارزش‌های انقلاب قرار دادند. چنان‌که امام خمینی می‌گفت: «خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد و این مستکبرین را از صحنه‌ی تاریخ خارج بکند و ما ابتداست که قیام کردیم برای این معنا و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه‌ی روزگار بیرون کنند و از تاریخ بیرون برانند» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۲۲۹). با این حساب از آن جایی که حمایت انقلاب اسلامی از مظلومان و مستضعفان جهان سبب جلب علاقه و اشتیاق آن‌ها به انقلاب و موطن آن یعنی ایران می‌شود، می‌توان این ارزش را به مثابه منبعی برای تأثیرگذاری نرم‌افزاری بر همان اقشار مظلوم و مستضعف قلمداد کرد.

منابع قدرت حزب الله

هویت اسلامی

بدون شك اسلام ظرفیت بی‌پایانی در ایجاد امید و انگیزه و تقویت اراده برای استقامت و پایداری در راه رسیدن به هدف دارد. انقلاب اسلامی در ایران، این ظرفیت فراموش شده را مجدداً در

عرصه ی جهانی شکوفا کرد و الهام بخش جوانان آزاده در سراسر جهان اسلام گردید. انقلاب اسلامی رستاخیز یا بیداری اسلامی را تنها راه نجات مسلمان از فلاکت و انقیاد معرفی نمود و ایدئولوژی های لیبرالیستی، مارکسیستی و ناسیونالیستی را که توسط بسیاری از نخبگان مسلمان به عنوان تنها راه اعاده ی عزت مسلمان پذیرفته شده بودند، به چالش کشید. انقلاب اسلامی به عنوان يك گفتمان فراگیر بیش از همه در جوامع شیعی مورد استقبال قرار گرفت و موجب شد تا شیعیان از حاشیه نشینی خارج شده و در متن تحولات و حوادث قرار گیرند و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنها ارتقا پیدا کند. (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۱۰) پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه به حدی عجیب و شگفت آور بود که کارشناسان سیاسی و دانشمندان علوم راهبردی را به بررسی علل و عوامل پیروزی حزب الله در این جنگ علاقمند کرد. برخی علل توفیقات حزب الله را حرکت در مسیر انقلاب اسلامی ایران و هویت یابی سیاسی جدید مبتنی بر اسلامی می دانند. نوام چامسکی معتقد است «اکنون، هویت سیاسی جدید بر پایه ی مفاهیم اسلامی در منطقه در حال شك گیری است. این روند می تواند به قدرت یابی این گروه ها منجر شود که مورد حمایت ایران هستند. بدین ترتیب، باید چاره ای اندیشید تا پیش از اینکه تمام راه های سیاسی شیعیان و سنی ها به تهران ختم شود، نقش محوری ایران محدود گردد.» (تخشید و نوریان، ۱۳۸۷)

حزب الله لبنان را باید موجی از امواج انقلاب اسلامی ایران دانست که با هویت یابی اسلامی توانست تأثیرات عمیقی در محیط داخلی و پیرامونی لبنان بگذارد. عناصر اسلامی و شیعی مانند عاشورا و مهدویت و ولایت فقیه که در کانون اندیشه های سیاسی حزب الله قرار دارد، حزب الله را به قدرتی معنوی تبدیل کرده است؛ قدرتی که توانسته است ابزارها و مؤلفه های قدرت سخت (مادی) را به نحو مطلوبی در جهت تحقق اهداف متعالی اش به کار گیرد.

انسجام درونی حزب الله و قدرت رهبری در آن

حزب الله از نظر ساختار تشکیلاتی بسیار موفق تر از سایر احزاب قدیمی و سازمان یافته مانند احزاب کمونیستی و ناسیونالیستی عمل کرده است (بلقزیز، ۱۳۸۹: ۵۴) حزب الله در طول سه دهه ای که از تأسیس آن گذشته، توانسته است ضمن توسعه ی ساختار خود، انسجام درونی خود را نیز افزایش دهد. نقش رهبری حزب الله در تبدیل آن به نهادی منسجم، پویا و قدرتمند غیر قابل انکار است. سید حسن نصر الله با لحن صریح و صادقانه ی خود توانسته است در عرصه

ی رسانه ای ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان برقرار کند و صحبت های صادقانه ی او با مردم محبوبیت او را افزایش داده است.

شیوه ی عمل سیدحسن نصرالله از احاطه ی او بر سیاست و علوم نظامی و راهبردی حکایت دارد. فرهنگ سیاسی شیعه و اصول گفتمان انقلاب اسلامی و شخصیت و سیره ی عملی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در شکل گیری رهبری انقلاب سیدحسن نصرالله مؤثر بوده اند. (بیدقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱ تا ۲۲۱). پس از پیروزی های بزرگ حزب الله بر دشمن صهیونیستی به ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه، محبوبیت سیدحسن نصرالله در کشورهای اسلامی و جهان عرب افزایش چشم گیری پیدا کرد و دوست و دشمن او را به دلیل توفیق در شکست یکی از مجهزترین ارتش های دنیا ستایش می کردند.

پایگاه اجتماعی

سیاسی شدن شیعیان لبنان و حرکت آنها از متن به حاشیه را باید مرهون اندیشه ی مقاومت ضد صهیونیستی دانست. ادامه ی جنگ داخلی، اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، فقدان حاکمیت مرکزی و بی ثباتی، منجر به به تکمیل روند سیاسی شدن شیعیان لبنان و خروج شیعیان از حالت رکود، یأس و حاشیه نشینی و تبدیل آنها به يك جامعه ی انقلابی شد (پایگاه جامعه عاشورا)، ۱۳۹۱ حزب الله توانست موقعیت شیعیان لبنان را از شهروندان درجه ی دو به شهروندانی با حقوق برابر با سایر لبنانی ها تبدیل کند. از این رو، شیعیان لبنان، جایگاه فعلی خود را مرهون اقدامات حزب الله و شخصیت هایی مانند امام موسی صدر می دانند. حزب الله لبنان دارای پایگاه اجتماعی گسترده ای در داخل لبنان است. حزب الله به طور خاص، شیعیان لبنان را رهبری میکند و نمایندگی سیاسی آنها را بر عهده دارد. حزب الله تنها نیروی قدرتمند مدافع شیعیان در لبنان است. حزب الله علاوه بر شیعیان، در میان اهل سنت، مسیحیان و دروزی ها نیز دارای پایگاه اجتماعی است و بسیاری از کسانی که از گسترش تکفیر به لبنان و تجاوز رژیم صهیونیستی نگرانند، حزب الله را حامی قدرتمندی میدانند که در حال دفاع از لبنان می باشد. پایگاه اجتماعی جنبش و اعضاء و هواداران احزاب و جریان های هم پیمان با جنبش را در بر می گیرد (مزاحم، ۲۰۱۴) خدمات اجتماعی گسترده ی ارائه شده توسط حزب الله در توسعه پایگاه اجتماعی آن نقش به سزایی داشته است. پایگاه اجتماعی حزب الله فقط

به لبنان محدود نمی شود و بسیاری از طرفداران اندیشه ی مقاومت ضد صهیونیستی در سراسر جهان از اقدامات حزب الله حمایت می کنند.

تاثیر حزب الله بر قدرت منطقه ای ایران

الگوی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان را می توان یکی از موارد کارآمد و موفق بروز قدرت هوشمند ایران در یکی از کشورهای استراتژیک منطقه خاورمیانه تلقی نمود. درحقیقت، عملیات میدانی و موفقیت های نظامی حزب الله، به همراه نفوذ پارلمانی و اقبال عمومی مردم لبنان به این حزب، زمینه ساز بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور و به تبع تقویت و استحکام محور مقاومت در منطقه شده است. به طور کلی، می توان گفت که حزب الله لبنان با تأثیرپذیری از الگوهای ایرانی، به نتایجی دست یافتند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت طلبانه و اثبات کارایی آن؛
 ۲. رد الگوی مصلحت، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با رژیم صهیونیستی؛
 ۳. سست کردن اسطوره شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی در میان اعراب و مسلمانان؛
 ۴. تبدیل الگوی مقاومت حزب الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی؛
 ۵. ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی بسیاری از طوایف لبنانی درخصوص مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی (طاهری، ۱۳۸۹: ۹۲)
- شیخ نعیم قاسم نایب رئیس حزب الله لبنان در خصوص قدرت منطقه ای حزب الله لبنان می گوید: اگر بخواهیم نگاه واقعی داشته باشیم، می بینیم که حزب الله به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده است. نقش حزب الله در مقابله با دشمن صهیونیستی از یک طرف و مبارزه با تکفیری ها و همکاری با محور مقاومت از طرف دیگر نشان می دهد که حزب الله یک قدرت منطقه ای است و روند تحولات منطقه گواه بر صدق این ادعا است.

حزب الله لبنان به دلیل تأثیرگذاری روی طرح ها و پرونده های مشخص در منطقه به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده است. مثلاً هنگامی که حزب الله متوجه سناریوی خاورمیانه جدید از طریق حمله دشمن اسرائیلی به لبنان در سال ۲۰۰۶ شد و خانم کاندالیزا رایس (وزیر خارجه وقت آمریکا) به صراحت این طرح را اعلام کرد، وارد کارزار شد و این طرح ناکام ماند زیرا اسرائیل در جنگ ۲۰۰۶ شکست خورد و پیروزی حزب الله طرح و سناریوی منطقه ای به نام

«خاور میانه جدید» را خنثی کرد و تنها کسی می‌تواند جلوی این طرح قد علم کند که یک قدرت منطقه‌ای باشد و پس از آن نیز قدرت حزب الله به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت شد و این قدرت با توجه به تحولات چند سال اخیر سوریه بار دیگر متبلور شد، زیرا حضور گسترده مادی و نظامی ما در سوریه و فداکاری و جانفشانی حزب الله بی‌نظیر بود و در حمایت از دولت سوریه در زمان سخت و مناسب نقش آفرینی کرده‌ایم و همین مسئله باعث شد که معادلات منطقه تغییر کند. (www.tasnimnews.com).

می‌توان گفت که تحقق قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان، بنابر ماهیت قدرت هوشمند، در قالب دو مؤلفه قدرت نرم و سخت صورت پذیرفته است. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پارلمان لبنان محقق شده، چنانکه کسب اجازه حزب الله از مقام معظم رهبری مؤید این نکته است: حزب الله پس از پیمان طائف و پس از کسب اجازه از ولی فقیه، آیت الله خامنه‌ای برای مشروعیت در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و از آن پس، تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای رهبران آن، همواره در رقابت‌های انتخاباتی پارلمانی، شوراهای شهر و روستا و شهرداری‌ها حضوری فعال داشته است.

ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای منطقه خاور میانه، از جنگ رژیم صهیونیستی و لبنان بیشترین نفع را برد و این سؤال را در اذهان ایجاد کرد که ارتش رژیم صهیونیستی که از حمایت امریکا برخوردار است، نتوانست باعث بازدارندگی قدرت موشکی حزب الله شود، چگونه می‌تواند از سامانه موشکی ایران که از قدرت بیشتری برخوردار است جلوگیری کند. این پشتیبانی‌ها باعث شد که جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران افزایش یابد و توانایی بازدارندگی ایران را تقویت کند و موجب رشد جریان‌های اسلام‌گرای مورد حمایت ایران گردید. به دنبال آن، قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه‌ای افزایش یافت و موجب تقویت و ارتقای جایگاه آن در سطح منطقه شد. حزب الله لبنان نیز از اتهام خشونت‌گرایی و اقدامات تروریستی‌هایی یافت و توانست مبارزات خود علیه رژیم اشغالگر قدس را در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی مشروعیت بخشد. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه تأثیر مهمی دیگری هم داشت و آن دگرگونی و تحول در تجربه مقاومت در مقایسه با مقاومت‌های پیشین و رهبری موفقیت‌آمیز و همراه با مقبولیت عامه آن در طرح رویارویی با دشمن است و دیدگاه‌ها نسبت به این حزب به عنوان حزبی که داری ویژگی‌های عالی عقیدتی و مذهبی است، تکوین یافت (شفیعی، ۱۳۸: ۴۲ و ۴۳).

کاهش نقش و جایگاه رژیم صهیونیستی در معادلات امنیتی منطقه

مقاومت غیرقابل انتظار حزب الله در برابر ارتش مجهز رژیم صهیونیستی، موجب شکسته شدن تابوی شکست ناپذیری این رژیم در برابر کشورهای عربی گردید و از لحاظ روانی، تأثیر مثبتی بر ذهنیت حاکمان جهان اسلام ایجاد کرد و اثبات کرد که نهادهای نظامی، اطلاعاتی و سیاسی رژیم صهیونیستی درک درستی از توانمندی‌های نرم افزاری و سخت افزاری جنبش حزب الله ندارند. تصویب قطعنامه ی ۱۷۰۱ نشان داد که رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناتوان است و در مواقعی که احساس شکست کند، از نفوذ آمریکا در شورای امنیت استفاده می نماید؛ به گونه ای که در مفاد قطعنامه، بر همان خواسته های رژیم صهیونیستی، یعنی خلع سلاح حزب الله، تحویل دو سرباز اسرائیلی و اجرای قطعنامه ی ۱۵۵۹ تأکید شده است.

از طرف دیگر، اعتقاد ایالات متحده به خروجی های نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی کاهش یافته است و سازمان جاسوسی موساد، نقش مهمی را برای هرگونه تغذیه ی اطلاعاتی در مورد سناریوی حمله ی نظامی احتمالی آمریکا به ایران یا سوریه بازی می کند؛ در حالی که ناکارآمدی این نهادها در شناسایی دقیق مقر سیدحسن نصرالله، کانال های زیرزمینی حزب الله و از بین بردن شبکه ی تلویزیونی المنار موجب شده است که تصمیم گیری نهادهای نظامی -سیاسی آمریکا براساس خروجی های نهادهای جاسوسی اسرائیل با تردیدهایی مواجه گردد که در مورد اطلاعات ارسالی رژیم صهیونیستی در مورد فعالیت های هسته ای ایران با جایگاه قدرت سخت و نرم این کشور نیز می تواند تعمیم داده شود و نحوه ی تعامل با ایران را تا حدودی با چالش یا تأثیر مواجه سازد. به عکس، واحد اطلاعات -عملیات شاخه ی نظامی حزب الله، بسیار بهتر از سازمان موساد عمل کرد که از مصادیق آن می توان، به شناسایی دقیق مکان های هلی برد نیروهای اسرائیلی یا جهت دهی به رزمندگان حزب الله از طریق ارسال کدهایی توسط شبکه ی المنار اشاره کرد که دامنه ی تأثیرگذاری آن از کدرسانی اینترنتی بیش تر است. از طرفی، سیاست رژیم صهیونیستی براساس تجاوزگری و توسعه طلبی ارضی بنا شده است و مقاومت حزب الله نقطه ی عطفی در برابر این توسعه طلبی است.

عقب نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان زیر ضربات مقاومت و به گونه ای ذلت بار، عملاً باعث بروز فروپاشی هایی در نظریه های نظامی و اصول استراتژی رژیم صهیونیستی شد و بسیاری از باورهای مسلم را در این زمینه نقش بر آب کرد. ارتشی که تا قبل از این رویداد،

از آن به عنوان شکست ناپذیر یاد می شد و ادعا داشت که با بازوهای قدرتمند و ضربتی خود قادر است همه کشورهای منطقه و سازمان های به اصطلاح تروریستی را گوشمالی دهد و با اتکا بر قدرت بازدارندگی خود به آنها بفهماند که حتی برای فکر کردن به انجام هرگونه عملیات علیه رژیم صهیونیستی، باید بهای سیاسی و نظامی سنگینی بپردازند، اینک زیر ضربات دردناک مقاومت در جنوب لبنان برخلاف معهود، بدون دست یافتن به هرگونه امتیازی؛ اعم از معاهده صلح یا ترتیبات امنیتی، مجبور شد فرار را بر قرار ترجیح دهد و در پناه تاریکی شب، افراد خود را از مهلکه خارج نماید.

میلیون ها نفر که از طریق صحنه تلویزیون های محلی و ماهواره ای جریان فرار ارتش صهیونیستی و مزدوران آن را دنبال می کردند، مشاهده کردند که این به اصطلاح عقب نشینی شکل جنگ و گریز به خود گرفت و همزمان به خروج نیروهای رژیم صهیونیستی، پایگاه ها و سنگرهای ارتش مزدور، یکی پس از دیگری زیر آتش نیروهای مقاومت و هجوم انبوه نیروهای مردمی سقوط کرد. مقادیر بسیار زیادی اسلحه، مهمات، ساز و برگ و خودروهای نظامی به جا ماند که توسط نیروهای مقاومت به غنیمت گرفته شده و صدها نفر از مزدوران که کاملاً غافلگیر شده بودند، سنگرها را رها کرده، کوشیدند با اتومبیل خود به آن سوی مرز برسند و به دلیل ازدحام در «گذرگاه فاطمه» اتومبیل ها را نیز رها کردند و پیاده از مرز گذشتند. منظره صدها اتومبیل بی صاحب و رها شده پشت سیم های خاردار که توسط ماهواره ها به سراسر جهان مخابره شده، بسیار گویا و پرمعنا بود (مهندی، ۱۳۹۲: ۱ و ۲) به دور از گفتمان تبلیغاتی و سیاسی و با دید صرفاً واقعگرایانه می توان گفت که تمامی اصول استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی زیر فشار این رویداد فروپاشید.

نتیجه گیری

سال هاست که امریکا و متحدین منطقه ای اش تلاش دارند خواست و اراده خود را بر اساس علایق و منافع خود هدفگذاری و به منطقه تحمیل نمایند از همین رو با حمله نظامی به افغانستان و عراق، تشکیل و حمایت داعش قصد داشتند معادلات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه مثل سوریه، عراق و لبنان را مطابق به خواست و اراده خود تغییر دهند تا از این طریق ضمن کاهش و از بین بردن متحدین جمهوری اسلامی، نفوذ انقلاب اسلامی ایران را در منطقه از بین ببرند. ولی جمهوری

اسلامی ایران با استفاده از قدرت نرم خود در بین ملت های مسلمان و تشکیل جبهه مقاومت از ملت ها و کشورهای محور مقاومت حمایت نمود و معادلات آنها را در این زمینه به هم زد و اجازه نداد حکومت های منطقه ای که داخل محور مقاومت بودند سقوط نمایند. با توجه به تکنولوژی موشکی جمهوری اسلامی ایران و استفاده محور مقاومت از این تکنولوژی در راستای اهداف و سیاست های جمهوری اسلامی ایران موجب شده قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه با بازوانی قوی در محور مقاومت برای همه ملموس و قابل درک باشد.

امروزه دشمنان جمهوری اسلامی ایران می دانند هرگونه تهدید جمهوری اسلامی پاسخی محکم از لشکر های پنهان و خاموش در سراسر جهان خواهد داشت که یک نمونه آن حزب الله لبنان و حوثی های یمن می باشند.

ملاحظات سیاسی - امنیتی کشورهای غربی به دلیل قدرت بازدارندگی جنبش حزب الله پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان و رژیم صهیونیستی افزایش یافت و با توجه به تأثیر پذیری که این جنبش از نظام ولایت فقیه و آرمانهای امام خمینی (ره) دارد، هرگونه افزایش قدرت آن به صورت غیر مستقیم نقش و جایگاه ایران را در منطقه ارتقا داده و فرصتهای جدیدی را برای افزایش چانه زنی و قدرت مانور دستگاه دیپلماتی کشور در ریزنیهای سیاسی به وجود آورده است، زیرا افزایش توانمندی مادی و معنوی حزب الله، نوعی بازدارندگی براساس ترس و وحشت را در میان ایالات متحده و رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. حزب الله لبنان بازوی توانمند در مقابل با هجمه ها و تهدیدات نظامی بر علیه جمهوری اسلامی ایران می باشد کشورهای غربی خوب می دانند هرگونه اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی ایران با عکس العمل حزب الله لبنان بر علیه رژیم اشغالگر قدس و منافع آنها در منطقه روبرو خواهد بود. جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و همچنین جنگ های رژیم صهیونیستی بر علیه مردم فلسطین اشغالی و جنگ شش ساله عربستان بر علیه مردم یمن ضمن اینکه نشان داد اسرائیل و عربستان و متحدین غربی در مقابل جنگ های نیابتی محور مقاومت بسیار آسیب پذیر می باشد باعث شد قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نماد یک قدرت شکست ناپذیر به حساب بیاید. لذا آنها را وادار نموده تا از هرگونه اقدام شتابزده و تصمیم عجولانه نه تنها جمهوری اسلامی ایران و حزب الله، بلکه محور مقاومت خودداری نمایند و این اقدام بازدارندگی بیش از هر چیزی قدرت تأثیرگذاری و چانه زنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه را افزایش داده است.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). برتری قدرت نرم؛ بازخوانی نظریه جهاد در قرآن کریم، در قدرت نرم وامنیت نرم، تدوین حمید حلمی زاده، ترجمه شیروانی، تهران: امام صادق.
۲. افتخاری، اصغر، و همکاران (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات امام صادق، چ ۱.
۳. آهنین جان، ستار (۱۳۹۹). «نقش و تاثیر رفتارهای حمایتگرانه در پیشبرد و اثر بخشی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
۴. بلقزیز، عبدالاله (۱۳۸۹). حزب الله از آزاد سازی تا بازدارندگی، ترجمه علی شمس، تهران: اندیشه سازان نور.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت هفته بسیج و ۱۳ آبان ۸/۸/۸۷.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و پرسنل نیروی دریایی ارتش، ۵ آذر ۱۳۸۷.
۷. بیدقی قره بلاغ، آریتا (۱۳۹۲). رهبری انقلابی سید حسن نصرالله، تهران: موسسه ی اندیشه سازان نور.
۸. بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۰. جانباز، دیان؛ رحمانی، محسن و عالی بیگی، کاظم (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، تغییر موازنه قدرت»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱.
۱۲. رحمانی، مریم (۱۴۰۰). «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در حوزه جغرافیایی عربستان»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۲.

۱۳. شفیعی، نوذر (۱۳۸۸). «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۱.
۱۴. شکرزاده چهاربرج، رضا و جعفری فر، احسان (۱۳۹۹). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲.
۱۵. طاهری، سید مهدی (۱۳۸۸). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب الله»، پژوهش های منطقه ای، شماره ۲، تابستان و پاییز.
۱۶. عسگری، محمود (۱۳۸۶). «شاخص های قدرت منطقه ای»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۵، شماره ۱۸، زمستان.
۱۷. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاه به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. معباوی، حمید (۱۳۸۱). چالش های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۲۱. میلسن، ژان و دیگران (۱۳۸۸). قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۳. نای، جوزف (۱۳۸۹). «قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهانی»، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشرساقی.

The soft power of the Islamic Republic of Iran and the Islamic movements of the Islamic world; A case study of Hezbollah in Lebanon

Karim Abbasi

Ph.D. student of Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran

Samad Ghaempanah (corresponding author)

Assistant Professor of Political Science, Takestan branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran

ghampanah@gmail.com

Hassan Shamsini Ghiasvand

Assistant Professor of Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran

Seyed Asadullah Athari

Assistant Professor of Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran

Abstract

Power in the 21st century is defined by indicators such as the media, the production of science, social and political values and norms, and lifestyle. In fact, the domestic, regional and global power of governments is formulated according to these indicators. The Islamic Republic of Iran has also had special capacities in the region due to some sources of its soft and intelligent power such as historical culture, religious, revolutionary and political values. The purpose and central question of this study is what are the most important components of the soft power of the Islamic Republic of Iran on Islamic movements, especially Hezbollah in Lebanon? In analyzing this issue, components such as ethics, martyrdom, spiritualism, scientism, Velayat-e-Faqih, etc. were emphasized. The sources of Islamic soft power on Islamic movements such as martyrdom, provincialism and independence have had the greatest impact on Islamic movements, including Hezbollah in Lebanon. In fact, Lebanese Hezbollah, by being influenced by Iran and combining its hard and soft power or smart power, while increasing its power at the domestic and regional level, has reproduced and increased Iran's regional power and security.

Keywords: Soft power, Iran, national security, Hezbollah, media

The soft power of the Resistance Front: An analysis of the media power of the Arbæen March

Seyed Mohamad Tabatabaei

PhD student, Department of Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Mohamad Reza Rasouli (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran,
rasouli57@yahoo.com

Seyed Vahid Aqili

Associate Professor, Department of Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Nasim Majidi Ghahrodi

Assistant Professor; Associate Professor, Department of Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

The Arbæen March is considered one of the biggest spiritual movements in the world, which is referred to as the strength of the resistance front. This research seeks to identify the media functions of the Arbæen March, therefore, it seeks to explore and discover the subject under study and does not have a specific theoretical framework, and its findings are based on the collected data, which are set using the grounded theory method. and conducting interviews with experts, during the process of open, central and selective coding, the components have been extracted and presented. MAXQDA 2020 software was used for coding and data analysis. The research findings showed; There are different functions in Arbæen procession. Research findings showed; There are different functions in the Arbæen march. The march has forty media functions: "education", "guidance", "leadership", "environmental monitoring", "social solidarity", "cultural and social heritage transfer", "entertainment", "crisis reduction" and "creating social status". There are functions of informing, informing, creating social solidarity and religious education in connection with interpersonal communication and formal mass communication, and functions of informing, informing, criticizing and in some cases even entertaining in connection with informal media communication. These levels of communication and media functions of the Arbæen March are directly related to the communication, media power and soft power of the Resistance Front.

Keywords: Resistance, Arbæen March, Media, Communications, Media functions.

Soft power in decent governance based on the thought of Imam Khomeini (RA) with an emphasis on transparency

Saeed Zakriapour Surkahi (corresponding author)

MA student of political thought in Islam, Mazandaran University, Babolsar, Iran
saeed.hoseiniin.z@gmail.com

Morteza Alavian

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Rahmat Abbas Tabar

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Abstract

One of the manifestations of soft power is providing an attractive and worthy model of administration and governance. Good governance is one of the results of the efforts to find a good model for governance, which was proposed by the experts of the World Bank. Different definitions for the indicators of good governance have been proposed by different centers and personalities, but the key elements of good governance include the five components of accountability, transparency, fighting corruption, participatory governance and the rule of law. Transparency as one of the important components of good governance, in short, is any action taken by the government to inform people of their decisions and provide information necessary for their lives. This concept has attracted the attention of various researchers, some of them try to confirm and expand this concept in the thought of Islam and Islamic thinkers. This article aims to answer the question of what place transparency has in soft power in decent governance in Imam Khomeini's (RA) thought. For this research, the theme network method, one of the theme analysis methods, has been used as one of the most widely used data analysis methods. In this method, the basic themes related to transparency in the research source are collected and the related basic themes are categorized under the organizing themes and the related organizing themes are integrated under the comprehensive themes. After studying and investigating, transparency in the thought of Imam Khomeini (RA) was divided into two comprehensive themes under the title "The content of transparency in the thought of Imam Khomeini (RA)" and "Necessities of transparency in the thought of Imam Khomeini (RA)" and the results The research shows that in the thought of Imam Khomeini (RA), in accordance with the Alevi thought, transparency in the sense of being associated with his governance and accepted and emphasized by him, even though the name "transparency" in the system of literature and His words do not exist.

Keywords: soft power, good governance, decent governance, transparency, Nahj al-Balagha, Imam Khomeini (RA)

Investigating the infrastructure of exercising soft power in religious government

Hossian Rahmanitirkalai(corresponding author)
Associate Professor Payam Noor University, Tehran, Iran
rahmanitirkalai1391@yahoo.com

Abstract

After the Islamic Revolution, the jihadist movements and scientific fields in various fields were hard and soft, which optimized the revolution theoretically and practically, and increased the wave of supporters of the resistance and the Islamic Revolution day by day. In the meantime, the intimidation of the cultural stratum and the properties of the society against the project of the soft power of the West are among the dangers that will cause the destruction of many of the beliefs of the society. In the face of the West's constant attacks on cultural aggression, internal movements will be passive until the religious government moves towards becoming a regional and global soft power. Based on this necessity, in this work, the author has studied the infrastructures of exercising soft power in religious government in a descriptive-analytical manner and has finally come to the conclusion that becoming a soft power, from recognizing and believing in internal capacities. It arises, and if the authorities in the religious government are plagued by Westernization, they will not be able to have a grand plan for the soft future of society. This design should be aggressive and based on internal ideals and methods, and its designers should not look inward and pay attention to global arenas.

Keywords: soft power, media, cultural ambush, hostility, religious rule

Islamic Republic of Iran Broadcasting and the Use of Soft Power in the Convergence of Iranian Ethnic Groups; A Case Study of TV channel

Mohammad Kaviani

PhD Student in Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Ali Amiri (Corresponding Author)

Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran
amiri.ali@lu.ac.ir

Masoud Motalebi

Assistant Professor of Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Hojjat Mahkouei

Assistant Professor of Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

In today's world, media, institutions and media networks have an effective effect on changing human behavior and attitudes through the use of soft power and can be an effective tool for creating new culture or shaping ethnic identities and convergence of ethnicities. Therefore, with the current situation of media globalization and the invasion of the virtual world and Internet-satellite communications, many identity components are injected into society, especially ethnicities, if the country's media management takes into account ethnic sensitivities in the program. Pay attention to the management of these components in order to solve challenges and reduce ethnic crises, ethnic convergence will be formed optimally. In this regard, the purpose of this descriptive-analytical article is to study the role and function of the Broadcasting Organization of the Islamic Republic of Iran with the focus on "TV channel" in the use of soft power in the convergence of Iranian ethnic groups. The results and findings of the research indicate that "TV channel" by using the components of soft power and highlighting the correct customs and traditions of local and indigenous culture, introducing national and religious personalities and celebrities, presenting a pristine image of the beauties of domestic subcultures and introducing the history, culture and tourist and natural attractions of each province, introducing and playing ethnic music play an effective role in "socialization", "strengthening Islamic values", "strengthening national values" and "strengthening national solidarity and preventing ethnic divergence" In Iranian society.

Keywords: Media, TV channel, Soft Power, Convergence, Iranian Ethnic Groups

Status and impact of the supervisory roles of party on soft power of Islamic Republic of Iran

Ali Hamidi (corresponding author)

Lecturer of Payam Noor University Law Department, Tehran, Iran

Ali.hamidi@pnu.ac.ir

Hossein Alkajbaf

Associate Professor, Department of Public Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

Hassan AlFati

Lecturer of Law Department of Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

party in Islamic Republic of Iran, party is one of the religious and national parameters of soft power, In this study, which aimed to elaborate upon the supervisory roles of party and its role in the soft power of Islamic Republic of Iran, based on library analysis approach; the views of the late Imam Khomeini and the related rules of regulations were studied, based on the Islamic standpoint. The experience gained from party's activities in Iran shows that after the year 1979, parties put emphasis on Islam, abandon despotism and colonialism, have maintained a new approach, and have been activated with the intention of establishing a balance between national power and independence under the banner of absolute Islamic Jurisprudence; boosting people's participation in support for the Islamic system, and shaping political forces, reinforcing soft power and national strength. Thus, part of the findings of this study notes that although party maintains a pluralist function, but in Islamic viewpoint, it is a source of unity among Muslims. Hence, it is concluded from this article that party is one of the important and influential factors in granting and supervising the rights and freedoms of nation; and will assist people to choose the right path in defending and safeguarding the ideals of Islamic Republic of Iran, while also leading to maximum participation of people in elections; enhancing social assets, and reinforcing the soft power of Islamic Republic of Iran.

Keywords: Party, partisanship, soft power, balance of power, social capital

News media and soft warfare Investigating the structure of the Radio and Television News Organization in soft war management

Zahralsadat Shadab

Department of Media Management, Faculty of Communication Sciences and Media Studies, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Akbar Nasrallahi Kasmani (corresponding author)

Department of Social Communication and Media Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

akbar.nasrollahi@gmail.com

Mohammad Reza Rasouli

Department of Social Communication and Media Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

The national media, as one of the most important components of the soft power of the Islamic Republic, has played a vital role in increasing participation, cohesion, trust, and national loyalty during the four decades since the victory of the Islamic Revolution. Its social capital needs to review the structure of its news organization in light of the new media arrangement and change its structure in line with the emerging situation in the information cycle in the competitive sphere in the media system to meet the news needs of its audience. Due to the importance of this issue, in this study, while examining the important and required components of the organizational structure of the radio and television news departments, the news structure of the organization against this media war has been recognized. This research is a qualitative method, a tool for data collection; Semi-structured interviews by non-probabilistic and purposeful sampling method selected 12 experts in the field of news and finally based on qualitative analysis of data through coding; 81 items, 21 concepts and 8 indicators were extracted. The research results suggest to news policymakers that the components “integrated management, skills development and knowledge force, media polarity, soft media power, media convergence, structural integration, outsourcing and sustainable income” should be considered in designing the structure of a news organization for a new media arrangement.

organizational structure, news organization, soft media power, media arrangement, . IRIB

**The Soft Power and Human Development Index in
IR.Iran and Qatar(2020)****Reza Shirzadi** (corresponding author)Assistant Professor of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
shirzadi2020@yahoo.com**Mohammad Pourghorban**

Assistant Professor of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Abstract

The Soft Power is one of Power shapes. The Soft Power strategies are based on peaceful solutions and instruments for management of controversies and economic cooperations. In contrast, Hard Power strategies are based on military intervention, violent diplomacy, and economic sanctions. The Soft Power components and areas includes Economics. Next to this theme, Human Development is one of the most new and famous theories of development that accepted by international institutions and centers. In this theory, human is crucial, and final goal for development and state have a active role in improvement development approach. To day, one of the indicators for determine level of counties development in national and international reports, is human development index. In this treatise, compare Iran and Qatar Human Development level, and study cause of differents in this framework. This research try to explain process of change in two countries.

Keywords: Soft Power, Development, Human Development, Iran, Qatar.

Analysis and critique of instrumental rationality in public policy with emphasis on Islamic rationality

Vahid Araei (corresponding author)

Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
vah.araei@iauctb.ac.ir

Abstract

Public policy is a process that seeks to identify issues, provide policy solutions, make decisions, implement and evaluate. If instrumental rationality is the optimization of tools to achieve the ultimate goal, the study of policy-making suggests that society still has a long way to go to develop the structural mechanism necessary to achieve this desired goal. Islamic rationality is based on the rule of religious values over management and policy-making in the public sector, and given that in Islam the goal is the evolution of human beings in the direction of nearness to God, Islamic rule can not be without regard to this end, methods and methods Explain and formulate the policy-making process of public administration. The present study, with the aim of development and based on descriptive and analytical methods, explains, evaluates and critiques instrumental rationality in policy-making with emphasis on Islamic and religious rationality and concludes that Islamic rationality goes beyond and more complete than instrumental rationality models. It also pays attention to religious, epistemological and moral rationality in the policy-making process in the public sector.

Keywords: Instrumental Rationality, Policy Making, Islamic Rationality, Public Sector

News media and soft warfare Investigating the structure of the Radio and Television News Organization in soft war management

Zahralsadat Shadab

Department of Media Management, Faculty of Communication Sciences and Media Studies, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Akbar Nasrallahi Kasmani (corresponding author)

Department of Social Communication and Media Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

akbar.nasrollahi@gmail.com

Mohammad Reza Rasouli

Department of Social Communication and Media Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The national media, as one of the most important components of the soft power of the Islamic Republic, has played a vital role in increasing participation, cohesion, trust, and national loyalty during the four decades since the victory of the Islamic Revolution. Its social capital needs to review the structure of its news organization in light of the new media arrangement and change its structure in line with the emerging situation in the information cycle in the competitive sphere in the media system to meet the news needs of its audience. Due to the importance of this issue, in this study, while examining the important and required components of the organizational structure of the radio and television news departments, the news structure of the organization against this media war has been recognized. This research is a qualitative method, a tool for data collection; Semi-structured interviews by non-probabilistic and purposeful sampling method selected 12 experts in the field of news and finally based on qualitative analysis of data through coding; 81 items, 21 concepts and 8 indicators were extracted. The research results suggest to news policymakers that the components “integrated management, skills development and knowledge force, media polarity, soft media power, media convergence, structural integration, outsourcing and sustainable income” should be considered in designing the structure of a news organization for a new media arrangement.

Keywords: organizational structure, news organization, soft media power, media arrangement,. IRIB

The trend of political development and religious democracy (component of soft power) in the Islamic Republic of Iran

yaddollah sepehri (corresponding author)

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.
yaddollah_sepehri@yahoo.com

Abstract

Patterns of political development in contemporary Iran were presented in denial of indigenous, Islamic culture and dependence on Western development during the constitutional, Qajar and Pahlavi eras. At the same time, the indicators of political development in the Islamic model of progress should be based on the indicators of political participation, religious democracy, freedom and equality. The Islamic Revolution was based on acceptable goals and ideals that were rooted in the religious and national teachings of Iranian society and the soft power of the Islamic Republic of Iran emerged in the indicators of political development with the support of the people for religious democracy and maximum political participation. In this article, we seek to use the descriptive-analytical method to address the relationship between political development and religious democracy as one of the components and capacities of the soft power of the Islamic Republic of Iran and the process of political development in this area. Therefore, while introducing political development and introducing the pillars of religious democracy, we will try to explain the relationship between political development or the system of religious democracy in the Islamic Republic. The results show that political development in the framework of scientific and research analysis has been one of the essential goals of the Islamic Revolution for the formation and perpetuation of religious democracy and the principles and indicators of political development in the process of forming a religious democracy are important. Indicators of political development are the criteria and criteria governing a religious democracy.

Keywords: Political Development, Religious Democracy, Islamic Republic of Iran, Soft Power.

The Manifestation of Divine's Soft Power Against Satan's in the Holy Quran

Tahira Zarangar (corresponding author)

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Parand Branch, Islamic Azad
University, Parand, Iran
t.zarnegar@gmail.com

Hossein Hashem Nejad

Assistant Professor of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

Zahra Rezazadeh Asgari

Assistant Professor of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

The subject of soft power could be studied from the viewpoint of the Holy Quran. According to Quranic teachings regarding the manifestation of the soft power of the divine, "repentance" plays an important and substantial role in intra-organizational relationships and Islamic management. Repentance depends on a kind of awakening and internal revolution which as well as driving an individual's decision to avoid mistake (sin), make him/her perform and correct the daily deeds. Repentance is a very significant subject in Quran. Being emphasized by the words of God, the mutual respect held between God and his servant after the repentance shows a kind of kindness in God's relationship with humans, and also individuals' with others. The main purpose of this paper is to answer the question: By considering the manifestation of the divine's soft power against Satan's according to Al-Baqarah 2:37, how can we evaluate repentance as a Quranic mechanism for modifying the organizational behavior? In this research, the descriptive-analytic method is adopted to study the manifestation of the divine's soft power in Al-Baqarah 2:37. The role of repentance and its relation to educational systems used by managers and employees is assessed with the purpose of modifying the organizational behavior based on intra-organizational fallibility. Based on the results of the study, if the fallibility is carried out based on the repentance pattern of the Quran, not only the relationship between chief managers and employees will be improved, but also this pattern will lead to a healthy office and organization.

Keywords: Divine's Soft Power, Fallibility, Organizational Behavior, Official Health

Table of Contents

The Manifestation of Divine's Soft Power Against Satan's in the Holy Quran Tahira Zarangar, Hossein Hashem Nejad, Zahra Rezazadeh Asgari	291
The trend of political development and religious democracy (component of soft power) in the Islamic Republic of Iran yaddollah sepehri	290
News media and soft warfare Investigating the structure of the Radio and Television News Organization in soft war management Zahralsadat Shadab, Akbar Nasrallahi Kasmani, Mohammad Reza Rasouli	289
Analysis and critique of instrumental rationality in public policy with emphasis on Islamic rationality Vahid Araei	288
The Soft Power and Human Development Index in IR.Iran and Qatar(2020) Reza Shirzadi, Mohammad Pourghorban	287
News media and soft warfare Investigating the structure of the Radio and Television News Organization in soft war management Zahralsadat Shadab, Akbar Nasrallahi Kasmani, Mohammad Reza Rasouli	286
Status and impact of the supervisory roles of party on soft power of Islamic Republic of Iran Ali Hamidi, Hossein Alkajbaf, Hassan Alfati	285
Islamic Republic of Iran Broadcasting and the Use of Soft Power in the Convergence of Iranian Ethnic Groups; A Case Study of TV channel Mohammad Kaviani, Ali Amiri, Masoud Motalebi, Hojjat Mahkouei	284
Investigating the infrastructure of exercising soft power in religious government Hossian Rahmanitirkalai	283
Soft power in decent governance based on the thought of Imam Khomeini (RA) with an emphasis on transparency Saeed Zakriapour Surkahi, Morteza Alavian, Rahmat Abbas Tabar	282
The soft power of the Resistance Front: An analysis of the media power of the Arbaeen March Seyed Mohamad Tabatabaei, Mohamad Reza Rasouli, Seyed Vahid Aqili, Nasim Majidi Ghahrodi	281
The soft power of the Islamic Republic of Iran and the Islamic movements of the Islamic world; A case study of Hezbollah in Lebanon Karim Abbasi, Samad Ghaempanah, Hassan Shamsini Ghiasvand, Seyed Asadullah Athari	280

In The Name of GOD The Compassionate The Merciful

Scientific Quarterly
Journal of Soft Power Studies

Volume 12, Issue 1, Serial Number 28, Spring 2022

Proprietor: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Director-in-Charge: Dr. Mohammadreza Mardani

Editor-in-Chief: Dr. Mohammad Javad Javid

Manager: Dr. Seyed Mohammadreza Mousavi

Content Designer: Engineer Yousef Behrokh

Lithography, publication and Binding: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Address: Iran, Tehran, Islamic Revolution St., in front of the main door of the University of Tehran, No. 1246.

Telephone Number: +98-21-66975605 | **E-mail:** org.05@basijasatid.ir

Editorial Board (Sorted by alphabet)

- **Dr. Ali Bagheri Dolatabadi** / Associate Professor of Political Science, Yasouj University
- **Dr. Bahram Bayat** / Associate Professor of National Security, Supreme National Defense and Strategic Research University and Institute
- **Dr. Gholamreza Behrozi Lak** / Professor of Political Science, Baqer al-Uloom University
- **Dr. Mohammad Javad Javid** / Professor of Law, University of Tehran
- **Dr. Ali Akbar Jafari** / Associate Professor of International Relations, University of Mazandaran
- **Dr. Ali Darabi** / Associate Professor of Political Science, Radio and Television University of the Islamic Republic of Iran
- **Dr. Hossein Harsij** / Professor of Political Science, University of Isfahan

Website: <http://www.spba.ir/>